



**Ausgabe Persisch (Farsi / Dari)**

Teil 2, Niveau A2-B1

(inkl. Lösungen)

---

نسخه فارسی / دری

بخش ۲، سطح A2-B1

(شامل پاسخها)

# Schwiizertütsch

## Impressum

Verantwortlich für den Inhalt, Übersetzungen,  
Illustrationen, Layout, Audiodateien, Vertrieb:  
Verein voCHabular  
[info@vochabular.ch](mailto:info@vochabular.ch)  
[www.vochabular.ch](http://www.vochabular.ch)

Verantwortlich für den Druck und die Bindung:  
Zumsteg Druck  
Ausgabe Persisch (Farsi / Dari)  
Erste Auflage, Januar 2025

Das Copyright dieses Buches liegt beim Verein voCHabular.  
Der Inhalt darf nur für nicht kommerzielle Zwecke kopiert werden.  
Der Weiterverkauf von voCHabular an Dritte ist untersagt.

# فهرست مطالب

مقدمه	05
فصل ۰ - قبل از شروع	09
فصل ۱ - اوقات فراغت	25
فصل ۲ - سیستم مدرسه	53
فصل ۳ - کار	81
فصل ۴ - خرید کردن و غذا خوردن	109
فصل ۵ - اقامت	153
فصل ۶ - روابط و احساسات	195
فصل ۷ - مشارکت و سیاست	233
فصل ۸ - فرهنگ	273
بخش پاسخ ها	307
تشکر	353



# مقدمه

**Hallo!** Schön, dass du zu voCHabular gefunden hast. Wir freuen uns, dass du mit voCHabular Schweizerdeutsch – genauer gesagt Züritüütsch – lernen möchtest.

voCHabular ist kein gewöhnliches Sprachlernmittel. Denn dieses Buch (Teil 2) wurde von rund 60 Menschen gemeinsam in Freiwilligenarbeit erarbeitet. Die Freiwilligen haben viele verschiedene Hintergründe – sprachlich, professionell und kulturell. Gemeinsam haben sie, dass sie sich durch ihre Freiwilligenarbeit für eine vielfältige Gesellschaft einsetzen. Denn das ist die Vision des Vereins voCHabular: **Die Förderung einer inklusiven, offenen und solidarischen Gesellschaft.** Hierfür erschafft voCHabular in einem partizipativen Prozess multimediale Lernmittel, welche die Lernenden dabei unterstützen, selbstständig Schweizerdeutsch zu lernen und den Einstieg in den Schweizer Alltag zu finden. Zudem engagiert sich voCHabular für einen interkulturellen Austausch und folgt in all seinen Aktivitäten dem Grundsatz «Kontakt statt Vorurteile».

### voCHabular Meilensteine



**2015** wurde der Verein voCHabular gegründet. Während der letzten 10 Jahre haben sich über 200 Freiwillige im Verein engagiert.



**2018** erschien Teil 1 (Niveau A1/A2) mit dem Ziel, Hochdeutsch und Schweizerdeutsch anhand von verschiedenen Ausgangssprachen zu lernen. Mittlerweile existiert das Buch (Teil 1) in folgenden Ausgangssprachen: Englisch, Arabisch, Persisch, Französisch, Spanisch, Türkisch und Tigrinya.



**2024** wurde die Webapp mit den Inhalten des Teil 1 auf Deutsch und Englisch veröffentlicht:  
**[www.vochabular-webapp.ch](http://www.vochabular-webapp.ch)**



**2025** erschien Teil 2 (Niveau A2/B1), mit dem Ziel, Schweizerdeutsch zu lernen. Das Buch (Teil 2) existiert in folgenden Ausgangssprachen: Hochdeutsch, Englisch, Arabisch und Persisch. Dieses Buch schaust du dir jetzt an.



Falls du bereits mit Teil 1 gearbeitet hast, siehst du, dass sich in Teil 2 einiges geändert hat. Der grösste Unterschied ist, dass der Fokus nun auf dem Erlernen von Schweizerdeutsch liegt. Einige Parallelen zum Hochdeutsch werden dort, wo es hilfreich ist, aufgezeigt.

voCHabular ist für alle Menschen gedacht, die Schweizerdeutsch – bzw. Züritüütsch – auf dem Niveau A2-B1 lernen möchten. Da es ein Selbstlernmittel ist, kannst du eigenständig damit arbeiten. Es eignet sich aber auch für Tandemprojekte oder für den Sprachunterricht.

Falls du Fragen hast zu voCHabular oder Feedback, kannst du dich gerne bei [info@vochabular.ch](mailto:info@vochabular.ch) melden. Mehr Informationen zu voCHabular findest du unter [www.vochabular.ch](http://www.vochabular.ch).

**Viel Spass beim Züritüütsch Lernen!**

سلام! خوب است که voCHabular را پیدا کردی. ما خوشحالیم که می خواهی آلمانی سوئیسی - به طور دقیق تر **Züritütsch** - را با voCHabular یاد بگیری.

voCHabular یک ابزار یادگیری زبان معمولی نیست. چرا که این کتاب (بخش دوم) توسط حدود ۶۰ نفر با همکاری داوطلبانه تهیه شده است. داوطلبان پیشینه های زبانی، حرفه ای و فرهنگی متنوعی دارند. وجه مشترک همه آنها این است که با مشارکت در این کار داوطلبانه برای ایجاد یک جامعه متنوع تلاش می کنند. زیرا این، چشم انداز انجمن voCHabular است. ترویج جامعه ای فراگیر، با ذهنی باز و مبتنی بر همبستگی.

برای این منظور، voCHabular ابزارهای یادگیری چند رسانه ای را در یک فرآیند مشارکتی ایجاد می کند که از دانش آموزان در یادگیری آلمانی سوئیسی به طور مستقل حمایت می کند و راه خود را به زندگی روزمره سوئیسی پیدا می کند. علاوه بر این، voCHabular متعهد به تبادل بین فرهنگی است و از اصل "تماس به جای تعصب" در تمام فعالیت های خود پیروی می کند.

## voCHabular مراحل مهم

انجمن voCHabular در سال **2015** تأسیس شد. در طول 10 سال گذشته، بیش از 200 داوطلب در این انجمن فعالیت داشته اند.

بخش اول (سطح A2/A1) در سال **2018** منتشر شد با هدف یادگیری زبان آلمانی استاندارد و سوئیسی استاندارد از طریق زبان های مختلف. در حال حاضر، این کتاب (بخش اول) در زبان های زیر موجود است: انگلیسی، عربی، فارسی، فرانسوی، اسپانیایی، ترکی و تیگرینی.

در سال **2024**، وب اپلیکیشن با محتوای بخش ۱ به زبان های آلمانی و انگلیسی منتشر شد:  
[www.vochabular-webapp.ch](http://www.vochabular-webapp.ch)

قسمت 2 (سطح B1/A2) در سال **2025** با هدف یادگیری آلمانی سوئیسی منتشر شد. (قسمت دوم) کتاب به زبان های منبع زیر در دسترس است: آلمانی استاندارد، انگلیسی، عربی و فارسی. اکنون به این کتاب نگاه می کنی.

اگر قبلاً با بخش ۱ کار کرده ای، متوجه خواهی شد که در بخش ۲ تغییرات زیادی ایجاد شده است. بزرگ ترین تفاوت این است که اکنون تمرکز بر یادگیری آلمانی سوئیسی است. شباهت هایی به آلمانی استاندارد در جاهایی که مفید است، نشان داده شده اند.

voCHabular برای همه افرادی طراحی شده است که می خواهند زبان آلمانی سوئیسی - به ویژه زوریخی - را در سطح B1-A2 یاد بگیرند. از آنجا که یک ابزار خودآموز است، می توانی به طور مستقل با آن کار کنی. همچنین برای پروژه های تبادل زبانی (تندم) یا آموزش زبان نیز مناسب است.

اگر سوالی در مورد voCHabular داری یا می خواهی نظرت را بگویی، می توانی به آدرس ایمیل [info@vochabular.ch](mailto:info@vochabular.ch) پیام بدهی. اطلاعات بیشتر در مورد voCHabular را می توانی در وبسایت [vochabular.ch](http://vochabular.ch) پیدا کنی.

خوش بگذره در یادگیری گویش زوریخی!





# قبل از شروع

## 0.

### توجه کنید

اهداف آموزشی به تو نشان می‌دهند که چه چیزهایی را در یک درس می‌توانی یاد بگیری. با بخش پایانی در انتهای درس می‌توانی بررسی کنی که آیا به اهداف رسیده‌ای یا نه.

### اهداف یادگیری

تو یاد می‌گیری که ...

... چه چیز خاصی در آلمانی سوئیس به عنوان یک زبان وجود دارد.

... چه امکاناتی برای نوشتن آلمانی سوئیس وجود دارد.

... ساختار این کتاب و نحوه استفاده از آن چگونه است.

## هی تو

به فصل مقدماتی خوش آمدید! قبل از شروع، در اینجا اطلاعاتی در مورد ویژگی های آلمانی سوئیس آورده شده است. همچنین می توانی با ساختار کتاب آشنا شوی. اتفاقاً؛ مهمترین هدف **voCHabular** شکستن موانع و کمک به تو برای برقراری ارتباط با سوئیسی های آلمانی زبان است. بنابراین ما اهمیت زیادی برای عملکرد ارتباطات قائل هستیم. تلفظ و دستور زبان نیز توضیح داده شده است، اما در اولویت دوم قرار دارند.

### توجه کنید

در جعبه های مانند این، اطلاعات مفیدی درباره زندگی در سوئیس به شما ارائه می دهیم.

## A1



## D Naachrichte

خبر از رادیو می آید. سه مجری خانم در مورد موضوعات مختلف یکی پس از دیگری صحبت می کنند.

به مکالمه به صورت کامل گوش بده.

K0 -  
Audio A1



### توجه کنید

هر درس با یک متن آغاز می شود. شما نیازی ندارید که این متن را به طور کامل درک کنید. عملی! فقط سعی کنید مفهوم کلی متن را درک کنید و سپس تمرین ها را در پایین متن مشاهده کنید. در بخش پاسخ ها در انتهای کتاب، برای هر متن آغازی یک ترجمه وجود دارد.

### توجه کنید

هر زمان که یک کد QR را مشاهده کردی که بالای آن "Audio" نوشته شده است، می توانی متن را گوش کنی. برای این کار، کد QR را با گوشی یا تبلت خود اسکن کنی.

### Martha:

Bei einer Kollision am Limmatplatz in Zürich sind drei Menschen verletzt worden. Dabei fuhr ein Tram in ein Auto, nachdem dieses scharf bremsen musste. Der Fahrer des Wagens und die zwei Beifahrerinnen wurden umgehend ins Spital gebracht. Die Polizei sucht nun die Personen, die die Strasse abseits des Zebrastreifens überquerten und so die Vollbremsung verursachten.

### Zoe:

Jetzt chömemer zum Schport, und da hät geschter der FC Züri knapp de Siig im Schwiizer Cup verpasst. S Finaal gäg d Young Boys hät er nämli ais zu zwai verloore. Am Aafang händ zwar d Zürcher no gfüert, d Bärner händ dän aber zimli schnäl chöne-n usgliche und i de letschte zää Minuute hät dän de Cé-dric Zesiger s Füerigsgool gschosse. Also, wükli e bitteri Nacht für Züri.

### توجه کنید

در این کتاب، زبان‌های مختلف با رنگ‌ها مشخص شده‌اند. بیشتر اوقات متون به زبان سوئسی آلمانی هستند - این متون با رنگ آبی نمایش داده می‌شوند. گاهی اوقات، مانند اینجا، متون یا کلمات به زبان آلمانی استاندارد نیز وجود دارند - این‌ها را می‌توانید با رنگ سبز تشخیص دهید.

### Charitini:

Da isch eso, Zoe, defür gsiet s wenigschtes bim Wetter echli besser uus. Hüüt tagsüber isch es zwar no chli wulchig, aber d Regewaarschiinlichkait isch nul und d Temperature z Züri ligged bi aagnäame füüfezwengz Graad. Zoobed klaart s den uuf und moorn isch s de ganz Taag schöö und öppe glich warm.

## تمرینات مقدماتی

### A2



بزرگترین تفاوت بین نحوه صحبت سه مجری رادیو چیست؟

### A3



آیا Zoe و Charitini دقیقاً یکسان صحبت می‌کنند؟ آیا می‌دانی چه کسی اهل کدام منطقه است؟

### A4



چه تفاوت‌هایی بین آلمانی که در خارج از سوئیس صحبت می‌شود و آلمانی که مارتا صحبت می‌کند، می‌شنوید؟

### توجه کنید

در تمرینات ابتدایی، تمرکز بیشتر بر روی درک شنیداری یا خواندن شماست. ما از نمادهای زیر برای نشان دادن آنچه شما باید در این تمرینات و سایر تمرینات انجام دهید استفاده می‌کنیم:

 : فکر کردن

 : صحبت کردن

 : گوش دادن

 : نوشتن

 : خواندن

## توجه کنید

لیست واژگان مهمترین کلمات را از متن مقدماتی خلاصه می کند و جملات مثال را ارائه می دهد. لیست voCHabular فقط کلماتی را به شما می دهد که مربوط به سطح این کتاب (A2 تا B1) است و ما فکر می کنیم که شما اغلب به آن نیاز دارید. اما شما همچنین می توانید تمام کلمات دیگر را در لیست voCHi ما به صورت آنلاین جستجو کنید:

[vocabulary.ch/unsere-angebote/vochi](http://vocabulary.ch/unsere-angebote/vochi)



کلمات در آلمانی سوئیس، در زبان شما و در آلمانی استاندارد بالا برای مقایسه ذکر شده است.

## CH

## فارسی/دری DE

### Hoochdütsch

I de Naachrichte redetsi maischtens Hoochdütsch.

آلمانی استاندارد/ آلمانی بالا / آلمانی عالی

در اخبار، آنها معمولاً آلمانی استاندارد صحبت می کنند.

### Hochdeutsch

In den Nachrichten sprechen sie meistens Hochdeutsch.

### Schwiizertütsch

Schport und Wätter sind i de Nachrichte oft uf Schwiizertütsch.

آلمانی سوئسی

ورزش و هواشناسی اغلب در اخبار به زبان سوئسی آلمانی ارائه می شوند.

### Schweizerdeutsch

Sport und Wetter sind in den Nachrichten oft auf Schweizerdeutsch.

### Züritütsch

Züritütsch isch nur aine vo vilne Schwiizer Dialäkt.

گویش/لهجه زوریخی

گویش/لهجه زوریخی تنها یکی از گویش های موجود در سوئیس است.

### Zürcher Dialekt

Der Dialekt von Zürich ist nur einer von vielen in der Schweiz.

### Züri

Züri isch di grööscht Schtatt vo de Schwiiz.

زوریخ

زوریخ بزرگترین شهر سوئیس است.

### Zürich

Zürich ist die grösste Stadt der Schweiz.

### de Dialäkt (d Dialäkt)

Chasch du au en Dialäkt rede?

گویش/لهجه

آیا با لهجه صحبت می کنی؟

### Dialekt

Sprichst du auch einen Dialekt?

## توجه کنید

ما همیشه اسم ها را با مقاله (de d s، به آلمانی بالا: der die das) نشان می دهیم. در پشت آن شما جمع در براکت (اگر یکی وجود دارد) پیدا کنید. در افعال، فرم در پراکت گذشته است. علاوه بر فعل، ما همچنین شامل فعل کمکی (hää یا sii، آلمانی بالا برای داشتن (haben) یا بودن (sein)) است. برای صفت ها، فرم تنش را با -er در براکت پیدا خواهید کرد.

### rede (hät gredt)

Wän d e Schpraach  
wotsch leere, muesch vil  
rede.

صحبت کردن

اگر می خواهی زبان یاد بگیری، باید زیاد  
صحبت کنی.

reden

Wenn du eine Sprache  
lernen willst, musst du viel  
reden.

### guet (besser)

Är redt ächt guet Schwi-  
zertütsch.

خوب

او آلمانی سوئیسی واقعا خوب صحبت می  
کند.

gut

Er redet echt gut Schweizer-  
deutsch.

K0 -  
Hauptwortschatz



توجه کنید

اگر کد QR "واژگان" را اسکن کنید، می توانید به تمام  
کلمات در آلمانی سوئیسی گوش دهید.



## توجه کنید

در بخش دستور زبان، موضوع اصلی - دستور زبان است! برای ما از voCHabular مهم‌ترین مسأله این است که شما بتوانید مطلب را درک کنید و خود را به درستی ابراز کنید. بنابراین، ما فقط مباحث دستور زبان اساسی را توضیح می‌دهیم. در درس مقدماتی، تنها چند توضیح درباره نقش زبان سوئیسی در کشور سوئیس وجود دارد.

در سوئیس به زبان‌های زیادی صحبت می‌شود. سه مورد از این زبان‌ها زبان‌های رسمی ملی هستند: آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی. بخشی از سوئیس که در آن آلمانی غالب است، سوئیس *Deutschschweiz* نیز نامیده می‌شود. درکانتون *Graubünden* علاوه بر آلمانی و ایتالیایی، به چهارمین زبان ملی یعنی رومانش نیز صحبت می‌کند.

در سوئیس آلمانی زبان (*Deutschschweiz*)، وضعیت زبان برای بسیاری از تازه واردان گیج‌کننده است. هر کس به سادگی از یک آلمانی استفاده نمی‌کند، بلکه از دو نوع استفاده می‌کند که تفاوت زیادی با هم دارند. یکی، به اصطلاح آلمانی استاندارد (*Hochdeutsch*)، به ویژه در زبان نوشتاری استفاده می‌شود، به عنوان مثال، در کتاب‌ها و روزنامه‌ها و در وب سایت‌ها. آلمانی استاندارد در کلاس در مدرسه صحبت می‌شود. شما همچنین می‌توانید آلمانی عالی را در سیاست یا در کلیسا بشنوید.

نوع دیگر آلمانی سوئیسی است. عمدتاً هنگام صحبت استفاده می‌شود، اما برای متن‌های کوتاه مانند ایمیل یا اس ام اس را می‌توان به آلمانی سوئیسی نیز نوشت. در مدرسه، معلمان به زبان آلمانی استاندارد تدریس می‌کنند، اما حتی یک درخواست کوچک مانند *Chasch bitte s Faischter zue tue?* («میشه لطفا پنجره را ببندی؟»)، که بخشی از درس نیست، می‌تواند به آلمانی سوئیسی ارائه شود - و در طول استراحت همه به آلمانی سوئیسی صحبت می‌کنند!

آلمانی سوئیسی در یک اصطلاح کلی برای بسیاری از گویش‌ها، اغلب کاملاً متفاوت است. در این کتاب عمدتاً از گویش شهر زوریخ، *Züritüütsch* استفاده می‌کنیم. این بدان معنا نیست که ما لهجه‌های دیگر را کمتر دوست داریم!

با گذشت زمان، ممکن است متوجه شوی که آلمانی استاندارد (*Hochdeutsch*) که در سوئیس استفاده می‌شود مانند آلمان و اتریش نیست. به عنوان مثال، در سوئیس مردم اغلب برای شام می‌گویند *Nachtessen* - اما فقط به آلمانی استاندارد! در گویش معمولاً *Znacht* است. تفاوت‌های کوچک زیادی از این دست وجود دارد.



Was für es  
Schwiizertüütsch  
redsch du?

Züritüütsch,  
ich bin im  
Zürioberland  
uufwachse.

## B1

### B1.1



کلمات آلمانی استاندارد زیر قبلاً در آلمانی زوریخ آمده است. آنها دوباره در گویش چگونه هستند و چه معنایی دارند؟

## Wörter im Dialäkt

- Anfang
- Finale
- eins
- zehn
- gestern
- wirklich
- noch
- geführt
- geschossen
- gegen

### B1.2



احتمالاً کلمات زیر را از زبان آلمانی استاندارد می دانی. اما در گویش کمی متفاوت به نظر می رسند. با این همه می توانی حدس بزنی معنی آنها چیست؟ کلمات اول آسان هستند، کلمات پایانی دشوارتر.

- Aug
- Blueme
- Sune
- chalt
- gschribe
- tүүr
- Wonig
- Faischter
- abnää
- Chile

## B2

### B2.1



دوباره به صدا گوش دهید. متن را خودتان جمله به جمله تکرار کنید.

## D Naachrichte

K0 -  
Audio A1



### توجه کنید

در این بخش شامل تمریناتی در زمینه واژگان و دستور زبان است. متفاوت از بخش آغازین، در اینجا شما باید خودتان به کار بپردازید و می توانید از آنچه که یاد گرفته اید به طور فعال استفاده کنید.



اکنون کلمه ای را می شنوی که از متن مقدماتی در دو نوع تلفظ (A و B) می شناسی. یکی آلمانی زوریخی است و دیگری متعلق به یک گویش دیگر آلمانی سوئیسی است. توجه کن کدام A یا B نوع آلمانی زوریخ است.

K0 -  
Audio B2.2



	A	B	
1.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	-----
2.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	-----
3.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	-----
4.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	-----
5.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	-----
6.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	-----
7.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	-----
8.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	-----
9.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	-----
10.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	-----

## B3



دستور زبان فقط در مدرسه نیست - آلمانی سوئیسی نیز گرامر خاص خود را دارد، اگرچه در مدرسه تدریس نمی شود. اگر مقداری آلمانی استاندارد می دانی، دوباره به متن مقدمه نگاه کن و سعی کن تفاوت هایی با آلمانی استاندارد پیدا کنی.

Platz für Notizen:





# بخش تعمیق

## نوشتاری درست وجود ندارد

آلمانی سوئیسی در مدارس تدریس نمی شود و اغلب در کتاب ها، روزنامه ها یا وب سایت ها هم زیاد نوشته میشود. به این خاطر قانونی برای درست نوشتن آلمانی سوئیسی وجود ندارد.

گاهی اوقات نیز متنهایی وجود دارند که عمدتاً نوشته شده‌اند، مانند گفتگوی چت- سعی کنید بر این اساس بر گوش دادن و صحبت کردن تمرکز کنید. گاه به گاه متن هایی نیز وجود دارد که عمدتاً نوشته میشوند، مانند گفتگوی چت. اما لازم نیست نگران املا صحیح این متن ها باشید. فقط مثل سوئیسی ها این کار را انجام دهید و هر طور که دوست دارید بنویسید!

### توجه کنید

در این بخش متن های کوتاه دیگری را خواهید یافت، اغلب با واژگان و دستور زبان خاص خود و مهمتر از همه، با بسیاری از تمرینات دیگر. در اینجا می توانید موضوعات درس را عمیق تر درک کنید.

## C1

## Schwiizertütsch schriibe

دو نفر زوریکه درباره‌ی یک چت می‌نویسند.

**Ueli:** Hey U häsch de neu Spielberg scho xee?

**Ahmed:** Wele mainsch?

**Ueli:** De mit de Dinos.

**Ahmed:** Bisch sicher dass dä noi isch?

**Ueli:** Ja egal chunsch mit cho luege?

**Ahmed:** Wänn göndR?

**Ueli:** Hüt zabig am 8i im Abaton. D Sarah chunt au.

**Ahmed:** OK cool. Tickets händer?

**Ueli:** Easy ich bstell. Halbi 8i bi eus dihei, isch guet?

**Ahmed:** Mues luegä, öbi s schaffä. Ich schriib der ä Schtund vorher.

## C1.1



گفتگو را بخوانید و همچنین نسخه صوتی را با صدای بلند گوش دهید.

K0 -  
Audio C1.1





نحوه نوشتن گویش احمد و اوپلی را مقایسه کنید.  
کدام کلمات یا صداها را متفاوت می نویسند؟

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

## C2



ما از قوانین نوشتن خودمان استفاده می کنیم تا بتوانید تلفظ را از روی کلمات و متن هایی نوشته شده در این کتاب استنباط کنید. لازم نیست این قوانین را رعایت کنی، اما اگر کمی با آنها آشنا شوی به یادگیری تو کمک می کند، به ویژه برای فهرست لغات.

در کنار الفبای voCHabular آمده است. اگر می توانید رونویسی آوایی بین المللی را بخوانید، می توانید تلفظ حروف را در ستون دوم ببینید. اگر نه، بهتر است به مثال های کلمات گوش دهید و آنها را تکرار کنید! در زیر تمرینی برای این کار آورده شده است.

## Wie schriibt voCHabular?

حروف	تلفظ	مثال
a	[ɑ]	آسیاب کردن 'male', 'کهنه' alt
aa	[ɑ:]	غروب (سرشب) 'Aabig', نقاشی کردن 'maale'
ai	[æɪ]	'ایک' ais, 'دو' zwai
au	[æʊ]	'خریدن' chauffe, 'چشم' Aug, 'خانم' Frau
ä	[æ]	'زندگی کردن' läbe, 'خوردن' ässe
	[ɛ]	'کوه' Bärg
	[ɛ:]	'پنیر' Chääs, 'او (مذکر) او' äär, 'گرفتن' nää
ää	[æ:]	'زرد' gääl
b	[b]	'نصف' halb, 'بالا' dobe, 'دهقان' Buur
c	[k:]	'کوپ (نام یک سوپرمارکت)' de Coop, 'خشک کردن' sec
ch	[χ(:)]	'خندیدن' lache, 'سرد' chalt, 'خنده' Bach
ck	[k:χ]	'چاق' dick, 'لیسیدن' schläcke
d	[d]	'فروشگاه' Lade, 'این' daas, 'یکسان' gad
e	[e]	'تخت خواب' Bett, 'یک نوع ماهی' Egli
	[ə]	'ناف' Nabel, 'او میرود' gaater, 'چمن' Wise



ee	[e:]	Eer 'آبرو', cheere 'برگشتن', See 'دریاچه'
ei	[eɪ]	gheie 'افتادن', frei 'آزاد/تعطیل'
f	[f]	Faischter 'پنجره', Ofe 'بخاری', Hoof 'حویلی (حیاط)'
ff	[f:]	hoffe 'آرزو کردن', Rueff 'صدا'
g	[g]	Garte 'باغچه', Mage 'معدّه', Taig 'خمیر'
gg	[k:]	Jagge 'کت (کاپشن)', Schnägg 'حلزون'
h	[h]	hole 'راز', ghaim 'رفت و آوردن'
i	[ɪ]	isch 'بازی کردن', schpile 'است'
ie	[iə]	Mieti 'چطور', wie 'اجاره'
ii	[i:]	lise 'بزودی', Riis 'برنج', glii 'آهن'
	[ɪ:]	Riis 'غول'
j	[j]	jage 'شکار'
k	[kχ]	Kantoon 'هیچ', ekai 'استان'
l	[l]	Land 'کشور', schtele 'قرار دادن', Taal 'دره'
m	[m]	Muul 'شنا کردن', schwüme 'دهن', Cham 'شانه'
n	[n]	nai 'شناختن', käne 'نخیر', schöön 'قشنگ'
o	[o]	oft 'گوش دادن', lose 'اغلب'
oi	[oɪ]	ois 'سلام', hoi 'پنج', foif 'به ما , ما را'
oo	[o:]	ooni 'بدون', geboore 'بدنیا آمدن', choo 'آمدن'
ou	[ou]	boue 'ساختن', Sou 'خوک ماده'
ö	[ø]	öfter 'تردید کردن', zögere 'بیشتر اوقات'
öö	[ø:]	Ööl 'شنیدن', ghööre 'روغن', jöö! 'هی ، بانمک'
	[œ:]	Ööbig 'سوال کردن', frööge 'عصرها'
p(p)	[p:]	Paar 'زوج', schnappe 'غافلگیر کردن، گرفتن', Tipp 'راهنمایی'
	[ph]	Pass 'پاسپورت'
pf	[pf]	Pfil 'پوشیدن', lupfe 'فلش', Schtupf 'فشار، هل'
qu	[kχʷ]	Quäle 'سرچشمه'
r	[r]	riich 'ذخیره کردن', schpare 'ثروتمند', Haar 'موها'

<b>s</b>	[s]	<i>suuber</i> 'پاک', <i>läse</i> 'خواندن', <i>Huus</i> 'خانه'
<b>sch</b>	[ʃ]	<i>Schii</i> 'اسکی', <i>Fläsche</i> 'بطری', <i>Tisch</i> 'میز'
<b>ss</b>	[s:]	<i>Mässer</i> 'چاقو', <i>biiss</i> 'گاز گرفتن'
<b>t(t)</b>	[t:]	<i>Türe</i> 'دروازه', <i>Matte</i> 'تشک', <i>demit</i> 'با آن'
	[th]	<i>tanke</i> 'تانک کردن'
<b>tsch</b>	[tʃ]	<i>tschutte</i> 'فوتبال بازی کردن', <i>verwütsche</i> 'گرفتن', <i>Gutsch</i> 'کمی'
<b>tz</b>	[t:s]	<i>schletze</i> 'گربه، پشک', <i>Chatz</i> 'پشک', 'در را کوبیدن'
<b>u</b>	[ʊ]	<i>uff!</i> 'اوف!', <i>Luscht</i> 'حال'
<b>ue</b>	[uə]	<i>Ueli</i> (اسم مردانه), <i>guet</i> 'خوب', <i>Rue</i> 'سکوت'
<b>uu</b>	[u:]	<i>uus</i> 'از', <i>ruume</i> 'تمیز کردن / ترتیب دادن', <i>duu</i> 'تو'
	[ʊ:]	<i>Zug</i> 'قطار'
<b>ü</b>	[y]	<i>über</i> 'در باره', <i>Güsel</i> 'آشغال'
<b>üe</b>	[yə]	<i>Üezgi</i> (Üetliberg یک کوه در زوریخ), <i>früener</i> 'قبلتر', <i>Chüe</i> 'گاوها'
<b>üü</b>	[y:]	<i>Üüle</i> 'جغد', <i>Züüg</i> 'وسیله'
	[y:]	<i>Züüg</i> 'قطارها'
<b>v</b>	[f]	<i>vier</i> 'چهار', <i>Vogel</i> 'پرنده'
	[v]	<i>Villa</i> 'ویلا', <i>Sklaave</i> 'غلام'
<b>w</b>	[v]	<i>wone</i> 'زندگی کردن', <i>iiwiise</i> 'اختصاص دهد'
<b>x</b>	[ks]	<i>relaxe</i> 'ریلکس کردن'
<b>y</b>	[y: ~ i:]	<i>Asyl</i> 'پناهنده'
	[j]	<i>Yoga</i> 'یوگا'
<b>z</b>	[ts]	<i>Zaal</i> 'شماره', <i>verzele</i> 'توضیح دادن'

## C2.1



در کنار می توانی متن معروفی را ببینید که ما آزادانه آن را به آلمانی سوئیسی ترجمه کرده ایم و طبق قوانین voCHabular نوشته ایم. آیا آن را تشخیص می دهید؟ سعی کنید متن را با صدای بلند بخوانید و سپس تلفظ خود را با صدای ضبط شده مقایسه کنید.

Ali Mänsche sind frei und chömed mit de gliiche Würde und Rächt uf d Wält. Si händ e Vernunft und es Gwüsse und söled enand wie Brüedere und Schwöschtere begägne. Uuf die Rächt und Freihaite, wo i däre Erchläärig verchündt wärded, händ ali Aaspruch, ooni das Huutfarb, Gschlächt, Schpraach, Religion, politischi oder andri Überzüügige, nationaali oder soziaali Häärkunft, Vermöge, Geburt und Schtelig i de Gselschaft irgenden Underschiid würed mache.

K0 -  
Audio C2.1



Platz für Notizen:

به این ترتیب می‌توانید بررسی کنید که آیا به اهداف آموزشی این درس دست یافته‌اید. تمرین‌های زیر را انجام دهید و در قسمت راه‌حل، امتیازهایی که کسب کرده‌اید را مشاهده کنید. اینجا توصیه‌های ما هستند.

->

امتیاز

1-4

بهبتر است درس‌ها را دوباره مرور کنید.

5-8

عالی - تو نکات مهم را فهمیدی و میتوانی به مرحله بعدی بروی.

9

عالی.

## توجه کنید

هر درس با یک تست کوچک به پایان می‌رسد که می‌توانید از آن برای بررسی میزان موفقیت خود به اهداف آموزشی استفاده کنید. در بخش پاسخ به سوالات می‌توانید بررسی کنید که آیا درست پاسخ داده‌اید و امتیازات خود را بشمارید.

## D1

### D1.1



اکثر مردم در سوئیس آلمانی زبان به کدام زبان صحبت می‌کنند؟ (می‌توانی چندین گزینه را انتخاب کنی. اگر همه جواب‌ها درست بود بدون کدام اشتباه: کدام امتیاز. اگر حداقل یکی درست باشد.)

- a.  آلمانی زوریخی
- b.  اسپانیایی
- c.  آلمانی سوئسی
- d.  آلمانی استاندارد
- e.  سوئدی
- f.  آلمانی بازل

### D1.2



آیا قوانینی برای تلفظ و دستور زبان آلمانی سوئسی وجود دارد؟ (1 امتیاز)

- a.  بله، آنها را در مدرسه یاد می‌گیریم.
- b.  بله - قانون همان چیزی است که اکثر گویندگان از آن استفاده می‌کنند.
- c.  نه، هیچ قانونی وجود ندارد.

### D1.3



آیا قوانینی در مورد نحوه املاي درست آلمانی سوئسی وجود دارد؟ (1 امتیاز)

- a.  بله، آنها را در مدرسه یاد می‌گیریم.
- b.  بله، زیرا همه گویندگان به یک شکل می‌نویسند.
- c.  نه، هر طور که بخواهیم می‌توانیم بنویسیم.

## ویژگی‌های آلمانی سوئسی

## D2



در این تمرین کلماتی را می‌بینی. بر اساس قوانین voCHabular را مشاهده کنی. در صدای ضبط شده سه نوع تلفظ (A، B و C) برای هر کلمه را می‌شنوی. در کنار هر کلمه، حرفی را بنویسید که در آلمانی زورخی درست است، یعنی مربوط به انواعی است که با رنگ آبی نوشته شده است. (هر کدام 0.5 امتیاز)

1. braate 'سرخ کردن'
2. Schoggi 'شکلات، چاکلت'
3. ois 'ما را، به ما'
4. churz 'کوتاه'
5. müese 'مجبور بودن'
6. de Garte 'باغچه، باغ'
7. güne 'برنده شدن'
8. frei 'آزاد/تعطیل'

A	B	C
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

K0 -  
Audio D2







# 1. اوقات فراغت

## اهداف یادگیری

تو می توانی ...

- ... با دیگران می توانی در مورد کاری که در اوقات فراغت از انجام آن لذت می برید صحبت کنی.
- ... فعالیت های اوقات فراغت خود را با دوستان خود برنامه ریزی کنی.
- ... از فعالیتهای اوقات فراغت مطلع شوی.

# Hoi zäme!

## A1



چهار نفر خود را معرفی می کنند. به آنچه می گویند گوش دهید.

K1 -  
Audio A1



### Fatemeh:

«Halo, min Name-n isch Fatemeh und ich wone sit foif Jaar i de Schwiiz. Fascht imer, wän i Ziit han, bini am Schport mache. Schport isch mis Läbe! Am Mittwuch und Samschtig bini amigs am Tschutte. Morn hämmer der erscht Matsch i däm Jaar. Hoffetlich günemer! Am Aabig gaani gärn mit mine Lüüt go Pingpong schpile. Das macht megavil Schpaass und hilft mer, z entschpane. Und suscht? Am See bini au no gärn, zum Schwüme oder au aifach nur zum Tschile! Am schönschte findi s amigs am Aabig, wän s gad am dunkel Wärde-n isch.»

### Nadir:

«Hoi, ich haisse Nadir. Sit churzem schaffi als Fitnesstrainer im Gym und ha esoo mis Hobby zum Brueff gmacht. Im Momänt bini viermal i de Wuche am Kürs gää und tue d Chundine und Chunde au einzelt betroie. S Schönschte-n isch z gsee, wie d Mänsche fitter wärded. S Gym isch für mich nöd nume min Arbetsort. Ich triffe deet au mini Fründinne und Fründe. Mängisch bruuchi aber au mini Rue und dän gaani mit mim Skizzeheft an See. Ich liebe s, d Natur z zaichne, aber mängisch bini au aifech echli am Ufer am Hocke-n und Troime. Wirdi ächt mis zwaite Hobby au emal zum Brueff mache?»

### Pablo:

«Hoi zäme! Ich bi de Pablo und ich ha megagärn Musig. Ich han überall mini Chopfhörerer debii und bi immer irgendöppis am Lose: im Tram, uf de Schtraass, im Park... und dihai sowiso, ich ha sogar es Radio i de Duschi. Mängisch losi au öppis Ruigs, wän i am Schaffe bi, aber nur wän i mi gad nöd mues konzentriere. Usserdeäm singi sälber siit meerere Jaar imene Choor mit. Musig isch für miich vor alem wichtig zum Entschpane und Troime. De Choor cha zwar au schträng sii, aber wämmer mit de Proobe dure und am Singe sind, vergissi dän gliich ales um mich ume. Nööchscht Wuchenänd trättemer wider emal uuf - chömeder au?»

### Andrea:

«Hoi, ich haisse-n Andrea. Ich bi megagärn verusse und gaa gärn go wandere. Mängisch faari mitem Zuug i d Bärge, aber ich find s au schön, bi miir i de Umgäbig go laufe z gaa. S isch so cool, wän mer aifach zu de Tüür use chaa und us de Schtatt use, a Flüss und Wise verbii... Da chani min ganze Schtress vergässe. Aimal i de Wuche gaani i s Neikafi. Det chamer Neimaschine miete und sälber Sache naie. Ich hett zwar gärn au en aigeti Neimaschine, aber s Coole-n am Neikafi isch, das maischtens die gliiche Lüüt deete sind. Mir hälfed enand und schwätzed. Esoo hani scho noii Koleege gfunde.»

# تمرینات مقدماتی

## A2



بار دیگر به پرتله ها گوش بده و همراه آن بخوان.  
کدام شخص با کدام تصویر مناسب است؟ نام را در  
زیر تصویر مناسب بنویس.



## A3



علامت بزن، شخص یا اشخاص مناسب با کارهایی  
که انجام می دهند..

Fatemeh      Nadir      Pablo      Andrea

... چیزهای خودش را می دوزد.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
... دوست دارد پینگ پنگ بازی کند.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
... اغلب در سالن ورزشی است.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
... در اوقات فراغت خود آواز می خواند.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
... دوست دارد کنار دریاچه بنشیند.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

## CH

## فارسی/دري DE

**s Läbe (d Läbe)**

So isch s Läbe!

زندگی

زندگی این است!

**das Leben**

So ist das Leben!

**de Mänsch (d Mänsche)**

Si isch en guete Mänsch.

انسان

او(مونث) انسان خوبی است.

**der Mensch**

Sie ist ein guter Mensch.

**ainzeln**Si sind naadisnaa ainzelt  
inechoo.

یکی یکی

آنها یکی یکی داخل شدند.

**einzel**Sie sind nach und nach ein-  
zeln hereingekommen.**de Momänt (d Momänt)**Genau i däm Momänt ischs  
passiert!

لحظه

دقیقا در این لحظه اتفاق افتاد!

**der Moment**Genau in diesem Moment ist  
es passiert!**gfale (hät gfale)**

Das Lied gfalt mer nöd.

پسندیدن، دوست داشتن

من این ترانه را دوست ندارم.

**gefallen**

Dieses Lied gefällt mir nicht.

**hälfe (hilft, hät ghulfe)**

Chasch mer churz hälfe?

کمک کردن

می توانی یک لحظه به من کمک کنی؟

**helfen**

Kannst du mir kurz helfen?

**de Schpaass (-)**A däm Aabig hämmer  
mega Schpaass ghaa.

سرگرمی. خوشی

آن عصر واقعا لذت بردیم.

**der Spass**An dem Abend hatten wir  
echt Spass.**s Hobby (d Hobbys)**

Und was isch diis Hobby?

سرگرمی

سرگرمی تو چیست؟

**das Hobby**

Und was ist dein Hobby?

**d Feerie (Pl.)**

Und, schööni Feerie ghaa?

تعطیلات

آیا تعطیلات خوبی داشتی؟

**die Ferien (Pl.)**Und, hattest du schöne  
Ferien?**sich entschpane  
(hät sich entschpant)**

Ales guet, entschpan dich!

آرام شدن

بسیار خوب، راحت باش.

**sich entspannen**

Alles gut, entspann dich!

**troime (hät troimt)**Si troimed vomene  
bessere Läbe.

خواب دیدن، رویا داشتن

آنها رویای یک زندگی بهتر را میبینند.

**träumen**Sie träumen von einem  
besseren Leben.**de Schtress (-)**De Schtress im Job wird  
mer gad wükli z vil.

استرس

استرس سرکار در حال حاضر برای من خیلی  
زیاد میشود.**der Stress**Der Stress im Job wird mir  
gerade wirklich zu viel.

**d\*e Chund\*in (d Chund\*inne)**

Chasch mal luege? Isch e Chundin da!

مشتری

آیا می توانی نگاه کنی؟  
یک مشتری اینجا هست!

**der\*die Kund\*in**

Kannst du mal schauen? Eine Kundin ist da!

**schträng (schtränger)**

Händ er s no schträng ghaa geschter?

طاقت فرسا، مضطرب کننده

آیا دپروز برای شماها استرس زا بود؟

**anstrengend, stressig**

War es gestern noch stressig bei euch?

**de Schport (-)**

Schport haltet mich fit.

ورزش

ورزش من را سالم نگه میدارد.

**der Sport**

Sport hält mich fit.

**d Natur (-)**

I de Natur sind au überall Mänsche.

طبیعت

انسان ها در طبیعت همه جا هستند.

**die Natur**

In der Natur sind auch überall Menschen.

**de Bärg (d Bäрге)**

D Rigi isch de schöönscht Bärg vo de Schwiiz.

کوه

ریگی زیباترین کوه سوئیس است.

**der Berg**

Die Rigi ist der schönste Berg der Schweiz.

**churz (chürzer)**

D Feerie sind imer z churz.

کوتاه

تعطیلات همیشه خیلی کوتاه است.

**kurz**

Die Ferien sind immer zu kurz.

**wiit (wiiter)**

Z Fuess vo Züri bis Winti isch wiit!

دور

پیاده از زوریخ سمت وینترتور دور است.

**weit**

Zu Fuss von Zürich nach Winterthur ist es weit!

**dunkel (dünkler)**

Gad wird s dunkel!

تاریک

(هوا) دارد تاریک میشود.

**dunkel**

Gleich wird es dunkel!

**s Zält (d Zälter)**

Chasch du es Zält uuf-schtele?

چادر

می توانی یک چادر نصب کنی؟

**das Zelt**

Kannst du ein Zelt aufstellen?

**de Fuessbal (d Fuessbäl)**

Bim Fuessbal dörf me nöd mit de Hand schpile.

فوتبال

در فوتبال آدم اجازه ندارد با دست بازی کند.

**der Fussball**

Beim Fussball darf man nicht mit der Hand spielen.

**de Matsch (d Mätsch)**

De Matsch isch megalangwiilig gsii.

مسابقه

مسابقه واقعا خسته کننده بود.

**der Match**

Der Match war echt langweilig.

**d Duschi (d Duschene)**

Ui nai, i de Duschi chunt kä warmes Wasser!

دوش

آه نه، به دوش آب گرم نمی آید.

**die Dusche**

Oh nein, in der Dusche kommt kein warmes Wasser!

**güne (hät güne)**

Wär hät de Matsch güne?

پیروز شدن، برنده شدن

چه کسی مسابقه را برد؟

**gewinnen**

Wer hat den Match gewonnen?

**d Rue (-)**

Sorry, ich bruuch gad echli Rue.

آرامش

معذرت، من الان یکم نیاز به آرامش دارم.

**die Ruhe**

Sorry, ich brauche gerade ein bisschen Ruhe.

**singe (hät gsunge)**

Si singt imer bim Choche.

آواز خواندن

او (خانم) همیشه درهنگام آشپزی آواز میخواند.

**singen**

Sie singt immer beim Kochen.

**zaichne (hät zaichnet)**

En Baum z zaichne, isch nöd so schwäär.

رسم کردن، کشیدن

رسم کردن یک درخت خیلی سخت نیست.

**zeichnen**

Einen Baum zu zeichnen ist nicht so schwer.

**s Heft (d Hefter)**

Ich schriib mini Wörtli i das Heft ine.

دفترچه

من واژگان خود را در این دفترچه می نویسم..

**das Heft**

Ich schreibe meine Vokabeln in dieses Heft.

**naie (hät gnait)**

Mis Grosi isch mer en Schaal am Neie.

دوختن

مادر بزرگم برایم روسری می دوزد.

**nähen**

Meine Grossmutter näht mir gerade einen Schal.

**miete (hät gmietet)**

Wän d nöd schtändig es Velo bruuchsch, chasch ja ais miete.

اجاره کردن

اگر تو دائما نیازی به یک دوچرخه نداری، بلی تو می توانی یک دوچرخه اجاره کنی.

**mieten**

Wenn du nicht ständig ein Velo brauchst, kannst du ja eins mieten.

**alai**

Ich bin hüt zaabig alai dilhai.

تنها

امروز عصر تنها خانه هستم.

**allein**

Ich bin heute Abend alleine zuhause.

**aiget**

Häsch en aigete Kompfi?

منحصر به کسی، مال خود

آیا تو یک کامپیوتر شخصی داری؟

**eigene, -r, -s, -n**

Hast du einen eigenen Computer?

**mängisch**

Mängisch hani aifach Luscht uf Schoggi.

گاهی

گاهی اوقات من همینجوری هوس شکلات می کنم.

**manchmal**

Manchmal habe ich einfach Lust auf Schokolade.

**amigs**

Am Suntigmorge gömmer amigs zum Beck.

همیشه، اغلب، هر بار

ما همیشه صبح یکشنبه به نانوایی (نانوا) میرویم.

**immer, oft, jeweils**

Am Sonntagmorgen gehen wir immer zum Bäcker.

**mindeschtens**

De Kurs gaat mindeschtens zwai Jaar.

حداقل

کورس حداقل دو سال طول می کشد.

**mindestens**

Der Kurs dauert mindestens zwei Jahre.

**usserdäm**

Das Ässe isch seer fain gsii und usserdäm günschtig.

علاوه بر آن، جز این

غذا بسیار خوشمزه و همچنین ارزان بود.

**ausserdem**

Das Essen war sehr lecker und ausserdem günstig.

## äch(t)

vielleicht, wohl شاید ، خوب

این کلمه کوچک زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که شما چیزی را قبول یا پیشنهاد می کنید و می خواهید بیان کنید که مطمئن نیستید:  
"Schtimt das ächt?" "درست است؟" "Chöntsch mer ächt churz hälfe?" "می توانی یک لحظه به من کمک کنی؟"  
"Isch s ächt wider chelter worde?" "دوباره سردتر شده؟"

## g(r)ad

gerade, gleich مستقیم ، یکسان

در مورد فعالیتهای جاری، این کلمه نشان می دهد که آنها در این ماه برگزار میشود: "Mir sind gad am See" "ما در حال حاضر در کنار دریاچه هستیم"، "Ich bi s gad am läse" "در حال حاضر آن را می خوانم" در مورد فعالیت های اخیر، بیان می کند که آنها بلافاصله پس از آن اتفاق می افتند یا به تازگی اتفاق افتاده اند: "Chume gad!" "دارم میام!" "Das hani gad naa glueged" "من همین الان آن را بررسی کردم".

## mega- (+ Adj.)

sehr, echt خیلی ، واقعا ، خیل

شکل mega- بیشتر در ترکیب با صفات استفاده می شود. (megaguet "بسیار خوب"، megatum "واقعا احمق"). همچنین در ترکیب با افعال مورد استفاده قرار میگیرد (Si isch mega am ume schtresse "او کاملا استرس زا است.") یا به تنهایی (Mega! "عالی!") استفاده می شود.



# دستور زبان

## حال ساده

شما از قبل زمان حال را می شناسید. برای تکرار، در اینجا فرم هایی برای فعل با قاعده آورده شده است ، مانند *mache* :

اول شخص مفرد	ich mache	من انجام می دهم	ich mache
دوم شخص مفرد	du machst	تو انجام می دهی	du machst
سوم شخص مفرد	er/si/es macht	او انجام می دهد	er/sie/es macht
اول شخص جمع	mir mached	ما انجام می دهیم	wir machen
دوم شخص جمع	ir mached	شماها انجام می دهید	ihr macht
سوم شخص جمع	si mached	ایشان انجام می دهند	sie machen

از زمان حال خیلی زیاد استفاده می شود و می تواند معانی بسیار متفاوتی داشته باشد:

- وضعیت فعلی:  
"او در باغچه (باغ) نشسته است"، *Si hockt im Garte* "من فکر نمی کنم" *Ich glaub das nöd*
- عادت ها و رویدادهای منظم:  
"جمعه همیشه کمی زودتر می روم" ، *Am Friitig gani amigs echli früener*  
"آن هر بار مرا آزار می دهد" *Das nervt mi jedes Maal*
- حقایق کلی:  
*Wasser choched bi hundert Graad* . "آب در 100 درجه می جوشد".  
*Zwai plus zwai isch vier* "دو به علاوه دو چهار میشود".
- وقایع حتمی در آینده:  
"فردا ما به سینما می رویم" ، *Morn gömmer is Kino*  
"من به تو می گویم ، که این دو ازدواج می کنند" *Ich säg der, die zwai hüüraated no*

در زبان آلمانی سوئیسی از زمان حال اغلب برای رویدادهای آینده استفاده می شود. این مورد در زبان آلمانی استاندارد نیز امکان پذیر است ، اما کمتر رایج است زیرا در آنجا فعل کمکی *werden* را نیز در دسترس دارید  
*Morgen gehen wir ins Kino* فردا به سینما می رویم یا  
*Morgen werden wir ins Kino gehen* فردا به سینما خواهیم رفت). آلمانی سوئیسی هرگز برای آینده *wärde* استفاده نمی شود، فقط برای حدس و گمان.



## حال استمراری

گر یک رویداد فقط برای مدت زمان محدودی ادامه داشته باشد یا اگر به سمت هدف خاصی حرکت کند، اصطلاحاً فرم استمراری برای آن استفاده می شود. ما در اینجا آن را *am-form* می نامیم، زیرا با کلمه *am* تشکیل می شود:

زمان	نحوه ساخت	مثال با "läse" خواندن
حال	مصدر + <i>am</i> + <i>sein</i>	<i>ich bi am Läse</i>
گذشته	مصدر + <i>am</i> + <i>sein</i> + <i>gsii</i>	<i>ich bi am Läse gsii</i>

اگر فعل مفعول داشته باشد، مفعول همیشه پیش از *am* می آید:

*Ich bi es Buech am Läse.*  
*Hüt bin i es Buech am Läse.*  
*Wil i es Buech am Läse bi.*

در اینجا چند نمونه از تفاوت بین زمان حال ساده و زمان حال با *am* آورده شده است:

Am Fritig  
 gani amigs  
 echli früener



زمان حال ساده	زمان حال با <i>am</i>
<i>Ich tschil am liebschte-n im Park.</i> من ترجیح می دهم در پارک استراحت کنم.	<i>Ich bi im Park am Tschile, und du?</i> من در پارک استراحت می کنم، و تو؟
<i>Losisch au Radio oder eender nöd?</i> تو به رادیو هم گوش می دهی یا نه؟	<i>Was bisch jetzt am Lose?</i> الان به چه چیزی گوش می دهی؟
<i>D Hannah list megavil fürs Schtudium.</i> هانا برای دانشگاه خیلی زیاد مطالعه می کند.	<i>D Hannah isch i de Badwane am Läse.</i> هانا الان توی وان حمام در حال مطالعه است.
<i>D Sune gaat im Weschte-n under.</i> خورشید در غرب غروب می کند.	<i>Hei d Sune-n isch am Undergaa, mach es Foti!</i> خورشید دارد غروب می کند، یک عکس بگیر!
<i>Hüt zaabig luege mer en Film.</i> امشب یک فیلم نگاه می کنیم.	<i>Mir sind gad no en Film am Luege.</i> ما الان یک فیلم نگاه می کنیم.

فرم *am* در زبان آلمانی استاندارد نیز وجود دارد:

*Ich bin ein Buch am Lesen.*

*Ich war ein Buch am Lesen.*

با این حال در آلمان تقریباً فقط در زبان گفتاری استفاده می کنند و حتی نه به اندازه آلمانی سوئیسی.

## B1



کلماتی را که با هم ترکیب می شوند به هم وصل کن.

Fuesbal

ä Duschi

Schpaass

Musig

Schii

Ziit

es Buech

Schport

i d Bärge

de Matsch

lose

verbringe

gaa

güne

läse

schpile

haa

faare

näa

mache



Mer mached es  
Picknick.



Wo und wän?

## B2

## Was macht mä wo?

## B2.1



تمرین ۲،۱ در کجا چکار می کند؟ بعد از مکانهای 3-5 فعالیتهای مناسب بنویس.

Im Restaurant: Znacht ässe, .....

Am See: .....

Im Gym: .....

I de Bärge: .....

Dihai: .....

Uf em Schportplatz: .....

## B2.2

immer / mangisch / nie / am Wochenende / i de Freizeit / am Freiraabig



از این مکانها و فعاليتها براي تشكيل جملات استفاده کن. زمانهای مشخص شده در جعبه را نیز وارد کن.

مثال: *Am Wochenende mache ich ein Picknick am See.*

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



Platz für Notizen:

.....

.....

.....

.....

.....

.....



اجزای سازنده جملات را بهم متصل کرده و فعل را در زمان مناسب (زمان حال ساده یا شکل *am*) قرار بده.

I minere Freiziit - Fründe - traffe

Mir - jetz dän - im See go schwüme - gaa

Wän si frei hät - si oft - Krimis - läse

Sitere Schtund - ich - Chueche - bache

Am Wuchenänd - ich - echli - trainiere

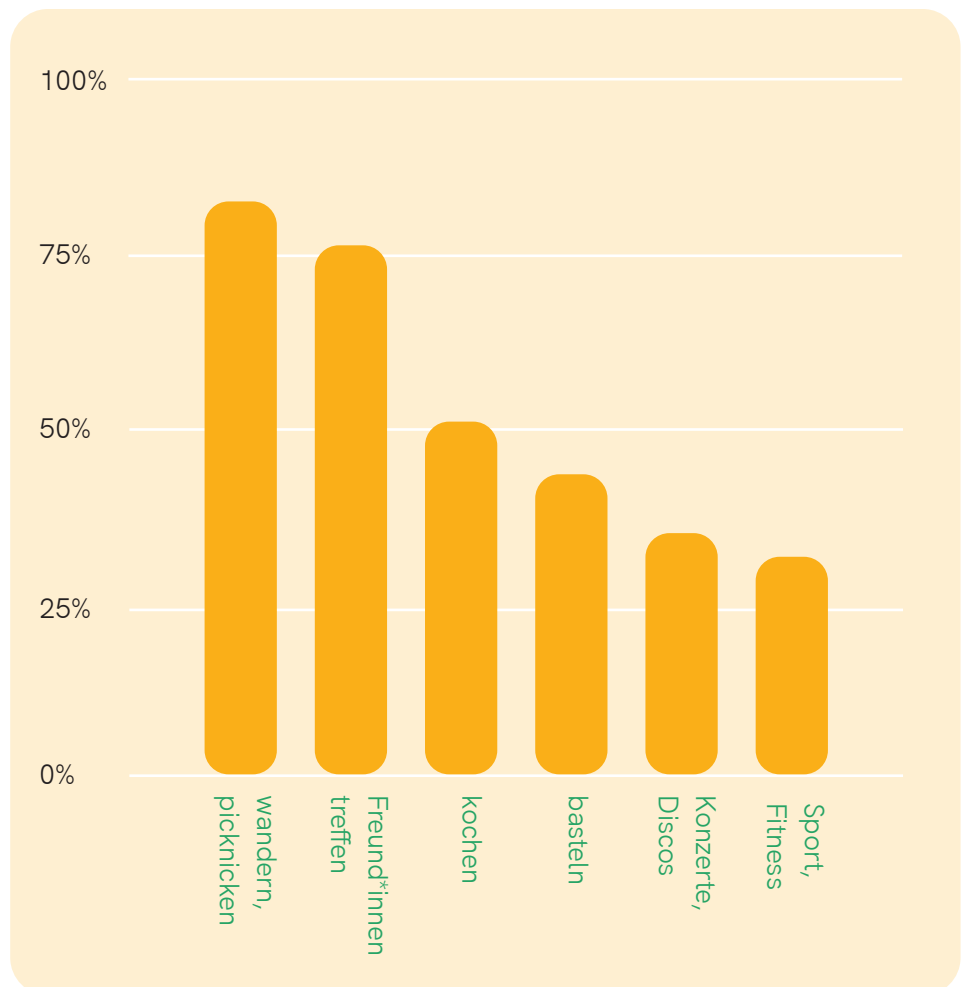
Si - im Momänt - vil Düütsch - leere

## B4



در بغل دست می توانی نمای کلی از فعالیتهایی را که مردم سوئیس دوست دارند در اوقات فراغت انجام دهند به آلمانی استاندارد مشاهده کنی.

## Aktivitäten



Was isch diis Hobby?



## B4.1



در کنار چند جمله را مشاهده می‌کنی. بعد از هر جمله، فعالیت مناسب را از گرافیک کناری انتخاب کن.

a) Am liebschte gaani in Uusgang go tanze.

b) Im Härbscht mached mini Chind amigs Bleterhuuffe.

c) Ich bi seer aktiv und gaa drüümal i de Wuche i s Schwümtraining.

d) Am Wuchenänd gaat mini Familie fascht imer i d Bärge.

e) Hüüt zaabig probieri mal es nois Rezäpt uus.

f) Nachem Fiiraabig gaani maischtens mit Koleege no ais go zie.

## B4.2



دنبال شخصی بگرد که با او صحبت کنی. لیست فعالیتها را با هم بحث کنید. چه چیزی شماها را شگفت زده کرد؟ چه چیزی با سایر کشورها متفاوت است؟ آیا لیست با چیزهای مورد علاقه شماها مطابقت دارد؟

Platz für Notizen:

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---



دو دوست در چت می کنند.

Hey, was bisch am Mache?

Nöd vil, bi am Tschile. Und du?

Bi grad am Choche. Wottsch zum Znacht choo?

Sorry, das längt mer hüt nöd.

Aber du bisch ja nüüt am mache!

Doch, mues no e Serie uf Netflix färtig luege.

Hehe, okay. Vil Schpaass!

Mersi, dir en Guete.

## B5.1



همه شکل های *am* را در متن علامت گذاری کن.

## B5.2



جمله هایی را که معنی مشابهی دارند ترکیب کن.

Was bisch am Mache?

Isch guet.

Bi grad am Choche.

Hüt hani kä Ziiit.

Das längt mer hüt nöd.

A was bisch draa?

Okay.

Danke.

Mersi.

Bi am Znacht Mache.



## B6

## Was isch diis Hobby?

### B6.1



به یک دوست خود پیام صوتی بفرست و به آنها در مورد سرگرمی های خود بگو. در اینجا چند سوال الهام بخش.

Was machsch du gärn?

Was häsch als Chind für es Hobby ghaa?

Wän d nöd müestisch schaffe, was wüsch de ganz Taag mache?

Was machsch gar nöd gärn?

### B6.2



با یک شخص دیگری در مورد سرگرمی خودتان گفتگو کن.

Was macht Schpaass, isch aber tüür?

Weli Hobbys choschtet nüüt?

Weles Wätter bruuchsch für dini Hobbys?

«Megakoomischs Hobby» - häsch das au scho mal tänkt?

Wisoo hätme überhaupt Hobbys?

## وقت آزاد با پول کم

■ **باشگاه ها:** سوئیس کشوری است که از باشگاه های ژیمناستیک گرفته تا باشگاه های خوانندگی تا باشگاههای سیاسی، تقریباً برای همه چیز باشگاهی وجود دارد. voCHabular همچنین یک باشگاه است. اگر علاقمند به عضویت در یک باشگاه هستی، می توانی با شخص مسئول تماس بگیری

■ **+1 am Tisch / سر میز:** این برنامه برای مهاجران زیر ۱۸ سال در سوئیس طراحی شده است. به مدت حداقل نه ماه، آن ها یک +۱ راهنما خواهند داشت. به طور منظم با هم غذا می خورند یا فعالیت هایی انجام می دهند، و راهنما ممکن است در حل مشکلات روزمره به آن ها کمک کند:

[solidarity-young-migrants.ch/de](https://solidarity-young-migrants.ch/de)

■ **فهرستی از ابتکارات و پروژههای دیگر** که به مهاجران کمک می کنند تا با مردم سوئیس در ارتباط باشند، در اینجا موجود است: [solidarity-young-migrants.ch/de/bestehende-initiativen-und-projekte](https://solidarity-young-migrants.ch/de/bestehende-initiativen-und-projekte)

سوئیس به این معروف است، که همه چیز خیلی گران است. این اغلب درست است - اما نه همیشه. در جاهای زیاد سوئیس پیشنهاد وقت آزاد، که مجانی یا خیلی ارزان هستند.

■ **KulturLegi:** تو میتوانی برای KulturLegi در بسیاری از مناطق درخواست بدهی. در سال اول رایگان است، پس از آن ۲۰ فرانک هزینه دارد. این امر به شما در جاهای مختلف فرهنگی مانند موزه ها یا تئاترها تخفیف می دهد. اطلاعات بیشتر: [kulturlegi.ch](https://kulturlegi.ch)

■ **Maps Agenda:** در Maps Agenda فعالیتهای تفریحی ارزان در زوریخ پیدا خواهی کرد. تقویم را می توانی در اینترنت به ۱۵ زبان پیدا کنی. همچنین می توانی در خبرنامه آنجا مشترک شوی: [maps-agenda.ch](https://maps-agenda.ch)

■ **وبسایت های شهر:** اغلب می توانی نکاتی را درباره کارهای ارزان قیمت در وبسایت های شهر پیدا کن.

■ **schweizrollt:** در بسیاری از شهرهای سوئیس می توان دوچرخه را به صورت رایگان اجاره کرد: [portal.wyby.ch/lessors/aoz](https://portal.wyby.ch/lessors/aoz)

## C1

## Wottsch zrugg lüüte?

De Andrea ires Handy lüütet.

تلفن همراه آندرا زنگ میزند.

**A:** Hoi, da isch d Andrea. سلام، آندرا هستم.

**F:** Halo Andrea, ich bi s, d Fatemeh. سلام آندرا، من فاطمه هستم.

**A:** Aa, Fatemeh! Ha der au scho wele \_\_\_\_\_(aalüüte), آه، فاطمه! میخواستم بهت زنگ بزنم ولی اشغال شده بود. aber es isch bsetzt gsii. Wie حالت چطور است؟ gaats der?

**F:** Guet, \_\_\_\_\_(schpaziere) خوب، من تازه پیاده روی رفته بودم وهمین الان und gad zruggchoo. Und du, was برگشتم. و تو، فعلاً چیکار میکنی؟ \_\_\_\_\_(mache)?

**A:** lich \_\_\_\_\_(schaffe), من هنوز دارم کار میکنم، خیلی کار دارم که باید انجام بدهم! ha vil z tuel

**F:** Oo, wottsch schpööter zrugg- اوه، میخواهی بعداً به من زنگ بزنی یا کمی وقت داری؟ lüüte oder häsch schnäl Ziit?

**A:** Nai, käs Probleem, grad نه، مشکلی نیست، فعلاً استراحت میکنم. \_\_\_\_\_(Pause mache).

**F:** Häsch hüt Aabig scho öppis امشب برنامه ای داری؟ من میروم کنسرت پابلو. دوست داری بیایی؟ loos? \_\_\_\_\_(gaa) as Konzärt vom Pablo. Möchtisch mitchoo?

**A:** Ich gaa laider hüt Aabig متأسفانه امشب دارم میروم کوه. اما هی، آخر هفته آینده یک جشنواره باحال در زوریخ است. nööschts Wuchenänd میخواهی با هم برویم؟ \_\_\_\_\_(sii) es cools Festival in Züri. Wämmer zäme gaa?

**F:** Gueti Idee, bi debii. Wämmer ois فکر خوبی است، من می آیم. می خواهی هفته آینده هم برای همدیگر بنویسیم؟ nööschts Wuche i däm Fal no \_\_\_\_\_(schriibe)?

**A:** Jaa, mir chönd no luege. آره، می توانیم ببینیم.

**F:** Also dän laani di wider la schaf- خوبه، پس میگذارم دوباره کار کنی. میبینمت. fe. Bis glii.

**A:** Tschüss, bis nööschts Wuche. خداحافظ، هفته بعد میبینمت.



گفتگوی تلفنی را بخوان و افعال را در فرم مناسب قرار بده. از شکل *am* در جایی که متناسب است استفاده بکن.



## C1.2



به مکالمه گوش بده. سپس جمله به جمله متن را خودت تکرار کن.

K1 -  
Audio C1.1



## C1.3



این دیالوگ را گوش کن. کدام کلمات یا عبارات از این دیالوگ را می توانی به خوبی در تلفن استفاده کنی؟ علامت گذاری کن. خودت یک تماس تلفنی بنویس و از این عبارات استفاده کن.

Platz für dein eigenes Telefongespräch:

## C2



مکالمه را به صورت کامل بخوان.

## Ich bin am liebschte dihai!

*D Fatemeh und de Pablo  
schwätzed im Gang.*

فاطمه و پابلو در راهرو صحبت می کنند.

<b>F:</b>	Hei Pablo, ich bi a oies Konzärt ggange. Du singsch ja megaguet!	هی پابلو، من در کنسرت بودم. تو خیلی خوب آواز میخوانی!
<b>P:</b>	Mersi, aber das gaat nur im Choor. Alai singi zimli schlächt.	ممنون، ولی این فقط در گروه ممکن است. تنهایی من خیلی بد میخوانم.
<b>F:</b>	Koomisch. Gaasch äch au gärn a Festivals?	جالب است. راستی دوست داری به جشنواره هم بروی؟
<b>P:</b>	Nöd esoo, wisoo?	نه احتمالاً، چطور؟
<b>F:</b>	Nööchscht Wuchenänd wär ais. Häsch s lieber ruig?	آخر هفته آینده یک کنسرت هست. ترجیح میدهی آرام باشی؟
<b>P:</b>	Nai, es döörf scho au luut sii. Aber immer so wiit faare... ich bi aifach am liebschte dihai!	نه، می تواند بلند هم باشد. اما همیشه به جای دور و طولانی رانندگی کردن ... من فقط ترجیح میدهم در خانه باشم!

**schwätze (hät gschwätzt)**  
Chönteder ächt echli  
liisligler schwätze?

صحبت کردن ، گپ زدن  
می توانید کمی آرام تر صحبت کنید؟

**sich unterhalten, plaudern**  
Könntet ihr euch vielleicht ein  
bisschen leiser unterhalten?

**s Radio (d Radios)**  
Oises alte Radio tuet s  
imer no.

رادیو  
رادیو قدیمی ما هنوز کار می کند.

**das Radio**  
Unser altes Radio  
funktioniert immer noch.

**d Gitare (d Gitarene)**  
Rockstars liedeb iri  
Gitarene.

گیتار  
ستارگان راک عاشق گیتارهای خود هستند.

**die Gitarre**  
Rockstars lieben ihre  
Gitarren.

**gruusig (gruusiger)**  
De Horrorfilm isch mega-  
gruusig gsii!

نفرت انگیز، از آن ترسیدن  
فیلم ترسناک کاملاً منجر کننده بود!

**ekelhaft**  
Der Horrorfilm war total  
ekelhaft!

**koomisch (koomischer)**  
Was luegsch so koomisch,  
isch öppis?

خنده دار، عجیب  
چه چیزی به نظر تو خنده دار است؟

**komisch**  
Was guckst du denn so ko-  
misch, ist was?

**kabutt (-)**  
Oises alte Radio isch ka-  
butt ggange.

خراب  
رادیو قدیمی ما خراب شد.

**kaputt**  
Unser altes Radio ist kaputt  
gegangen.

**brüele (hät prüelt)**  
Mängi Babys sind schtän-  
dig am Brüele.

گریه کردن  
برخی از نوزادان مدام گریه می کنند.

**weinen**  
Manche Babys sind ständig  
am Weinen.

**obwol**  
D Anja gaat imer no mitem  
Velo, obwol si vercheltet  
isch.

با اینکه  
آنیا با وجود سرماخوردگی هنوز دوچرخه  
سواری می کند.

**obwohl**  
Anja fährt immer noch mit  
dem Velo, obwohl sie erkäl-  
tet ist.

K1 -  
Zusatzwortschatz 1



Was isch passiert?

De Horrorfilm isch  
megagruusig gsii!

## صفت را با افعال استفاده کنید

در زبان آلمانی سوئیسی، شبیه آلمانی استاندارد، به راحتی می‌توانی صفت را به عنوان قید (یعنی با افعال) استفاده کنی: *guet ghööre* 'شنیدن خوب'، *schlächt gsee* 'بد دیدن'، *schööön schriibe* 'زیبا نوشتن'، ...

یک قید مفید که هیچ صفتی برای آن وجود ندارد، "gärn" به معنای "gern" است. این‌گونه می‌توان از آن استفاده کرد.

■ *gärn* + فعل: *Ich schlaaffe gärn* 'من دوست دارم بخوابم'

■ *gärn haa* + اسم: *Ich ha gärn Rüepli* 'من هویج دوست دارم'

■ *gärn wärde* + فعل: *Ich wür gärn gaa* 'می‌خواهم بروم'

■ اضافه *gärn* بی‌قاعده است: *lieber* 'ترجیح'، *am liebschte* 'ترجیح'

## C2.1



چه چیزی متعلق به یکدیگر است؟ قیدها و صفت‌ها را در جمله‌های مناسب بکار ببر.

am liebschte / gärn / gärn /gärn / gruusig / koomisch / lieber / lieber / megaguet / schnäl / schön

1) Dis Radio töönt aber \_\_\_\_\_,  
isch es äch kaputt?

2) Schpilsch \_\_\_\_\_  
Fuessbal oder Hockey?

3) D Özlem redt mer aifach z \_\_\_\_\_,  
ich chume nöd druus.

4) De Enrico hät so \_\_\_\_\_  
gsunge, das i ha müese brüele.

5) Si schpilt \_\_\_\_\_  
Gitare, obwol si erscht sit emene Jaar am Leere-n isch.

6) Häsch Pinpong nöd \_\_\_\_\_?

7) lich sing \_\_\_\_\_  
under de Duschi.

8) Im Sumer gaani \_\_\_\_\_  
im Fluss go bade wi i im Halebaad.

9) Är isch en Meganette aber choche tuet er \_\_\_\_\_.

10) \_\_\_\_\_ losi  
Reggae.

11) Ich wür \_\_\_\_\_  
emal en Matsch go luege.



به مکالمه به صورت کامل گوش بده.

## Häsch scho öppis voor?

	<i>D Andrea und de Nadir trüffed sich zuefällig im Tram.</i>	آندرا و نادر به طور اتفاقی همدیگر را در ترام ملاقات می کنند.
<b>A:</b>	Hoi Nadir, wie gaat s der?	سلام نادر، خوبی؟
<b>N:</b>	Halo Andrea, guet und diir?	سلام آندرا، خوبم و تو چطوری؟
<b>A:</b>	Miir au, danke. Was häsch am Wuchenänd voor?	من هم خوبم، تشکر. آخر هفته چه می کنی؟
<b>N:</b>	Ich gaan am Sunntigaabig zu mine Eltere go ässe, aber suscht hani no kai Plään. Und du?	من یکشنبه عصر با والدینم غذا می خورم، اما برنامه دیگری ندارم. و تو؟
<b>A:</b>	Ich gaan am Samschtig go wandere. Häsch Luscht zum Mitchoo?	شنبه میرم کوهنوردی می خواهی همراه من بیایی؟
<b>N:</b>	Ja ee, seer gärn. Häsch scho überlait, wo ane?	بله، البته، با کمال میل. آیا فکر کرده ای کجا بروی؟
<b>A:</b>	Ich han verschideni Idee'e. Ich schick si der per Chat und du chasch säge, uf waas d am maischte Luscht häsch, isch guet?	من ایده های متفاوتی دارم. من آنها را از طریق چت برای تو ارسال می کنم و تو می توانی به من بگویی کدام را بیشتر دوست داری، خوبه؟
<b>N:</b>	Jaa, das isch supper. Schön, ich froi mi mega uf de Samschtig!	بله، فوق العاده است. من واقعا منتظر شنبه هستم!

## CH

## فارسی/دري DE

### überlegge (überlait, hät überlait)

Si sind imer no am Überlegge, wo si söled aa faa.

فکر کردن

آنها هنوز به این فکر می کنند که از کجا شروع کنند.

### überlegen

Sie sind immer noch am Überlegen, wo sie anfangen sollen.

### verschide

Au Mänsche us verschidene Kultuure chönd zämechoo.

متفاوت

افراد از فرهنگ های مختلف نیز می توانند دور هم جمع شوند.

### verschieden

Auch Menschen aus verschiedenen Kulturen können zusammenkommen.

### sich froie (hät sich gfroit)

Är hat sich mega über das Gschänk gfroit.

خوشحال شدن

او از این هدیه بسیار خوشحال شد.

### sich freuen

Er hat sich sehr über das Geschenk gefreut.

### schicke (hät gschickt)

Ich schick der es Chärtli!

ارسال کردن

من برای شما کارت پستال می فرستم!

### schicken

Ich schicke dir eine Postkarte!

K1 -

Zusatzwortschatz 2



## C3.1



از زمان حال نیز برای صحبت درباره آینده استفاده می‌شود. در متن C3 تمام جملات در زمان حال را که به آینده اشاره دارند، علامت‌گذاری کنید.

## C3.2



برای آخر هفته چی برنامه داری؟ آنها را در 2 تا 3 جمله بنویس.

Platz für deine Sätze:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

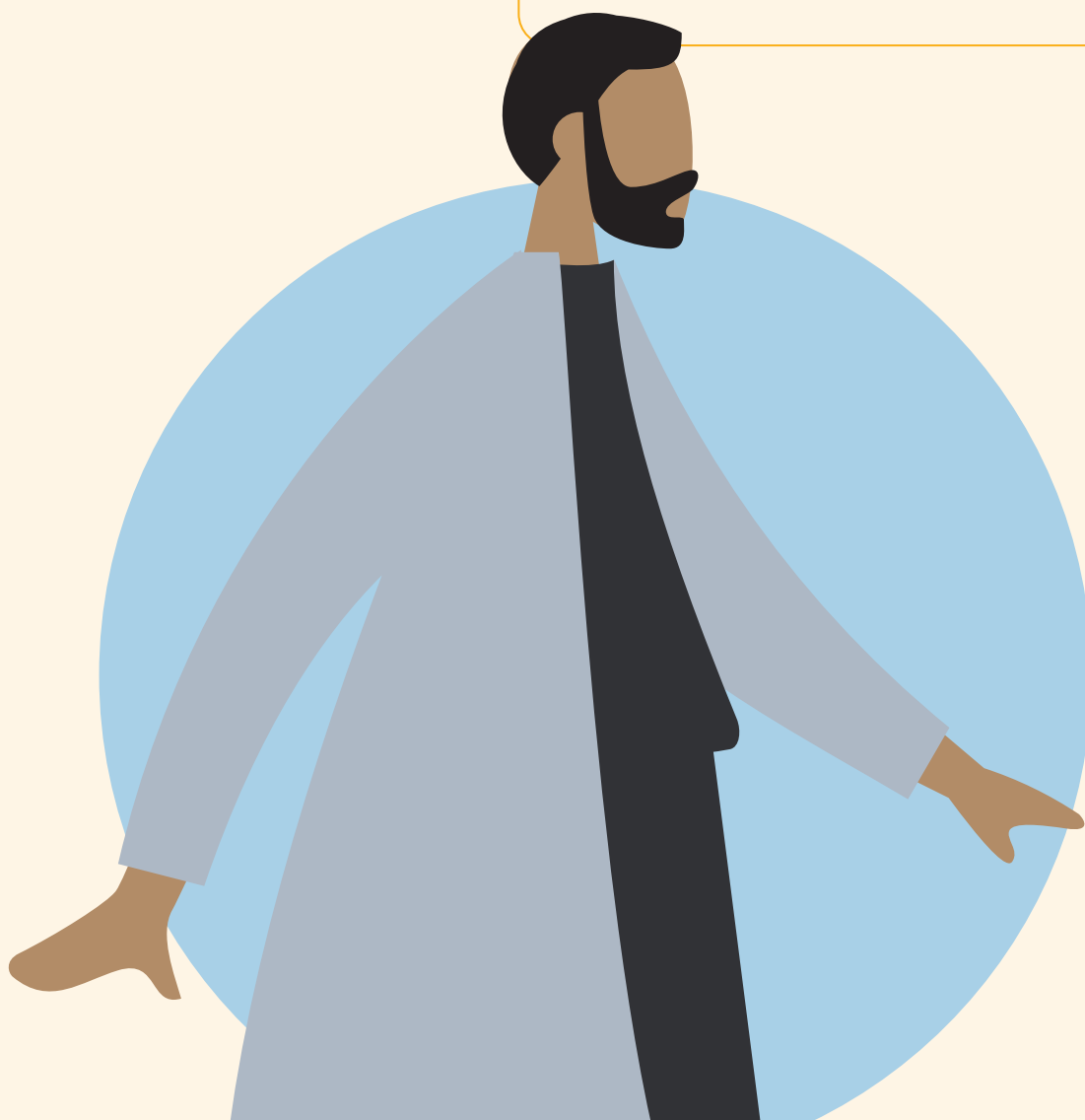
.....

.....

.....

.....

.....





ابتدا به متن تمرین گوش بده.  
می توانی نسخه مکتوب همراه با ترجمه را در  
قسمت راه حل پیدا کنی.

K1 -  
Audio C4



CH

DE فارسی/دری

gäg

Die Partei isch gäg al an-  
dere.

در برابر

این حزب علیه بقیه است.

gegen

Diese Partei ist gegen alle  
anderen.

äbe

Äbe زمانی استفاده می شود که هیچ چیز قابل تغییر نیست یا وقتی در این مورد صحبت نمی شود: *Das isch äbe-n esoo* "اینطور است" *Wän s kän Raam hät, nämemer äbe Milch* "اگر خامه وجود ندارد بیاید فقط با شیر بخوریم" *Ich haa dich äbe gärn, cha au nüüt defür* "من فقط از تو خوشم می آید، من هم نمی توانم از پس آن بریایم".

توقف کردن، فقط

halt, eben

K1 -  
Zusatzwortschatz 3



## C4.1

نادر می خواهد به کدام افتتاحیه برود؟



به سوالات C4 به صورت شفاهی یا کتبی پاسخ  
بده.

پابلو می خواهد به کدام رویداد افتتاحیه برود؟

دختر (عمو، دایی، خاله، عمه) نادر کیست؟



به برگه تبلیغاتی نگاهی بینداز. این برنامه تابستانی  
یک مکان فرهنگی است. آیا می توانی گروهی را  
که به آلمانی سوئیسی می خواند پیدا کنی؟ نام آن  
چیست؟

27.05	<b>KONFI TENSMANN</b> Wahrscheinlich die romantischste kalifornisch-zürcherische Americana-Band der Schweiz.	KOLLEKTE 19 UHR
08.06	<b>DENNIS KISS &amp; THE SLEEPERS</b> Frisches Indie Folk Quinett aus Baden, nun mit neuer EP im Gepäck.	KOLLEKTE 20 UHR
10.06	<b>HINTERWÄLDLER</b> Singen drüstimmig Country und Folksongs, aber uf Mundart. Herzschmerz, Schnaps und Vieh.	KOLLEKTE 15 UHR
16.06	<b>VESTE</b> Ist das Resultat von Singer-Songwritertum mit Synthklängen Drummaschines und Reduziertheit	KOLLEKTE 20 UHR
17.06	<b>WM: SCHWEIZ-BRASILIEN</b> Bei schönem Wetter im Garten auf der Leinwand mit feinem Mojito	EINTRITT FREI 20 UHR
22.06	<b>WM: SCHWEIZ-SERBIEN</b> Bei schönem Wetter im Garten auf der Leinwand mit feinem Sliwowitz	EINTRITT FREI 20 UHR
27.06	<b>WM: SCHWEIZ-COSTA RICA</b> Bei schönem Wetter im Garten auf der Leinwand mit erfrischendem Daiquiri	EINTRITT FREI 20 UHR
30.06	<b>SHEEP ON THE MOON</b> Die Songs von Sheep on the Moon oszillieren zwischen Americana, Folk, Blues und Rock	KOLLEKTE 21 UHR

PLATTEN-TAUFE

نام گروه:

این بخش می توانی خود را امتحان کنی که آیا به اهدافی که برای یادگیری در نظر گرفته شده است رسیدی یا نه.

تقریباً بهترین های زیر را حل کن و در بخش راه حل ها کنترل کن که چه نمره ای را گرفتی. پیشنهاد ما در جدول زیر.

امتیاز

0-50

این فصل را دوباره از اول تکرار کن.

51-80

به اندازه کافی خوب است. شاید بهتر باشد که مبحث های درسی را تکرار کن.

81-100

عالی! میتوانی با فصل بعدی شروع کنی.

### نکته در مورد ارزیابی

به یاد داشته باش که آلمانی سوئیسی نوشته نمی شود. بنابراین می توانی طریق نوشتاری voCHAbular را استفاده کنی و بنویسی. این به عهده تو است. وقتی که پاسخ های خود را در بخش راه حل ها کنترل می کنی بهتر است به این نکته توجه داشته باشی. مثال: وقتی پاسخ صحیح *nää* ('گرفتن') باشد و تو *näh* نوشته باشی، هم درست است. ولی وقتی *naa* بنویسی به طوری که اشتباه تلفظ شود و یا *nähme* که اشتباه نوشته شده است غلط است.

## D1

### توضیح بده که در اوقات فراغت چه کارهایی انجام می دهی

### D1.1



زمان حال ساده یا شکل *am*؟ در جملات زیر جایی را پیدا کن که فعل در آن گم شده است و کلمه را در داخل قوس (پرانتز) به شکل صحیح قرار بده (2 امتیاز در هر جمله).

Laa dini Schwöschter in Rue, si! (*üebe*)

Im Winter mer amigs am Üetlibärg go schlittle. (*gaa*)

Metal hani nöd gärn, die mer aifach z luut! (*singe*)

Ich glaub, de Oskar hät schlächti Luune, er i siim Zimer. (*uusrüäfe*)

De Roger doch scho lang nüm Tennis. (*schpile*)

D Josie sitem achi das noie-n Album. (*lose*)

Inere Band si Gitarre. (*schpile*)



## D1.2



برای این تمرین به کسی نیاز داری که به خوبی زبان سوئیسی-آلمانی صحبت کند. تعریف کن که در اوقات فراغت چه کارهایی را دوست داری انجام دهی. سپس از او بخواه تا تو را ارزیابی کند: ۲۰ امتیاز اگر طرف مقابلت همه چیز را خوب فهمیده باشد و ۰ امتیاز اگر او اصلاً چیزی نفهمیده باشد. امتیازهای بین این دو نیز امکان‌پذیر است.

## D1.3



متن کوچک زیر را بخوان و سپس بررسی کن کدام یک از جملات زیر صحیح است (در هر پاسخ 3 امتیاز).

D Lea isch gad Boxe-n am Uusprobiere. Ich han ire gsait, das isch doch mega de Maneschport, aber si hät gfunde, das seg es Vorurteil. Jetzt ischsi zwaimal i de Wuche am Trainiere und verzelt schtändig luschtigi Gschichtli. Ich bi scho fascht echli niidisch, aber für miich wär das glich nüüt. Si wott s äbe und si isch sogar guet! Jetzt isch imene Monet ires erschte Boxturnier, da mueni si dän unbedingt go aa füüre. Ich bi jetzt scho mega am fiebere!

Richtig Falsch

- |  |                          |                          |
|--|--------------------------|--------------------------|
| 1) D Lea isch sit es paar Jaar Boxerin.                | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
| 2) D Fründin vo de Lea hät si vo Aafang aa ermuetiget. | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
| 3) D Lea erläbt bim Training luschtigi Sache.          | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
| 4) D Fründin vo de Lea wär s au gärn uusprobiere.      | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
| 5) D Fründin vo de Lea wott an es Turnier gaa.         | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |



Ich froie mich uf mine erschte Boxkampf.

## D2.1



افعال را در متن زیر قرار بده و فرم صحیح را انتخاب کن (1 امتیاز در هر جمله).

gaa / gsee / lauffe / lose / luege / chauffe / schliiffschüendle / schpile / schwüme

- 1) Moorn \_\_\_\_\_mer de noi Film vom Tarantino.
- 2) Häsch d Bilet scho \_\_\_\_\_?
- 3) Ich wür megagärn mal wider uf em Vierwaldstettersee go \_\_\_\_\_.
- 4) Moorn i de Fr \_\_\_\_\_ mer uf de Üetliberg.
- 5) Wämmer nöd früe gnueg en Platz sueched, \_\_\_\_\_ mer wider nüüt.
- 6) Häsch Luscht, am Samschtig a s Konzert z \_\_\_\_\_?
- 7) I de Feerie chömmer dän wider italiänischs Radio \_\_\_\_\_.
- 8) Im Sumer \_\_\_\_\_ i de Schwiiz vil Lüt gärn i Flüss und See'e.
- 9) \_\_\_\_\_ er am Wuchenänd en Matsch?

## D2.2



به متن به صورت کامل گوش بده. سپس به سوالات زیر (در هر پاسخ ۳ امتیاز) پاسخ بده.

- |                         |   |   |
|-------------------------|---|---|
| Wie söl s Wätter wärde? | <input type="checkbox"/> chüel                  | <input type="checkbox"/> warm                 |
| <hr/>                   |   |   |
| Wän gönd die zwai loos? | <input type="checkbox"/> sibni                  | <input type="checkbox"/> ahti                 |
| <hr/>                   |   |   |
| Wän ässed si es Glacé?  | <input type="checkbox"/> vor em Film            | <input type="checkbox"/> über de Film         |
| <hr/>                   |   |   |
| Was luegedsi?           | <input type="checkbox"/> Kataschtroofe-Film     | <input type="checkbox"/> Si wüssed s nöd      |
| <hr/>                   |   |   |
| Wän de Film doof isch,  | <input type="checkbox"/> ...göndsi früener hai. | <input type="checkbox"/> ..ässed si es Glacé. |
| <hr/>                   |   |   |

K1 -  
Audio D2.2



öppis go trinke / sich entschpane / öppis go aaluege / öppis poschte

## D3.1



در اینجا چه کاری می توانی انجام دهی؟ فعالیت ها را از لیست به برچسب های زیر اختصاص بده (برای هر پاسخ صحیح 2 امتیاز).



## D3.2



کدام سوال مناسب کدام پاسخ است؟ (2 امتیاز در هر جفت اختصاص بده).

- |   |  |
|---|--|
| 1 Wän isch di nööchscht Vorschtelig?      | a Ja, wi vil bruuched Si?                |
| 2 Wi vil isch der litritt?                | b Das Konzärt isch absait.               |
| 3 Hät s no Plätz im Stadion?              | c De Film laufft erscht wider morn.      |
| 4 Wiso simmer da ine alai?                | d Sicher nöd, das isch doch so chatt!    |
| 5 Git s da i de Nööchi Pingpong-plattene? | e Hüüt ischs graatis.                    |
| 6 Chunsch mit go schwüme?                 | f Är isch vol am Schlaaffe, gäl.         |
| 7 Wi findsch das noie-n Album?            | g Ich glaub dune bi de Schuel häts aini. |
| 8 Was isch mit em Goalie loos?            | h Si hät scho besseri Sache gmacht.      |



# پستیم مدرسه 2.

## اهداف یادگیری

تو می توانی ...

... در مدرسه در جلسه ها با معلمان و دیگر والدین صحبت کنی.  
... اطلاعات لازم درباره اینکه چگونه در سوئیس ادامه تحصیل بدهیم و  
چگونه یک کارآموزی را انجام بدهیم، بدست بیاوری.

# Was oisi Chind ales für Möglichkaite händ

## A1

پس از جلسه والدین و معلمان کلاس ششم درباره ورود به دوره راهنمایی، راسمیرا مادر سلین و هلگر پدر فابیو درباره مسائل مدرسه فرزندانشان صحبت می کنند.



به گفتگوی بین راسمیرا و هلگر گوش بده.

K2 -  
Audio A1



**Rasmira:**

«S isch schpanend, namal z ghööre, was oisi Chind ales für Möglichkaite händ nach de sächste Klass. D Gimi-prüeffig wird glaub rächt schwirig.»

**Helger:**

«Jaa, de Fabio wott lieber i d Sek. Är waiss jetz scho, das er wott Choch wärde, da chaner nach de Sek grad e Leer aafange. Aber ich glaub, für d Selin wird s Gimi nöd eso schwirig. De Fabio hät verzelt, das si imer seer gueti Note hät.»

**Rasmira:**

«Jaa, das schtimt. Mir sind seer schtolz, das si so guet isch i de Schuel und würed ois froie, wän sie d Uufnameprüeffig für s Gimi schaffe wür. Für miich und min Maa wär s natürlu au in Ornig, wän si i d Sek wür gaa, aber si wett unbedingt Ärztin wärde und für daas bruuchtsi s Gimi.»

**Helger:**

«Wow, da hät si es groosses Ziil vor Auge. Dän hoffi, das si d Uufnameprüeffig schafft. Ich wünsch ire vil Erfolg!»

**Rasmira:**

«Danke, Helger, ich richte s ire-n uus. Bis glii!»

**Helger:**

«Bis dän, tschüüs, Rasmira.»



# تمرینات مقدماتی

## A2



Was wett de Fabio mache nööchscht Jahrr?

I s Gimi gaa.

I d Sek gaa.

Är waiss es nanig.

پاسخ های صحیح را علامت بزیند. شما همچنین می توانید دوباره به گفتگو گوش دهید.

Was für en Brueff wett d Selin lärne?

Chöchin

Ärztin

Gimileererin

## A3



چه چیزی به چه کسی مربوط می شود؟ لغات را به نام های صحیح وصل کنید.

Selin

Fabio

Ärztin

Sek

müest vil lärne

Rasmira

Choch

Gimi

Helger

seer gueti Noote

## سیستم آموزشی در سوئیس

یا می تواند بعد از دبستان به یک دبیرستان بلنمدت (Gimi) تغییر دهد. برای این کار هم باید در آزمون ورودی شرکت کند. Gimi شش سال طول می کشد و به اصطلاح با Matura به پایان می رسد. با این کار می تواند در دانشگاه ها تحصیل کند.

ارتباطات متقاطع (امکان تغییر رشته) مختلفی بین دبیرستان و سایر مسیرهای آموزشی وجود دارد. به عنوان مثال، می توانید با شرکت در امتحان از دبیرستان به یک دبیرستان کوتاه مدت بروید یا بعد از دبیرستان در مدارس راهنمایی مختلف شرکت کنید.

در سوئیس، مدرسه با مهد کودک شروع می شود. پس از دو سال، کودکان به مدرسه ابتدایی می روند که در اکثر کانتون ها شش سال طول می کشد. بعد از کلاس ششم امکان مختلفی وجود دارد.

یکی مدرسه متوسطه (Sek) است که ساختار آن بسته به کانتون تا حدودی متفاوت است و سه سال طول می کشد. پس از تمام شدن دوره متوسطه، آدم می تواند یک کارآموزی را شروع کند - سپس حرفه ای را یاد می گیرد و در همان حال کار می کند، اما در همان زمان برای دو تا سه روز به مدرسه کارآموزی می رود.

CH

فارسی/دري

DE

**d Klass (d Klasse)**

I welere Klass bisch jetz?

کلاس

حالا تو کدام کلاس هستی؟

**Klasse**

In welcher Klasse bist du jetzt?

**d Noote (d Noote)**

E schlächti Noote isch au kän Wältundergang.

نمره

یک نمره بد پایان دنیا نیست.

**Note**

Eine schlechte Note ist auch kein Weltuntergang.

**s Gimi (d Gimis)**

Nöd ali müend i s Gimi gaa.

دبیرستان

همه که نباید به دبیرستان بروند.

**Gymnasium**

Nicht alle müssen aufs Gymnasium gehen.

**d Sek (-)**

Mini beschte Koleegine hani i de Sek käneglärnt.

دوره راهنمایی

با بهترین دوستم در دوره راهنمایی آشنا شدم.

**Sek, Sekundarstufe**

Meine besten Freundinnen habe ich in der Sek kennengelernt.

**d Uufnaam (d Uufname)**

Für d Uufnaam müender e Prüeffig ablegge.

پذیرش

برای پذیرش باید یک امتحان بدهید.

**Aufnahme**

Für die Aufnahme müsst ihr eine Prüfung ablegen.

**der ghöört haa Erfolg (d Erfölg)**

Was findsch wichtiger, Erfolg i de Schuel oder Erfolg im Läbe?

موفقیت

به نظر شما موفقیت در مدرسه مهمتر است یا موفقیت در زندگی؟

**Erfolg**

Was findest du wichtiger, Erfolg in der Schule oder Erfolg im Leben?

**lange (hät glanget)**

D Leererin hät gsait, sini Noote langed nöd.

کافی بودن

معلم گفت نمرات او به اندازه کافی خوب نیست.

**reichen, genügen**

Die Lehrerin hat gesagt, dass seine Noten nicht genügen.

**d Möglichkait (d Möglichkaite)**

Ich wünsch mer für mis Chind vil verschideni Möglichkaite.

امکانات

آرزو می کنم فرزندم گزینه های مختلفی داشته باشد.

**Möglichkeit**

Ich wünsche mir für mein Kind viele verschiedene Möglichkeiten.

**s Ziil (d Ziil)**

Ires Ziil isch s KV.

هدف

هدف او(خانم) یک کارآموزی به عنوان بازرگان است.

**Ziel**

Ihr Ziel ist die kaufmännische Lehre.



**hööch (hööcher)**

Am Ahmed sini Ziil sind no  
hööcher wi s Schuelhuus.

بلند

اهداف احمد بلندتر از ساختمان مدرسه  
هستند.

**hoch**

Ahmeds Ziele sind noch hö-  
her als das Schulhaus.

**de Choch/ d Chöchin (d  
Chöch\*inne)**

Verdient me als Choch  
guet?

آشپز

آیا به عنوان آشپز حقوق خوبی دریافت  
خواهیم کرد؟

**Koch/ Köchin**

Verdient man als Koch gut?

**froo (-)**

Wo-n i das ghöört ha, bin i  
megafröö gsii.

خوشحال

وقتی شنیدم، خیلی خوشحال شدم.

**froh**

Als ich das hörte, war ich  
total froh.

**schtolz (schtölzer)**

Mis Mami isch mega-  
schtolz uf miich.

افتخار

مادرم واقعا به من افتخار می کند.

**stolz**

Meine Mama ist echt stolz  
auf mich.

**schwirig (schwiriger)**

Isch s Gimi nöd echli z  
schwirig?

سخت

آیا دبیرستان یک کم سخت نیست؟

**schwierig**

Ist das Gymi nicht ein biss-  
chen zu schwierig?

**schpanend (schpanender)**

De Film isch megaschpa-  
nend gsii!

جالب

فیلم واقعا جالب بود!

**spannend**

Der Film war mega span-  
nend!

**schtume (hät gschtume)**

Was du jetz verzelsch,  
schtimt überhaupt nöd.

صحیح بودن

چیزی که تو میگی، اصلا حقیقت ندارد.

**stimmen**

Was du jetzt erzählst, stimmt  
überhaupt nicht.

**uusrichte (hät uus  
grichtet)**

Si isch ged nöd dihai - söli  
öppis uusrichte?

ارسال پیام

او در حال حاضر خانه نیست - می خواهی  
من پیام بدهم؟

**ausrichten**

Sie ist gerade nicht zu Hause  
- soll ich etwas ausrichten?

**glii**

Mir gseend ois ja dän glii  
wider.

به زودی

ما به زودی یکدیگر را دوباره ملاقات خواهیم  
کرد.

**bald**

Wir sehen uns ja dann bald  
wieder.

**rächt**

Die Hefter sind aber rächt  
tüür, nööd?

تقریبا

دفترچه ها تقریبا خیلی گران هستند، مگه نه؟

**recht, ziemlich**

Die Hefte sind aber ziemlich  
teuer, nicht?

**in Ornig**

Ischs in Ornig, wän i echli  
schpööter chume?

اوکی

مشکلی نیست اگر من یک کمی دیرتر بیام؟

**In Ordnung**

Ist es in Ordnung, wenn ich  
ein bisschen später komme?

*ja* نه تنها هنگام پاسخ دادن به یک سوال، بلکه اغلب در وسط یک جمله نیز گفته می شود. وقتی به چیزهایی اشاره می کنید که طرف مقابل از قبل می داند یا فکر می کنید درباره آن ها موافق هستید، این کار را انجام می دهید: *D Züüg sind ja maischtens pünktlich*. «قطارها معمولاً سر وقت هستند (همانطور که هر دوی ما می دانیم.)»، *Me leert ja nöd nur für d Schuel*. «شما فقط برای مدرسه یاد نمی گیرید (-) مطمئنم که با من موافق خواهید بود.» گاهی اوقات زمانی که ناگهان چیزی را تشخیص می دهید که واقعاً واضح است از آن استفاده می کنید: *Das bi ja iich uf däm Fotti* «این من در عکس هستم!»

K2 -  
Hauptwortschatz



# دستور زبان

## گذشته

قبلاً زمان گذشته را یاد گرفتیم. ما آنها را در اینجا تکرار می کنیم و کمی عمیق تر یاد می گیریم. در اینجا شکل یک فعل با قاعده آمده است *mache* :

اول شخص مفرد	ich ha gmacht	من کردم	ich habe gemacht
دوم شخص مفرد	du häsch gmacht	تو کردی	du hast gemacht
سوم شخص مفرد	är/si/es hät gmacht	او کرد	er/sie/es hat gemacht
اول شخص جمع	mir händ gmacht	ما کردیم	wir haben gemacht
دوم شخص جمع	ir händ gmacht	شما کردید	ihr habt gemacht
سوم شخص جمع	si händ gmacht	آنها کردند	sie haben gemacht

معنی این زمان آسان است - آن را برای هر چیزی که در گذشته است استفاده کن. برخلاف آلمانی استاندارد، لازم نیست بین زمان ماضی نقلی (*ich habe gemacht*) و ماضی ساده (*ich machte*) تفاوتی قائل شوی - گذشته کامل تنها زمان گذشته است که نیاز داری. برای تشکیل زمان گذشته، به یک فعل کمکی (در بالا *haa*) و یک فعل (در بالا: *gmacht*) نیاز داری. با برخی از افعال، فعل کمکی *haa* نیست، بلکه *sii* «بودن» است، به عنوان مثال در *gaa*.

اول شخص مفرد	ich bi ggange	من رفتم	ich bin gegangen
دوم شخص مفرد	du bisch ggange	تو رفتی	du bist gegangen
سوم شخص مفرد	är/si/es isch ggange	او رفت	er/sie/es ist gegangen
اول شخص جمع	mir sind ggange	ما رفتیم	wir sind gegangen
دوم شخص جمع	ir sind ggange	شما رفتید	ihr seid gegangen
سوم شخص جمع	si sind ggange	آنها رفتند	sie sind gegangen

باید یاد بگیری که برای هر فعل به کدام فعل کمکی نیاز داری. گذشته فعل تقریباً همیشه با *g* شروع می شود و با *(e)t* (افعال با قاعده) یا *e(-n)* (افعال بی قاعده) به پایان می رسد. توجه داشته باشید که *-g* می تواند با برخی صداها ادغام شود یا حتی به طور کامل ناپدید شود:

صدا	<i>g-</i>	صدا	مثال		
<i>b-</i>	<i>p-</i>		<i>bäle, pält</i>	غوغو کردن	<i>bellen, gebellt</i>
<i>d-</i>	<i>t-</i>		<i>dänke, tänkt</i>	فکر کردن	<i>denken, gedacht</i>
<i>ch-</i>	<i>k-</i>		<i>cheere, keert</i>	چرخیدن	<i>kehren, gekehrt</i>
<i>p-</i>	<i>p-</i>		<i>poltere, polteret</i>	سرو صدا کردن	<i>poltern, gepoltert</i>
<i>t-</i>	<i>t-</i>		<i>tanke, tankt</i>	سوخت گیری کردن	<i>tanken, getankt</i>
<i>k-</i>	<i>k-</i>		<i>käne, kánt</i>	شناختن	<i>kennen, gekannt</i>

در موارد با *-e(-n)* اغلب گذشته فعل تغییر می کند. باید چنین فرم هایی را حفظ کنی. آنها بیشتر مثل آلمانی استاندارد هستند، به عنوان مثال *binde, punde* "بند شدن، بند شد" مثل *binden, gebunden* یا *flüüge, gflöge* "پرواز کردن، پرواز کرد" بسیار شبیه به *fliegen, geflogen*. گاهی اوقات شکل آلمانی سوئیس کاملاً متفاوت است:

Grundform	Partizip II	Grundform	Partizip II	Bedeutung
فعل مصدر	فعل گذشته	فعل مصدر	فعل گذشته	معنی
<i>choo</i>	<i>choo</i>	<i>kommen</i>	<i>gekommen</i>	آمدن
<i>enttüsche</i>	<i>enttosche</i>	<i>enttäuschen</i>	<i>enttäuscht</i>	نامید کردن
<i>haa</i>	<i>ghaa</i>	<i>haben</i>	<i>gehabt</i>	داشتن
<i>mälde</i>	<i>gmolde</i>	<i>melden</i>	<i>gemeldet</i>	گزارش کردن
<i>nää</i>	<i>gnoo</i>	<i>nehmen</i>	<i>genommen</i>	گرفتن
<i>schimpfe</i>	<i>gschumpfe</i>	<i>schimpfen</i>	<i>geschimpft</i>	بد و بیراه گفتن
<i>sii</i>	<i>gsii</i>	<i>sein</i>	<i>gewesen</i>	بودن

برای اکثر افعال کمکی، *Partizip II* در آلمانی سوئیس دقیقاً مشابه شکل اصلی است:

Grundform	Partizip II	Grundform	Partizip II	Bedeutung
فعل مصدر	فعل گذشته	فعل مصدر	فعل گذشته	معنی
<i>chöne</i>	<i>chöne</i>	<i>können</i>	<i>gekonnt</i>	توانستن
<i>dörfe</i>	<i>dörfe</i>	<i>dürfen</i>	<i>gedurft</i>	اجازه داشتن
<i>müese</i>	<i>müese</i>	<i>müssen</i>	<i>gemusst</i>	مجبور بودن
<i>söle</i>	<i>söle</i>	<i>sollen</i>	<i>gesollt</i>	باید
<i>wele</i>	<i>wele</i>	<i>wollen</i>	<i>gewollt</i>	خواستن



# تمرین ها

## B1



زمان گذشته این افعال را در ستون صحیح جدول بنویسید.

choo / maale / rächne / schpile / wele / hälfe / sich entschpane / sii /  
dänke / troime / hocke / faare / müese

Haa	Sii

## B2



جملات زیر را در زمان گذشته قرار داده و ترجمه کنید.

Oisi Chind sind scho i de sächste Klass.

.....  
.....

De Fabio wott nöd i s Gimi.

.....  
.....

Mir sind seer shtolz uf iri Laischtig.

.....  
.....

Ich mues megavil lärne für s Düütsch.

.....  
.....

Ir sind i de Schuel imer echli am Troime.

.....  
.....

با کلمات داده شده جمله بسازید.

Mir	nöd gern	di beschte Noote	aa gfange
D Selin	mega-	schwirig	wele
D Lektion	geschter	d Uufnameprüeffig	gsii
De Fabio	imer	am halbi achti	gschafft
D Mattiprüeffig	normaalerwiis	i s Gimi	ggange

مثال: *D Mattiprüeffig isch megaschwirig gsii.*



## B4



در اینجا می توانید برنامه درسی سلین و فابو را مشاهده کنید.

## B4.1



سلین برنامه درسی را در خانه برای مادرش توضیح می دهد. به توضیحات گوش دهید و موضوعاتی را که برای شما جدید هستند یا در آلمانی سوئیسی متفاوت هستند علامت بزنید.

	Montag	Dienstag	Mittwoch	Donnerstag	Freitag
07:30-08:15			NMG	Musik	Sport
08:20-09:05	Mathematik	Deutsch	Mathematik	NMG	Sport
09:05-09:50	NMG	Französisch	Deutsch	TTG	Sport
10:15-11:00	BG	Deutsch	Medien & Informatik	TTG	Französisch
11:05-11:50	BG	Musik	NMG	TTG	Mathematik
Mittag					
13:40-14:25	Bibliothek	Sport		NMG	Deutsch
14:30-15:15	NMG	Sport		Englisch	NMG

K2 -  
Audio B4.1



[be.lehrplan.ch](https://be.lehrplan.ch)

در اینجا می توانید بخوانید که کدام درس در مدارس سوئیس تدریس می شود و اختصارات جدول زمانی بالا توضیح داده شده است.

## B4.2

درس مورد علاقه سلین چیست؟



دوباره به توضیحات گوش دهید و به این سوالات به زبان آلمانی سوئسی پاسخ دهید.

- Düütsch
- Schport
- Matti

K2 -  
Audio B4.1



او چهارشنبه بعدازظهر چه می کند؟

- Si gaat i d Schuel, wi jede Taag.
- Si lärnt für d Schuel.
- Si gaat i s Fuessbaltraining.

در حال حاضر کلاس سلین در *NMG* (طبیعت، انسان، جامعه) با چه موضوعی سروکار دارد؟

- d Umwält
- s Wätter
- Religione

## B5



در مورد زمان مدرسه رفتن خود با استفاده از زمان گذشته توضیح دهید. عبارت‌های داخل جعبه می‌توانند به شما کمک کنند.

I de Schuel hani am liebschte ... / bini am liebschte ...  
Mis Lieblingsfach isch ... gsii  
... hani nie gärn gmacht.  
Wo-n i öppe sächsi gsii bin, ...  
I minere Freiziit hani ... / bini ...

Platz für Notizen:

## C1



مکالمه را به صورت کامل بخوان.

## Wotsch wükli namal i d Schuel?

	<i>De Bereket und d Vanessa un- derhaltet sich bim Znacht.</i>	برکت و ونسا سر شام با هم صحبت می کنند.
<b>B:</b>	Los, ich han emal mit dir wele rede.	گوش کن، می خواستم با تو صحبت کنم.
<b>V:</b>	Ui, jetzt machsch es aber schpa- nend.	اوه، حالا داری هیجان انگیزش می کنی.
<b>B:</b>	Und zwar hani überlait ... ich wür gärn d Matuur naahole.	و من در مورد آن فکر کردم ... من می خواهم دیپلم خود را به انجام برسانم.
<b>V:</b>	D Matuur, sicher? Wotsch wükli namal i d Schuel?	دیپلم، واقعا؟ آیا واقعا می خواهی به مدرسه برگردی؟
<b>B:</b>	Ja nai, das nöd diräkt. Aber ich han aifach kai Luscht mee uf min Job und wür gärn öppis Nois leere, zum Biischpil Ingenieur. Aber wän i wott schtudiere, bruuchi äbe zerscht d Matuur.	خوب نه، نه مستقیماً. اما من دیگر دوست ندارم کار کنم دوست دارم چیز جدیدی یاد بگیرم، مثلاً یک مهندس. اما اگر بخواهم درس بخوانم اول نیاز به مدرک تحصیلی دیپلم دارم.
<b>V:</b>	Das isch esoo, jaa. Das gaat dän aber rächt lang, nööd?	درست است، بله. این خیلی طولانی است، اینطور نیست؟
<b>B:</b>	Ja genau, drüü Jaar duuret s mindeschtens.	بله دقیقاً، حداقل سه سال طول می کشد.
<b>V:</b>	Chömmer ois das überhaupt laischte?	آیا ما می توانیم هزینه آن را بپردازیم؟
<b>B:</b>	Waiss nöd, durum hani äbe wele luege mit diir. Me chan au näbe- bii wiiterschaffe, dän gaats no chli lenger, aber de Schtutz gaat nöd uus. Fünfzg Prozänt chönti sicher mache.	منمی دونم، برای همین می خواستم با تو نگاه کنیم. همچنین می توان به کار کناری ادامه داد، سپس کمی بیشتر طول می کشد، اما پول هم تمام نمی شود. من می توانم کار پنجاه درصد مطمئناً انجام دهم.
<b>V:</b>	Hm, chönt scho länge dän. Aber sorry, ich mues mer das zerscht mal dur de Chopf la gaa. Aiget- lich gfalts mer, das du öppis Nois wottscht mache, aber äbe...	هوم، آن وقت ممکن است کافی باشد. اما متأسفم، اول باید به این موضوع فکر کنم. من خوشم می آید که می خواهی کار جدیدی انجام دهی، اما خب...
<b>B:</b>	Geesch, das isch doch scho mal en Aafang. Und de Rescht entschaidemer zäme, isch guet?	ببین، این یک شروع است. و بقیه چیزها را با هم تصمیم می گیریم، باشه؟



**d Matuur**

D Matuur hani mit linggs gmacht.

ديپلم دبیرستان

ديپلم دبیرستان را با دست چپ انجام دادم.  
(برایم آسان بود)

**Matur**

Die Matur habe ich mit links gemacht.

**schtudiere (hät gschtudiert)**

Ich hett gärn gschtudiert, aber mini Eltere händ s nöd wele.

دانشگاه رفتن

من دوست داشتم به دانشگاه بروم، اما پدر و مادرم نمی خواستند.

**studieren**

Ich hätte gern studiert, aber meine Eltern wollten es nicht.

**der Aafang (d Aafäng)**

Ich ha der Aafang vom Film verpasst!

آغاز، شروع

من شروع فیلم را از دست دادم!

**Anfang**

Ich habe den Anfang vom Film verpasst!

**de Rescht (d Reschte)**

Daa, de Rescht chasch haa.

باقیمانده

بیا باقیمانده اش را می توانی داشته باشی.

**Rest**

Hier, den Rest kannst du haben.

**duure (hät tuuret)**

D Zuugfaart alai duuret drüü Schtund.

طول کشیدن

سفر با قطار به تنهایی ۳ ساعت طول می کشد.

**dauern**

Die Zugfahrt alleine dauert drei Stunden.

**naahole (hät naa gholt)**

I däre Schtund bini chrank gsii. Ich mues de Schtoff no naa hole.

تکرار کردن، جبران کردن

سر این درس من بیمار بودم. من باید مطالب درسی را جبران کنم.

**nachholen**

In der Stunde war ich krank. Ich muss den Stoff noch nachholen.

**de Job (d Jöbs)**

En guete Job isch vil wärt.

شغل

یک کار خوب ارزش زیادی دارد.

**Job**

Ein guter Job ist viel wert.

**d\*e Ingenieur\*in (d Ingenieur\*inne)**

Min Vatter isch Ingenieur gsii und hät überall Brugge poue.

مهندس

پدرم مهندس بود و همه جا پل ساخت.

**Ingenieur\*in**

Mein Vater war Ingenieur und hat überall Brücken gebaut.

**s Prozänt (d Prozänt)**

Ich schaff im Momänt fünfzig Prozänt.

درصد

من در حال حاضر پنجاه درصد کار می کنم.

**Prozent**

Ich arbeite im Moment fünfzig Prozent.

**de Schtutz**

Wisö isch am Änd vom Schtutz no so vil vom Monat voorig?

پول

چرا پول تمام میشود ولی از ماه زیاد باقی میماند؟

**Geld**

Wieso ist am Ende des Geldes noch so viel vom Monat übrig?

**uusgaa (isch uusggange)**

Ois gaat glii s WC-Papiir uus.

تمام شدن، خالی شدن

به زودی دستمال توالت ما تمام می شود.

**ausgehen, sich leeren**

Uns geht bald das Toilettenpapier aus.

**sich laischte (hät sich glaischtet)**

So-n es tüürs Hotel chömer ois nöd laischte.

استطاعت داشتن، توانایی مالی داشتن

هتل به این گرانی را ما نمی توانیم پرداخت کنیم.

**leisten**

So ein teures Hotel können wir uns nicht leisten.

**sich underhalte (händ sich underhalte)**

Mir zwai müend ois emal underhalte.

صحبت کردن

ما دو تا باید یکبار با هم صحبت کنیم.

**sich unterhalten**

Wir zwei müssen uns mal unterhalten.

**entschaide (hät entschide)**

Si hät sich entschide, im Uusland z schtudiere.

تصمیم گرفتن

او تصمیم گرفت که در خارج تحصیل کند.

**entscheiden**

Sie hat sich entschieden, im Ausland zu studieren.

**dur**

Als Chind simmer oft dur s Faischter i s Huus gschtige.

از طریق، توسط

در کودکی اغلب از طریق پنجره وارد خانه می شدیم

**durch**

Als Kinder sind wir oft durch das Fenster ins Haus gestiegen.

**näbebi**

Si schtudiert und schafft näbebi.

درکنار

او در کنار تحصیل کار هم می کند.

**nebenbei**

Sie studiert und arbeitet nebenbei.

**diräkt**

Si hät diräkt nach de Schule aagfange schaffe.

مستقیم، بلافاصله

او بلافاصله بعد از مدرسه شروع به کار کرد

**direkt**

Sie hat direkt nach der Schule angefangen, zu arbeiten.

**aifach**

S isch aifach ungrächt, das si imer gueti Noote überchunt!

ساده

این فقط بی انصافی است که او همیشه نمرات خوبی می گیرد!

**einfach**

Es ist einfach ungerecht, dass sie immer gute Noten bekommt!

**durum**

Ich bi vercheltet. Durum hani au geschter nöd chöne choo.

به همین دلیل

من سرما خوردم. به همین دلیل دیروز هم نتونستم بیام.

**deshalb**

Ich bin erkältet. Deshalb konnte ich auch gestern nicht kommen.

**sicher**

De Andrew isch sicher vo Kanada.

مطمئننا

اندرو مطمئننا اهل کانادا هست.

**sicher**

Andrew ist sicher aus Kanada.

## überhaupt

Wiso isch überhaupt d  
Türe-n offe?

اصلا

اصلا چرا در (دروازه) باز است؟

## überhaupt

Wieso ist überhaupt die Türe  
offen?

## hm

Hm, mir falt aifach sin  
Name nüm ii.

همم

هوم، فقط اسمش را به خاطر نمی آورم.

## hm

Hm, mir fällt einfach sein  
Name nicht mehr ein.

## sorry

Sorry, ich ha di nöd gsee!

ببخشید

ببخشید، من تو را ندیدم.

## Entschuldigung

Entschuldigung, ich habe  
dich nicht gesehen!

## doch

-هنوز، با این حال

## doch

اگر فکر می کنید چیزی درست است، اما نفر مقابل شما ممکن است نظر دیگری داشته باشد - آنگاه می توانید دیدگاه خود را با **doch** برای نفر مقابل خود قویتر تأیید کنید یا از همتای خود جواب بخواهید: *Das isch doch guet, da müemer nüm diskutierte*.  
"اشکالی ندارد، دیگر لازم نیست در مورد آن بحث کنیم"، *Du bisch doch d Tsov, oder?* "تو Tsov هستی، نه؟"  
*Das isch doch en Risebschiss*. "این یک مزخرف بزرگ است".

## ui

او **Ui, oh, huch**

*Ui*، برای موقع شگفت انگیز است. *Ui, isch das Buech schwäär!* او ای این کتاب سنگین است!  
*etzt hät s mer di ganz Datei glöscht. - Ui nai!* او ای حالا تمام اطلاعات من پاک شده است. اوه عزیزم!

K2 -  
Zusatzwortschatz 1



## C1.1



تمام شکل های فعل را در متن C1 پیدا کنید. زمان گذشته را به زمان حال تغییر دهید (مثال *ich haa ghöört* → *ich ghööre*).

تمام اشکال و زمان های دیگر را در زمان گذشته قرار دهید (مثال: *ich gseene* → *ich haa gsee*).

گذشته

حال

## C1.2



متن C1، برکت برای اولین بار در مورد ایده خود به ونسا گفت. سپس ونسا می خواست به همه چیز فکر کند. تصور کنید که اکنون این اتفاق افتاده است و آن دو دوباره صحبت می کنند. دوستی پیدا کنید و مکالمه دوم را با هم اجرا کنید - در نقش برکت و ونسا.

Platz für Notizen:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

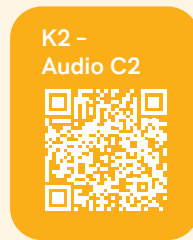
.....

.....

.....



کلمات جدید این بخش را یاد بگیر و سپس یک بار به دیالوگ گوش بده. فقط پس از آن به تمرینات بپر.



## CH

## فارسی/دري DE

**d Primaarschuel (d Primaarschuele)**

I de Primaarschuel hani Matti am liebschte ghaa.

دبستان

در دبستان عاشق ریاضی بودم.

**Primarschule**

In der Primarschule hatte ich Mathe am liebsten.

**s Klasseträffe (d Klasseträffe)**

Nach zää Jaar cha-n es Klasseträffe rächt intressant sii.

تجدید دیدار کلاس

بعد از ده سال، یک تجدید دیدار کلاس می تواند بسیار جالب باشد.

**Klassentreffen**

Nach zehn Jahren kann ein Klassentreffen recht interessant sein.

**d Uusbildig (d Uusbildige)**

Mini Uusbildig isch zimli lang ggange.

تحصیلات

تحصیلات من خیلی طول کشید.

**Ausbildung**

Meine Ausbildung hat ziemlich lange gedauert.

**d Leer (d Leere)**

Mitere Leer chame schnäller aafa schaffe.

کارآموزی

با یک دوره کارآموزی می توان سریعتر شروع به کار کرد.

**Lehre**

Mit einer Lehre kann man schneller anfangen zu arbeiten.

**de Bachelor**

Di maischte Bachelor gönd drüü Jaar.

کارشناسی

اکثر مدارک لیسانس سه سال طول می کشد.

**Bachelor**

Die meisten Bachelor dauern drei Jahre.

**bruefflich**

Mini bruefflich Zuekunft gseeni nanig so ganz.

به صورت حرفه ای

من هنوز آینده حرفه ای خود را کاملاً نمی بینم.

**beruflich**

Meine berufliche Zukunft sehe ich noch nicht so ganz.

**de Schurnalismus**

En unabhängige Schurnalismus isch wichtig für d Demokratii.

روزنامه نگاری

روزنامه نگاری مستقل برای دموکراسی مهم است.

**Journalismus**

Ein unabhängiger Journalismus ist wichtig für die Demokratie.

**s Marketing**

Du bisch e super Verchoiferin, gaan i s Marketing!

بازار یابی

تو فروشنده خوبی هستی، وارد بازاریابی شو!

**Marketing**

Du bist eine super Verkäuferin, geh ins Marketing!

**d Gärtnerei (d Gärtnerie)**

Die Gärtnerei isch uf Boim spezialisiert.

گلخانه

این گلخانه در زمینه درختان تخصص دارد.

**Gärtnerei**

Diese Gärtnerei ist auf Bäume spezialisiert.

**d Abwächslig**

Min Job isch echli langwii-  
lig, ich bruuch mee Ab-  
wächslig!

تنوع

کار من کمی خسته کننده است، من به تنوع بیشتری نیاز دارم!

**Abwechslung**

Mein Job ist etwas langweilig, ich brauche mehr Abwechslung!

**de Kompì (d Kompis)**

Din Kompì isch schiints kaputt, de Bildschirm isch schwarz.

کامپیوتر

کامپیوتر تو خراب به نظر می رسد، صفحه نمایش سیاه است.

**Computer**

Dein Computer scheint kaputt zu sein, der Bildschirm ist schwarz.

**verusse**

Verusse ischs hüüt zum Ässe-n echli chalt.

بیرون

امروز برای ناهار بیرون کمی سرد است.

**draussen**

Draussen ist es heute zum Essen ein bisschen kalt.

**d\*e Scheff\*in (d Scheffe/Scheffine)**

Min Scheff isch en gmögi-  
ge.

رئیس

رئیس من دوست داشتنی است

**Chef\*in**

Mein Chef ist ein sympathischer Typ.

**de Schaafseckel (d Schaafseckel)**

De Schaafseckel hät mini Brüle vertrampet!

احمق

احمق عینکم را له کرد!

**Blödmann, Idiot**

Der Blödmann hat meine Brille zertreten!

**s KV (kaa-fau)**

کارآموزی بازرگانی

**kaufmännische Lehre**

کارآموزی بازرگانی یک دوره آموزشی بسیار محبوب در سوئیس پس از دوره متوسطه B است: *I de Schwiiz mached megavil Jugendlich nach de Sek s KV*. «در سوئیس، بسیاری از جوانان بعد از دبیرستان KV را انجام می دهند.» KV به عنوان نقطه ورود به بسیاری از مشاغل تجاری عمل می کند.

**ume sii**

Isch d Chiara au ume?

آنجا بودن

کیارا هم اونجا هست؟

**da sein**

Ist Chiara auch da?

**grinse (hät ggrinst)**

Was grinsisch so?

پوزخند زدن

برای چی اینطوری پوزخند میزنی؟

**grinsen**

Was grinst du so?

**härzig (härziger)**

Jöö, das Büsi isch mega-härzig!

ناز، شیرین

ببین، گربه خیلی ناز است!

**niedlich, süß**

Schau mal, die Katze ist total süß!

**der Egge (d Eggene)**

Da im Egge hät s Schtaub.

گوشه

گرد و غبار در گوشه اینجاست.

**Ecke**

Hier in der Ecke ist Staub.

**eender**

Morn isch schlächt, am Mittwuch wäär eender guet.

نسبتا

فردا بد است، چهارشنبه بهتر است.

**eher**

Morgen ist es schlecht, Mittwoch wäre besser.

## also

Also, jetzt gömmer das emal dure.

بنابراین

خب حالا بیایید یک بار دیگر مرور کنیم.

## also

Also, jetzt gehen wir das mal durch.

## halt

اگر چیزی همینطوری است، که نمی توانید کاری در مورد آن انجام دهید یا بیشتر توضیح دهید، پس بهتر است این را در همان جمله بگویید.  
*halt: Das isch halt jetzt emal en Uusnaam* "این فقط یک استثناست!"،  
*Es Chind verschaat das halt nanig* "یک کودک هنوز این را درک نکرده است"،  
*D Schwiiz isch halt bärgig* "سوئیس بیشتر کوهستانی است".

## halt

## vol

*vol* می تواند صفت ها و افعال را تقویت کند *mega-: Das isch vol tüür* "این واقعا گران است!"،  
*Si isch vol am Schlaafe gsii* "او عمیقاً خوابیده بود". هنگامی که به تنهایی استفاده می شود، توافق کامل را بیان می کند:  
*De Gänfersee isch scho megaschöön. - Ja vol!* دریاچه ژنو بسیار زیبا است. - بله کاملاً!

## sehr



### C2.1



درست یا غلط؟  
یکبار به متن گوش بده.



لیزا به مدرسه راهنمایی رفت.

Richtig  Falsch

تین هم به تجدید دیدار کلاس آمد.

مریم رئیسش را دوست ندارد.

مریم معتقد است که مشاغل بازاریابی بیشتر و بیشتر می شود.

لیزا شغل فعلی خود را دوست دارد.

### C2.2



به سوالات زیر به صورت کامل به زبان آلمانی  
سوئسی پاسخ بده. در صورت تمایل می توانی  
دوباره به متن گوش دهی.

Was für en Uusbildig hät d Lisa gmacht?

Was isch de Lisa im Job wichtig?

Was hät d Meryem schtudiert?

Wo schafft de Thien im Momänt?

### C2.3



لیزا، مریم و تین راه های بسیار متفاوتی را طی  
کردند. دوست داری کدامیک از این سه نفر باشی؟  
آیا از مسیر خود راضی هستی یا امروز کاری  
متفاوت انجام می دهی - و اگر چنین است، چرا؟  
کسی را پیدا کن که این سؤالات را به زبان آلمانی  
سوئسی بحث کنی.

Platz für Notizen:

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---



زمان گذشته: چه زمانی از *haa* و *sii* استفاده می کنیم؟

در بخش گرامر شما با زمان های گذشته با *haa* و *sii* آشنا شدید. در این قسمت به شما نشان خواهیم داد که چه زمانی از کدام فعل استفاده کنید.

*sii* عمدتاً در موارد زیر استفاده می شود:

- حرکات از یک مکان به مکان دیگر: *ich bi hai gloffe* "من به خانه رفتم"،  
*mir sind mitem Auto gfaare* "با ماشین رفتیم"،  
*d Vaase-n isch abe gheit* "گلدان افتاد پایین"
- تغییرات حالتی که به خودی خود اتفاق می افتد: *s Iis isch gschmolze* «یخ ذوب شده است» (تغییر جامد ← مایع)، *de Luftballoon isch platzt* «بالون ترکیده است» (تغییر کامل ← شکسته)، *ire Vatter isch gschorbe* «پدرش درگذشت» (تغییر زنده ← مرده)
- برخی تغییرات عاطفی یا فیزیکی که نمی توانید آنها را کنترل کنید: «ترسیدی؟»  
*bisch verschrocke?*، «از خواب بیدار شدم» *ich bi verwachtet*، «آنها به خواب رفته اند».
- چهار فعل بسیار رایج با *sichtaa* «ایستادن»، *hocke* «نشستن»، *ligge* «لم دادن، دراز کشیدن» و خود فعل *sii* «بودن»: *er isch genau deet gschtande* «او به اندازه کافی همانجا ایستاده بود»، *ich bi ai Schtund lang ghockt* «یک ساعت نشستم»،  
*mir sind jede Taag i de Sune gläge* «هر روز زیر آفتاب دراز کشیدیم».

برای اکثر افعال دیگر، از *haa* در زمان گذشته استفاده می شود.

Ich bin fascht  
am iischlaafe.



به عنوان بخشی از پروژه "۱+ روی میز" (به فصل ۱ مراجعه کنید)، هاوی هر پنجشنبه عصر برای صرف شام نزد خانواده مری خود می رود. سر میز ناهارخوری هانا مادر خانواده می پرسد که امروز هاوی چه کارهایی انجام داده است؟ او شروع به صحبت در مورد روز خود به آلمانی سوئیسی می کند. متأسفانه ترتیب اظهارات او به هم خورد.

### C3.1



جملات (1-9) را به ترتیب صحیح شماره گذاری کنید و ابتدای هر جمله را به پایان مناسب وصل کنید. کامل اما با معنی.

<input type="checkbox"/>	I de letschte Lektion im Döötsch händ	e Mattiprüeffig ghaa.
<input type="checkbox"/>	Am halbi sibni bini	mit Koleege i de Mensa ggässe.
<input type="checkbox"/>	Vor em Mittag hämmer	e halb Schtund i de prale Sune ume gränt.
<input type="checkbox"/>	Churz nach em sibni bini	en Snack ggässe und tuschet.
<input type="checkbox"/>	Am früene Aabig dihai hani	mer e Koleegin no bi de Ufzgi ghulfe.
<input type="checkbox"/>	Am Morge vo acht bis zää simmer	zwei us de Klass no en Voortraag über es Buech ghalte.
<input type="checkbox"/>	Nach de Schuel hät	uufgschtande und han mich paraat gmacht.
<input type="checkbox"/>	Am Mittag hani	mit em Bus i d Schuel gfaare.
<input type="checkbox"/>	Im Schport am Namittaag simmer	zwei Schtund i s Brueffsinformationszäntrum ggange.

### C3.2



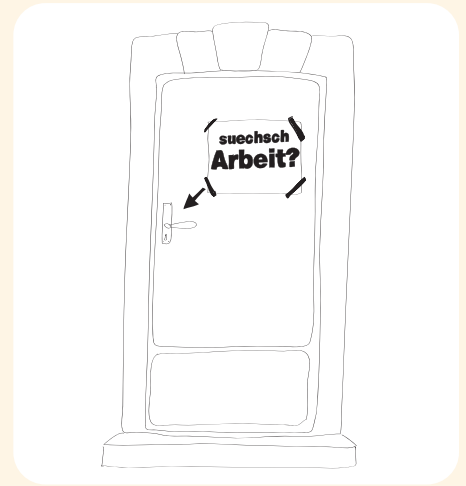
زیر تمام افعالی که در گذشته با *sii* با یک رنگ و همه افعالی با *haa* با رنگ دیگر تشکیل شده اند خط بکشید.

## فارغ التحصیلی، تحصیلات عالی و آموزش تکمیلی

- اگر فرزند داری و می خواهی در مورد تحصیل اجباری در سوئیس اطلاعات بیشتری کسب کنی، آن را در اینجا پیدا خواهی کرد:  
[ch.ch/de/obligatorische-schule](http://ch.ch/de/obligatorische-schule)
- PERSPEKTIVEN – STUDIUM اطلاعاتی در مورد پذیرش دانشگاه در سوئیس ارائه می دهد برای پناهندگانی که می خواهند تحصیل کنند و افرادی که از آنها حمایت می کنند:  
[perspektiven-studium.ch](http://perspektiven-studium.ch)
- چندین مدرسه وجود دارد که دوره هایی را برای مدرسه راهنمایی بزرگسالان ارائه می دهند:  
[welcometoschool.ch](http://welcometoschool.ch)  
[weiterbildung.ch/real-und-sekunda-BCr-erwachsene%abschluss-f%C3](http://weiterbildung.ch/real-und-sekunda-BCr-erwachsene%abschluss-f%C3)
- اگر قصد شروع کارآموزی، تحصیل یا ادامه تحصیل در سوئیس را دارید، اطلاعات زیادی را در وب سایت زیر خواهی یافت:  
[berufsberatung.ch](http://berufsberatung.ch)
- می توانی اطلاعات بیشتری در مورد آموزش حرفه ای (به عنوان مثال در مورد قرارداد کارآموزی یا مدارک حرفه ای برای بزرگسالان) در اینجا بیابی:  
[berufsbildung.ch](http://berufsbildung.ch)



آلمانی استاندارد تقریباً منحصرأ در درس های مدرسه و اغلب در آموزش صحبت می شود. اما حتی در اینجا می توان نمونه هایی از آلمانی نوشتاری سوئیسی را پیدا کرد! قطعات آلمانی سوئیسی را در تصاویر زیر ترجمه کن. این متن ها احتمالاً در کجا یافت می شوند و هدف آنها چه کسانی است؟




---



---



---



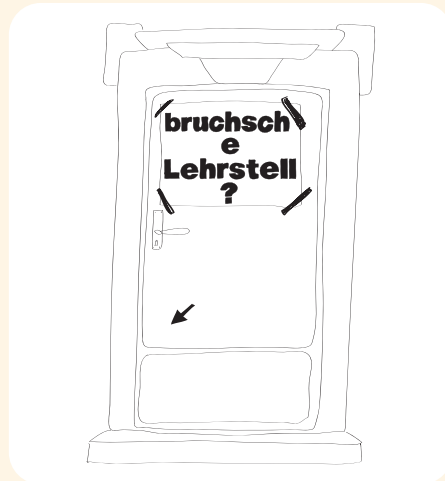
---



---



---




---



---



---



---



---



---

این بخش می توانی خود را امتحان کنی که آیا به اهدافی که برای یادگیری در نظر گرفته شده است رسیدی یا نه.

تمرین های زیر را حل کن و در بخش راه حل ها کنترل کن که چه نمره ای را گرفتی. پیشنهاد ما در جدول زیر.

امتیاز

0-50

این فصل را دوباره از اول تکرار کن.

51-80

به اندازه کافی خوب است. شاید بهتر باشد که مبحث های درسی را تکرار کن.

81-100

عالی! میتوانی با فصل بعدی شروع کنی.

## D1

### D1.1



"Mi" می گوید که امروز در مدرسه چه اتفاقی خواهد افتاد. در پایان روز، به دیگران در مورد کارهای روزمره خود بگو. جملات زیر را بر اساس آن تنظیم کن. مثال:  
 ← *Hüüt schtaani uuf.*  
*Hüüt ischsi uuf gschtande.*  
 (هر جمله 2 امتیاز)

## تجربیات در مدرسه

مثال:

*Hüüt schtaani uuf. → Hüüt ischsi uufgschtande.*

*Am Morge gaats mit Musig loos.*

*Dän isch Znüüni.*

*Nacher schriibemer e Düütsch-Prüeffig.*

*Für die muesi no lärne.*

*Hoffetlich wirdsi nöd so schwirig wi letschts Maal.*

*I de Mittagspause issi öppis.*

*Ich glaub, hüüt gits Spaghetti Bolognese zum Zmittag.*

*Am Nami hämmer Schport.*

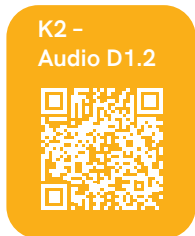
*Da froii mi scho druuf!*

*Mir schpiled sicher wider Volleyball.*

## D1.2



تنزین در مورد یک درس فرانسوی صحبت می کند. یک بار به متن گوش کن و سپس به سوالات مربوط به آن پاسخ بده. (3 امتیاز برای هر پاسخ صحیح).



De Tenzin hät schiinbar Franz nöd so gärn.

Richtig  Falsch

Am Tenzin gfalt Rede besser wi Läse.

D Leererin hät de Tenzin usegschickt.

De Tenzin hät es paar Wörter nöd gwüsst.

De Jérôme isch en Fründ vom Tenzin.

## D2

### روزهای مدرسه خودت

### D2.1



کسی را پیدا کن که آلمانی سوئیسی را خوب صحبت کند. به او بگو سال آخر مدرسه خود را چگونه به یاد می آوری: آیا خوب بود، بد، هر دو همزمان؟ نمرات خوبی گرفتی؟ آیا هنوز افرادی را می شناسی که در آن زمان در کلاست بودند؟ سپس خود را ارزیابی کن: اگر طرف مقابل همه چیز را خوب فهمیده باشد، ۲۰ امتیاز، اگر اصلاً چیزی نفهمد، ۰ امتیاز. همه چیز در این بین نیز امکان پذیر است.

Platz für Notizen:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

## D2.2



بعد از مدرسه چه کردی؟ از کلمات کلیدی پهلو برای فرمول بندی پاسخ های مختلف به آلمانی سوئیس برای این سوال استفاده کن (هر مرتبه یک نفر + زمان گذشته، به عنوان مثال *Ich han es Buech gläse*).  
(هر جمله 2 امتیاز)

تکرار کلاس آخر

ترک کردن خانه

ادامه تحصیل

یک سال دور دنیا سفر کردن

## D3

## D3.1



Urs و Cahaya در مورد فرصت های آموزشی بیشتر در اینترنت اطلاعات پیدا می کنند. صفحات همگی به زبان آلمانی استاندارد هستند، اما آنها به آلمانی سوئیس با یکدیگر صحبت می کنند. عناوین و جملات زیر را با نظرات آنها مطابقت بده (2 امتیاز به ازای هر جفت جمله).

## Satz auf Webseite

- 1 Erwerben Sie die Berufsmatur in nur zwei Jahren
- 2 Korrekte Buchhaltung: die Grundlage für Ihren Unternehmenserfolg
- 3 Wir unterstützen Schüler und Schülerinnen auf dem Weg in die Selbständigkeit
- 4 Deutsch für den Berufsalltag mit persönlichem Coaching
- 5 Eidgenössische Fachausweise bringen Sie beruflich weiter!

## Kommentar

- a Ich wür mi scho no gärn verbessere, vor alem bim Schriibe. Aber wisoo isch das so tüür?
- b Das töönt no guet, aber isch sicher megaschträng i däre churze Ziit.
- c Aa, das git s au no... Informaati-ker... technischi Chauffrau... das isch glaub wi-n en Bewiis, das d i dim Brueff guet bisch.
- d Das wär öppis für diich. Du häsch doch früener scho Rächnige und so Züügs gmacht, oder?
- e Ich glaub, da simmer jetzt bi-mene Gimi glandet, da simmer scho z alt imfal.

## تحصیلات عالی و آموزش بیشتر

## D3.2



کلمات را به هم وصل کنید (هر کدام 1 امتیاز).

- 1 de Fachuuswiis
- 2 e Prüeffig
- 3 amene Kurs
- 4 d Matuur
- 5 Düütsch
- 6 s KV
- 7 es Handwärch
- 8 uf d Aabigschuel
- 9 es Praktikum
- 10 sich Computerkänntnis

- a ablegge
- b uuffrüsche
- c erwärbe
- d mache
- e gaa
- f naahole
- g absolviere
- h lärne
- i aaaigne
- j tailnää

## D3.3



متن را بخوان و به سوالات پاسخ بده (3 امتیاز برای هر پاسخ صحیح).

Letscht Wuche hani min Läbenslauf aagluaet und überlait, was i chönt mache zum echli wiiterchoo. Irgende Wiiterbildig wäär sicher nöd schlächt, aber waas? I de Schwiiz gits so vil Möglichkaite! Mis Düütsch isch okay, aber viliicht sötti no en Tescht ablegge, damit me s au gseet, wän i mi noimed bewirbe. Aber was mer wükli fäält, isch das Kompi-Züügs. Ich bi froo, chani min Kompi ii- und uusschalte. Aber i jedere Aazaig lisi «Sie haben ein Flair für IT». Ich glaub, ich müest emal öppis für Büro-Software mache, da chumi überhaupt nöd druus. Also guet, dän muesi nur no usefinde, wo s Kürs git!

- |                               |   |  |
|-------------------------------|---|--|
| Was würi gärn mache?          | <input type="checkbox"/> Vo daa wägga             | <input type="checkbox"/> noii Möglichkaite entdecke      |
| Wiso en Düütsch-Tescht?       | <input type="checkbox"/> Ich wais mis Niveau nöd. | <input type="checkbox"/> Ich wett mis Niveau gärn zaige. |
| Was isch für miich wichtiger? | <input type="checkbox"/> IT-Känntnis              | <input type="checkbox"/> Düütsch                         |
| I Büro-Software hani ...      | <input type="checkbox"/> z wenig Wüsse            | <input type="checkbox"/> Grundkänntnis                   |
| Ich lärn am liebschte ...     | <input type="checkbox"/> alai                     | <input type="checkbox"/> imene Kurs                      |





# 3. کار

## اهداف یادگیری

تو می توانی ...

... برای یک جلسه رسمی تلفنی قرار ملاقات بگذاری.

... مصاحبه شغلی انجام دهی.

... در مورد حرفه ها و آرزوهای شغلی مختلف صحبت کنی.

# Mir würed Si gern iilade

## A1

آرون شولتز چند روز پیش برای کار به عنوان متخصص مراقبت از کودکان درخواست داد. او امیدوار است که به مصاحبه دعوت شود. تلفن همراهش زنگ می خورد.

گفتگو را بخوانید و به آن گوش دهید.



K3 -  
Audio A1



A: Aaron Scholz.

D: Guete Taag, da isch Diaga.

A: Grüezi, Frau Diaga.

D: Si händ sich ja bi ois uf d Schtel als Fachmaa Betroi-  
ig beworbe. Als erschts muesi vilich fröoge, öb Si imer  
no intressiert sind?

A: Jaa, sicher!

D: Mir händ Iri Bewärbigsunderlage seer intressant  
gfunde und würed Si drum gärn zumene Bewärbigs-  
gspröoch iilade.

A: Oo, das froit mi natürlu seer!

D: Wän passts Ine am beschte? Wür Ine Ziischtig oder  
Mittwuchvormittag gaa?

A: Mittwoch wär guet für miich.

D: Dän machemer am Mittwoch am Viertel vor 9i, wän  
das für Sii in Ornig isch?

A: Jaa, das gaat mer guet, märsi vilmaal.

D: Mir würed s Bewärbigsgschpröoch dän z zwaite  
füere. Näbscht miir wird no mini Koleegin debii sii, wo  
für s Personal zueschtändig isch.

A: Mol, das isch doch supper, ich froi mich!

D: Also, dän simmer gschpant, Si känezlärne. En  
schöne-n Aabig no, Herr Scholz.

A: Märsi, gliichfals, ade Frau Diaga.

# تمرینات مقدماتی

## A2



چه چیزی درست است؟ دایره بکش.

(1) آرون و خانم دیاگا همدیگر رو ملاقات میکنند...

(a) ... سه شنبه.

(b) ... چهارشنبه.

(2) جلسه ... است.

(a) ... ساعت 8.45 صبح

(b) ... ساعت 9.15 صبح

(3) در این ملاقات مجموع ... شرکت خواهد کرد.

(a) ... دو نفر

(b) ... سه نفر

## A3



هارون پس از صحبت به دوستش سبی پیامک می دهد. کلمات گم شده را اضافه کن.

**A:** Hoi Sebi! Si händ sich ändli bi mir gmolde und mich zumene .....  
iiiglade! Und si händ gfunde, mini Bewärbigsunderlage seged seer  
.....

**S:** Hei, megaguet, froit mi für diich! Isch das die Schtel im Jugendträff,  
wo d dich druuf beworbe häsch?

**A:** Nai, das isch d Schtel als .....

**S:** A ja, das häsch mer gsait ghaa. Wän isch dän s Gschpräöch?

**A:** Nööchscht ..... am .....

**S:** Ich wünsch der vil Glück und säg dän, wie s gloffe-n isch!

**A:** Märsi, ich schriib der dän.

Ich froi mi uf mis  
Bewärbigsgschpräöch.



## CH

## فارسی/دري

## DE

### d Schtel (d Schtele)

Häsch di scho uf d Schtel bi de Poscht beworbe?

محل کار (مکان)

آیا قبلاً برای این موقعیت شغلی در پست سوئیس درخواست داده ای؟

### Stelle

Hast du dich schon für die Stelle bei der Post beworben?

### schaffe (hät gschaffet)

Was schaffsch du?

کار کردن

چی کار میکنی؟

### arbeiten

Was arbeitest du?

### schträng (schtränger)

Din Job isch ja mega-schträng!

خسته کننده، استرس زا

شغل شما فوق العاده استرس زا است!

### anstrengend, stressig

Dein Job ist ja superstressig!

### s Bewäbiggschprööch (d Bewäbiggschprööch)

S Bewäbiggschprööch gaat öppe driisg Minuute.

مصاحبه شغلی

مصاحبه تقریباً ۳۰ دقیقه طول می کشد.

### Bewerbungsgespräch

Das Bewerbungsgespräch dauert ungefähr 30 Minuten.

### d Bewäbiggsunterlage (Pl.)

D Bewäbiggsunterlage schicksch au mitem Mail mit.

مدارک درخواست شغلی

همچنین مدارک درخواست شغلی را از طریق پست ارسال کن.

### Bewerbungsunterlagen

Die Bewerbungsunterlagen schickst du auch im Mail mit.

### d Zuesaag (d Zuesage)

Ich ha d Zuesaag für e supper Schtel überchoo.

تعهد، جواب بله

من برای یک موقعیت عالی تعهد/ جواب مثبت گرفتم.

### Zusage

Ich habe die Zusage für eine super Stelle bekommen.

### d Absaag (d Absage)

Mängisch en Absaag überchoo isch normal.

رد شدن

رد شدن گاهی طبیعی است.

### Absage

Manchmal eine Absage zu bekommen, ist normal.

### gschpanet

Mir sind gschpanet, dich känezlärne!

کنجکاو؛ هیجان زده

ما برای دیدار با تو هیجان زده ایم!

### gespannt

Wir sind gespannt, dich kennenzulernen!

### iilade (hät iiglade)

Du chasch gärn dini Fründe zum Ässe-n ii lade.

دعوت کردن

می توانی دوستان خود را به شام دعوت کنی.

### einladen

Du kannst gerne deine Freunde zum Essen einladen.

### passse (hät passt)

Fals es am 3 nöd gaat, würs für miich au am 4i passe.

مناسب بودن

اگر ساعت ۳ صبح امکان پذیر نیست، ساعت چهار هم برای من مناسب است.

### passen

Falls es um 3 Uhr nicht geht, würde es für mich auch um 4 Uhr passen.

### intressiert (intressierter)

Mich intressiert am maische d Abtailig mit de Pflanze.

علاقه مند بودن

من بیشتر به بخش گیاهان علاقه دارم.

### interessiert

Mich interessiert am meisten die Abteilung mit den Pflanzen.

### s Personaal (-)

S Personaal wünscht sich mee Uswaal bi de Uniform.

کارکنان

کارکنان مایلند انتخاب های بیشتری از لباس کار داشته باشند.

### Personal

Das Personal wünscht sich mehr Auswahl bei der Uniform.

### zueschtändig

D Koleegin isch für s Personaal zueschtändig.

مسئول

(این) همکار مسئول کارکنان است.

### zuständig

Die Kollegin ist fürs Personal zuständig.

### de Fachmaa (d Fachmäner)

Als Fachmaa für Gsundhait muesch e langi Uusbildig mache.

متخصص

به عنوان یک متخصص بهداشت، تو باید دوره طولانی آموزش را پشت سر بگذاری.

### Fachmann

Als Fachmann für Gesundheit musst du eine lange Ausbildung machen.

### füere (hät gfüert)

D Frau Glanz wird s Gschprööch füere.

هدایت کردن

خانم گلنز مصاحبه را انجام خواهد داد.

### führen

Frau Glanz wird das Gespräch führen.

### d Betroiig (-)

D Betroiig vo Chind isch mängisch schträng.

نگهداری

مراقبت از کودکان گاهی اوقات خسته کننده است.

### Betreuung

Die Betreuung von Kindern ist manchmal anstrengend.

### de Jugendträff (-)

I mim Quartier gits sit geschter en tole Jugendträff!

کلوب جوانان

از دیروز یک باشگاه بزرگ جوانان در محله من وجود دارد!

### Jugendtreff

In meinem Quartier gibt es seit gestern einen tollen Jugendtreff!

### näbscht

Näbscht mir wird no de Idris mitchoo.

کنار

بجز من ادريس هم میاد.

### neben

Ausser mir wird noch Idris kommen.

### mol

وقتی کسی تصور می کند چیزی اشتباه است و شما می خواهید به طور خلاصه آن را اصلاح کنید، کاربرد *mol* است:

*I de Schwiiz dörfed Fraue nöd ab*، هنوز! - نه؟ - نداری، نه؟ - *Du häsch gad kä Ziiit, oder? - Mol!*

*schtime*. - *Mol, dörfedsi!* زنان در سوئیس حق رای دادن ندارند. - نه، آنها دارند! وقتی جلسه تمام شد و توافق حاصل شد، می توان

گفت: *Mol, dän machemer das esoo!* "باشه پس بیا اینطوری انجامش بدیم!"



در زبان آلمانی سوئیسی، هنگام صحبت با افرادی که نمی‌شناسید یا با آن‌ها روابط رسمی دارید، باید به نکاتی توجه کرد. این سیستم مشابه زبان آلمانی استاندارد و سایر زبان‌های اروپایی است، اما تفاوت‌های کوچکی نیز وجود دارد. این بخش دستور زبان، دانش جلد 1، فصل 3.1 را عمیق‌تر می‌کند.

## تجربیات در مدرسه

وقتی به شخصی که با او صحبت می‌کنی یا می‌نویسی اشاره می‌کنی، سه ضمیر برای انتخاب داری:

ادب	چند نفر؟	فارسی/دري	DE	CH
آشنا/غیررسمی	یکی	تو	du	du
آشنا/غیررسمی	چندین	شما	ih	ir
ناشناخته/رسمی	یکی یا بیشتر	شما	Sie	Si

این ضمایر همچنین شامل کلمات ملکی خود هستند، به عنوان مثال *dis Huus, oies Huus, Ires Huus* ، و اشکال فعل خود، به عنوان مثال *du machsch, ir mached, Si mached* . به عنوان مثال، شکل مودبانه Si در شرایط زیر استفاده می‌شود:

- اگر در خیابان با کسی صحبت کنی که نمی‌شناسی: *Wüssed Si, wo de Baanhoof isch* آیا می‌دانید ایستگاه قطار کجاست؟
- وقتی با افرادی صحبت می‌کنی که نقش خاصی را در این موقعیت ایفا می‌کنند، به عنوان مثال فروشنده، پزشک، کارمند دولتی، کارمند بانک: *Händ Si kä WC-Papiir me?* "دستمال توالت ندارید؟"، *Wo tuet s Ine wee?* "کجایتان درد می‌کند؟"، *Ich wür dön für Si es nois Konto eröffne.* "پس یک حساب جدید برای شما باز می‌کنم."
- در محل کار، اکثر افراد با استفاده از Si شروع به کار می‌کنند و بعداً بسته به سازمان به *du/ir* تغییر می‌دهند. سپس اغلب گفته می‌شود *Wämmer nöd Duzis mache?* "آیا نمی‌خواهیم یکدیگر را تو صدا کنیم؟"
- وقتی در اوقات فراغت با افراد جدیدی آشنا می‌شوید، بیشتر مردم با *du/ir* شروع می‌کنند: *Bisch öfters daa?* "آیا تو اغلب اینجا می‌آیی؟"
- بزرگ‌ترها به همه بچه‌ها *du* می‌گویند: *Wo sind dön dini Eltere?* پدر و مادرت کجا هستند؟ اما کودکان به بزرگسالانی که آنها را نمی‌شناسند *Si* می‌گویند: *Ich find si nüm, dörfst i äch Ires* *Natel bruuche?* "دیگر نمی‌توانم آن‌ها را پیدا کنم، می‌توانم از تلفن همراه شما استفاده کنم؟"

در بیشتر موارد دیگر، می‌توانید از *du* و *ir* استفاده کنید. فراموش نکن که مهم است که بین *si* و *ir* تمایز قائل شوی، حتی زمانی که با چند نفر صحبت می‌کنی. اگر به عنوان مثال وقتی از دوستان می‌پرسی کی وقت آزاد دارند، همیشه می‌گویی *Wän gaat s Ine?* ، هرگز *Wän gaat s oi?*

## اشکال مودبانه خطاب و احوالپرسی

بسته به اینکه به کسی *du/ir* می‌گویید («*duzen*») یا از *Si* استفاده می‌کنید («*siezen*»), نحوه استفاده از نام‌ها و عناوین نیز تغییر می‌کند:

- تقریباً *du/ir* همیشه با نام کوچک ترکیب می‌شوند: *Olga, wo bisch?* "اولگا، کجایی؟"
- *Si* تقریباً همیشه با عنوان خطاب + نام خانوادگی ترکیب می‌شود:  
*Was mained Sii, Här Paudyal?* "نظر شما چیست، آقای پائودیال؟"

همچنین عبارات مختلفی برای احوالپرسی و خداحافظی وجود دارد:

- با *du/ir*: به عنوان یک *hoi* یا *halo*، برای مرخص شدن *tschüss* یا *tschau*. کلمه *halo* کمی رسمی تر از *hoi* است، بنابراین برخی افراد آن را با *Si* نیز ترکیب می‌کنند.
- با *Si*: به عنوان یک سلام *grüezi*، به عنوان یک خداحافظی *(uf) widerluege*، *ade/adjö* یا اخیراً نیز *tschüss*. حتی *grüezi wool* مودب تر از *grüezi* است.

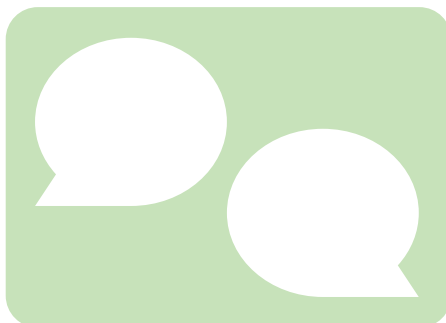
این فرمول‌ها هنگام احوالپرسی یا خداحافظی تنها با یک فرد استفاده می‌شود. اگر بیش از یک نفر باشد، کلمه‌ای اضافه می‌شود، یعنی *zäme* برای *ir* (مانند *hoi zäme. bye zäme*) و *mitenand* برای *Si* (مثلاً *grüezi mitenand. ade mitenand*).



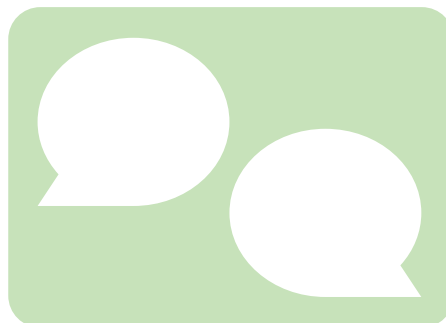
## B1



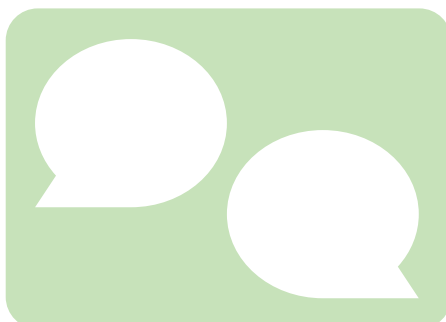
افراد در روابط مختلف به طور متفاوتی با یکدیگر صحبت می کنند. در هر حباب گفتار یک فرم خوشامدگویی/خداحافظی مناسب بنویس و اشکال مختلف را متناوباً جابه جا کن. در جایی که نام شخص مشخص است، می توانید عنوان خطاب را نیز وارد کنی.



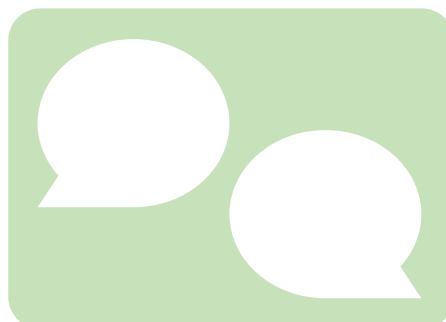
تانیا و سیا گورووا در یک مغازه کفش خریدند. وقتی آنها می روند، فروشنده با آنها خداحافظی می کند.



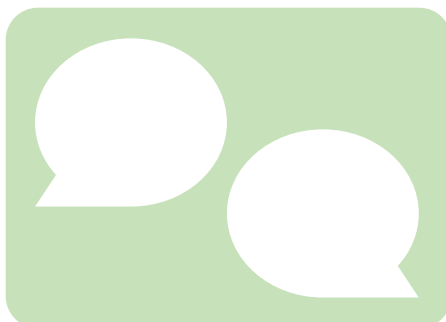
معلم رهوا حسینی صبح به دانش آموز کلاس دومی دونارد اسماعیلی سلام می کند.



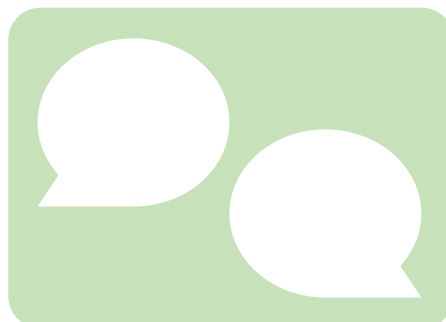
رئیس شرکت کریستینا حسن از تیمش در جلسه صبح استقبال می کند.



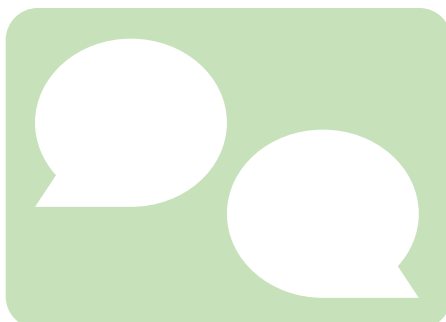
فابیو موریرا با چند دوست ملاقات می کند.



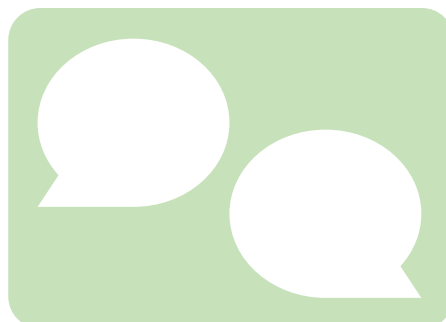
تینا و دنی آشتوتز در منطقه ای خلوت پیاده روی می کنند. سپس زوج دیگری به سمت آنها می آید.



شهید فیضی برای تحویل بسته در پیشخوان اداره پست است. برچسب نام کارمند "رائول مارکز" است.



آریا سیریمیستی به تماس تلفنی با راشل مارتینز که او را برای مصاحبه دعوت کرده بود، پایان می دهد.



لیلا بوخر پس از دیدار با والدینش خداحافظی می کند.



## B2



فعل را در شکل صحیح قرار بده و ضمیر را کامل کن.

- 1) مشاور مشتری به مشتری : Da une (müese) \_\_\_\_\_ unterschriibe.
- 2) در زمان استراحت بین کارکنان (Wele) \_\_\_\_\_ au en Kafi?
- 3) پیوتر به دوستش : \_\_\_\_\_ ja völlig verrückt (sii).
- 4) رهبر تیم به تیمش : Märsi vilmaal, (haa) \_\_\_\_\_ ali supper Arbet glaischtet.
- 5) زنی در ایستگاه اتوبوس : Tschuldigung, (chöne) \_\_\_\_\_ mir churz hälfe?
- 6) فروشنده به مشتری (Zale) \_\_\_\_\_ baar oder mit de Charte?
- 7) مربی به کودکان در مهدکودک (Haa) \_\_\_\_\_ scho färtig ggässe?
- 8) Björn به برادرش Solveig : Nööchschts Mal (usebringe) \_\_\_\_\_ de Güsel \_\_\_\_\_ !

## B3

### B3.1



چگونه می توان این را متفاوت بیان کرد؟ یک کلمه را از کادر زیر انتخاب کن.

## Sich bewärbe

d Bewärbigsunderlage	verantwortlich sii
sich bewärbe	d Schtel
iiglade wärde	imer no
sich go vorschtele	intressiert sii

### 1) e Bewärbig abgää

هم می توان گفت : \_\_\_\_\_

### 2) glängwiilet sii

متضاد است با : \_\_\_\_\_

### 3) nüm

متضاد است با : \_\_\_\_\_

### 4) d Verantwortig haa

هم می توان گفت : \_\_\_\_\_

### 5) de Job

هم می توان گفت : \_\_\_\_\_

### 6) s Bewärbigsdossier

هم می توان گفت : \_\_\_\_\_

### 7) en Absaag überchoo

متضاد است با : \_\_\_\_\_

### 8) zum Vorschteligsgschprööch gaa

هم می توان گفت : \_\_\_\_\_



جای خالی را با عبارت مناسب پر کن.

- 1) Häsch di scho uf d \_\_\_\_\_ beworbe?
- 2) Är füert als Chef es Team mit 12 \_\_\_\_\_.
- 3) Ich chan mich nööchscht Wuche go \_\_\_\_\_.
- 4) Sind Sii immer no a oisem Aagebot \_\_\_\_\_?
- 5) D Personalchefin isch verantwortlich für s \_\_\_\_\_.
- 6) De \_\_\_\_\_ als Leererin passt perfekt zu dir!

## B4



در عصر آلبرت با هم اتاقتی خود ایف صحبت می کند. دیالوگ را بخوان و به سوالات پاسخ بده. همچنین می توانی برای این کار یک شریک پیدا کنی.

**E** Hoi Albert, du bisch aber schpaat draa. S isch scho Viertel ab 7ni! Hät de Zuug Verschpöötig ghaa?

**A** Halo Elif, nai, ich ha de Zuug verpasst und e halb Schtund müese warte.

**E** A drum, defür isch s Ässe jetz scho fascht färtig. Wie isch din Taag gsii?

**A** Schträng. Hüt am Morge am sibni, wo-n i us em Huus bin, hät mer mini Chefin aaglüte, das e Mitarbeiterin chrank seg und ich alai zu zää Chind mues luege.

**E** Wow, das töönt aaschträngend!

**A** Jaa, ich bin de ganz Taag umegrännt und han zelt, ob ali Chind no daa sind. Und ais Chind isch no vercheltet gsii und hät de ganz Taag brüelt. Aber so isch de Job halt.

**E** Ich han mer au mal no überlait ghaa, mit Chind z schaffe, aber wän i diich so ghööre, vergaate mer d Luscht echli.

**A** Nai, la dich vo miir nöd la abschrecke, de Job hät au sini guete Siite. S isch imer öppis loos, wämmer mit Chind schafft, das gfalt mer no. Aber du bisch ja ee zfride mit dim Job, oder?

**E** Jaa, ich schaffe gärn bi de Bank. Ich bin eender en Bürogumi und mir gfaled di underschidliche Uufgabeberich.

**A** Säg emal, wo isch aigetlich d Lou?

**E** Die hät doch hüüt Nachtdienscht im Schpitaal.

**A** Ja schtint, hani ganz vergässe. Das chönt iich nöd, imer so unregelmässig schaffe!

**E** Ich glaub, d Spaghetti sind färtig, wämmer ässe?

**A** Ja, ich han Hunger!



## B4.1

1) Um weli Ziit gaasch duu normalerwiis us em Huus? Muesch au de Zuug oder de Bus nää? Wie gseet din Arbetstaag us und mit wäm redsch drüber?

---

---

## B4.2

2) Häsch s au oft schträng i dim Brueff? Was isch als Chind din Traumjob gsii - und was wüsch hüüt am liebschte mache?

---

---

## B4.3

3) Wie schaffsch duu am liebschte - häsch s lieber ruig oder häsch gärn öppis loos? Häsch lieber gregleti Arbeitsziite oder flexiibli - und häsch scho mal Schicht gschaffet? Bisch lieber dine oder verusse?

---

---



## کار در سوئیس

برای کارمندان خدمات اجتماعی باید بپردازند. اما کم و زیادش می تواند متفاوت باشد. بعضی کارفرماها در آخر سال مزد ۱۳ ماه پرداخت می کند. در سوئیس امکان کار پاره وقت در بسیاری از مشاغل وجود دارد. به عنوان مثال، ۸۰٪ کار پاره وقت به این معنی است که شما ۸۰٪ از ۱۰۰٪ زمان کار را کار می کنید و همچنین ۸۰٪ درآمد دارید.

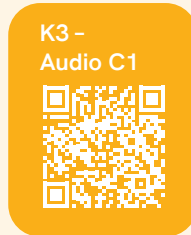
وقت کار در سوئیس بستگی به بخش فرق دارد. در اکثر شغل ها ۴۲ ساعت در هفته برای کار ۱۰۰٪ و چهار تا پنج هفته در سال مرخصی صدق می کند. اگر آدم بیشتر کار کند آدم می تواند ساعات اضافه کاری بنویسند و پرداخت شود. در بعضی بخش ها مخصوصا کارهای شیفتی اصلا مزد ماهانه مشخصی ندارند بلکه همیشه ساعتی حساب می شود. همه ی کارفرماها

## C1

## Ab wän wäred Si verfüegbar?



چهارشنبه ۸:۴۵ صبح - هارون مصاحبه خود را دارد! نحوه انجام آن را گوش بده و سپس به تمرینات C1.1 تا C1.4 نگاه کنید.



## CH

## فارسی/دري

## DE

**aagschtelt (-)**

Si isch binere groosse Firma z Züri aagschtelt.

کارمند

او {خانم} در یک شرکت بزرگ در زوریخ استخدام شده.

**angestellt**

Sie ist bei einer grossen Firma in Zürich angestellt.

**de Bscheid (d Bscheid)**

Häsch scho Bscheid überchoo wäg dinere Bewärbig?

اطلاع

در مورد دریافت درخواست ات اطلاع داری؟

**Bescheid**

Hast du schon Bescheid wegen deiner Bewerbung bekommen?

**d Chündigungsfrist (d Chündigungsfrist)**

D Chündigungsfrist sind normaalerwiis drüü Mönät.

مهلت اعلان فسخ

مدت زمان اعلام فسخ معمولاً سه ماه است.

**Kündigungsfrist**

Die Kündigungsfrist sind normalerweise drei Monate.

**diskutiere (hät diskutiert)**

Mir händ de ganz Aabig diskutiert, aber kai gmain-sami Löösing gfunde.

بحث کردن

ما عصر کامل را بحث کردیم ولی راه حلی پیدا نکردیم.

**diskutieren**

Wir haben den ganzen Abend diskutiert, aber keine gemeinsame Lösung gefunden.

**de Schluss (d Schlüss)**

Wän machsch hüt Schluss im Gschäft?

پایان

امروز چه موقع به کار پایان می دهی.

**Schluss**

Wann machst du heute Schluss mit der Arbeit?

**verfüegbaar (-)**

Ab wän sind Si verfüeg-bar?

در دسترس

از کی به بعد در دسترس هستید.

**verfügbar**

Ab wann sind Sie verfügbar?

K3 -

Zusatzwortschatz 1



## C1.1



به نظر تو مصاحبه خوب پیش رفت؟ چرا؟

Platz für Notizen:

## C1.2



به متن های صوتی C1 دوباره گوش بده و پاسخ های صحیح را علامت بزن.

Trinkt de Aaron es Wasser?

jaa

nai

Was isch de Vorname vo de Frau Galli?

Stefanie

Melanie

Ab wän chönd de Aaron aafa schaffe?

ab em Juni

ab em Juli

Wivil Prozänt wüerer gärn schaffe?

60% (sächzg)

80% (achzg)

Bis wän gits de Bschaid?

morn

nööchscht Wuche

## C1.3



در متن صوتی قسمت بین ابتدا و انتها را کنار گذاشتیم تا زیاد طولانی نشود. چه سوالاتی ممکن است شرکت در اینجا پرسیده باشد؟ با مثال های بعدی شروع کنید - تنها کاری که باید انجام دهی این است که آنها را به آلمانی سوئیسی ترجمه کنی. با در نظر گرفتن شغلی که انتخاب می کنی، می توانی به پاسخ هایی نیز برسی.

■ چرا دوست دارید این شغل را انجام دهید؟ انگیزه شما چیست؟

■ نقاط قوت تان را در چه می بینید؟ می توانید یک مثال بزنید که در شغل های قبلی کمک تان کرده باشد؟

■ نقاط ضعف تان چیست و چطور با آن ها کنار می آیید؟

■ پنج سال بعد خودتان را کجا می بینید؟

## C1.4



آیا سوال دیگری داری؟ مستقیم به آلمانی سوئیسی فرموله کن. در اینجا نیز اگر شغل خاصی مد نظر داری، می توانی به پاسخ آنها فکر کنی.

Platz für Notizen:



مکالمه را به صورت کامل بخوان.

## Bruuched Si en Uushilf?

D Lemlem macht gad en Uusbildig. Näbebii wottsi echli Gäld verdiene und suecht drum en aifachi Arbet. Si fröögt zerscht iri Fründin, d Semhar.

**L** Du Semhar, waisch du, wo s gad Arbet git?

**S** Wisoo?

**L** Ich bi doch die Uusbildig am Mache und mis Gäld wird echli knapp. Bis i färtig bin, würi gärn öppis näbebii mache.

**S** Und waas?

**L** Irgendöppis wo me kä groossi Qualifikatione bruucht. Waisch, putze, Bouschtel, so öppis.

**S** Hm. Häsch scho mal an es Reschti tänkt, Service?

**L** Wiso nööd? Känsch da ais?

**S** Ich bi nöd sicher, aber i däm Kafi näbet em Alterszäntrum isch amigs megavil loos. Gaa doch det emal go frööge.

Am nööchschte Taag chunt d Lemlem is Kafi ine. Es isch zwai und nanig vil loos.

**R** Hoi!

**L** Grüezi! Min Name-n isch Lemlem Senai. Ich ha ghöört, Si chönted vilich en Uushilf bruuche.

**R** Ahaa, jaa, das chöntemer scho. Häsch dän scho mal Service gmacht?

**L** Nai, das wär mis erschte Maal. Aber ich ha gsee, das am Nami vil elteri Lüüt da ane chömed und das hät mer äbe gfale!

**R** Wie daas?

**L** Wüssed Si, ich mach gad en Uusbildig zur Pflägeri. Ich ha no gärn elteri Lüüt und chum au megaguet mit ine zrächt. Und ich weiss, die wartet nöd gärn uf ire Chueche! Wär sicher guet, wän i chli mithilfe.

**R** Also guet, probieremer s doch. Chasch ächt morn am 11i namal choo und din Läbeslauf mitbringe? Dän chömmmer luege, öb s wükli passt und alefals no über s Ghalt rede. A jaa, und iich bi übrigens d Rosina, gäl.

**L** Okay, froit mi, Rosina! Supper, dän gseemer ois morn, märsi vilmal!

**s Alterszäntrum  
(d Alterszäntre)**

I däm Alterszäntrum schaffed über fünfzig Lüüt.

مرکز سالمندی

بیش از پنجاه نفر در این مرکز سالمندی مشغول به کار هستند.

**Alterszentrum**

In diesem Alterszentrum arbeiten über fünfzig Leute.

**s Ghalt (d Ghälter)**

Wie hööch isch s Ghalt bi dem Job?

حقوق

حقوق این شغل چقدر است؟

**Gehalt**

Wie hoch ist das Gehalt bei diesem Job?

**de Läbeslauf (d Läbesloif)**

Ich mues no min Läbeslauf färtig schriibe.

رزومه

من هنوز باید رزومه ام را تمام کنم.

**Lebenslauf**

Ich muss noch meinen Lebenslauf fertig schreiben.

**loos sii (isch ... gsii)**

Und, isch am erschte Mai vil loos gsii oder wenig?

(چیزهای) زیادی در جریان بودن

و آیا در اول می اتفاقات زیادی در جریان بود یا نه؟

**los sein**

Und, war am ersten Mai viel los oder wenig?

**putze (hät putzt)**

Ich putze s Baad ainisch pro Wuche.

تمیز کردن

من هفته ای یکبار حمام را تمیز می کنم.

**putzen**

Ich putze das Bad einmal pro Woche.

**de Service (-)**

Häsch du scho mal im Service geschafft?

سرویس

آیا تا به حال در خدمات کار کرده اید؟

**Service**

Hast du schon einmal im Service gearbeitet?

**d Uushilf (d Uushilfe)**

Sueched Si im Momänt en Uushilf?

کمک

آیا در حال حاضر به دنبال شغل موقت هستی؟

**Aushilfe**

Suchen Sie im Moment eine Aushilfe?

**gäl****gell**

*gäl* همیشه در ابتدا یا انتهای جمله است. شما در حال درخواست تأیید چیزی هستید که قبلاً در مورد آن کاملاً مطمئن هستید:

*Gäl, du chunsch morn au?* «فردا هم می آیی، نه؟»، *Die Öpfel sind fain, gäl?* «سیب ها خوشمزه هستند، اینطور نیست؟».

اگر چند نفر را خطاب کنید، *gäled* است. (*Das git dän aber z tue, gäled.*) اما پس از آن کارهای زیادی برای انجام دادن

وجود دارد، به شما خواهیم گفت!) و اگر فردی را *"Sie"* خطاب کنید، *gäled Si?* مثال:

*Gäled Si, ich han lne das Rückgäld scho ggää?* "من قبلاً پول خرد را به شما داده ام، نه؟".

با *Sorry, gäl* در همان لحظه عذرخواهی می کنی و درخواست می کنی درک کنند.



## C2.1



مکالمه بین Lemlem و Semhar را به زبان خود ترجمه کن.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## C2.2



آیا تا به حال به شغل پاره وقت فکر کرده ای؟ یک شریک پیدا کن و در مورد یک صنعت توافق کن. سپس مکالمه ای مانند مکالمه بین Lemlem و Rosina، چه به صورت حضوری و چه از طریق تلفن، دوباره ایجاد کن. بعد از یک دور نقش ها را عوض کن.

Platz für Notizen:

## C2.3



وقتی Rosina برای اولین بار Lemlem را می بیند، از خطاب تو استفاده می کند، در حالی که Lemlem برای روزینا از خطاب شما استفاده می کند. آیا تا به حال چنین موقعیتی را تجربه کرده ای؟ دلیل این موضوع چه می تواند باشد؟

---

---





## زیباترین و بهترین

اگر می‌خواهی بیان کنی که چیزی یا شخصی به‌طور خاص زیباست یا به‌ویژه سریع راه می‌رود، صفت تفضیلی استفاده می‌کنی. قبلاً با اشکالی مانند *isch am schönschte* "زیباترین است" یا *lauff am schnälschte* "سریع ترین می‌دود" در کتاب 1 (فصل 6.2) آشنا شده‌ای.

علاوه بر این شکل، همچنین می‌توانی صفت تفضیلی را با اسم‌ها ترکیب کنی، به عنوان مثال. *di schönschte Feerie* "زیباترین تعطیلات"، *de schnälscht Zuug* "سریعترین قطار". این شکل صفت تفضیلی مانند همه صفت‌ها تغییر می‌کند:

*de hööch(i) Bärg* 'کوه بلند' ← *de hööchscht(i) Bärg* 'بلندترین کوه'،  
*die hööche Bäрге* 'کوه‌های بلند' ← *die hööchschte Bäрге* 'بلندترین کوه‌ها'.

## C3.1



در زیر، افراد مختلف آنچه را که آنها را در مورد شغلشان هیجان زده می‌کند به اشتراک می‌گذارند. صفت‌های داخل پرانتز را در حالت صفت تفضیلی قرار بده.

De (schpanend) \_\_\_\_\_ Tail vo däre-n Arbet isch für mich, mit so vilne underschidliche Lüüt in Kontakt z choo.

Für mich isch es s' (schöön) \_\_\_\_\_ Gfüül, wän d Gescht zfride sind.

Ich han di (guet) \_\_\_\_\_ Chefin - si bhandlet ois ali mega reschpektvol und lost ois imer zue.

Au wän i als Fachfrau Betroiig nöd de (hööch) \_\_\_\_\_ Loon ha, liebi mini Arbet mit de Chind seer.

Ich bi aine vo de (jung) \_\_\_\_\_ Mitarbaitende bi ois im Büro, aber es reschpektiered mich ali mega.

Ich ha zwar de (lang) \_\_\_\_\_ Arbeitswääg vo alne, bi aber gliich di erscht, wo am Morge-n im Schuelhuus isch. Ich gnüesse daas, zur (ruig) \_\_\_\_\_ Ziiit vom Taag chame ganz anderscht schaffe.

Ziischtig und Mittwuch sind für mich imer di (schträng) \_\_\_\_\_ Tääg vo de Wuche, wil ich dän früe aafa schaffe und vil Sitzige haa. Defür chocht am Mittaag d Helena für ali und es git imer es (fain) \_\_\_\_\_ Ässe.



**bhandle (hät bhandlet)**

D Chefin bhandlet ois seer reschpäktvol.

درمان کردن

رئیس با ما بسیار محترمانه رفتار می کند.

**behandeln**

Die Chefin behandelt uns sehr respektvoll.

**d Fachfrau (d Fachfraue)**

Si hät en Uusbildig als Fachfrau Betroiig.

متخصص

او به عنوان یک متخصص مراقبت آموزش دیده است.

**Fachfrau**

Sie hat eine Ausbildung als Fachfrau Betreuung.

**de Gascht (d Gescht)**

Hüt zaabig hämmer Gescht zum Znacht iiglade.

میهمانان

امشب مهمان ها را برای شام دعوت کردیم.

**Gäste**

Heute Abend haben wir Gäste zum Abendessen eingeladen.

**de Loon (d Löö)**

Si sind nöd zfride mit irem Loon und verlanged e Loonerhööchig.

حقوق

آنها از دستمزد خود راضی نیستند و خواهان افزایش دستمزد هستند.

**Lohn**

Sie sind nicht zufrieden mit ihrem Lohn und verlangen eine Lohnerhöhung.

**reschpäktvol (reschpäktvoler)**

En reschpäktvole-n Umgang isch mer bsunders wichtig.

محترمانه

رفتار محترمانه برای من بسیار مهم است.

**respektvoll**

Ein respektvoller Umgang ist mir besonders wichtig.

**reschpektiere (hät reschpektiert)**

Wichtig isch, das mer ois gägesiitig reschpektiered.

احترام گذاشتن

مهم این است که به یکدیگر احترام بگذاریم.

**respektieren**

Wichtig ist, dass wir uns gegenseitig respektieren.

**d Sitzig (d Sitzige)**

Wän isch namal di nööchst Teamsitzig?

ملاقات

جلسه بعدی تیم کی است؟

**Sitzung**

Wann ist nochmal die nächste Teamsitzung?

**defür**

بنابراین

**dafür**

وقتی یک چیز درست پیش می رود، اما چیز دیگری به جای آن کار می کند. اگر کسی باید کاری را انجام دهد که دوست ندارد یا به معنای کار زیاد است، اما در ازای آن چیز خوبی نیز دریافت می کند - پس از defür برای این کار استفاده می کنید: *Schaad, ragnet s hüüt.* "Defür gfroied sich d Pflanze." حیف که امروز بارون میاد. گیاهان از این بابت خوشحال هستند. "دیروز مجبور بودم بیشتر کار کنم، در عوض فردا

مرخصی خواهم گرفت."



## C4

## Verschiednigi Brüeff



در سوئیس حرفه های زیادی وجود دارد که می توان آموخت. برخی از آنها را نیاز به تحصیلات عالی دارند و برخی دیگر نیاز به آموزش فنی دارند، مانند کارآموزی. برای اینکه شما نیز با مهم ترین حرفه ها در آلمانی سوئیس آشنا شوید، در اینجا چند تا حرفه را برای شما شرح داده ایم. در آلمانی سوئیس تقریباً برای هر حرفه ای یک اصطلاح مرد و زن وجود دارد. سعی کن ابتدا تمرینات را بخوانی. اگر کلماتی وجود دارد که هنوز نمی دانی، می توانی آنها را در پایین جستجو کنی.

متن را بخوانید و سپس تمرینات را انجام دهید.

### C4.1



هر توصیف را با شغل مربوطه مطابقت بده. در برخی موارد باید جنسیت را مطابقت بدهی، به عنوان مثال. *d Büürin* "خانم کشاورز" ← *de Buur* "آقای کشاورز" توجه داشته باش، چند حرفه باقی مانده است!

1) Si schafft a de Kasse-n im Coop.

2) Är bringt d Poscht.

3) Si flüügt Flugzüüg uf Paris.

4) Är schniidt Haar.

5) Si behandelt chranki Tier.

6) Är repariert Autos.

7) Si bringt im Restaurant s Ässe.

8) Är verchauftt Flaisch.

9) Si bacht Broot und Chueche.

10) Är schafft i de Schuel.

a) Mechaanikerin

b) Chälnerin

c) Beck

d) Pilotin

e) Chauffeur

f) Pöschlerin

g) Coiffeur

h) Chöchin

i) Tierarzt

j) Leerer

k) Verchoifferin

l) Metzg

### C4.2



آیا این مشاغل را می شناسی؟ وظیفه اصلی آنها را در یک جمله کوتاه به آلمانی سوئیس شرح بده.

En Choch \_\_\_\_\_ .

E Schriinerin \_\_\_\_\_ .

E Schriftschtelerin \_\_\_\_\_ .

En Bouarbauer \_\_\_\_\_ .

E Beamtin \_\_\_\_\_ .

En Profässer \_\_\_\_\_ .

**d\*e Becker\*in (d Becker\*ine)**

S Broot vo dere Beckerin isch aifach s Beschtl!

نانوا (خانم)

نانوایی این خانم بهترین نان را دارد.

**Bäcker\*in**

Das Brot dieser Bäckerin ist einfach das Beste!

**bache (hät pache)**

Tuesch gärn bache?

نان پختن

نان پختن را دوست داری؟

**backen**

Backst du gerne?

**s Brot (d Broot)**

Si chauffed s Broot imer bim Beck.

نان

آنها همیشه نان را از نانوائی میخرند.

**Brot**

Sie kaufen das Brot immer beim Beck.

**de Chueche (d Chüeche)**

Wämmer am Wuchenänd en Chueche bache?

کیک

میخواهیم آخر هفته با همدیگر یک کیک بپزیم؟

**Kuchen**

Wollen wir am Wochenende einen Kuchen backen?

**d\*e Bouarbaiter\*in (d Bouarbaiter\*ine)**

Als Bouarbaiter muesch körperlich megafit sii.

کارگر ساختمانی

بعنوان یک کارگر ساختمانی تو باید از لحاظ جسمی سالم باشی.

**Bauarbeiter\*in**

Als Bauarbeiter musst du körperlich sehr fit sein.

**d Bouschtel (d Bouschtele)**

Näb minere Wonig häts wider mal e Rise-Bouschtel, s isch so luut!

کار ساختمانی و سرک سازی

در کنار خانه من دوباره یک کار ساختمانی بسیار بزرگ شروع شده که خیلی سر و صدا دارد.

**Baustelle**

Neben meiner Wohnung hat es wieder einmal eine Riesenbaustelle, es ist so laut!

**d\*e Chälner\*in (d Chälner\*ine)**

Die Chälnerin hät au en schtränge Job!

پیشخدمت/شاگرد هتل (خانم)

این پیشخدمت هم یک وظیفه شلوغی دارد!

**Kellner\*in**

Diese Kellnerin hat auch einen anstrengenden Job!

**d\*e Verchoiffer\*in (d Verchoifer\*ine)**

Si schafft als Verchoifferin imene Chlaidlerlade.

فروشنده (خانم)

این خانم به عنوان فروشنده در یک لباس فروشی کار می کند.

**Verkäufer\*in**

Sie arbeitet als Verkäuferin in einem Kleiderladen.

**verchauffe (hät verchaufft)**

Si hät mer ires Auto verchaufft.

فروختن

این خانم ماشین/موتور خود را به من فروخت

**verkaufen**

Sie hat mir ihr Auto verkauft.

**d Kasse (d Kassene)**

Die wo i de Migros a de Kasse schaffed sind imer megafründlich.

دخل/صندوق

آنهایی که در دخل/صندوق میگروس کار می کنند، همیشه خیلی صمیمی هستند.

**Kasse**

Die, die im Migros an der Kasse arbeiten, sind immer megafreundlich.

<b>d*e Metzger*in (d Metzger*ine)</b> Wän i Fleisch chauffe, dän nur bim Metzger!	قصاب وقتی من گوشت میخرم، فقط از قصابی.	<b>Metzger*in</b> Wenn ich Fleisch kaufe, dann nur beim Metzger.
<b>s Fleisch (-)</b> Issisch du Fleisch?	گوشت تو گوشت می خوری؟	<b>Fleisch</b> Isst du Fleisch?
<b>d*e Mechaaniker*in (d Mechaaniker*ine)</b> Sin Vatter isch Mechaaniker inere Garaasch.	مکانیک/مستری پدرش مکانیک یک تعمیرگاه موتر/خودرو است.	<b>Mechaniker*in</b> Sein Vater ist Mechaniker in einer Autowerkstatt.
<b>d*e Pfläger*in (d Pfläger*ine)</b> Pfläger*ine händ en schtränge-n Altaag.	پرستار (خانم) پرستاران روزمره کار شلوغی دارند.	<b>Pfleger*in</b> Pfleger*innen haben einen anstrengenden Alltag.
<b>d*e Pilot*in (d Pilot*ine)</b> Wän i groos bi, wirdi Pilotin!	خلبان (خانم) وقتی بزرگ شدم، خلبان می شوم.	<b>Pilot*in</b> Wenn ich gross bin, werde ich Pilotin!
<b>d*e Pöschtl*in (d Pöschtl*ine)</b> Isch d Pöschtl*in hüüt scho daa gsii?	پستچی/نامه رسان آیا پستچی/نامه رسان امروز آمده؟	<b>Briefträger*in</b> War die Briefträgerin heute schon da?
<b>de Coiffeur/ d Coiffeuse (d Coiffeur)</b> Jesses, mini Haar sind so lang, isch sött schnäl-schtens zum Coiffeur.	سلمانی اوهو، موهایم خیلی دراز شده. باید زوتر به آرایشگاه بروم.	<b>Coiffeur/ Coiffeuse</b> Oh je, meine Haare sind so lang, ich sollte schnellstens zum Coiffeur.
<b>schniide (hät gschnitte)</b> Ich sött wider emal go d Haar schniide.	قطع کردن باید بروم دوباره موهایم را کوتاه کنم.	<b>schneiden</b> Ich sollte wieder einmal die Haare schneiden lassen gehen.
<b>d*e Schriiner*in (d Schriiner*ine)</b> Dää Sumer faatsi d Uusbil-dig zur Schriinerin aa.	نجار (خانم) این خانم تابستان امسال آموزش حرفه نجاری را شروع می کند.	<b>Schreiner*in</b> Diesen Sommer fängt sie die Ausbildung zur Schreinerin an.
<b>repariere (hät repariert)</b> Chasch mer duu mis Velo repariere?	تعمیر کردن/ بازسازی آیا میتوانی دوچرخه من را تعمیر کنی؟	<b>reparieren</b> Kannst du mir mein Velo reparieren?

### d\*e Schriftschtelter\*in (d Schriftschtelter\*ine)

Sie hät scho imer wele Schriftschtelterin wärde.

نویسنده (خانم)

آن خانم همیشه دوست داشت نویسنده شود.

### Schriftsteller\*in

Sie wollte schon immer Schriftstellerin werden

### d Tierärztin\* (d Tierärztine)

Als Chind hani wele Tierärztin wärde!

دکتر حیوانات / دامپزشک (خانم)

کودک که بودم میخواستم دامپزشک شوم

### Tierärztin

Als Kind wollte ich Tierärztin werden!

### d\*e Chauffeur\*in (d Chauffeurine)

Trämli-Chauffeur dunkt mi en easy Job.

راننده

رانندگی ترام (قطار شهری) بنظرم شغل ساده ای است.

### Chauffeur\*in

Trambahn-Chauffeur sieht mir nach einem einfachen Job aus.

### d Duschi (d Duschene)

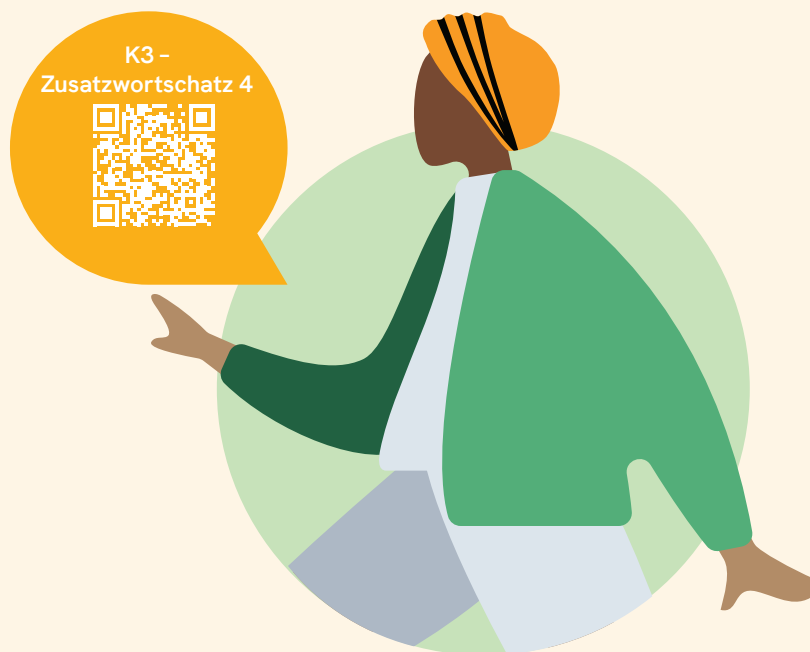
Ui nai, i de Duschi chunt kä warms Wasser!

دوش

اوه نه تو دوش آب گرم نمیداد!

### die Dusche

Oh nein, in der Dusche kommt kein warmes Wasser!



## کار در سوئیس

در این وب سایت، مهاجران همچنین اطلاعات مفیدی در مورد زندگی روزمره و از جمله در مورد کار در سوئیس به ۱۸ زبان در اختیار سایر مهاجران قرار می دهند.

[migranet.ch](http://migranet.ch)

برای اینکه بتوانید به عنوان یک مهاجر در سوئیس طولانی مدت کار کنید، ملیت و وضعیت اقامت نقش اصلی را ایفا می کند. اگر این الزامات برآورده شود، روشن کردن سؤالاتی مانند دانش کافی آلمانی، احتمالاً به رسمیت شناختن دیپلم و مسیرهای آموزشی مختلف مهم است. اطلاعات بیشتر در این مورد با پیوندهای مفید فراوان را می توان در برگه اطلاعات زیر یا وب سایت های زیر یافت:

[berufsberatung.ch/dyn/show/9192/  
ch.ch/de/arbeiten-schweiz-als-auslander](http://berufsberatung.ch/dyn/show/9192/ch.ch/de/arbeiten-schweiz-als-auslander)

## C5

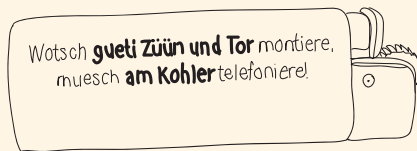
## Verschiednigi Firmene

### C5.1



- (a) شرکت حمل و نقل
- (b) سازمان غیر انتفاعی
- (c) تولیدکننده حصار

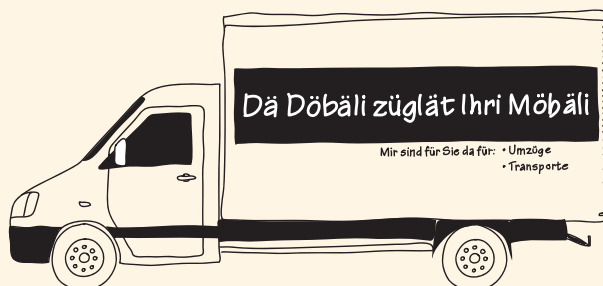
در زیر می توانی چند شعار را مشاهده کنی.  
متعلق به کدام شرکت ها یا سازمان ها هستند؟



1



2



3

### C5.2



اطلاعات اصلی در تصویر بعدی چیست؟ به نظر تو این کسب و کار جای خوبی برای کار است یا بد؟ چرا؟

#### Öffnungsziitä:

Mäntig bis Früitig 5.30-19.00

Samschtig 7.30-17.00

Am Sunntig lömmer eusnö MitarbeiterInnä,  
wo Nachtschicht schaffed, Ziit für Fründä und Familiä

## یک روز معمولی در دفتر

در مورد همه مشاغل اداری صدق نمی کند - در برخی موارد چنان واقع می شود که کارمندان از منزل و توسط رایانه (کامپیوتر) در زمان های مختلف قادر به انجام وظیفه هستند. با این حال چنین امری در مورد مشاغلی که نیاز به استفاده از رایانه ندارند، به ندرت اتفاق می افتد.

مشاغل اداری زیادی در سوئیس وجود دارد. یک روز اداری معمولی از ساعت 8 صبح شروع می شود و در ساعت 5 بعد از ظهر به پایان می رسد. در ساعت ۱۲ ظهر معمولاً یک زمان استراحت برای صرف غذای ظهر اختصاص داده شده که از نیم ساعت تا یک ساعت طول می کشد. وقفه نوشیدن قهوه را نیز می توان در این میان در نظر گرفت. اما چنین نظامی

این بخش می توانی خود را امتحان کنی که آیا به اهدافی که برای یادگیری در نظر گرفته شده است رسیدی یا نه.

تمرین های زیر را حل کن و در بخش راه حل ها کنترل کن که چه نمره ای را گرفتی. پیشنهاد ما در جدول زیر.

امتیاز

0-50

این فصل را دوباره از اول تکرار کن.

51-80

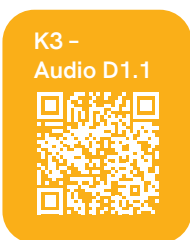
به اندازه کافی خوب است. شاید بهتر باشد که مبحث های درسی را تکرار کن.

81-100

عالی! میتوانی با فصل بعدی شروع کنی.

## D1

### D1.1



تو یک تماس دریافت می کنی - این تماس در مورد یک مصاحبه شغلی است. هر بار به یک جمله گوش داده و سپس بهتر است با صدای بلند پاسخ دهی! نظر به جمله، تو می بایستی یک جواب را تنظیم، انتخاب و یا ترجمه کنی. (هر جمله دارای سه امتیاز است)

## تعیین وعده ملاقات با تماس تلفن

(1) خودتان پاسخ دهید.

(2) یک پاسخ را انتخاب کنید: *Ja, schtimt! / Oo, danke!*

(3) خودتان پاسخ دهید.

(4) یک پاسخ را انتخاب کنید:

*Am Dunschtig Nami wür s mer gaa. / Am Friitig Nami chönti guet.*

(5) ترجمه نمایید: *Eins ist ein bisschen früh. Geht es auch um drei?*

(6) یک پاسخ را انتخاب کنید: *.Ja, deet am Baanhoof.*

*.Ja, das isch de foift Mai dän*

(7) ترجمه نمایید: *Ich mich auch. Auf Wiedersehen, Herr Bhatia!*

### D1.2



چه کسی تماس گرفته است؟ در هر مورد احوالپرسی و خداحافظی مناسب را بنویسید (هر خط دارای یک امتیاز است).

(1) برادران.

احوالپرسی: \_\_\_\_\_

(2) شخصی از بخش خدمات مشتریان.

خداحافظی: \_\_\_\_\_

(3) تماس تصویری برای مصاحبه با سه شرکت کننده.

احوالپرسی: \_\_\_\_\_

(4) تماس تصویری با دو تن از همکاران تیم تو.

احوالپرسی: \_\_\_\_\_

(5) هم اتاقتی تو.

خداحافظی: \_\_\_\_\_

(6) مصاحبه بالا اکنون به پایان رسیده است.

خداحافظی: \_\_\_\_\_

(7) رئیس تان.

خداحافظی: \_\_\_\_\_

(8) پیک پیتزا.

احوالپرسی: \_\_\_\_\_

(9) شخصی از کلاس زبان آلمانی.

احوالپرسی: \_\_\_\_\_



## D2

### D2.1



یک شریک پیدا کن که آلمانی سوئیسی را خوب صحبت کند. تصور کن تو علاقه مند یک شغل هستی و شخص دیگر تو را برای مصاحبه دعوت کرده است. ابتدا بطور خلاصه در مورد شغل و شرکت مورد نظر خود (به هر زبانی که راحت تر هستی) صحبت کن. سپس، به زبان آلمانی سوئیسی با یکدیگر مکالمه کن. در پایان، شریکت باید به تو امتیاز دهد: اگر او همه گفته های تو را به درستی درک نموده باشد 20 امتیاز و اگر اصلاً چیزی درک نکرده است ۰ امتیاز خواهد داد. مطمئناً او می تواند تا امتیازی میان 1-20 نیز به تو بدهد.

Platz für Notizen:

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

### D2.2



جملات آلمانی استاندارد در زیر می تواند از یک مصاحبه شغلی باشد. آیا می توانی آن را به آلمانی سوئیسی هم بگویی؟ ترجمه کن!  
(هر جمله 2 امتیاز)

■ Das ist eine gute Frage.

-----

■ Ich finde sympathisch, dass Sie so viel für Familien machen.

-----

■ Nein, ich habe kein Problem mit Teamarbeit.

-----

■ Mir gefällt es einfach, wenn ich am Ende des Tages sehe, was ich geschafft habe.

-----

■ Ich würde gern 100% arbeiten.

-----

■ Ich könnte im August anfangen.

-----

## D3.1



مزایا و معایب! کدام عقاید (و تعصبات) متناسب با کدام حرفه است؟ (هر جفت 1 امتیاز)

- |                  |  |
|------------------|--|
| 1 Bürochraft     | a Sälber Naachrichte schriibe schtat nume läsel!     |
| 2 Pflägerin      | b Für andri Lüüt Termiin abmache? Nai danke.         |
| 3 Busschofföörin | c Ich ha megagärn alti Lüüt.                         |
| 4 Schurnalischt  | d Das isch nöd eso schlächt, bisch imer a de Luft!   |
| 5 Güselmaa       | e Ich find, die verdreied s Rächt nume.              |
| 6 Putzchraft     | f Ich bi en Tüpfliischiisser, das chönti guet mache. |
| 7 Buechhalterin  | g Muesme dän nöd au i de Nacht faare?                |
| 8 Aawalt         | h Ich han e Huutalergii, das giengt nöd.             |

Platz für Notizen:

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---



## D3.2



برخی افراد خود را معرفی نموده و در مورد رویاهای شغلی و حرفه ای خود صحبت می کنند. به آنچه می گویند گوش ده و خط مربوط به گفته های آنان را پیدا کن. سپس پاسخ درست را با علامت مشخص نما. (هر گزینه دارای دو امتیاز است)

K3 -  
Audio D3.2



نام	شغل یا محل کار فعلی	شغل یا محل کار مورد نظر	سوال اضافی - کدام عبارت صحیح است؟
Faizal	<input type="checkbox"/> Parkhuus	<input type="checkbox"/> Ingenieur	<input type="checkbox"/> ... hät en nette Chef.
	<input type="checkbox"/> Garage	<input type="checkbox"/> Elektriker	<input type="checkbox"/> ... suecht no en Näbejob.
Jelena	<input type="checkbox"/> Schuel	<input type="checkbox"/> Schuel	<input type="checkbox"/> ... schafft gärn mit Chind.
	<input type="checkbox"/> Brueffsschuel	<input type="checkbox"/> Brueffsschuel	<input type="checkbox"/> ... plaant en Umschuelig.
Ali	<input type="checkbox"/> Kassierer	<input type="checkbox"/> Sälbschtändig	<input type="checkbox"/> ... isst gärn Pomes.
	<input type="checkbox"/> Filiallaiter	<input type="checkbox"/> Chälner	<input type="checkbox"/> ... lait Gäld uf d Siite.
Jacques	<input type="checkbox"/> Gmüeslade	<input type="checkbox"/> Masseur	<input type="checkbox"/> ... hät Schmärze wäg sim Brueff.
	<input type="checkbox"/> Buurehof	<input type="checkbox"/> Waiss es nanig	<input type="checkbox"/> ... schafft au am Aabig.
Pramila	<input type="checkbox"/> Versicherig	<input type="checkbox"/> Versicherig	<input type="checkbox"/> ... rächnet gärn.
	<input type="checkbox"/> Huusfrau	<input type="checkbox"/> Leererin	<input type="checkbox"/> ... mues iri Uusbildig zale.



# خوردن خوردن و کردن و غذا 4.

## اهداف یادگیری

تو می توانی ...

.... هنگام خرید مواد غذایی با فروشنده همدیگر را بفهمی.

.... اسم های مواد غذایی و غذاها را در زبان آلمانی سویسی بلد باشی.

....با دوستان خود در وقت آشپزی صحبت کنی و در مورد دستور پخت با هم حرف بزنین.

# Grüezi, was hatted Si gärn?

## A1

در هنگام خرید همیشه یک چیزی برای سوال کردن وجود دارد: چی احتیاج دارید؟ همه چی درست است؟ چطوری می خواهید پرداخت کنید؟ چهار مکالمه را درباره خرید کردن بخوان. تو می توانی به آن گوش بدهی.

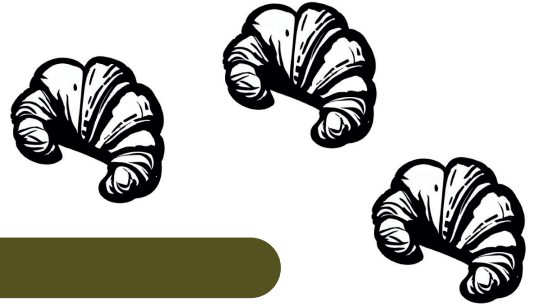


K4 -  
Audio A1



## Bim Beck

De Oleg isch bim Beck.



V: Grüezi, was hatted Si gärn?

O: Grüezi, ich hetti gärn zwai Gipfeli.

V: Seer gärn. Dörfs suscht no öppis sii?

O: Nai, danke, das isch ales.

V: Das macht dän 3 Franke 50. Händ Si d Quittig wele?

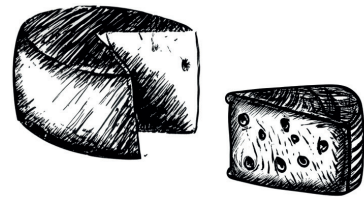
O: Nai, danke, die bruuchi nöd.

V: Merci vilmaal und en schöne Taag!

O: Danke, gliichfalls, adel!

## A de Chäästeeke

D Seda isch a de Chäästeeke-n am luege.



S: Grüezi, ich hetti gärn es Shtuck vom Appezäler Chääs.

V: Seer gärn. Wi vil dörfs sii?

S: Öppe 200 Gramm.

V: Isch so guet? Söli s esoo schniide?

S: Gärn no es bitzli mee. Jaa, so isch wunderbaar.

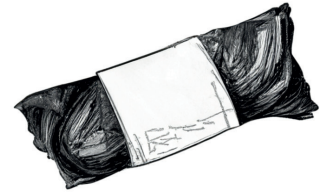
V: Das sind 220 Gramm. Das macht dän 5 Franke 40.

S: Danke vilmaal. En schöne Taag no!

V: Mersi, gliichfalls!

## A de Kasse

De Bikas isch a de Kasse zum Zale.



V: Grüezi.

B: Grüezi. Daas und e Role GÜselseck brüüchti no.

V: Sicher, vwala. Samled Si Boonuspükt?

B: Nai, tueni nöd. Aber chönti bitte no es Seckli haa?

V: Ja, klar, s choschtet alfech 5 Rappe.

B: Kais Problem, das zali doch gärn.

V: Dän wäreds 25 Franke 35, bitte. Zaled Si baar oder mit de Charte?

B: Gärn mit em Chärtli.

V: Da anehebe ... danke.

B: Ade, schöne Taag.

V: Mersi gliichfals, ade.

## Im Chlaiderlade

D Liridona hät e Fraag im Chlaiderlade.



L: Entschuldigung, händ Si däa Puli au i de Gröössi M?

V: Ain Momänt, ich luege gschwind im Lager naa. (...) Nai, laider nöd, aber mir chönted en bschtele, wän Si wänd?

L: Ja, seer gärn.

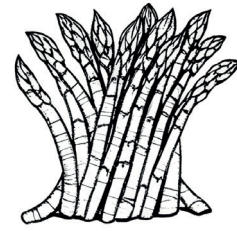
V: Er sött öppe inere Wuche daa sii. Mir lüüted Ine dän aa. Wie isch Iri Telefoonnumere?

L: Das wäär 075 725 56 63. Danke vilmaal, bis dän.

V: Danke-n au, bis bald!

## I de Frücht- und Gmües-Abtailig

D Raifah schtaat vor em Gmüesregaal und suecht Schpargle.



**R:** Tschuldigung, ich brüüchti Schpargle, händler im Momänt ekai?

**V:** Tuet mer laid, die händler im Momänt no kä Saison, Schpargle hämmer erscht öppe-n ab April.

**R:** A ja klaar, die wachsed ja au nöd s ganze Jaar! No öppis anders. Ich han gsee, dass d Orangsche nümme-n esoo guet uusgseend, s hät es paari wo scho schimlig sind. Han tänkt, ich säge s lne lieber.

**V:** Ou ja, danke-n lne vilmaal, ich sortiere s dämfaal grad gschwind uus.

**R:** Wunderbaar, danke vilmaal und no en schööne Namittaag.

**V:** Danke, gliichfals.



# تمرینات مقدماتی

## A2



سوالات پایین را تا حد ممکن کوتاه جواب بده.

■ اولیگ چندتا گیفلی می خرد؟

■ صیدا چی می خرد؟

■ بیکاس چگونه پرداخت می کند؟

■ میتواند لیریدونا جاکت را با خود ببرد؟

■ پرتقال چه مشکلی دارد؟

## A3



کی چه می گوید؟ جمله ها را به افراد وصل کن.  
V مخفف فروشنده می باشد  
.Verchoiffer\*in

1 Oleg

2 V: Beck

3 Seda

4 V: Chäästeeke

5 Bikas

6 V: Kasse

7 Liridona

8 V: Chlaidlerlade

9 Raifah

10 V: Früch und Gmües

a Ich hetti gärn zwai Gipfeli.

b Händ Si däa Puli au i de Gröössi M?

c Mir lüüted lne dän aa.

d Gärn mit de Charte.

e Gärn no es bitzli mee.

f Wie vil dörf s sii?

g Ich sueche d Schpargle.

h Dörf s suscht no öppis sii?

i Samled Si oisi Boonuspüunkt?

j Die händ im Momänt no kai Saison.



Ain Momänt, ich luege gschwind im Lager naa.

Händ Si däa Puli au in de Gröössi M?

## CH

## فارسی/دري

## DE

**s Ai (d Aier)**

Zum Zmorge hani gärn es Ai.

تخم مرغ

برای صبحانه من یک عدد تخم مرغ دوست دارم.

**Ei**

Zum Frühstück mag ich gern ein Ei.

**d/de Butter (-)**

Gonfi isch am beschte uf Butterbroot!

کره

بهترین چیز مریا روی نان و کره است!

**Butter**

Marmelade ist am besten auf Butterbrot!

**s Määl (-)**

Brootmääl und Chuechemääl sind nöd s Gliche.

آرد

آرد نان و آرد برای پختن کیک همسان نیستند.

**Mehl**

Brotmehl und Kuchenmehl sind nicht dasselbe.

**s Gipfeli (d Gipfeli)**

Sind die Gipfeli deet vo hüt?

یک نوع نان برای صبحانه

گیپفیلی آنجا از امروزه؟

**Gipfel**

Sind die Gipfel dort von heute?

**d Milch (-)**

Si vertrait kä Milch, si überchunt Bauchwee de-voo.

شیر

او نمی تواند شیر را هضم کند. ازش دلدرد می گیرد!

**Milch**

Sie verträgt keine Milch, sie bekommt Bauchweh davon.

**de Wii (d Wii)**

Nimsch au chli Wii zum Ässe?

شراب

تو هم یک کم شراب با غذا میخوری؟

**Wein**

Nimmst du auch ein bisschen Wein zum Essen?

**de Riis (-)**

Riis wird sogaar i de Schwiiz aapout.

برنج

برنج حتی در سوییس کشت می شود.

**Reis**

Reis wird sogar in der Schweiz angebaut.

**s Rüepli (d Rüepli)**

Wän d Rüepli echli süess sind, händ si d Chind au gärn.

زردگ (هویچ)

وقتی که هویچ شیرین باشد، کودکان هم او را دوست دارند.

**Karotte**

Wenn die Karotten ein bisschen süess sind, mögen sie auch die Kinder.

**d Zwible (d Zwible)**

Bim Zwible-Schniide mueni amigs brüele.

پیاز

وقت خرد کردن پیاز باید همیشه گریه کنم.

**Zwiebel**

Beim Zwiebelnschneiden muss ich immer weinen.

**de Lauch (-)**

Lauch gits fascht s ganze Jaar dure.

تره فرنگی (گندنه)

تره فرنگی تقریباً در تمام طول سال در دسترس است.

**Lauch**

Lauch gibt es fast das ganze Jahr über.

<b>d Linse (d Linse)</b> Ich find, Linse bruuched imer echli Essig.	عدس من فکر میکنم، عدس همیشه به کمی سرکه نیاز دارد	<b>Linsen</b> Ich finde, Linsen brauchen immer etwas Essig.
<b>d Schpargle (= Plural, kein Singular)</b> Schpargle sind fain, aber tüür.	مارچوبه مارچوبه خوشمزه اما گران هستند.	<b>Spargeln</b> Spargeln sind fein, aber teuer.
<b>d Saison (-)</b> Jetzt isch d Saison für Epeeri.	موسوم (فصل) اکنون فصل توت فرنگی است.	<b>Saison</b> Jetzt ist die Saison für Erd- beeren.
<b>s Salz (-)</b> Chasch mer s Salz gää? Ich bruuche-n imer echli mee.	نمک آیا میتوانی به من نمک را بدهی؟ همیشه کمی بیشتر ضرورت دارم.	<b>Salz</b> Kannst du mir das Salz ge- ben? Ich brauche immer ein bisschen mehr.
<b>de Zucker (-)</b> Nimsch au Zucker in Kafü?	شکر (بوره) آیا با قهوه خود شکر هم میخواهی؟	<b>Zucker</b> Nimmst du auch Zucker in den Kaffee?
<b>d Soosse (d Soossene)</b> I de Schwiiz gits vil Soos- sene mit Raam.	سس در سوئیس سس های زیادی با خامه وجود دارد.	<b>Sauce</b> In der Schweiz gibt es viele Saucen mit Sahne.
<b>fain (fainer)</b> Findsch de Chueche fain?	خوشمزه آیا فکر میکنی کیک خوشمزه است؟	<b>lecker</b> Findest du den Kuchen le- cker?
<b>s Päckli (d Päckli)</b> Hoffetlich isch mis Päckli hüüt Morge gliferet wordel!	پاکت امیدوارم بسته یا پاکت من امروز صبح تحویل داده شده باشد	<b>Paket</b> Hoffentlich wurde mein Paket heute morgen geliefert!
<b>s Seckli (d Seckli)</b> Bruched Si es Seckli?	کیسه، کیف آیا به یک کیف کوچک نیاز دارید؟	<b>Tüte</b> Brauchen Sie ein Tüte?
<b>s Schtuck (d Schtuck)</b> Wettsch no es Schtuck Chueche?	تکه، قطعه یک تکه (قطعه) کیک هم میخواهی؟	<b>Stück</b> Möchtest du noch ein Stück Kuchen?
<b>s Gram (d Gram)</b> Für daas Rezäpt bruuche- mer 500 Gram Määl.	گرم برای دستور پخت این غذا ما ۵۰۰ گرم آرد احتیاج داریم	<b>Gramm</b> Für dieses Rezept brauchen wir 500 Gramm Mehl.
<b>d Role (d Rolene)</b> S isch wider emaal nume ai Role WC-Papiir voorig.	رول باز هم فقط یک رول دستمال توالت باقی مانده است!	<b>Rolle</b> Es ist wieder einmal nur noch eine Rolle WC-Papier übrig!

**de GÜselsack (d GÜsel-seck)**

Hämmer no GÜselseck oder söli noii chauffe?

پلاستیک برای آشغال

پلاستیک برای آشغال داریم یا که یک دانه جدید بخرم؟

**Kehrachtsack**

Haben wir noch Kehrachtsäcke oder soll ich neue kaufen?

**d Abtailig (d Abtailige)**

I welere-n Abtailig schaffsch?

بخش

در کدام بخش کار میکنی؟

**Abteilung**

In welcher Abteilung arbeitest du?

**s Regaal (d Regaal)**

Das Regaal gheit scho fasch usenand, dänk mir bruuched es nois.

قفسه

این قفسه نزدیکه از هم بیاشه، من فکر میکنم که ما یک دانه جدید اش احتیاج داریم

**Regal**

Dieses Regal fällt schon fast auseinander, ich glaube, wir brauchen ein neues.

**d Gröössi (d Grössene)**

Si brüüchted bi däne Schue ai Gröössi chliiner.

بزرگی، سایز

برای این کفش شما به سایز کوچکتر نیاز دارید.

**Grösse**

Sie bräuchten bei diesen Schuhen eine Grösse kleiner.

**s Lager (d Lager)**

Händ Si no mee Grössene uf Lager?

انبار

آیا یک سایز بزرگتر در انبار دارید؟

**Lager**

Haben Sie noch mehr Grössen auf Lager?

**zale (hät zalt)**

Zaled Si baar oder mit de Charte?

پرداخت کردن

می خواهید نقدی یا با کارت پرداخت کنید؟

**zahlen**

Zahlen Sie bar oder mit Karte?

**baar (-)**

Chani baar zale?

نقد، نقدی

آیا میتوانم نقد پرداخت کنم؟

**bar**

Kann ich bar zahlen?

**de Franke (d Franke)**

Das Broot choschtet 5 Franke!

فرانک ( واحد پول سوئیس)

قیمت این نان ۵ فرانک است.

**Franken**

Dieses Brot kostet 5 Franken!

**d Quittig (d Quittige)**

Bruuched Si d Quittig?

رسید، قبض

قبض می خواهید؟

**Quittung**

Brauchen Sie die Quittung?

**hebe (hät ghebt)**

Heb emal churz des Päckli.

نگه داشتن

این بسته را یک لحظه نگه دار.

**halten**

Halt mal kurz das Paket.

**samle (hät gsamlet)**

Früener hätsi imer Shtai gsamlet.

جمع کردن

قدیما او همیشه سنگ جمع میکرد.

**sammeln**

Früher hat sie immer Steine gesammelt.

**sueche (hät gsuecht)**

Chasch mer hälfe, en Job sueche?

جستجو کردن، دنبال چیزی گشتن  
آیا میتوانی کمکم کنی، یک کار پیدا کنم؟

**suchen**

Kannst du mir helfen, einen Job zu suchen?

**uussortiere (hät uussortiert)**

Ich sött mini Medis wider emaal uussortiere, di maischte sind scho abgloffe.

مرتب کردن

من باید دوباره داروهایم (دوا) را مرتب کنم، اکثر آنها قبلاً تاریخ مصرفشان تمام شده است.

**aussortieren**

Ich sollte meine Medikamente wieder mal aussortieren, die meisten sind schon abgelaufen.

**schimlig (schimliger)**

Häsch die schimlige Marronis duu kaufft?

کپک زده

آن شاه بلوط های کپک زده را خریدی؟

**schimmelig**

Hast du diese schimmeligen Marroni gekauft?

**wäsche (hät gwäsche)**

Ich mues no schnäl mini Händ go wäsche.

شستشو

باید سریع بروم و دست هایم را بشورم.

**waschen**

Ich muss noch schnell meine Hände waschen gehen.

**halbiere (hät halbiert)**

Tüemer d Rächnig halbiere?

نصف کردن

آیا قبض را نصف کنیم؟

**halbieren**

Halbieren wir die Rechnung?

**würfle (hät gwürflet)**

De Tofu tuesch würfle und dän aabröötle.

خرد کردن

توفو را به صورت مکعبی خرد کرده و سپس سرخ کن.

**würfeln**

Den Tofu würfelst du und dann brätst du ihn an.

**umrüere (hät umgrüert)**

Bevoor de Chueche-n in Ofe tuesch, muesch d Mischig guet umrüere.

هم زدن

قبل از اینکه کیک را در فر قرار بدهی، باید مخلوط را خوب هم بزنی.

**umrühren**

Bevor du den Kuchen in den Ofen tust, musst du die Mischung gut umrühren.

**chnätte (hät knättet)**

De Taig für es Suurtaigbroot muesch wäärend Schtunde imer wider chnätte.

ورز دادن

برای پخت نان خمیر ترش، باید خمیر را طی چند ساعت بارها و بارها ورز بدهی.

**kneten**

Den Teig für ein Sauerteigbrot musst du während Stunden immer wieder kneten.

**voorhaize (hät voorghaizt)**

Isch de Ofe scho gnueg voorghaizt?

حرارت دادن

آیا فر از قبل به اندازه کافی گرم شده است؟

**heizen**

Ist der Ofen schon genug vorgeheizt?

**würze (hät gwürzt)**

Du würzisch s Ässe imer so fain, wie machsch das au?

ادویه زدن

تو همیشه داخل غذا ادویه خوشمزه میندازی، چگونه این کار را انجام می دهی؟

**würzen**

Du würzt das Essen immer so lecker, wie machst du das bloss?

**dämfal****dann, ja dann, in dem Fall** پس، بله، در آن صورتوقتی بحث درباره چیزی را تمام کردید، برای تایید نتیجه می گوئید: *dämfal*مثال: *Dämfal gseemer ois morn am Ahti* "پس فردا ساعت ۸ می بینمت!"اغلب این پایان مکالمه است: *Dämfal hämmer s glaub, oder?* "پس من فکر می کنم ما آن را داریم، درست است؟"به همین دلیل است که حتی می توان از این کلمه به تنهایی برای خداحافظی استفاده کرد: *Dämfal, schööns Tägli no!* "بله پس، روز خوبی داشته باشید!"**vwala****voilà, bitteschön, na also** بفرمایید، ووالا*Vwala* زمانی گفته می شود که به کسی چیزی تحویل داده می شود که او منتظر آن بوده است:*Vwala, da hettemer Ires Päckli* "بفرمایید، این بسته شماست"، *Vwala, din noie Schlüssel* "اینجا، کلید جدیدت". بعضی ها

هم وقتی چیز جالبی را می بینند یا می شنوند که خودشان منتظرش بوده اند، از آن استفاده می کنند:

*Vwala, das isch jetzt aine vo de sältnerer Vögel!* «آه، حالا این یکی از پرنده های کمیاب است!»، *Vwala, du häsch s**erkänt* «دقیقاً، تو آن را شناختی».

# دستور زبان

در زبان آلمانی سوئیسی، مانند آلمانی استاندارد، قوانینی وجود دارد که ترتیب کلمات در جمله را تعیین می‌کنند. سه قانون زیر مهم‌ترین هستند:

- (1) در جایگاه اول جمله، یک موضوع، یعنی یک شخص (فاعل) یا یک اطلاعات پس‌زمینه می‌آید، و در جایگاه دوم فعل صرف‌شده قرار می‌گیرد.
- (2) ترتیب بقیه اجزای جمله نسبتاً آزاد است. اطلاعاتی که قبلاً شناخته شده‌اند اول می‌آیند، سپس اطلاعات جدید.
- (3) بعضی فعل‌های مشخص همیشه در آخر جمله قرار می‌گیرند.

نگاه دقیق‌تر میندازیم.

## اول یک موضوع (یا فاعل)، بعد یک فعل

فاعل، مفعول و سایر اعضای جمله اغلب در مکان‌های بسیار متفاوتی در جمله‌های آلمانی ظاهر می‌شوند. رمز این است. در آلمانی لغات و عبارت زیاد مهم نیست، بهتر است به این بیشتر تمرکز بکنی، که در بیشتر جمله‌ها اول یک موضوع (یا فاعل) و بعد یک فعل می‌آید. برای مثال:

*Ich schick der hüt es Päckli mit de Poscht*

من امروز بسته را توسط پست بهت می‌فرستم.  
به شرح زیر توجه کنید، لغات که می‌توانید جای آنها را تغییر بدهید.

Thema (موضوع (یا فاعل))	Verb فعل	Rest بقیه
Ich	schick	diir hüt es Päckli mit de Poscht.
Hüt	schick	i der es Päckli mit de Poscht.
Diir	schick	i hüt es Päckli mit de Poscht.
Es Päckli	schick	i diir hüt mit de Poscht.
Mit de Poscht	schick	i diir hüt es Päckli.

فرق نمی‌کند موضوع (یا فاعل) چی باشد، فعل همیشه در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. معنی جمله تغییر نمی‌کند، فقط مرکز توجه تغییر می‌کند.

## اول آنچه شناخته شده است، سپس آنچه جدید است

در جمله های طولانی جایگاه اول را آدم یا اشیا قرار می گیرند که درباره آن صحبت شده باشد یا اینکه آن را آدم می شناسد. آنها یا در اول جمله یا هر چی زودتر بعد از فعل قرار می گیرد. موضوع جدید، اشیا یا آدم های ناشناخته بعداً در جمله پیش می آید. در پایین درباره این یک مثال داده شده است. در جمله یک (موضوع (یا فاعل) پیش می آید و در جمله دوم این موضوع قبل از موضوع دوم می آید.

جمله ۱	جمله ۲	ترتیب اجزای جمله ۲
Oisere Chatz isch längwiilig. حوصله پیشک (گره) سر رفته.	Hüt hätsi ire aigeti Schwanz gjagt. او امروز دم خود را شکار می کرد.	فاعل شناخته شده → مفعول جدید
De chlii Vogel deet isch megafräch. این پرنده کوچک خیلی پررو (گستاخ) است.	Hüt hät en scho oisi Chatz gjagt. امروز صبح او را گره (پیشک) ما شکار کرده بود	مفعول شناخته شده → فاعل جدید

## بهترین قسمت در پایان

در زبان آلمانی سوئیسی، افعال اغلب پیوندهای نزدیکی با سایر کلمات برقرار می کنند. این کلمات دیگر می توانند قبل یا بعد از فعل قرار بگیرند. دقیقاً کنار آن یا بسیار دور از آن. در اینجا بررسی می کنیم که این کلمات در جملات اصلی کجا قرار می گیرند. نحوه رفتار آنها در جملات فرعی در فصل ۷ توضیح داده خواهد شد. در توضیحات و مثالهای زیر، می توانی فعل و سایر کلمات را با توجه به رنگ آنها تشخیص دهی. ابتدا به مهم ترین موارد می پردازیم:

- فعل + کلمات کوتاه مثل **ab** (به عنوان مثال **nimt ab** "وزن کم می کند") یا مثل **uuf** (به عنوان مثال **nimt uuf** "ضبط می کند")
- فعل + کلمه **nöd** ("ن-"), به عنوان مثال: **schtimt nöd** "درست نیست"; **gaat nöd** "کار نمی کند"
- فعل کمکی + شکل گذشته، به عنوان مثال: **isch ggange** "رفته است"; **hät gschrib** "نوشته است"
- فعل + مصدر (با یا بدون "z"), به عنوان مثال: **cha lauffe** "می تواند راه برود"; **versuecht z lauffe** "تلاش می کند راه برود"



در جملات اصلی (*Hauptsätzen*) فعل همیشه در جایگاه دوم قرار می‌گیرد، همان‌طور که در بالا توضیح داده شد. سایر کلمات بدون توجه به طول جمله، همیشه در انتهای جمله قرار می‌گیرند! بیایید چند مثال را ببینیم:

فعل (بخش ۲):  
سایر کلمات)  
...  
فعل (بخش ۱):  
فاعل (فعل)

Ich nime s Telefoon ab.

من دارم گوشی را برمی دارم.

Ich nime der jetzt zersch emal dini Tasche ab.

الان کیفتم را از تو می‌گیرم.

فعل (بخش ۲):  
سایر کلمات)  
...  
فعل (بخش ۱):  
فاعل (فعل)

Ich waiss es nöd.

نمیدانم.

Ich waiss das ales imfal gar nöd.

الان کیفتم را از تو می‌گیرم.

فعل (بخش ۲):  
سایر کلمات)  
...  
فعل (بخش ۱):  
فاعل (فعل)

Ich ha vorane no gschlaaffe.

نمیدانم.

Ich ha i de letschte Ziit, wil s imer so dunkel gsii isch, zimli vil gschlaaffe.

من هیچ کدام از این‌ها را نمی‌دانم.

فعل (بخش ۲):  
سایر کلمات)  
...  
فعل (بخش ۱):  
فاعل (فعل)

Ich wott en Chueche bache.

من می‌خواهم کیک بپزم.

Ich wott für d Mariko wider so-n en faine-n Öpfelchueche bache.

من می‌خواهم یک پای سیب خوشمزه دیگر برای ماریکو بپزم.



## B1

## کلمات در ترتیب درست

## B1.1



لغات را به ترتیب صحیح بیاور.

1) Hüt / ich / i / gaa-n / d Bäрге

2) Ich / si / am ói / ab / hol / jede Taag

3) Am nööchschte Samschtig / ich / laider / nöd / cha-n

4) Ich / in / oft nöd / verschtaa-n

5) Wän s Wätter schön isch / mir / schpööter / en chliine Schpaziergang / wänd / go / mache

6) Ich / uusleene / dir / mis Skateboard / cha / gärn

7) Aachoo / si / sind / uf jede Fal

8) Är / geschter / isch / useggange / am Aabig / namal

9) Zum Schaffe / ich / bin / choo / geschter / nüme / rächtziitig

10) Ich / ii / boue / di noie Brämse / morn

## B1.2

فاعل (تَمَرَكز)

فعل

بقیه

نمونه برای متن یا زمینه



سعی کن با مرتب کردن مجدد کلمات 1، 6 و 9 تا حد امکان جملات مختلف ایجاد کنی. برای هر مدل یک جمله بنویس که مشخص کند در چه موقعیتی می توان از آن استفاده کرد.

Ich	glaub	des nöd.	S töönt aifech wie uustänkt.
Daas	glaubi	nöd.	Aber di ander Gschicht chönd scho waar sii.

---

---

---

---

---

---

---

---

## B2



در پایین جملات یک جمله ای و دو جمله ای را می بینی که بعد از همدیگر می آیند و می توانند در نوع خود صحیح باشند. اما کدام آنها بهتر مطابقت دارند؟ به یاد داشته باش که اطلاعات شناخته شده در اول آید.

زمینه

نمونه ۱

نمونه ۲

De Chueche isch ja wäg!	<input type="checkbox"/>	Viliich hät en d Mara ggässe.	<input type="checkbox"/>	Viliicht hät d Mara en ggässe.
Dää Beck macht di beschte Bröötli.	<input type="checkbox"/>	Tüür ischer aber.	<input type="checkbox"/>	Aber er isch tüür.
Wetted Si gärn es Seckli?	<input type="checkbox"/>	Jaa, ich chönti scho es chliises bruuche.	<input type="checkbox"/>	Jaa, es chliises chönti scho bruuche.
Wo chame daa Fisch chauffe?	<input type="checkbox"/>	Fisch gits a däm Schtand deet hine.	<input type="checkbox"/>	A dem Schtänd deet hine gits Fisch.
Ich sött es Pfund Broot haa.	<input type="checkbox"/>	Gärn, schniide tueni s gad, isch guet?	<input type="checkbox"/>	Gärn, ich tue s gad schniide, isch guet?
En schöne Taag. Vergäsed Si Ires Chärtli nöd!	<input type="checkbox"/>	Ou jaa, des hetti fascht la ligge!	<input type="checkbox"/>	Ou jaa, ich hetti des fascht ligge laa!



جملات را در پهلوی کلمه یا کلمات داخل پرانتز /  
 قوس قرار بده. راحت تر این است که نقاط مناسب  
 را با یک فلش کوچک علامت بزنی. جمله تمام شده  
 را یک بار بدون نگاه کردن بگو.

Ich glaub nöd. (*das ales*)

Bitte trink uus! (*jetzt dini Milch*)

Du chasch choo. (*gärn au zum Znacht*)

Er isch haigange. (*scho am 8i*)

Si chunt nöd. (*wider emal*)

Chum, mir gönd no schnäl ine. (*i de Lade*)

Si händ glueged. (*di ganz Ziit uf d Uur*)

Ir losed zue. (*ois wenigstents*)

Höör uuf jamere! (*de ganz Taag*)

Mir händ abproche. (*des Projäkt*)

Si probiert z choo. (*a oisi Hochzig*)

S hät grägnet. (*geschter megavil*)

Das macht nüüt. (*mer infal gar*)

Machsch uuf, bitte? (*mer gschnäl d Tüüre*)



## B4

### B4.1



به اصطلاحات گوش بده و آنها را به آلمانی سوییسی در تصویر درست و مناسب بنویس.

K4 -  
Audio B4.1



## Bim iichaufe



-----



-----



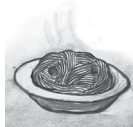
-----



-----



-----



-----



-----



-----



-----



-----



-----

Chlaiderlade

Suppermärt

Metzg

Kiosk

Beck

Chäästeeke

### B4.2



غذا ها را با فروشگاهی که احتمال خرید آن وجود دارد مرتبط کن.

## B4.3

4

**Broot:** S Broot chauffi bim Beck.**Chlaiderlade:** Im Chlaiderlade chauffi en Puli.

در حال حاضر چه چیزی و از کجا می خری؟ با کلمات تکلیف B4.1 جمله بساز و با صدای بلند بگو. شاید غذاها و مغازه های دیگری به ذهنت خطور کند؟

## B5

## B5.1



دستور یا قواعد را مرور و تمام موضوعات که مربوط به خوردن و خریدن می شوند را علامت گذاری کن.

## Lieblingsässe

Mis Lieblingsässe-n isch Schpagetti mit Tomaatesoosse. Ich isse des so gärn, wil s megaschnäl und aifach kochet isch, wämme im Schtress isch. Wämmer echli mee Ziiit hät, chame d Tomaatesoosse spezieler und uufwändiger mache. Dän chame no vil verschidnigs Gmües inetue und si lang la iichoche. Dezue chame entweder Parmesan gribe diräkt us em Sack nää oder de Parmesan a de Chäästeeke am Schtuck chauffe und sälber drüber raffle.

Mis Lieblingsässe-n isch Chueche. Ich bache seer gärn sälber. Wän öpper Geburi hät, bringi maischtens en Schoggichueche mit. Sälbergmacht isch natürliche am fainschte. Aber bim Beck gits au seer gueti Chüeche. Ich han algemain gärn süessi Sache, zum Biischpil Guezli, Schoggigipfel oder Schoggischtängeli.

Mis Lieblingsässe-n isch Linsenaintopf. Dän tueni vil Gmües ine: Zwible, Rüebli, Lauch, Seleri oder was i suscht no im Chüelschrank finde und es bitzli Tschili. Mängisch hani gärn no Riis dezue, oft issi s aber aifech esoo.

## B5.2



مهمترین چیزهای مورد نیاز برای غذا درست کردن چیست؟ یکی از متن ها را انتخاب کن و یک لیست خرید بنویس.

## EINKAUFLISTE

- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 
-

## B5.3



دستور پخت مورد علاقه خود (مواد لازم و دستورالعمل) را به زبان آلمانی سوئیسی بنویس و اگر بخواهی می توانی آن را برای کس دیگری بفرستی. او قطعاً از این بابت خوشحال خواهد شد. شروع جملات و افعال زیر می تواند کمکت کنند:

*Ais vo mine Lieblingsrezäpt isch*

*..., wil ...*

*Als erschts ...*

*Dän ...*

*Inzwüschet ...*

*Am Schluss ...*

*würfle, schiible, halbiere, schnii-  
de, bröötle, de Bachofe voor-  
haize, umrüere, wäsche, raffle,  
chnätte, würze*

## B5.4



با این یا با شخص دیگری در مورد غذاهای مورد علاقه خود به آلمانی سوئیسی تبادل نظر کن.

برای شروع اینجا یک تعداد ایده یا نمونه:

- چرا این غذا را خیلی دوست داری؟
- چی چیزی برای پختن این لازم داری؟
- چی کسی آن را بهتر می پزد؟
- معمولاً برای خریدن مواد لازم کجا میروی؟

## C1

## Ufem Märt



رافائلا برای خرید سبزیجات تازه و میوه برای آپارتمان مشترک شان به بازار میروند. خرید کردن نوبت رافائلا است و کارمند مارکت به او کمک میکند. اول به لغات جدید نگاه کن و بعد با اولین تمرین به گفتگو گوش بده.

K4 -  
Audio C1K4 -  
Zusatzwortschatz 1

## CH

## فارسی/دري

## DE

## s Eppeeri (d Eppeeri)

Die Eppeeri sind no ganz grün, die sind sicher nänig riiff!

توت فرنگی

این توت فرنگی ها هنوز کاملا سبز است، آنها قطعا هنوز خام اند.

## Erdbeere

Diese Erdbeeren sind noch ganz grün, die sind sicher noch nicht reif!

## de Öpfel (d Öpfel)

Uf em Märt gits mee verschidnigi Öpfelsorte.

سیب

در بازار انواع مختلف سیب وجود دارد.

## Apfel

Auf dem Markt gibt es mehr verschiedene Apfelsorten.

## d Rabarbere (= Plural, kein Singular)

Was chame mit Rabarbere usser Chueche no mache?

ریواس/رواش

بجز پختن، با ریواس/رواش چی کاری میشه کرد؟

## Rhabarber

Was kann man mit Rhabarber ausser Kuchen noch machen?

## d Böle (d Böle)

Hämmer no Böle dihai?

پیاز

ما در خانه پیاز داریم؟

## Zwiebel

Haben wir noch Zwiebeln zuhause?

## de Champignon (d Champignons)

Die Champignons sind no ärdig, muesch wäsche.

قارچ/سماروق

قارچ/سماروق ها هنوز خاکی اند. آنها را باید بشویی.

## Champignon

Die Champignons sind noch erdig, die musst du waschen.

## de Chnobli (d Chnobli)

Mängi Lüüt händ Chnobli nöd gärn, wil er schtinkt.

سیر

بعضی ها سیر دوست ندارند زیرا بو میدهد.

## Knoblauch

Manche Leute mögen Knoblauch nicht, weil er stinkt.

## de Härdöpfel (d Härdöpfel)

Für e Rööschti bruuchtme kochti Härdöpfel.

سیب زمینی/کچالو

برای یک روشتی، سیب زمینی/کچالوی پخته شده لازم است.

## Kartoffel

Für eine Rösti braucht man gekochte Kartoffeln.



<b>d Oberschiine (d Oberschiine)</b> Ich find, Oberschiine sind grilliert am beschte.	بادنجان سیاه به نظر من بادنجان سیاه کباب شده بهتر است.	<b>Aubergine</b> Ich finde, Auberginen sind grilliert am besten.
<b>d Pepperooni (d Pepperoonis)</b> Chasch mer die Pepperooni chlii schniide?	دلمه می توانی این دلمه را برایم خرد کنی؟	<b>Paprika</b> Kannst du mir diese Paprika klein schneiden?
<b>de Pilz (d Pilz)</b> Wänn d Pilz wottscho samle, muesch si guet käne.	قارچ/سماروق وقتی برای قارچ چیدن میروی، باید آنها را خوب بشناسی.	<b>Pilz</b> Wenn du Pilze sammeln gehen willst, musst du sie gut kennen.
<b>d Rande (d Randene)</b> Wän d mit Rande chochscho, wird ales root.	لله/البلیو اگه با لله/البلیو آشپزی کنی، همشو قرمز/سرخ خواهد شد.	<b>Rande</b> Wenn du mit Randen kochst, wird alles rot.
<b>de Schpinaat (-)</b> Schpinaat mit Ai isch es schnäls Ässe.	اسفناج اسفناج با تخم مرغ یک غذای فوری است.	<b>Spinat</b> Spinat mit Ei ist ein schnelles Essen.
<b>d Zuggetti (d Zuggettis)</b> Es git grüeni und gääli Zuggettis.	کدوسبز کدوی سبز و زرد وجود دارد.	<b>Zucchetto</b> Es gibt grüne und gelbe Zucchini.
<b>s Chrüütli (d Chrüütli)</b> Im Sumer chochi gärn mit früsche Chrüütli.	گیاهان در تابستان من دوست دارم با سبزیجات تازه آشپزی کنم.	<b>Kräuter</b> Im Sommer koche ich gern mit frischen Kräutern.
<b>de Peeterli (-)</b> Vom Peeterli chame au d Wurze-n ässe.	جعفری ریشه جعفری را نیز میتوان خورد.	<b>Petersilie</b> Von der Petersilie kann man auch die Wurzeln essen.
<b>de Bund (d Bünd)</b> Für daas Rezäpt bruuche mer no en Bund Peeterli.	دسته برای پختن این دستور، به یک دسته جعفری نیاز داریم.	<b>Bund</b> Für dieses Rezept brauchen wir noch einen Bund Petersilie.
<b>de Pfäffer (-)</b> Echli faad, ich wür säge, Pfäffer fäält.	فلفل/مرچ یک کمی بی مزه است، من میگویم فلفل/مرچ کم دارد.	<b>Pfeffer</b> Etwas lasch, ich würde sagen, Pfeffer fehlt.
<b>s Tschili (d Tschilis)</b> Ich liebe Tschili, das git Füür uf de Zunge!	فلفل/مرچ سرخ من عاشق فلفل/مرچ قرمز هستم، مثل آتش زبان را میسوزاند.	<b>Chili</b> Ich liebe Chili, das ist wie Feuer auf der Zunge!

**s Ööl (d Ööl)**

Z vil Ööl vertrait min Mage nöd.

روغن

معده من تحمل روغن زیاد را ندارد.

**Öl**

Zu viel Öl verträgt mein Magen nicht.

**de Raam (-)**

I de Schwiiz hät me traditionell vil Gricht mit Raam kochet.

خامه/قیماق

در سوپس بسیاری از غذاها بطور سنتی با خامه/قیماق پخته میشود.

**Rahm**

In der Schweiz hat man traditionell viele Gerichte mit Rahm gekocht.

**de Taig (d Taig)**

Du chasch de Taig au ooni Aier mache.

خمیر

خمیر را بدون تخم مرغ هم میتوانی درست کنی.

**Teig**

Du kannst den Teig auch ohne Eier machen.

**scharf (schärfer)**

Scharfs Ässe häter gar nöd gärn!

تند

غذای تند را او اصلاً دوست ندارد.

**scharf**

Scharfes Essen hat er gar nicht gern!

**bitter (bitterer)**

Die Schoggi isch ja mega-bitter!

تلخ

این شکلات بشدت تلخ است.

**bitter**

Diese Schokolade ist ja mega bitter!

**süesslich (süesslicher)**

Ich han lieber süessliche Öpfel.

شیرین

من سیب های شیرین را بیشتر دوست دارم.

**süsslich**

Ich mag lieber süssliche Äpfel.

**suur (suurer)**

Si macht imer so-n e suuri Salaatsoose.

ترش

او همیشه سوس سالاد را خیلی ترش درست میکند.

**sauer**

Sie macht immer so saure Salatsaucen.

**süürlich (süürlicher)**

D Milch isch scho liecht süürlich, die trinksch besser nüm!

ترش، ترشیده

شیر کمی ترشیده، بهتر است ننوشی.

**säuerlich**

Die Milch ist schon leicht säuerlich, die trinkst du besser nicht mehr.

**riiff (riiffer)**

Ändlich sind d Beer i oisem Garte riiff!

پخته/رسیده

بلاخره توت های باغچه ما رسید/پخته شد!

**reif**

Endlich sind die Beeren in unserem Garten reif!

**unriiff (unriiffer)**

Unriiffi Frücht ässe macht Buuchwee!

نرسیده/خام

خوردن میوه خام شکم درد میکند.

**unreif**

Unreife Früchte essen macht Bauchweh!

**saisonaal (saisonaaler)**

Ich chauff Gmües und Frücht imer saisonaal ii.

فصلی

من همیشه سبزی و میوه فصلی خرید میکنم.

**saisonal**

Ich kaufe Gemüse und Früchte immer saisonal ein.

**härt (härter)**

D Taigwaare müend no chli choche, si sind no ganz härt.

سخت/سفت

پاستا هنوز باید کمی بپزد، هنوز خیلی سخت/سفت است.

**hart**

Die Teigwaren müssen noch ein bisschen kochen, sie sind noch ganz hart.

**waich (waicher)**

Ou nai, itz sind d Taigwaare scho vil z waich worde ...

نرم

وای نه، حالا نودل ها خیلی نرم شده.

**weich**

Oh nein, jetzt sind die Nudeln schon viel zu weich geworden ...

**rund (ründer)**

Ich han lieber rundi Chüssi als eggigi.

گرد

من بالشت گرد را بیشتر از بالشت چهارگوش دوست دارم.

**rund**

Ich mag lieber runde Kissen als eckige.

**schpitzig (schpitziger)**

Obacht, die Schtai sind megaschpitzig!

تیز

مواظب باش، این سنگ ها واقعا تیز است.

**spitzig**

Achtung, diese Steine sind echt spitz!

**glatt (gletter)**

Sini Haar sind ganz lang und glatt worde!

صاف

موهایش کاملا دراز و صاف شده.

**glatt**

Seine Haare sind ganz lang und glatt geworden!

**schrumplig (schrumpliger)**

Die Öpfel sind scho chli alt, durum sindsi so schrumpfig.

چروکیده

این سیب ها کمی کهنه و چروکیده است.

**schrumplig**

Diese Äpfel sind schon ein bisschen alt, darum sind sie so schrumpfig.

**glänzig (glänziger)**

S Auto isch richtig glänzig jetzt, wo-n i s putzt han.

زرق و برق

حالا که تمیزش کردم موتر/ماشین واقعا میدرخشه.

**glänzend**

Das Auto glänzt richtig jetzt, wo ich es geputzt habe.

**d Hampfle (d Hampfle)**

Jede Taag e Hampfle Nüss ässe isch gsund.

یک مشت

روزانه خوردن یک مشت آجیل/پسته مفید است.

**Handvoll**

Jeden Tag eine Handvoll Nüsse zu essen, ist gesund.

**d Schale (d Schale)**

Vo Kütte chame d Schale nöd ässe.

پوست

پوست میوه به خورده نمی شود.

**Schale**

Von Quitten kann man die Schale nicht essen.

**de Gril (d Grils)**

Ich ha mer en noie Gril kaufft fürs Gartefäscht am Wuchenänd.

کبابی/گریل

من یک کبابی/گریل جدید برای جشن باغچه ام خریدم برای آخر هفته.

**Grill**

Ich habe mir einen neuen Grill gekauft für das Gartenfest am Wochenende.

**s Schpiessli (d Schpiessli)**

D Schpiessli sind dure, wär wott ais?

سیخ کباب

سیخ ها پخته شده. کی یکی میخواهد؟

**Spiesschen**

Die Spiesschen sind gar, wer will eins?

## C1.1



رافائلا یک چیزایی لازم دارد! گفتگو را دوباره گوش بده و بنویس که چی چیزی و چی مقداری خرید میکند. (مثلن: *foif Rüebli* پنج تا هویج/ زردک).

K4 -  
Audio C1.1



Gmües:

---

---

---

---

---

Frücht:

---

---

## C1.2



سوالات ذهنی زیر را جملات کامل جواب بده: زیر هر سوال برای پاسخ یک خط.

Weli Gmües empfilt de Händler zum Griliere?

---

---

Wiso nimt d Raffaela di grüne Schpargle?

---

---

Wiso bruucht d Raffaela Öpfel?

---

---

Was hetti d Raffaela fascht vergässe?

---

---

## C1.3



این مقدار ها یا اندازه ها چی معنی میدهد؟ باهمدیگر وصل کن.

1 e Hampfle

2 es Schäleli

3 en Bund

4 e Schale

5 es paar

a یک کاسه

b یک مشته

c یک دسته

d یک تعداد

e یک کاسه کوچک

## C1.4



میوه ها و سبزیجات از نظر مزه و ظاهر با هم فرق دارند. در کنار چند لغت مفید را میبینی. چهار نوع میوه یا سبزی که میشناسی را انتخاب کن و برای هرکدام حداقل دو جمله مناسب بنویس.

### مزه

süess (شیرین), süesslich (شیرین)  
 suur (ترش), süürlich (ترشیده)  
 scharf (تند), mild (خفیف)  
 bitter (تلخ)  
 fräsch (تازه)  
 (un-)riif (نارسیده/خام)

### شکل ظاهر

root, gääl, grünen (قرمز, زرد, سبز)  
 rund (گرد), schpitzig (نوک تیز)  
 lang (دراز), churz (کوتاه)  
 härt (سفت/سخت), waich (نرم)  
 glatt (صاف), runzlig (چین خورده)  
 glänzig (زرق و برق)

## C2



هر دو همدیگر را با نام کوچک صدا میکنند. گفتگو را بخوان و به جملات پرسشی و درخواستی دقت کن. معلومات بیشتر در این مورد در پایین موجود است.

## Zum Mitnääd

داوید برای خود یک دونرکباب سفارش میدهد. او صاحب مغازه را خوب میشناسد.

B	Hoi David, was laufft?	سلام داوید، چی خبر؟
D	Ales guet, aber han es Loch im Buuch!	همه چیز خوب است فقط شکم سوراخ میشه از گرسنگی
B	Also was machemer?	خوب، چی کار کنیم؟
D	Machsch mer en Döner?	برایم یک دونر کباب درست میکنی؟
B	Für diich imer! Wottscht Zwible, Tomaate, Chabis ...?	برای تو همیشه! با پیاز، گوجه و کلم میخوای؟
D	Jaa, ales! Und tuen echli Tschili drii, ich bruuch gad öppis scharfs.	اره همش! و کمی فلفل / مرچ /هم بزن، الان به چیزی تند نیاز دارم
B	Machemer, Chef. Issisch en gad oder söl' en iipacke?	انجام میدیم رییس. الان میخوری یا بسته بندی کنم؟
D	Nai, isch guet, ich iss en gad, aber gib mer no e Serviette. Mm, schmöckt scho so fain.	نه همیطور خوبه، حالا میخورم، فقط یک چند تا دستمال کاغذی هم بده به من. همممم، خیلی خوشمزه است.
B	Bitte schöön. Waisch ja, zää fünfzg.	خواهش میکنم، خبر داری دیگه، ده فرانک و پنجاه راپن
D	Chani mit Charte zale?	میشه با کارت پرداخت کنم؟
B	Jaa, lueg mis noie Gräätli!	اره، دستگاه کارت خوان جدیدم را ببین!
D	Hei, supper. Also, mach s guet!	واو، عالی. پس مراقب خودت باش
B	Mersi David, tschau!	تشکر، داوید، خداحافظ

**de Chabis (d Chabis)**

Chabis zum Zmorge isch Chabis.

کلم

کلم برای صبحانه خیلی مزخرف است.

**Kabis**

Kabis zum Frühstück ist Blödsinn.

**s Loch im Buuch**

Ich ha de ganz Taag no nüüt ggässe, jetz hani es Riseloch im Buuch!

خیلی گرسنه

من تمام روز چیزی نخوردم و اکنون شکم سوراخ میشه از گرسنگی.

**Loch im Bauch**

Ich habe den ganzen Tag noch nichts gegessen, jetzt habe ich ein Riesenloch im Bauch.

**s Gräätli (d Gräätli)**

I oisere Chuchi hämmer jeenschti Chuchigräätli.

دستگاه

ما در آشپزخانه، دستگاه های مختلف برای آشپزی داریم.

**das Gerät**

In unserer Küche haben wir ganz verschiedene Küchengeräte.

**iipacke (hät iipackt)**

Häsch s Bilett iipackt?

بسته بندی

بلیط را پاکت یا بسته بندی کردی؟

**einpacken**

Hast du das Ticket eingepackt?

**schmöcke (hät gschmöckt)**

Mm, das schmöckt aber guet us de Chuchi!

مزه، بو

هممم، چی بوی خوبی می آید از آشپزخانه!

**schmecken, riechen**

Mmh, das riecht aber gut aus der Küche!

**d Serviette (d Serviette)**

Dörfi no e Serviette haa?

دستمال کاغذی

میشه یک دستمال دیگه هم داشته باشم؟

**Serviette**

Kann ich noch eine Serviette haben?

**hei**

Hei, das wär imfal mis Zvieri gsiil!

واو

واو، این در واقع غذای نیم روزی ام بود.

**hey**

Hey, das war eigentlich mein Zvieri!

K4 -  
Zusatzwortschatz 2



## جملات پرسشی و درخواستی

جملات پرسشی خیلی شبیه جملات اظهاری است. وقتی جمله سوالی باشد، مانند *wo* کجا، *was* چی، *wann* چی وقت... بصورت خودکار این کلمات در اول جمله می آیند. اگر جمله سوالی نباشد خود فعل، فاعل میشود. همه ی کلمات که بعد از آن می آیند مثل همیشه صرف میشود. در دوم شخص مفرد، ضمیر (تو) حذف میشود.

موضوع (یا فاعل)	فعل	بقیه جمله
Du	schicksch	mer ja dän es Päckli.
Wän	schicksch	mer dän das Päckli?
	Schicksch	(duu) mer dän no das Päckli?
	Schickeder	mer dän no das Päckli?

در جملات امری یا دستوری، فعل در اول جمله قرار میگیرد و بعد از تمام چیز بصورت معمول نوشته میشود. ضمائر *du* و *ir* در این حالت حذف میشود:

موضوع (یا فاعل)	فعل	بقیه جمله
	Schick	(duu) ine doch emal es Päckli!
	Schicked	(iir) ine doch emal es Päckli!
	Schickemer	ine doch emal es Päckli!

## C2.1



تمام جملات سوالی و امری را در گفتگوی زیر پیدا کن و آن را به جملات بیانی تبدیل کن .

مثال: *Häsch gärn Döner? → Du häsch Döner gärn.*

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----



در کنار چند نمونه واکنش به گفتگو را مشاهده می‌کنی، سولات مناسبی را در آن به زبان آلمانی سوییسی بساز.

..... ?  
Er hät Hunger.

..... ?  
en Döner

..... ?  
ales

..... ?  
mit de Charte

..... ?  
«tschau»

## C2.3



اگر می‌خواهی خوب رفتار کنی، اغلب به جای اینکه مستقیماً چیزی را درخواست کنی، به آلمانی سوییسی سؤال می‌کنی. به عنوان مثال، درخواست همچنین *Mach bitte s Faischter uuf!* می‌توانی آن را مودبانه‌تر به عنوان یک سؤال فرموله کنی:  
*Machsch bitte s Faischter uuf?*  
*Chasch bitte s Faischter uuf?*  
*mache* شکل‌های جا افتاده را در جدول زیر پر کن. به تفاوت Si و du توجه کن.

درخواست	سوال
Gib mer bitte no es Seckli.	
	Chönd Si mir das bitte iipacke?
Laa de Chnobli wäg, bitte.	
Tüend Si bitte no chli mee Chääs druuf.	
	Braatisch s guet dure, bitte?
	Hei, schtönder bitte hine-n aa?





رافائلا و دوستش اسمه مدت زیادی است که یکدیگر را ندیده اند. اسمه دوست دارد رافائلا را برای شام دعوت کند. آنها با یکدیگر تماس می گیرند تا قراری بگذارند تا هفته آینده ملاقات کنند. از آنجایی که هر دو آنها خیلی کار برای انجام دارن، ملاقت کردن به همین راحتی نیست.

K4 –  
Audio C3

## CH

**uufpasse (hät uufpasset)**

Ich mues daas Wuchenänd  
uf d Chatze vo mim  
Brüetsch uufpasse.

**denaach**

Zerscht braatisch d Böle-n  
aa, denaach de Rescht  
vom Gmües.

**de Diensch (d Diensch)**

Am Määntig bini nöd im  
Diensch.

**eewigs**

I däm Restaurant muesch  
imer eewigs uf s Ässe  
warte.

**irgendwie**

Irgendwie müemer die  
Türe doch wider uufbringe.

## فارسی/دري DE

**مواظب باش**

من باید آخر هفته از گربه های برادرم  
مراقبت کنم.

**بعد از آن**

ابتدا پیازها را سرخ می‌کنی، سپس سبزیجات  
باقیمانده را سرخ می‌کنی.

**سرویس**

دوشنبه ها سرکار نیستم

**برای همیشه**

در این رستوران همیشه باید برای غذا انتظار  
بکشی.

**به نحوی**

باید به جوری این در رو دوباره باز کنیم

**aufpassen**

Ich muss dieses Wochen-  
ende auf die Katzen meines  
Bruders aufpassen.

**danach**

Zuerst brätst du die Zwiebeln  
an, danach das restliche Ge-  
müse.

**Dienst**

Montags bin ich nicht im  
Dienst.

**ewig**

In diesem Restaurant musst  
du immer ewig aufs Essen  
warten.

**irgendwie**

Irgendwie müssen wir diese  
Tür doch wieder aufbringen.

K4 –  
Zusatzwortschatz 3

## C3.1



در حین گوش دادن، برنامه های رافائلا و اسمه (زمان و تاریخ) را پر کن. اگر مطمئن نیستی که زمان در سوئیس چگونه خوانده می شود، به کتاب 1، فصل 5.2 مراجعه کن.

K4 -  
Audio C3



Raffaella

**WOCHENPLAN** KALENDERWOCHE 34

MONTAG	DIENSTAG	MITTWOCH	DONNERSTAG	FREITAG	SAMSTAG	SONNTAG

Esme

**WOCHENPLAN** KALENDERWOCHE 34

MONTAG	DIENSTAG	MITTWOCH	DONNERSTAG	FREITAG	SAMSTAG	SONNTAG

## C3.2

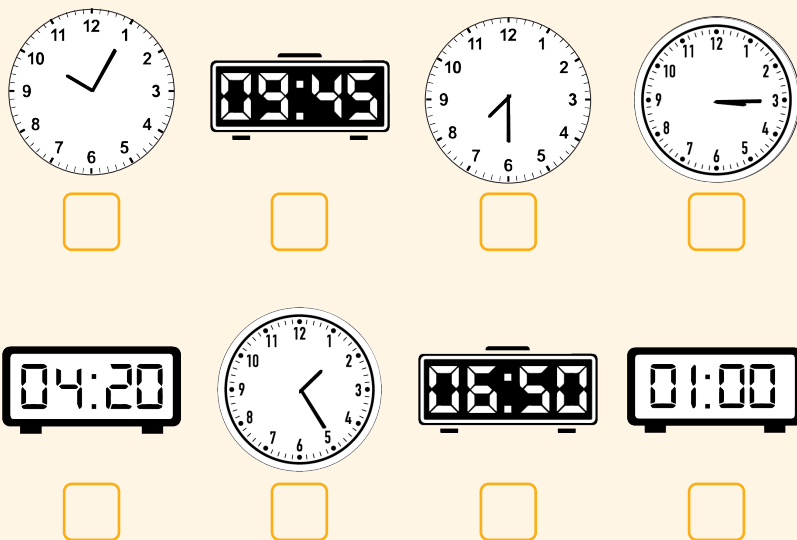
رافائلا و اسمه چه زمانی و در کجا ملاقات می کنند؟



## C3.3



تو کدام ساعت ها می شنوی. آنها را به زمان های تصویری اختصاص ده و اعداد مناسب را یادداشت کن.



K4 -  
Audio C3.3

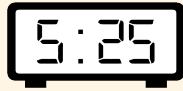


## C3.4

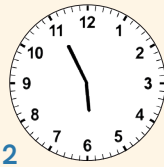


یکی از تو می پرسد «Was isch für Ziit?».  
زمان های زیر را به آلمانی سوئیسی تلفظ کن. جمله را  
اینگونه شروع کن:

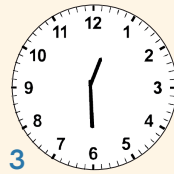
*Es isch ..*



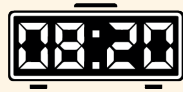
1



2



3



4



5

## C3.5



مانند رافائلا، تو کسی را به شام دعوت می کنی.  
یک پیام به آلمانی سوئیسی با تمام نکات مهم  
بنویس (سلام، کی، کجا، چیزی آوردن یا نه، نتیجه  
گیری).



## غذا خوردن با دیگران

در سوئیس افراد زیادی هستند که غذاهای مختلف می‌خورند. افرادی هستند که گیاه خواری یا وگان می‌خورند، برخی دیگر که کوشر یا حلال می‌خورند. همچنین عدم تحمل غذایی مختلفی مانند لاکتوز یا گلوتن یا آلرژی به آجیل و سایر غذاها وجود دارد. بنابراین وقتی کسی دوستان را برای شام دعوت می‌کند، ارزش این را دارد که بپرسد آیا هنگام آشپزی باید به چنین چیزی توجه کند.

در سوئیس رسم رواج است که آدم هنگام دعوت چیزی با خود ببرد. مثلاً یک بطری شراب یا گل. وقتی با یک لیوان شراب، شامپاین یا حتی نوشیدنی‌های غیر الکلی جام‌ها را به هم می‌زنید، به چشمان یکدیگر نگاه می‌کنید، "به سلامتی" می‌گویید و معمولاً دوباره برای دعوت تشکر می‌کنی. دعوت به شام می‌تواند به این معنی باشد که میزبان برای مدت طولانی در آشپزخانه می‌ایستد و یک آپرو، غذای اصلی و دسر سرو می‌کند. اما می‌تواند کمی ساده‌تر باشد و چیزی ساده مانند اسپاگتی با سس گوجه‌فرنگی وجود دارد.





اسمه برای شام با رافائلا دعوت شده است. بعد از یک آپرو با زیتون و شیرینی پف دار، لازانیا سبزیجات با سالاد وجود دارد. اسمہ در مورد آن مشتاق است و از رافائلا می پرسد که چگونه آن را تهیه کند.

مکالمه را به صورت کامل بخوان.

- E** Mm, die Lasagne isch megafain. Wie häsch die gmacht?
- R** Danke, froit mi, das es gärn häsch. Also, muesch öppe-n es halbs Kilo Zuggetti fin schiible und mit echli Salz, Pfäffer und Chrüütli würze. Dän tuesch Pilz schiible und mit Zwible und eme Bund Peeterli in Öl aabröötli. I d Soosse chunt en halbe Litter Milch, grafflete Chääs und chli Muskatnuss. Die Soosse haisst Béchamel. Am Schluss schichtisch aifech Lasagnebletter, Gmües und d Béchamel abwächsligswiis übereinand und schtroisch no chli Parmesan drüber. E halb Schtund in Ofen und scho fährtig. Isch au uupraktisch zum Voorberaite. S Rezäpt isch vo Betty Bossi, ich cha s der gärn schicke, wän d wilsch.
- E** O jaa, seer gärn! Ich tuen au gärn Sache-n im Ofen mache, dän hätme scho chli Zitt zum Uufruume, wäärend s Ässe-n im Ofen isch. Zum Biischpil machi oft Pide zum no Reschte-n Uufbruuche. Du chasch en Pizzataig nää, tailsch en uuf, rolsch d Schtückli ovaal uus und belaisch vo de Mitti häär, zum Biischpil mit voorigem Chääs, Gmües, Flaisch - was halt gad dihai häsch. Bruucht nur e Viertelschtund im Ofen.
- R** Das töönt supper, muesi unbedingt au mal probiere. Han amigs nöd so Idee'e, was i mit Reschte söl mache, dän isch so öppis supper.
- E** Ja vol! S git übrigens au es Chochbuech, des haisst «Kochen unter 5 Franken». Deet häts nur Rezäpt dine, wo d für ali Zuetaate zäme nöd mee als 5 Franke zalsch! Es paar Rezäpt händs au gratis uf irere Websiite under <https://joelundmuriel.ch/pages/kochen-unter-5-fr>.
- R** Wua, töönt megaguet, das luegi mer nacher grad aa!



**belegge (belait, hät belait)**

Mit was wottsch du d Pizza belegge?

روی چیزی را پوشاندن

می‌خواهی روی پیتزا چه چیزی اضافه کنی؟

**belegen**

Womit willst du die Pizza belegen?

**raffle (hät grafflet)**

Mir müend für de Salaat no d Rüebl raffle.

رنده کردن

ما باید هنوز هم هویج را برای سالاد رنده کنیم.

**raffeln**

Wir müssen für den Salat noch die Karotten raffeln.

**d Schiibe (d Schiibene)**

Häsch au e Schiibe Broot wele?

برش

آیا تو هم یک تکه نان می‌خواهی؟

**Scheibe**

Möchtest du auch eine Scheibe Brot?

**schiable (hät gschiiiblet)**

Iri Chind hälftet ire imer bim Gmüesschiible.

بریدن (لایه به لایه)

فرزندانش همیشه در خرد کردن سبزیجات به او کمک می‌کنند.

**in Scheiben schneiden**

Ihre Kinder helfen ihr immer beim Gemüse in Scheiben schneiden.

**voorberaite (hät voorberaitet)**

Ich han ales voorberaitet, d Gescht chönd choo.

آماده کردن

همه چیز را آماده کرده ام و مهمان‌ها می‌توانند بیایند.

**vorbereiten**

Ich habe alles vorbereitet, die Gäste können kommen.

**uusrole (hät uusgrolt)**

Am Schluss muesch de Guezlitaig nur no uusrole.

پهن کردن

در نهایت تنها کاری که باید انجام دهید این است که خمیر شیرینی را باز کنید.

**ausrollen**

Am Schluss musst du nur noch den Keksteig ausrollen.

**uufruume (hät uufgruumt)**

Geschter hämmer di ganz Wonig gründlich uufgruumt.

تمیز کردن

دیروز کل آپارتمان را به طور کامل تمیز کردیم.

**aufräumen**

Gestern haben wir die ganze Wohnung gründlich aufgeräumt.

**s Ässe (d Ässe)**

Am liebschte hani indischs Ässe.

غذا

من غذاهای هندی را بیشتر دوست دارم.

**Essen**

Am liebsten habe ich indisches Essen.

**s Rezäpt (d Rezäpt)**

Häsch mer s Rezäpt vo dinere berüemte Lasagne?

دستور آشپزی

می‌توانی دستور لازانیای معروف خود رو به من بدهی؟

**Rezept**

Kannst du mir das Rezept von deiner berühmten Lasagne geben?

**d Zuetaat (d Zuetaate)**

Für daas Rezäpt bruuchsch nume foif Zuetaate.

جزء

برای این دستور فقط به پنج ماده نیاز داری.

**Zutat**

Für dieses Rezept brauchst du nur fünf Zutaten.

**s Kilo (d Kilos)**

Händ Si mir es Kilo Här-döpfel, bitte?

کیلو

می‌توانید لطفاً یک کیلو سیب زمینی به من بدهید؟

**Kilo**

Könnten Sie mir ein Kilo Karotteln geben, bitte?

**de Litter (d Litter)**

Pro Taag söttme mindesch-  
tens 1 Litter Wasser trinke.

لیتر

باید حداقل ۱ لیتر آب در روز نوشید.

**Liter**

Pro Tag sollte man mindes-  
tens 1 Liter Wasser trinken.

**d Mitti (-)**

De Tisch schtaat i de Mitti  
vom Raum.

مرکز

میز وسط اتاق است.

**Mitte**

Der Tisch steht in der Mitte  
des Raums.

**de Ofe (d Öfe)**

Si schtelt de Ofe uf 180  
Grad ii.

فر

فر را روی ۱۸۰ درجه تنظیم می کند.

**Ofen**

Sie stellt den Ofen auf 180  
Grad ein.

**praktisch (praktischer)**

Di noi Funktion bi däm Ra-  
dio isch megapraktisch!

کاربردی

عملکرد جدید در این رادیو بسیار کاربردی  
است!

**praktisch**

Die neue Funktion bei die-  
sem Radio ist sehr praktisch!

**d Websiite (d Websiitene)**

Uf däre Websiite häts uuvil  
Wärbig, des närfht.

سایت اینترنتی

تبلیغات بسیار زیادی در این وب سایت وجود  
دارد که آزاردهنده است.

**Webseite**

Auf dieser Webseite ist so  
viel Werbung, das nervt.

**s Biischpil (d Biischpil)**

Er isst am liebschte Frücht,  
zum Biischpil Öpfel oder  
Aprikoose.

مثال

او ترجیح می دهد میوه بخورد، مثلاً سیب یا  
زردآلو.

**Beispiel**

Er isst am liebsten Früch-  
te, zum Beispiel Äpfel oder  
Aprikosen.

**voorig (-)**

Isch no Ässe voorig?

پس مانده غذا

آیا غذایی باقی مانده است؟

**übrig**

Ist noch Essen übrig?

**öppe**

حدوداً

**etwa, ungefähr**

*öppe* در دو عملکرد مختلف استفاده می شود. از یک طرف، یک بیانیه تقریبی را توصیف می کند:  
**Ich han hüüt öppe scho vier Kafis trunke** «امروز تقریباً چهار قهوه نوشیده ام». از سوی دیگر، از آن برای رویدادهای  
احتمالی استفاده می شود: **Es gaat öppe scho** 'این کار خواهد شد'!



## C4.1



کدام کلمات در مکالمه C4 برایت جدید بودند؟ ۴-۵  
جمله بساز.

## C4.2



حالا نوبت تو است: یک یا چند دوست را برای  
آشپزی دعوت کن و به آنها توضیح ده که چه کاری  
باید انجام دهند. ابتدا به یک غذا فکر کن - فرقی  
نمی‌کند این یک دستور غذای قدیمی خانوادگی  
باشد یا دستورالعمل‌های اینترنتی. به عنوان اولین  
تمرین، تمام مواد تشکیل دهنده را به زبان آلمانی  
سوئسی یادداشت کن و به این فکر کن که چگونه  
می‌توانی نحوه آماده کردن آنها را توضیح دهی.  
وقتی ملاقات کردید، می‌توانی با خلاصه کردن  
مختصری از غذاهایی که قرار است بپزید، شروع  
کنی. وقتی زمانش رسید، دستورالعمل‌های فردی را  
ارائه خواهی داد.

*En guete!*



# ضایعات مواد غذایی و بازیافت باقی مانده

■ «Tischlein deck dich» در حال حاضر ۱۴۷ مکان جمع آوری در سوئیس و لیخت اشتاین دارد. این سازمان غذا را از نابودی نجات می دهد و آن را بین افراد آسیب دیده از فقر توزیع می کند.

[tischlein.ch/](http://tischlein.ch/)

■ «Foodsharing» یک سازمان بین المللی است که در سوئیس نیز فعال است و با کسب و کارها همکاری می کند که مواد غذایی مازاد را اهدا می کنند. اعضای اشتراک گذاری غذا، غذا را برای استفاده خود برمی دارند، آن را توزیع می کنند یا آن را در به اصطلاح Fairteiler - یخچال های در دسترس عموم می آورند. [foodsharing.network/](http://foodsharing.network/)

■ «Madame Frigo»: در شهرهای مختلف سوئیس یخچال هایی وجود دارد که در دسترس عموم قرار دارند و مردم می توانند غذاهایی را که هنوز خوب هستند اما دیگر مورد استفاده نیستند، در آن قرار دهند. سپس افراد دیگر می توانند آنچه را که نیاز دارند بدست بیاورند.

[madamefrigo.ch/de/](http://madamefrigo.ch/de/)

چنین پروژه هایی دو مزیت عمده دارند: از یک سو با هدر رفت مواد غذایی مبارزه می کنند و از سوی دیگر از افرادی که منابع مالی کمتری دارند حمایت می کنند.

بسیاری از خواربارفروشی ها و موسسات پذیرایی مجبورند روزانه مقادیر زیادی غذا را دور بریزند که اغلب هنوز هم قابل خوردن است. پروژه های بیشتر و بیشتری به این تولید بیش از حد و موضوع ضایعات مواد غذایی می پردازند. در اینجا چند پروژه در سوئیس آورده شده است که مواد غذایی باقیمانده یا دور ریخته شده را در مبارزه با ضایعات مواد غذایی به مردم باز می گرداند:

■ Äss-Bar: پروژه ای با مکان های مختلف در سراسر سوئیس که محصولات پخته شده از نانوائی های روز قبل را با تخفیف به فروش می رساند: [aess-bar.ch/](http://aess-bar.ch/) برخی از نانوائی ها نیز نان روز قبل را ارائه می دهند که برای خوردن یا غیره عالی است. مناسب برای بسیاری از غذاهای خوشمزه نان.

■ ایده هایی برای استفاده از غذاهای باقیمانده:

[restegourmet.de/](http://restegourmet.de/)، برنامه

Zu gut für die Tonne (خیلی خوب برای سطل زباله)

■ «Essen für alle» (غذا برای همه) انجمنی است که به طور هفتگی غذا را در زوریخ بین افرادی که در سطح معیشتی یا کمتر از آن زندگی می کنند توزیع می کند. بخش بزرگی از کمک های غذایی، غذایی است که در غیر این صورت در سطل زباله قرار می گیرد. [essenfueralle.org/](http://essenfueralle.org/)



## C5.1



بسیاری از رستوران‌ها و غرفه‌های غذا از آلمانی سوئیسی استفاده می‌کنند، به خصوص اگر آنقدر رسمی نباشد. قسمت دیالکت را در روی تابلوها پیدا کن و آن را ترجمه کن.




---

---

---

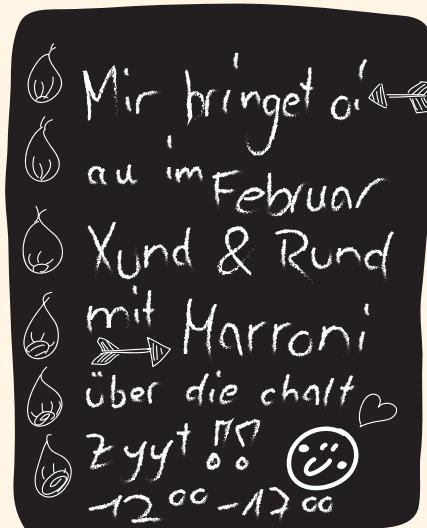
---

---

---

---

---




---

---

---

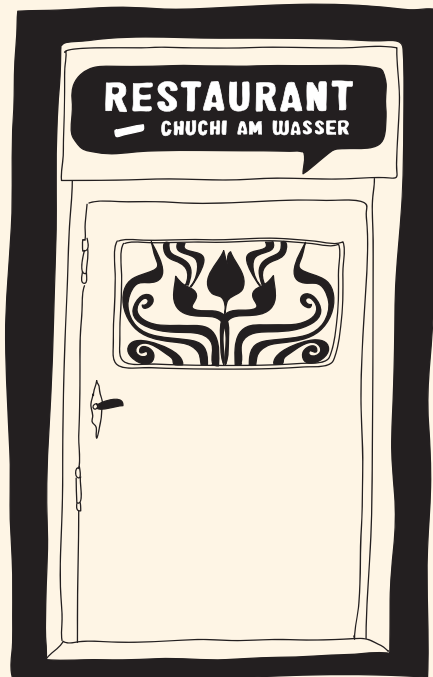
---

---

---

---

---




---

---

---

---

---

---

---

---

## C5.2



اینجا کل محدوده به آلمانی سوئیسی است. کلمات (1 تا 6) را با کالاهای (a تا f) مطابقت ده! معمولاً چگونه G'Hopfz (یا Ghopfz) را می گوئی؟

و چگونه برگر را تلفظ می کنی تا تلفظ آلمانی سوئیسی را منعکس کند؟



a



b



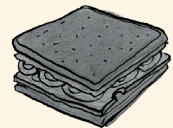
c



d



e



f



## C5.3



این علامت به گویش نزدیک است. چگونه آن را به گویش می توان گفت - و چگونه در کشورهای آلمانی زبان خارج از سوئیس؟



این بخش می توانی خود را امتحان کنی که آیا به اهدافی که برای یادگیری در نظر گرفته شده است رسیدی یا نه.

تمرین های زیر را حل کن و در بخش راه حل ها کنترل کن که چه نمره ای را گرفتی.

پیشنهاد ما در جدول زیر.

امتیاز

0-50

این فصل را دوباره از اول تکرار کن.

51-80

به اندازه کافی خوب است. شاید بهتر باشد که مبحث های درسی را تکرار کن.

81-100

عالی! میتوانی با فصل بعدی شروع کنی.

## D1

### D1.1



سوالات را با پاسخ های مناسب مرتبط کن. سوالات از یک طرف از فروشنده و از طرف دیگر از طرف مشتریان مطرح می شود. (هر جفت 1 امتیاز)

### با کارکنان فروش ارتباط برقرار کن

1 Was dörf's sii?

a Ja, suscht gaats kabutt.

2 Was isch daas dada?

b Foif achzg.

3 Händ Si au Münz?

c En Zopf hetti gärn.

4 Was chosched s Kilo?

d Ged deet bim Chääs.

5 Chönted Si des iipacke?

e Nai, ich chume gad vom Bank-omaat!

6 Seckli wele?

f Nai, bi ois laider nöd.

7 Egsgüsi, wo isch äch da d Hefe?

g Das sind huusgmachtli Biberli.

8 Gits das au als bio?

h Jaa, mir fäält nume no ais!

9 Mues das in Chüelschrank?

i Danke, ich han e Täsche debii.

10 Märkli samled Si?

j Gärn. Langts Ine-n esoo?

### D1.2



ترتیب جمله در جمله های پرسشی و دستوری چگونه تغییر می کند؟ جملات را تغییر بده. (هر جمله 2 امتیاز)

Das sind Zwätschge.

سوال: .....

Si gänd mer es Kilo vo däne.

دستور: .....

Gaats ois esoo?

بیانیه: .....

Isch de Zopf günschtiger worde?

بیانیه: .....

Si händ kä Broot mee.

سوال: .....

Chönted Si mir des iipacke, bitte?

دستور: .....

## D2

## D2.1



اسمش چیه؟ در زیر هر نقاشی کلمه مناسب را بنویس. (1 امتیاز در هر نقاشی)



1

Einheit: \_\_\_\_\_



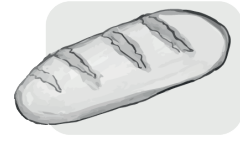
2

Einheit: \_\_\_\_\_



3

Einheit: \_\_\_\_\_



4

Einheit: \_\_\_\_\_



5

Einheit: \_\_\_\_\_



6

Einheit: \_\_\_\_\_



7

Einheit: \_\_\_\_\_



8

Einheit: \_\_\_\_\_



9

Einheit: \_\_\_\_\_



10

Einheit: \_\_\_\_\_

## D2.2



چگونه این را می توان اندازه گرفت؟ اندازه ها را از کادر کنار غذاهای مناسب در بالا بنویس و آنها را ترجمه کن. (1 امتیاز در هر نقاشی)

es Päckli/ es Glaas/ e Schtange/ es Schäleli/ en Laib/ en Bund/  
e Tafle/ en Sack/ e Hampfle/ e Fläsche



چه ویژگی هایی دارد؟ هر غذا را با یک صفت مناسب مطابقت ده. در پایان، هر کلمه فقط می تواند به یک دیگر متصل شود. (هر کدام 1 امتیاز)

- 1
- 2
- 3
- 4
- 5
- 6
- 7

- a
- b
- c
- d
- e
- f
- g

## D3

## در هنگام آشپزی در مورد دستور العمل ها صحبت کن

## D3.1



گفتگوی آشپزی به هم ریخته است. جملات را به ترتیب درست شماره گذاری کن. (هر جمله 2 امتیاز)

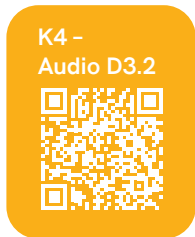
- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 
-

## D3.2

## Chochrezäpt



این یک دستور پخت است. سپس به سوالات پاسخ بده. (هر پاسخ 3 امتیاز)



Um weles Gricht gaats?

Wivil Gramm nimtme pro Chopf?

Wän wirts z gräämig?

Was passiert, wänme z wenig umrürt?

Was bruuchtme zum das Gricht chöne-n ässe?

## D3.3



شریکی پیدا کن که آلمانی سوئیسی را خوب صحبت کند. غذایی را که اخیراً پخته ای برای او توضیح ده. سپس خود را ارزیابی کن: اگر شریک تو همه چیز را خوب فهمیده باشد 20 امتیاز داده می شود، اگر اصلاً چیزی متوجه نشده باشد 0 امتیاز. همه چیز در این بین نیز امکان پذیر است.

Platz für Notizen:





# ۵. رفتار

## اهداف یادگیری

تو می توانی ...

... از آپارتمان های رایگان مطلع شوی و در تورهای آپارتمان گردی شرکت کنی.

... هنگام جابجایی دستورات عمل ها را ارائه و درک کنی.

... در مورد موضوعاتی که هنگام زندگی مشترک در یک آپارتمان مطرح می شود صحبت کنی.

# Ich sueche-n e WG

## A1

دنبال مسکن می گردی! همچنین می توانی اتاق یا آپارتمانی را به آلمانی سوئسی جستجو یا پیدا کنی. همچنین می توانی به تمامی آگهی های زیر گوش دهی.



K5 -  
AudioA1



## Zimer frei

Mir: Vier-Zimer-WG am Schtattrand. Du: ufigschtelt und erwachse!  
I oisere WG wird uf Aafang Auguscht es Zimer frei (20 m<sup>2</sup>, 860 CHF). D Wonig isch imene ruige Quartier, aber es hät Poschti-Möglichkaite und e Bushaltischtel i foif Minuute Entfärnig. Mir sind ali brueffstäätig und sueched drum öpper, wo nüm gad jedi Wuche Party macht und am beschte au scho chli WG-Erfaarig hät. Mir choched öppedie gärn zäme Znacht und händ en chliine Balkoon, wo me cha beplanze.

## Wonig z vermiete

Ich züggle wäg und sueche drum ab Februar Naachmieter\*ine für mini zäntrumsnööchi, günschtigi Wonig (drüü Zimer, 65 m<sup>2</sup>, 1875 CHF). D Wonig isch sunig, Altbou, ooni Balkoon aber miteme schöne Inehoof. D Aigetümerin hät gärn Chind und s läbige Quartier isch ideal für Familiene (Schpilplatz und chliine Park am Egge, kä gföörlichi Schtraasse). Mini Mööbel wirdi nöd mitnäa, me chönt si nach Veriibaarig übernäa. Mues aber nöd sii, suscht mueni si ebe entsorge.

## WG gsuecht

Hoi zäme! Ich bi noi i de Schwiiz und sueche-n e luschtig WG zum mee Lüüt känezleere. Ich bi 25 Jaar alt und vo Syrie, Nichtraucher und en ordentliche Typ. Ich los gärn Musig, schpil Gitare und bi kontaktfroidig. Am liebschte würi in e Schtudi-WG, wil i schpööter au gärn es Schtudium aafange wür. Isch aber käs Muss! Mis Budget isch bis 650 Franke.

## Zimer zur Undermiete

Mir sind es Ehepaar in Ränthe, wo es Zimer wett undervermiete. S Zimmer hät 23 m<sup>2</sup> und isch möbliert, ideal für Schtudis oder Leerling. Schööni Uussicht vom 13. Shtock, Mitbenutzig vo Baad und Chuchi ooni Schtube. ÖV und Läden i de Nööchi.

Bitte nur Bewärbige vo suubere, zueverlässige Persoone und mit Bild.

# تمرینات مقدماتی

## A2



کدام یک از چهار تبلیغ برای تبلیغ جذابیت بیشتری دارد و چرا؟ کدام تبلیغ با نیازهای مطابقت دارد و تبلیغ کننده را چگونه تصور می کنی؟ یک متن کوتاه بنویس یا با کسی گفتگوی شفاهی داشته باش.



Handwriting practice lines consisting of multiple horizontal dashed lines.

## A3



وقتی صحبت از تبلیغات آپارتمان می شود، اغلب می توانی بین خطوط را بخوانی. در زیر می توانی عناوین تبلیغات را دوباره در سمت چپ، و اظهارات علاقه مندان را در سمت راست مشاهده کنی. به نظرت چه کسی در کجا مناسب تر است؟

- 1 Zimer frei
- 2 Wonig z vermiete
- 3 WG gsuecht
- 4 Zimer für Undermieti

- a Mir sind es jungs Päärli, wo gad ghüüraate hät.
- b Ich bliibe nur es halbs Jaar für es Praktikum i de Schtatt.
- c Ich faa-n en noie Job aa und wone gärn mit anderne zäme.
- d Mir sind e luschtigi WG, wo vil zäme macht und lacht.

## اشکال ارزان مسکن

سازماندهی می‌شود. با هم آشنایی می‌شود، رویدادها برنامه ریزی می‌شود، باغ مراقبت می‌شود...  
در برخی از تعاونی‌ها، دیگر تمرکزی بر زندگی مشترک نیست، بلکه آنها صرفاً فضای زندگی ارزانی هستند که عمدتاً شرایط منصفانه دارند، زیرا تصمیمات توسط خود تعاونی گرفته می‌شود و نه توسط اشخاص ثالث مانند مالکان یا مدیر. بنابراین مسکن تعاونی بسیار پرتعداد است و به سختی می‌توان مسکن تعاونی گرفت. لیست انتظار طولانی است و معمولاً افراد زیادی علاقه مند به بازدید هستند. با این حال، در اکثر تعاونی‌ها آپارتمان‌های مشترکی نیز وجود دارد که ورود به آن آسان تر است.

در وب سایت تعاونی مسکن سوئیس لیست تقریباً همه تعاونی‌های سوئیس و اطلاعات بیشتر در مورد یافتن مسکن تعاونی را خواهی دید:

[wbg-schweiz.ch/information/  
wohnbaugenossenschaften\\_schweiz/mitglieder/  
genossenschaften](http://wbg-schweiz.ch/information/wohnbaugenossenschaften_schweiz/mitglieder/genossenschaften)

### آپارتمان‌های شهری

تقریباً در تمام شهرهای بزرگتر آپارتمان‌های به اصطلاح شهری وجود دارد. آپارتمان‌هایی که توسط شهر یارانه می‌گیرند و بنابراین می‌توانند اجاره‌های کمی ارزان‌تری ارائه دهند.

Zürich: [stadt-zuerich.ch/fd/de/index/wohnen-und-gewerbe/vermietungen.html](http://stadt-zuerich.ch/fd/de/index/wohnen-und-gewerbe/vermietungen.html)

Bern: [bern.ch/themen/wohnen/wohnen-und-mieten/mietobjekte](http://bern.ch/themen/wohnen/wohnen-und-mieten/mietobjekte)

Basel: [immobilienbs.ch](http://immobilienbs.ch)

Luzern: [lupk.ch/de/immobilien/mietwohnungen](http://lupk.ch/de/immobilien/mietwohnungen)

### کمک در یافتن محل اقامت

همچنین سازمان‌ها و پروژه‌هایی وجود دارند که می‌توانند در یافتن محل اقامت کمک کنند، مانند:

[solinetz-zh.ch/projekte/wohnungssuche](http://solinetz-zh.ch/projekte/wohnungssuche)  
[kafklick.ch](http://kafklick.ch)

زندگی در سوئیس، به ویژه در شهرها (به ویژه در زوریخ) اغلب بسیار گران است. با این حال، راه‌هایی برای زندگی ارزان‌تر وجود دارد. در زیر برخی از این احتمالات را ارائه می‌دهیم. علاوه بر این، اغلب ارزش دارد که به دنبال آپارتمان در حاشیه شهر یا در حومه شهر بگردید. در آنجا قیمت‌های اجاره پایین‌تر است و اغلب با وسایل نقلیه عمومی به خوبی اتصال دارند.

### WG

در سوئیس، بسیاری از مردم، عمدتاً جوانان، در آپارتمان‌های مشترک زندگی می‌کنند - به اصطلاح WG. افرادی که لزوماً با هم فامیل نیستند در یک WG با هم زندگی می‌کنند. گاهی اوقات این دوستان هستند که با هم دنبال آپارتمان می‌گردند، اما WG هم وجود دارد که ساکنین از قبل همدیگر را نمی‌شناسند و از طریق تبلیغات و پلتفرم‌های آپارتمان با هم آشنا می‌شوند و در صورت هماهنگی با هم نقل مکان می‌کنند. مزیت WG‌ها این است که اجاره را می‌توان تقسیم کرد و معمولاً یک روش زندگی ارزان است. WG‌ها برای افرادی مناسب است که دوست دارند در جمع باشند و نمی‌خواهند تنها زندگی کنند.

در اینجا اتاق‌هایی را در آپارتمان‌های مشترک در سراسر سوئیس و افرادی که به دنبال اتاق هستند پیدا خواهی کرد:

[wgzimmer.ch](http://wgzimmer.ch)

[meinwgzimmer.ch](http://meinwgzimmer.ch)

[ronorp.net/basel/immobilien/wg.1220](http://ronorp.net/basel/immobilien/wg.1220) (برای شهرهای

مختلف)

[wegeleben.ch](http://wegeleben.ch) (تمرکز بر برن)

همچنین در بسیاری از شهرهای سوئیس گروه‌های فیسبوک با موضوع جستجوی WG وجود دارد.

### تعاونی‌ها

شکل دیگر مسکن تعاونی است. آپارتمان‌های تعاونی‌ها معمولاً ارزان‌تر از آپارتمان‌های اجاره‌ای معمولی هستند. مفهوم تعاونی این است که ساکنان در شکل دادن به فضای زندگی بسیار فعال هستند. در برخی از تعاونی‌ها فضای زندگی مشترک زیادی وجود دارد - سالن‌ها، تراس‌ها، باغ‌ها، آشپزخانه‌های مشترک و غیره. در این اتاق‌ها، زندگی روزمره با هم

## CH

## فارسی/دری DE

**d\*e Aigetümer\*in (d Aigetümerine)**

Känsch di noi Aigetümerin scho?

مالک (زن)

آیا از قبل مالک جدید را می شناسی؟

**Eigentümer\*in**

Kennst du die neue Eigentümerin bereits?

**d Bewärbig (d Bewärbige)**

Chöntscht äch mini Bewärbig korrigiere?

درخواست

ممکن است درخواست من را اصلاح کنی؟

**Bewerbung**

Könntest du vielleicht meine Bewerbung korrigieren?

**s Bild (d Bilder)**

Das Bild gfalt mer mega.

عکس

من این عکس را خیلی دوست دارم.

**Bild**

Dieses Bild gefällt mir sehr gut.

**d Erfaarig (d Erfaarige)**

Häsch mit wgzimmer.ch gueti Erfaarige gmacht?

تجربه

آیا تجربیات خوبی با wgzimmer.ch داشته ای؟

**Erfahrung**

Hast du gute Erfahrungen mit wgzimmer.ch gemacht?

**ideal**

E Wäschmaschine i de Wohnig wär ideal.

ایده آل

یک ماشین لباسشویی در آپارتمان ایده آل خواهد بود.

**ideal**

Eine Waschmaschine in der Wohnung wäre ideal.

**d\*e Naachmieter\*in**

Ich sueche-n e\*n Naachmieter\*in uf de 1. Juni.

مستاجر جدید

در تاریخ ۱ ژوئن دنبال مستاجر جدید هستم.

**Nachmieter\*in**

Ich suche eine\*n Nachmieter\*in auf 1. Juni.

**d Udermieti (d Udermietene)**

Ich han es Zimer vo mine-re Wonig zur Udermieti uusgschribe.

اجاره دست دوم (اجاره بار دوم)

من یک اتاق در آپارتمانم را برای اجاره دست دوم آگهی کردم.

**Untermiete**

Ich habe ein Zimmer meiner Wohnung zur Untermiete ausgeschrieben.

**undervermiete (hät undervermietet)**

Das Zimer tueni undervermiete.

اجاره دادن دست دوم

من این اتاق را اجاره دست دوم می دهم.

**untervermieten**

Dieses Zimmer vermiete ich unter.

**d Veriibaarig (d Veriibaarige)**

S isch wichtig, e Veriibaarig mit em Udermieter z mache.

توافق

مهم است که با مستاجر دست دوم توافق کنید.

**Vereinbarung**

Es ist wichtig, eine Vereinbarung mit dem Untermieter zu machen.

**vermiete (hät vermietet)**

Känsch öpper, wo es Zimer im Zäntrum vermietet?

اجاره کردن

آیا کسی را می شناسی که یک اتاق در مرکز شهر) اجاره کند؟

**vermieten**

Kennst du jemanden, der ein Zimmer im Zentrum vermietet?

**zügle (isch züglet)**

Nööchscht Samschtig zügli. Chunsch cho hälfe?

نقل مکان

شنبه آینده دارم نقل مکان میکنم برای کمک می آیی؟

**umziehen**

Nächsten Samstag ziehe ich um. Kommst du helfen?

**s Zimer (d Zimer)**

Wie vil Zimer hät dis Huus?

اتاق

خانه تو چند اتاق دارد؟

**Zimmer**

Wie viele Zimmer hat dein Haus?

**d Schtube (d Schtubene)**

D Schtube gseet no chli läär uus.

اتاق نشیمن

اتاق نشیمن هنوز خالی به نظر می آید.

**Wohnzimmer**

Das Wohnzimmer sieht noch etwas leer aus.

**s Baad (d Beder)**

Im Baad hät s e noii Duschi.

حمام

حمام دارای دوش جدید است.

**Bad**

Im Badezimmer hat es eine neue Dusche.

**de Balkoon (d Balköön)**

Hät die Wonig en Balkoon?

بالکن

آیا این آپارتمان بالکن دارد؟

**Balkon**

Hat diese Wohnung einen Balkon?

**d Chuchi (d Chuchene)**

D Chuchi isch seer modern.

آشپزخانه

آشپزخانه بسیار مدرن است.

**Küche**

Die Küche ist sehr modern.

**s Mööbel (d Mööbel)**

Im IKEA findsch schööni Mööbel.

مبلمان

در IKEA مبلمان زیبایی خواهی یافت.

**Möbel**

Bei IKEA findest du schöne Möbel.

**möbliert**

Isch die Wonig möbliert?

مبله شده

آیا این آپارتمان مبله است؟

**möbliert**

Ist diese Wohnung möbliert?

**de ÖV (-)**

I de Stadt bruuchi lieber de ÖV als wi s Auto.

حمل و نقل عمومی

در شهر ترجیح می دهم از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنم تا ماشین.

**ÖV**

In der Stadt benutze ich lieber ÖV als das Auto.

**de Schpilplatz (d Schpilplätz)**

Gömmmer uf de Schpilplatz go schpile?

زمین بازی

برویم زمین بازی؟

**Spielplatz**

Gehen wir auf den Spielplatz spielen?

**läbig (läbiger)**

Züri isch e seer e läbigi Schtatt.

زنده

زوریخ شهری بسیار سرزنده است.

**lebendig**

Zürich ist eine sehr lebendige Stadt.

**gföörlich**

Obacht, die Schtraass isch megaföörlich.

**خطرناک**

توجه، این جاده بسیار خطرناک است.

**gefährlich**

Achtung, diese Strasse ist sehr gefährlich.

**entsorge (hät entsorgt)**

Wo chani s Glaas entsorge?

**از بین بردن، دور ریختن**

شیشه را کجا می توانم دور بریزم؟

**entsorgen**

Wo kann ich Glas entsorgen?

**ordentlich**

I oisere WG simmer nöd esoo ordentlich.

**مرتب و منظم**

ما در WG خودمان مرتب نیستیم.

**ordentlich**

In unserer WG sind wir nicht so ordentlich.

**sauber (süüberer)**

Ich ha s gärn sauber.

**تمیز**

من آن را تمیز دوست دارم

**sauber**

Ich mag es sauber.

**uufgschtelt (uufgschtelter)**

Sit min Brüeder inere WG wont, ischer vil uufgschtelter.

**خوشحال، مرتب**

از زمانی که که برادرم در یک WG زندگی می کند، بسیار خوشحال تر است.

**aufgestellt**

Seit mein Bruder in einer WG wohnt, ist er viel aufgestellt.

**zueverlässig**

Wenigschtens isch d Pöschterin no zueverlässig!

**قابل اعتماد**

حداقل پستی هنوز قابل اعتماد است!

**zuverlässig**

Wenigstens ist die Postbotin noch zuverlässig!

**erwachse (erwachsener)**

Wän ich erwachse bin, woni imne groosse Huus mit Garte!

**بزرگسال شدن**

وقتی بزرگ شدم در یک خانه بزرگ با باغ زندگی خواهم کرد.

**erwachsen**

Wenn ich erwachsen bin, wohne ich in einem grossen Haus mit Garten.

**de Schtudi (d Schtudis)**

A de Uni Züri häts vil Schtudis.

**دانشجویان**

دانشجویان زیادی در دانشگاه زوریخ وجود دارد.

**Studierende**

An der Universität Zürich gibt es viele Studierende.

**s Schtudium**

Isch d Maja mit irem Schtudium färtig?

**مطالعات، تحصیلات**

آیا مایا تحصیلاتش را تمام کرده است؟

**Studium**

Hat Maja ihr Studium beendet?

**öppedie**

Si hät öppedie schlächti Luune.

**گاهی**

گاهی حالش بد می شود.

**ab und zu**

Sie hat ab und zu schlechte Laune.

K5 -  
Hauptwortschatz



تقریباً در هر جمله آلمانی سوئیسی حروف اضافه وجود دارد. تا اینجا ما حروف اضافه زیادی را به عنوان کلمات یاد گرفته ایم. در این فصل ما آنها را به طور کلی مرور می کنیم و دستور زبان آنها را سیستماتیک تر از قبل بررسی می کنیم.

## حروف اضافه و حالات

بعد از حرف اضافه، باید اسم ها را در داتیو یا مفعولی قرار دهی. در آلمانی سوئیسی حالت جنتیو وجود ندارد. باید بیاموزی که آیا حرف اضافه با حالت داتیو، مضارع (آکوزاتیو) یا هر دو مورد استفاده می شود. هنگامی که هر دو مورد ممکن است، معنی متفاوت است (به «حروف اضافه مکانی» در تعمیم C4 مراجعه کن.). در اینجا مروری بر مهم ترین حروف اضافه و حالات آنها است. توجه: بسیاری از حروف اضافه معانی مختلفی دارند، که نمی توانیم همه آنها را در نمای کلی پوشش دهیم - مثالها فقط رایج ترین آنها را نشان می دهند.

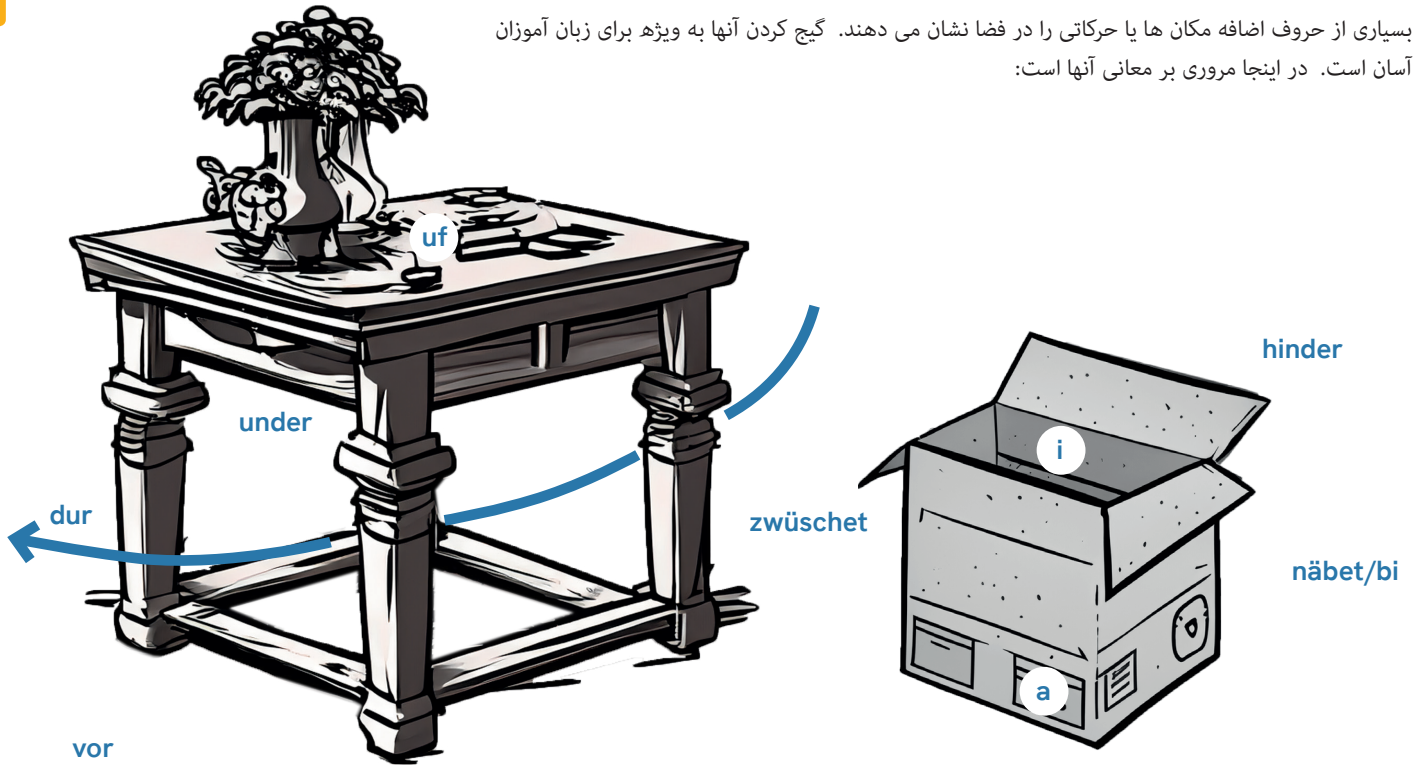
CH	DE	فارسی/دری	Dativ	Akk.	مثال
a	an	در	x	x	'چه کسی دم در است؟' <i>Wär isch a de Türe?</i> 'برو دم در!' <i>Gaa-n a d Türe!</i>
ab	ab	از	x		<i>Ab de sibne zaigemer en Film</i> 'از ساعت ۷ صبح یک فیلم نمایش می دهیم.'
bi	bei	در	x		'آبجو تو لیوان هست.' <i>Dis Bier schtaat bi de Gleser!</i>
bis (a / zu)	bis (- / zu)	به	x		<i>De Bus faart bis zum Baanhoof</i> 'اتوبوس به ایستگاه قطار می رود.'
dur	durch	از طریق		x	<i>D Sune schiint dur d Faischter</i> 'خورشید از پنجره ها می درخشد.'
für	für	برای		x	<i>Dää Chueche isch für dini Mueter</i> 'این کیک برای مادر شماست.'
gäg	gegen	در برابر		x	<i>Schüüss mer ja nöd de Bal gäg s Faischter!</i> 'توپ را به پنجره من شلیک نکنید.'
i	in	به	x	x	<i>I de Schtatt häts vil Lüüt</i> 'Ich wett i d Schtatt zügge', 'افراد زیادی در شهر زندگی می کنند.' 'من دوست دارم به شهر نقل مکان کنم.'
hinder	hinter	پشت	x	x	'خانه پشت درختان است' <i>S Huus isch hinder de Boim!</i> 'پشت خانه دوید.' <i>Si isch hinder s Huus gloffe!</i>
mit	mit	با	x		<i>Ich bi mit mim Vatter i s Kino</i> 'من با پدرم به سینما رفتم.'
näbet	neben	کنار	x	x	'هنوز در کنار شما خالی است؟' <i>Isch näbet diir no frei?!</i> 'بیا کنارم بشین.' <i>Chum, hock näbet miich.</i>
nach	nach	بعد از		x	<i>Nach de Schuel gömmer hai</i> 'ما بعد از مدرسه به خانه می رویم.'
ooni	ohne	بدون		x	<i>Ooni d Irina hät s kän Schpaas gmacht.</i> 'بدون ایرینا جالب نبود.'
sit	seit	از(زمان) تا حالا	x		<i>Sit дәre Ziit bin i vorsichtiger</i> 'از آن زمان من بیشتر مراقب بودم.'





CH	DE	فارسی/دري	Dativ	Akk.	مثال
über	über	بالای	x	x	<i>Über em Regaal hät s es Bild</i> 'یک عکس بالای قفسه وجود دارد' <i>Da chömmer über d Schtraass gaa</i> 'ما می‌توانیم اینجا از خیابان عبور کنیم'
uf	auf	روی	x	x	<i>Uf oisem Dach hät s en Schtorch</i> 'روی پشت بام ما یک لک لک است' <i>Schtelemer d Suppe doch uf de Tisch</i> 'بیا سوپ را روی میز بگذاریم'
um ... ume	um	حول		x	<i>Sinder um de ganz See umegloffe?</i> 'حول کل دریاچه قدم زد؟'
under	unter	زیر/پایین	x	x	<i>Dini Schue sind under em Sofa</i> 'کفش شما زیر مبل است' <i>Er isch under de Tisch kroche</i> 'او زیر میز خزیده بود'
us	aus	از	x		<i>Us dinere Täsche tropft öppis</i> 'چیزی از جیب شما چکه می‌کند'
ussert	ausser	بجز	x		<i>Niemer hät wele ussert de Pjotr</i> 'هیچ کس نمی‌خواست جز پیوتر'
vo	von	از/برای/مال نشانه مالکیت	x		<i>Vom See chunt chüeli Luft</i> 'هوای خنک از دریاچه می‌آید'
vor	vor	جلوی/درمقابل	x	x	<i>Vor em Lade wartet scho Lüüt</i> 'مردم از قبل جلوی مغازه منتظر هستند' <i>Faar direkt vor s Huus</i> 'مستقیم به سمت خانه رانندگی کنید'
wäg	wegen	به خاطر. (به واسطه به دلیل)	x		<i>Wäg mim Hueschte bini dihai plibe</i> 'به خاطر سرفه‌هایم در خانه ماندم'
zwüschet	zwischen	بین(دربین)	x	x	<i>Zwüschet de Büecher hät s kän Platz mee</i> 'دیگر فاصله ای بین کتاب‌ها وجود ندارد' <i>Die Pflanze schtelemer zwüschet s Faischter und s Sofa</i> 'ما این گیاه را بین پنجره و مبل قرار می‌دهیم'

بسیاری از حروف اضافه مکان ها یا حرکاتی را در فضا نشان می دهند. گنج کردن آنها به ویژه برای زبان آموزان آسان است. در اینجا مروری بر معانی آنها است:



حروف اضافه مکانی نیز آنهایی هستند که می توانند هم با داتیف و هم با مضاربه استفاده شوند. داتیو مکان را نشان می دهد ("کجاست؟")، وجه مضاربه مقصد را نشان می دهد ("کجا در حال حرکت است؟"). در اینجا چند نمونه آورده شده است:

CH	داتیو: کجا؟	اکوزاتیو: به کجا؟
a	<i>A de Wand i de Schtub e hanged en Uur.</i> 'یک ساعت در اتاق نشیمن به دیوار آویزان است.'	<i>Sölemer de Kaländer a d Wand hänke?</i> 'آیا باید تقویم را به دیوار آویزان کنیم؟'
i	<i>Si isch i irem Zimmer am Läse.</i> 'او در اتاقش در حال مطالعه است.'	<i>Gaa-n i dis Zimmer go läse!</i> 'برو تو اتاق بخوان!'
hinder	<i>Hinder de Hütte wachsed au Eppeeri.</i> 'توت فرنگی نیز پشت کلبه رشد می کند.'	<i>D Eppeeri chöntemer hinder d Hütte pflanze.</i> 'ما می توانیم توت فرنگی ها را پشت کلبه بکاریم.'
näbet	<i>Näbet em Bett wär no es Chäschtli guet.</i> 'یک صندوقچه کنار تخت خواب خوب خواهد بود.'	<i>Schtelemer doch das Chäschtli näbet s Bett.</i> 'بیا این صندوقچه را کنار تخت بگذاریم.'
über	<i>Droone chönd au über em Bode schweben.</i> 'پهپادها همچنین می توانند بالای زمین شناور شوند.'	<i>Bi miir isch geschter e Droone über s Huus gfloge.</i> 'درواز یک پهپاد بر فراز خانه من پرواز کرد.'
uf	<i>Uf däm Schild schtaat, das me da nöd inedörf.</i> 'این علامت روی تابلو می گوید شما اجازه ورود به آنجا را ندارید.'	<i>Schriib uf s Schild, das mer hüt früener zue-tüend.</i> 'روی تابلویی بنویسید که امروز زود تعطیل می شویم.'
under	<i>Hei Schpätzli, was machsch dän du da under em Bett?</i> 'هی گنجشک کوچولو، اینجا زیر تخت چیکار می کنی؟'	<i>Waisch, wän si Angscht hät, chrüüchtsi män-gisch under s Bett.</i> 'می دانی، وقتی می ترسد، گاهی اوقات زیر تخت می خزد.'
vor	<i>Wiso liit Güsel vor em Huus?</i> 'چرا جلوی خانه زباله است؟'	<i>Chasch no de Kartoon vor s Huus legge?</i> 'هنوز می توانی کارتن را جلوی خانه بگذاری؟'
zwüschet	<i>Det zwüschet de Boim schtaat öpper.</i> 'کسی بین درختان ایستاده است.'	<i>Nachane ischer zwüschet d Boim gloffe und verschwunde.</i> 'سپس به درختان دوید و ناپدید شد.'

بیشتر حروف اضافه فضایی آلمانی سوئیسی بسیار شبیه به همتایان آلمانی استاندارد خود هستند. با این حال، تفاوت مهمی با نام‌های خاص مکانی (مانند نام شهرها یا کشورها) وجود دارد:

	CH	DE	مثال
محل / منطقه	z	in	z Bärn 'در برن' ( <i>in Bern</i> ), z Indien 'در هند' ( <i>in Indien</i> )
تحرك (حرکت)	uf	nach	uf Gämf 'به ژنو' ( <i>nach Genf</i> ), uf Itaalie 'به ایتالیا' ( <i>nach Italien</i> ),

## حالت و حروف اضافه با حالت

حروف اضافه اغلب با حالت استفاده می‌شود. شما قبلاً اشکال اولیه آنها را از کتاب ۱ (فصل ۴) می‌دانید. فرم‌های داتیو و اتهامی نیز رایج هستند - و شما نمی‌توانید از آنها اجتناب کنید، به خصوص وقتی صحبت از حروف اضافه می‌شود. در اینجا یک نمای کلی از تمام فرم‌های حالت (همیشه *Schwiizerdüütsch* و *Hochdeutsch*).

حالت تعریف شده	مذکر	مونث	خنثی	همه
	مفرد	مفرد	مفرد	جمع
جایگاه نهادی (چه کسی؟)	de der	d die	s das	d die
داتیو (چه کسی؟)	em dem	de der	em dem	de den
اکوزاتیو (چه کسی؟)	de den	d die	s das	d die

حالت نامعین	مذکر	مونث	خنثی	همه
	مفرد	مفرد	مفرد	جمع
جایگاه نهادی (چه کسی؟)	en ein	e eine	es ein	- -
داتیو (چه کسی؟)	emene einem	enere einer	emene einem	- -
اکوزاتیو (چه کسی؟)	en einen	e eine	es ein	- -

هنگام ترکیب حروف اضافه با حالتها، این دو اغلب ادغام می شوند:

■ *dem* به *m-* در *am, bim, im, vom* کوتاه می شود

■ *de* (اکوزاتیو مفرد مذکر = *den* در آلمانی استاندارد).

■ تبدیل می شود *n-* به *an* (= *a + de*) و *in* (= *i + de*)

■ اما این اتفاق در مورد حروف تعریف معین هم صدای *de* (مونث، داتیو مفرد) و *de* (همه جنسها،

داتیو جمع) رخ نمی دهد: *de See* (دریاچه، *der See*) - *in See* (به دریاچه *in den See*)

اما *d Gunte* (گودال آب، *die Pfütze*) - *i de Gunte* (در گودال آب، *in der Pfütze*);

*d Flüss* (رودخانه ها، *die Flüsse*) - *i de Flüss* (در رودخانه ها، *in den Flüssen*)

■ هیچ چیز با حروف اضافه دیگر با مضارع اتفاق نمی افتد، به عنوان مثال:

*dur de, ooni de, vor de*

■ *enere* و *emene* معمولاً کوتاه شده اند:

■ به *-mene*, *-nere* پس از حروف صدادار: *amene, binere, imene, vonere*

■ به *-eme*, *-ere* پس از حروف صدادار: *miteme, ufere, usere, voreme*

■ در آلمانی استاندارد نیز ادغام با *das* (خنثی، معین، مفعول (Akkusativ)، مفرد)، مثال:

*auf + das → aufs*

در آلمانی سوئیسی، شکل این حالتها همیشه *s* است، بنابراین چیز دیگری برای توجه وجود ندارد:

*für s, gäg s, uf s* و غیره.



## B1

## Präpositionen

### B1.1



در زیر می توانید دو گروه از جملات مثال با حروف اضافه را مشاهده کنی. زیر حرف اضافه صحیح در هر مورد خط بکشی. کدام گروه از داتیو و کدام دسته از اکوزاتیو استفاده می کنی؟

Ich wone **bis / mit / wäg** minere Schwöschter zäme.

Si woned scho lang **z / vor / vo** Basel.

S Sofa isch **i / zu / über** de Schtube.

**Sit / hinder / bi** mir dihai isches imer sauber.

De Erkin isch **ab / wäg / über** sim Fründ seer pingelig mit de Ornig dihaime.

**Us / Uf / Näbet** ere moderne Chuchi büüetet die Wonig no e groossi Schtube.

Es isch vil ruiger worde, **um / sit / für** d Wonig **gäg / under / ussert** ois noi vermietet isch.

Er cha sich e Wonig **ooni / uf / a** en Balkoon nöd voorschtelle.

Rüersch bitte dini Chlaider nöd imer **für / über / us** de Färnsee.

Am Suntig lauffi ainisch **über / under / um** de Block ume.

D Thea hät en noie Schrank **zu / uf / für** iri Fründin kaufft.

Si händ s Bild im Schlaaffzimer nur **zwüschet / über / gäg** d Wand gleent.

Ich gaa schnäl **hinder / in / ooni** de Eschtrich.

Ich hett jetzt persöönlich de Äss-tisch nöd **uf / under / näbet** de Teppich gschtelt.

### B1.2



کدام حروف اضافه در جمله های مثال را می توان با حالت دیگر نیز استفاده کرد (داتیو به جای اکوزاتیو، اکوزاتیو به جای داتیو)؟ تک تک جملات را بررسی کنید و در صورت لزوم سعی کنید آنها را طوری بیان کنید که با مورد دیگر مطابقت داشته باشند.

Ich gaa schnäl in Eschtrich. → Ich bi jetzt im Eschtrich.:مثال

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

لطیفه به یک شهر جدید نقل مکان کرده است که هنوز خیلی خوب آن را نمی شناسد. خوشبختانه او همیشه می تواند به دوستش فریدریکه پیام بدهد تا به او کمک کند.

## B2.1



شروع پیام های چت را با پایان مناسب وصل کنید (چندین ترکیب ممکن است).

لطیفه می نویسد...

Ich schtaa ...

Ich gaa ...

... i de Migros.

... hinder de Park.

... uf em Zentralplatz.

... i d Hauptschtraass.

... uf d Brugg.

... Hinder em Baanhoof.

فریدریکه می نویسد...

Bisch ...

Lauff ...

vor em Kafi?

a s Ändi vo de Schtrass.

zwüschet em Schpilplatz und de Schuel?

vor de Manor.

am Seeufer aachoo?

zwüschet de Haltischtel und em Kiosk?

## B2.2



حروف اضافه را در پیام ها علامت بزنید. چي متوجه شدي؟ سعی کنید مثالهای بیشتری بنویسید. وقتی شروع دیگری را انتخاب می کنید چه عواملی تغییر می کند؟

مثال: Bisch vor em Kafi? → Lauff vor s Kafi.

---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---

## B2.3



گفتگوی شروع شده را ادامه ده. آیا لطیفه راه را پیدا خواهد کرد؟

L: Hoi Friederike, ich han mich wider emal verlauffe. Chasch mer schnäl hälfe?

F: Ja klaar, wo bisch grad?

## B3

### Mir isch wichtig bim zämewone ...

### B3.1



هر کلمه را با معنای مخالف وصل کنید.

suuber

zueverlässig

vermiete

unordentlich

Noibou

gföörllich

unmöbliert

kontaktfroidig

mürisch

läbig

verschlosse

ordentlich

harmloos

dräckig

unzueverlässig

uufgschtelt

toot

miete

Altbou

möbliert



دوست داری با چه نوع آدمهایی زندگی کنی؟  
چند جمله را به صورت شفاهی فرمول کن. شروع  
جملاتی در جعبه و کلمات تمرین B3.1 می تواند  
به تو در این زمینه کمک کند.

- Mänsche, wo mit mir zämewoned, sötted ...
- Mir isch wichtig, das es i de Wonig ...
- Ich sueche-n öpper, wo ...
- Ich hett gärn, das ...
- Wär mit mir zämewont, mues unbedingt ...
- S wär schön, wän ...
- S wür mi froie, wän ...

## B4



جاهای خالی را پر کن. توجه: هنوز باید یک کلمه  
را تطبیق بده!

Balkoon / Zimer / Schpilplatz / Baad / Aigetümerin / Chuchi / Schtudium /  
entsorge / undervermiete / zügge

I oisere noie Wonig häts e groossi \_\_\_\_\_.

Uf mim \_\_\_\_\_ schiint de ganz Tag d Sunel!

Wil dä Pablo im Härbscht go raise gaat, tueter sis Zimer

\_\_\_\_\_

Zum Glück hät s für Chind i de Nööchi en groosse

\_\_\_\_\_

Känsch du d \_\_\_\_\_ vo däm Huus?

Ui, s \_\_\_\_\_ isch megadräckig, des muesi unbeding-  
t no putze hüt!

Chasch du hüt bitte no s Glas \_\_\_\_\_?

Wo \_\_\_\_\_?

Wäärend em \_\_\_\_\_ hät d Thaïs no inere 4er-WG  
gläbt.

Isch daas s Won- oder s Schlaaff \_\_\_\_\_?



# B5

## Traumwönig

### B5.1



آپارتمان یا خانه رویایی تو چگونه خواهد بود؟ عباراتی که برای تو صدق می کند را علامت بزن.

- Ich wünsch mer e Wönig am Schtrand.
- Am liebschte woni alai.
- Wän d Naachbere nett sind, isch ales guet!
- Ich troim vomne Huus miteme groosse Garte.
- Mir isch egaal, öb Huus oder Wönig, Hauptsach s isch ruig.
- D Chuchi und s Baad müend modärn sii.
- Ich chönt nie uf em Land wone.
- S wär scho mal cool, inere groosse WG z wone.
- S Schtätzäntrum isch mer definitiv z luut.
- Mini Wönig mues heli Rüm haa.
- Ich wür lieber imene alte Huus als inere noi renovierte Wönig läbe.

### B5.2



رویای خود را در چند جمله بنویس - عبارات از تمرین بالا می توانند به تو کمک کنند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

## C1



قبل از امضای قرارداد اجاره، یک بازدید ترتیب می دهید. آلمانی سوئیسی معمولاً در یک قرار ملاقات صحبت می شود.

مکالمه را به صورت کامل بخوان.

## Si sind für d Besichtigung daa?

*D Gül und de Walter sind e Wonig am Sueche. Hüt lueged si e Wonig aa, wo de Besichtigungstermin scho i de Aazaig aaggää gsii isch. De Vermieter begrüesst si a de Türe.*

**V:** Grüezi mitenand. Si sind für d Besichtigung daa?

**G:** Jaa, genau! Dörfemer inechoo?

**V:** Sicher, chömed Si nur. Es hät scho es paar Lüüt.

**G:** Sölemer d Schue abzie?

**V:** Nai nai, das isch käs Problem.

**G:** Lueg emal Walti, de Blick vom Faischter use isch megaschöön.

**W:** Scho, aber im Sumer wirds da au megahaiss. Das isch d Süüdsii-te.

**G:** Lieber schön und haiss als chüel und gruusig, nöd?

**W:** Hmm ... D Chuchi isch au scho chli elter, wi s uusgseet.

**G:** Chum jetzt, Hauptsach, si funktioniert! lich finde, d Qualität macht en guete-n lidruck. - Egsgüsi, dörfi Si no öppis frööge?

**V:** Ja sicher?

**G:** Vo wän isch dän d Chuchi?

**V:** Die müest jetzt öppe 20 Jaar alt sii, isch aber no guet im Schuss. Nur de Chüelschrank hämmer letscht Jaar müese ersetze.

**W:** Ich han au no e Fraag. Im Baad häts ja käs Faischter, ischs da nöd z füecht?

**V:** Bishäär nöd, nai. Si müend aifech nöd vergässe, d Lüftig iizschalte, suscht chönts Schimmel gää.

**W:** Aa, dän isch guet, märsi.

**d Aazaig (d Aazaige)**

Mini Fründin luegt jede Taag d Aazaige dure, aber s hät aifach kai Wonig, wo für ois wür passe.

## تبلیغات

دوست دختر من هر روز تبلیغات را نگاه می کند، اما به سادگی هیچ آپارتمانی وجود ندارد که مناسب ما باشد.

**Anzeige**

Meine Freundin schaut jeden Tag die Anzeigen durch, aber es gibt einfach keine Wohnung, die für uns passen würde.

**d Besichtigung (d Besichtigung)**

Morn gaani ane Besichtigung vonere wunderschöne Wonig, ich bi ganz uufgret!

## تماشا

فردا می خواهم یک آپارتمان زیبا را دیدن کنم، من واقعا هیجان زده هستم!

**Besichtigung**

Morgen gehe ich an eine Besichtigung einer wunderschönen Wohnung, ich bin ganz aufgeregt!

**d\*e Vermieter\*in (d Vermieter)**

Wär isch de Vermieter vo däm noie Block?

## صاحب خانه (اجاره دهنده، مالک)

صاحبخانه این مجتمع مسکونی جدید کیست؟

**Vermieter\*in**

Wer ist der Vermieter von diesem neuen Block?

**der lidruck (d lidrück)**

Min erschte-n lidruck vo de Wonig isch megaguet gsii!

## اثر (تاثیر)

اولین برداشت من از آپارتمان واقعا خوب بود!

**Eindruck**

Mein erster Eindruck der Wohnung war megagut!

**de Blick (d Blick)**

Hobala, häsch dä hässig Blick au grad gsee?

## چشم انداز(دید)

اوه، آیا تو هم همین نگاه عصبانی را دیدی؟

**Blick**

Hoppla, hast du den wütenden Blick auch gerade gesehen?

**de Teriin (d Teriin)**

Am Midwuch hani en wichtige Teriin, dä dörfi nöd vergässe!

## قرار ملاقات، وقت (دکتر)

چهارشنبه یک قرار مهم دارم که نمی توانم فراموشش کنم!

**Termin**

Am Mittwoch habe ich einen wichtigen Termin, den darf ich nicht vergessen!

**aaluege (hät aagluaget)**

Ir lueged mi ali so komisch aa, was isch äch loos?

## نگاه کردن (مشاهده کردن، تماشا کردن)

همه شما خیلی عجیب به من نگاه می کنید، چه شده؟

**anschauen**

Ihr schaut mich alle so komisch an, was ist denn los?

**abzie (hät abzoge)**

Si müend d Schue nöd abzie für d Besichtigung.

## درآوردن (لباس، کفش)

برای بازدید مجبور نیستید کفش های خود را درآورید.

**ausziehen**

Sie müssen die Schuhe nicht ausziehen für die Besichtigung.

**d Türe (d Türe)**

Häsch d Türe bschlosse?

## در

آیا در را قفل کردی؟

**Tür**

Hast du die Tür abgeschlossen?

**s Faischter (d Faischter)**

Chasch bitte s Faischter  
zuetue, ich han mega chalt!

پنجره

میشه لطفا پنجره رو ببندی؟ من خیلی سردم!

**Fenster**

Kannst du bitte das Fenster  
schliessen, mir ist mega kalt!

**de Bode (d Böde)**

De Bode vo de Wonig gfalt  
de Gül bsunders guet.

زمین

گول به ویژه کف آپارتمان را دوست دارد.

**Boden**

Der Boden der Wohnung ge-  
fällt Gül besonders gut.

**de Eschtrich (d Eschtri-  
che)**

Häsch du d Büecherchisch-  
te scho ufem Eschtrich  
versorgt?

اتاق زیر شیروانی

آیا قبلاً از جعبه کتاب در اتاق زیر شیروانی  
مراقبت کرده ای؟

**Dachboden**

Hast du die Bücherkiste  
schon auf dem Dachboden  
versorgt?

**de Chüelschrank (d Chü-  
elschränk)**

Oise Chüelschrank isch  
wider emal läär, gaasch du  
go poschte?

یخچال

یخچال ما دوباره خالی است، می خواهی  
خرید کنی؟

**Kühlschrank**

Unser Kühlschrank ist wie-  
dermal leer, gehst du ein-  
kaufen?

**chüel (chüeler)**

Geschter Aabig ufem Bal-  
koon isch fasch echli chüel  
worde.

سرد

دیشب در بالکن تقریباً کمی سرد بود.

**kühl**

Gestern Abend auf dem Bal-  
kon wurde es fast ein biss-  
chen kühl.

**d Wöschmaschine (d  
Wöschmaschinene)**

Normaalerwiis muesmer  
d Wöschmaschine mit de  
anderne Lüüt im Huus taile.

ماشین لباسشویی

آدم معمولاً باید ماشین لباسشویی را با سایر  
افراد خانه به اشتراک بگذارد.

**Waschmaschine**

Normalerweise muss man  
die Waschmaschine mit den  
anderen Leuten im Haus  
teilen.

**wäsche (hät gwäsche)**

Bisch grad am Wäsche  
oder isch d Maschine frei?

شستن

آیا در حال شستشو هستی یا دستگاه به کار  
است؟

**waschen**

Bist du gerade am Waschen  
oder ist die Maschine frei?

**d Lüftig (d Lüftige)**

Häts bi dir im Baad e  
Lüftig?

تهویه

آیا در حمام خود تهویه داری؟

**Lüftung**

Hat es bei dir im Bad eine  
Lüftung?

**füecht (füechter)**

Die Wand isch imer füecht,  
das chönt emal schimle.

مرطوب (خیس)

این دیوار همیشه مرطوب است، بنابراین  
ممکن است کپک بزند.

**feucht**

Diese Wand ist immer feucht,  
da könnte es mal schimmeln.

**schtriiche (hät gschtriche)**

Mini Tochter wott ires Zim-  
mer blau schtriiche.

رنگ کردن (حذف کردن، خط زدن)

دخترم می خواهد اتاقش را آبی رنگ کند.

**streichen**

Meine Tochter möchte ihr  
Zimmer blau streichen.

**iischalte (hät iigschalte)**  
Wenn d Giselle haichunt,  
schaltetsi gad de Färnsee  
ii.

روشن کردن (به کارانداختن)  
وقتی ژیزل به خانه می آید، بلافاصله تلویزیون  
را روشن می کند.

**einschalten**  
Wenn Giselle nach Hause  
kommt, schaltet sie sofort  
den Fernseher ein.

**aaschlüsse (hät aag-  
schlosse)**  
Geschter hani gmaint, de  
Toaster seg kaputt, aber er  
isch nur nöd aagschlosse  
gsii!

به برق وصل کردن(به برق زدن)  
دیروز فکر کردم توستر خراب است اما فقط به  
برق وصل نشده بود!

**anschiessen**  
Gestern dachte ich, der  
Toaster wäre kaputt, aber er  
war nur nicht angeschlossen!

**funktioniere (hät funktio-  
niert)**  
De Bachofe funktioniert  
ja wieder tipptopp, danke  
häschen gflickt!

کار کردن  
فر دوباره کاملاً کار می کند، از شما برای  
تعمیر آن متشکریم!

**funktionieren**  
Der Backofen funktioniert ja  
wieder tipptopp, danke hast  
du ihn geflickt!

**bishäär**  
De Walter hät bishäär kä  
Glück ghaa bi de Wonigs-  
suechi.

تا به حال (تا حالا، تا به امروز)  
والتر تا به حال هیچ شانس برای یافتن آپارتمان  
نداشته است.

**bisher**  
Walter hatte bisher kein  
Glück bei der Wohnungssu-  
che.

**echli**  
Findsch des nöd echli  
tüür?

کمی (یک ذره)  
به نظر تو کمی گران نیست؟

**ein bisschen**  
Findest du das nicht ein biss-  
chen teuer?

**letscht (-)**  
Geschter hani de letscht  
Zuug verpasst.

آخر-(آخرین)  
دیروز آخرین قطار را از دست دادم.

**letzt-**  
Gestern habe ich den letzten  
Zug verpasst.

**d Siite (d Siitene)**  
Uf däre Siite häts echli  
mee Platz.

صفحه (سمت)  
در این سمت یک ذره جای بیشتر است.

**Seite**  
Auf dieser Seite ist etwas  
mehr Platz.



## C1.1



گول و والتز رویکردهای متفاوتی دارند. نام های مناسب را در جملاتی کنار آن قرار دهید.

\_\_\_\_\_ hät en kritische Blick für Details.

\_\_\_\_\_ isch offe und kontaktfroidig.

\_\_\_\_\_ gseet eender di guete Sache.

## C1.2

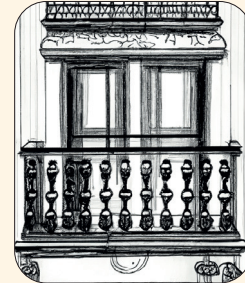


سوال مناسب برای هر اتاق! در زیر تصاویر، نام مناسب و یک یا چند حرف را برای سوالاتی که می توانید در آنجا بپرسید بنویسید.

1



2



3



4



5



a) Funktioniert der Abzug guet?

b) Ischs daa nöd oft windig?

c) Isch das en Parkettbode?

d) Häts Platz für oisi Velos?

e) Chöntme daa e Wöschmaschine aaschlüsse?

f) Chöntme daa noi schtriiche?

g) Muesme sich für s Wäsche-n iiträge?



آیا تا به حال به دنبال یک آپارتمان بودی؟ به نظر تو چه چیزی می تواند شانس آدم را برای گرفتن آپارتمان در طول بازدید افزایش دهد و اگر چنین است، چگونه؟ با شخص دیگری به زبان آلمانی سوئیس صحبت کن.

## نکاتی برای یافتن و تحویل آپارتمان

که هنگام ورود پرداخت شده است کسر می شود. مبلغ باقی مانده پس از تخلیه باز پرداخت می شود. اگر نیازی به تعمیرات بزرگ نباشد، کل مبلغ بازپس گرفته می شود.

علاوه بر این، تمیز کردن کامل آپارتمان نیز ضروری است. این کار را بهتر است پس از نقل مکان همه مبلمان و جعبه ها به آپارتمان جدید انجام دهید. این شامل تمیز کردن اجاق گاز، ماشین ظرفشویی، پنجره ها و غیره نیز می شود.

در اینجا می توانی لیستی از کارهایی که باید قبل از اسباب کشی انجام بدهی، همچنین اطلاعات مربوط به لغو و ثبت نام در محل سکونت قبلی و جدید خود را پیدا کنی: [ch.ch/de/wohnen/umzug](http://ch.ch/de/wohnen/umzug)

آپارتمان، اجاره یا تخلیه آپارتمان مشکلی دارید، احساس می کنید که مورد بی عدالتی قرار گرفته اید یا از حقوق خود مطمئن نیستید، می توانید برای مشاوره و حمایت به اتحادیه مستأجران مراجعه کنید:

[mieterverband.ch/mv/mietrecht-beratung.html](http://mieterverband.ch/mv/mietrecht-beratung.html)

در هنگام جابجایی باید به چند نکته توجه کرد و مدارکی که باید هنگام درخواست آپارتمان آماده داشته باشید. به عنوان مثال، معمول است که دولت فرمی را درخواست کند که در آن شما باید مهمترین اطلاعات مربوط به خود را ثبت کنید. گاهی اوقات این فرم قبلاً به آگهی ضمیمه شده است و می توانید بلافاصله آن را با خود به محل مشاهده ببرید، گاهی اوقات فقط در تاریخ مشاهده فرم را دریافت می کنید. در بیشتر مواقع نیز از شما خواسته می شود که درخواست نامه ای ارسال کنید که در آن خود را معرفی کرده و انگیزه خود را برای نقل مکان به آپارتمان توضیح دهید.

همچنین درخواست عصاره از دفتر ثبت وصول بدهی توسط دولت امری عادی است. شما می توانید دقیقاً از چیست، جایی که می توانید آن را سفارش دهید و سایر نکات مفید در مورد اجاره و زندگی را در اینجا پیدا کنید: [ch.ch/de/wohnen](http://ch.ch/de/wohnen)

همچنین هنگام تخلیه یک آپارتمان، چند نکته وجود دارد که باید به آنها توجه کرد.

اگر خسارت های بزرگی به آپارتمان وارد شده باشد، هزینه تعمیرات از امانتی



مکالمه را به صورت کامل بخوان.

## Wo ane chunt das?

D Seyneb hät bi de Schtiftig «*Preisgünstiges Wohnen*» e 1,5-Zimer-Wonig gfunde. Am erschte-n April isch de Zügeltermiin; zwai Fründine und en Fründ hälfed mit. Si händ ales imene Transporter a di noi Adräss gfaare und sind jetzt d Möbel und de Seyneb ires Züügs am Ineträge. D Seyneb sait, woo waas anechunt:

S Bett chunt gad da i d Mitti vom Zimer a d Wand.

S Sofa schteleder bitte vor s Faischter.

Die zwai Seck chömed under de Tisch i de Chuchi.

Dää Schpiegel chasch aifech mal voorsichtig hinder s Sofa schtele.

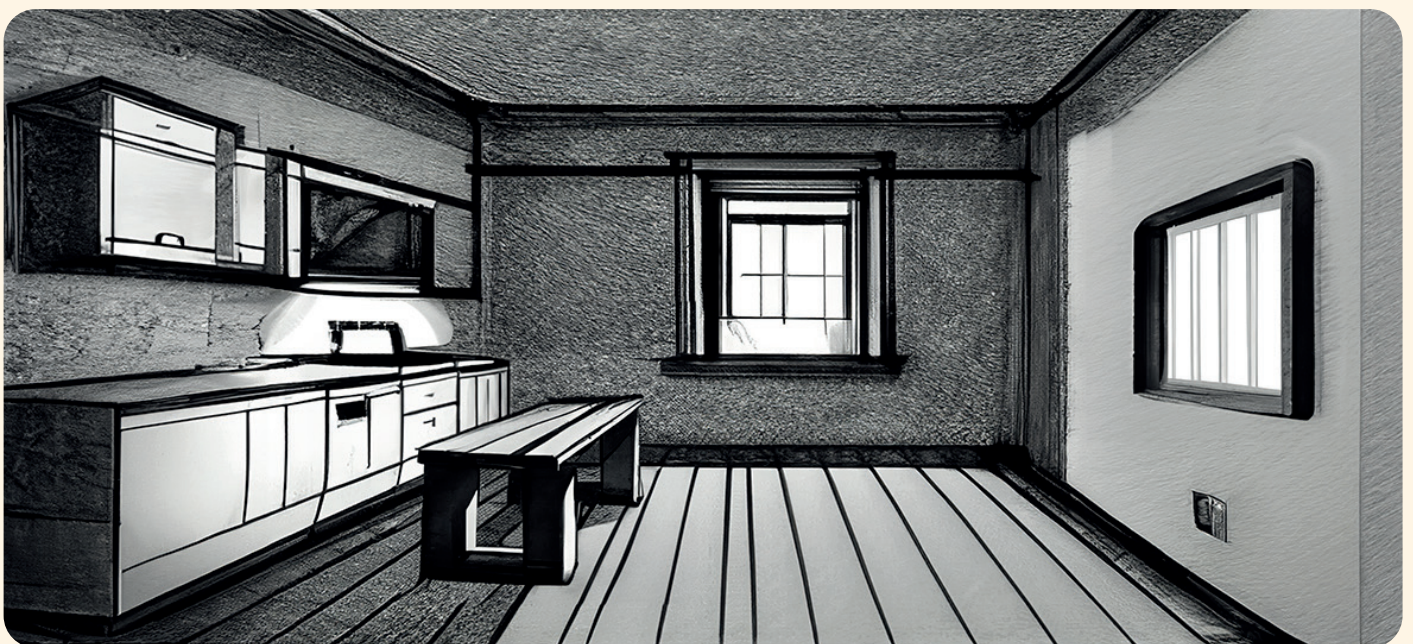
Die Dinger aifach deet uf de Teppich legge.

Die Schranktaili chasch gad da rächts näbet s Bett schtele.

D Madratze chunt gad scho uf de Bettrooscht druuf.

Die drüü Chischtene chasch zwüschet s Bett und s Sofa schtele.

Laisch de Teppich für de Momänt deet in Egge, bitte?





**der Egge (d Eggene)**

Das Gschtel chömmer  
deet in Egge schtele!

گوشه

ما می توانیم قفسه را در گوشه آنجا قرار  
دهیم!

**Ecke**

Das Gestell können wir dort  
in die Ecke stellen!

**d Chischte (d Chischte)**

Pass uuf, die Chischte da  
isch megaschwäär!

صندوق (جعبه)

مراقب باشید، این جعبه فوق العاده سنگین  
است!

**Kiste**

Pass auf, diese Kiste da ist  
megaschwer!

**de Sack (d Seck)**

Ich han no en Sack voll  
Chlaider, woni nüme  
bruuch dihai.

گونی (پلاستیک، کیسه)

من هنوز یک کیسه پر از لباس در خانه دارم  
که دیگر به آن نیازی ندارم.

**Sack**

Ich habe noch einen Sack  
voll Kleider, die ich nicht  
mehr brauche, zuhause.

**s Züügs (-)**

I däm Lade häts so vil  
schööns Züügs, ich möcht  
am liebschte ales chauffe!

چیزها (وسایل، ماده)

چیزهای بسیار زیبایی در این فروشگاه وجود  
دارد، من می خواهم همه آنها را بخرم!

**Zeugs**

In diesem Laden hat es  
so viel schönes Zeugs, ich  
möchte am liebsten alles  
kaufen!

**de Transporter (d Transporter)**

Känsch öpper, wo-n en  
Transporter zum Uusleene  
hät?

حمل و نقل (جابجایی)

آیا کسی را می شناسید که ماشین حمل نقل  
برای قرض گرفتن داشته باشد؟

**Transporter**

Kennst du jemanden, der  
einen Transporter zum Aus-  
leihen hat?

**de Schpiegel (d Schpiegel)**

Vo wo häsch de Schpiegel?  
Ich möcht au so aine.

آینه

از کجا این آینه را گرفتی؟ من هم می خواهم  
یکی از اینها را داشته باشم.

**Spiegel**

Woher hast du diesen Spie-  
gel? Ich möchte auch einen  
solchen.

**de Teppich (d Teppich)**

De Gion wünscht sich en  
marokkanische Teppich  
für d Schtube.

فرش (قالی)

گیون آرزو دارد یک فرش مراکشی برای اتاق  
نشیمن داشته باشد.

**Teppich**

Gion wünscht sich einen ma-  
rokkanischen Teppich fürs  
Wohnzimmer.

**d Madratze (d Madratzene)**

Waisch duu, wo-n i e  
günschtigi Madratze für  
mis Bett überchume?

تشک

آیا می دانی کجا می توانم یک تشک ارزان  
برای تختم پیدا کنم؟

**Matratze**

Weisst du, wo ich eine güns-  
tige Matratze für mein Bett  
herkriege?

**träge (trait, hät trait)**

Hilfsch mer schnäl, d li-  
choiff i d Wonig ufeträge?

حمل کردن (جابجا کردن، بردن)

آیا می توانی کمکم کنی تا خریدها را سریعاً به  
داخل آپارتمان ببرم؟

**tragen**

Hilfst du mir schnell, die  
Einkäufe in die Wohnung zu  
tragen?

**legge (lait, hât glait)**

Wo häsch etz de Auto-  
schlüssel scho wider  
häreglait?

گذاشتن (قرار دادن)

تو حالا کلید ماشین را کجا گذاشتی؟

**legen**

Wo hast du jetzt den Auto-  
schlüssel schon wieder hin-  
gelegt?

**voorsichtig (voorsichtiger)**

De Walter isch en Sensible,  
mit im muemer voorsichtig  
umgaa.

محتاط (با احتیاط)

والتر حساس است، باید با او با احتیاط رفتار  
کرد.

**vorsichtig**

Walter ist sensibel, mit ihm  
muss man vorsichtig umge-  
hen.

K5 -  
Zusatzwortschatz 2

**C2.1**

زیر تمام حروف اضافه را در دیالوگ C2 خط بکش.

**C2.2**

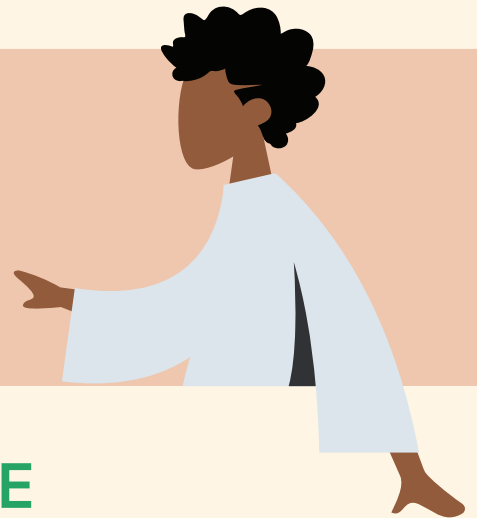
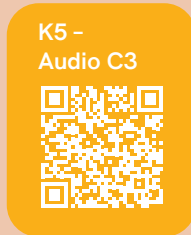
اشیایی را که به داخل خانه حمل می‌شوند، در  
مکان درست رسم کنید.

**C2.3**

تو اتاق خود را با یک دوست یا دوست دختر  
مبلمان مان می‌کنید. در مورد دکور فکر کنید  
و سپس دستورالعمل‌ها را به زبان آلمانی سوئیس  
بنویسید تا اتاق به این ترتیب مبلمان شود.



به مکالمه گوش دهید و سپس تمرینات را انجام دهید.



## CH

## فارسی/دري

## DE

**d Abwäschmaschine (d Abwäschmaschinene)**

Ich ha laider ekai Abwäschmaschine, ich mues ales vo Hand mache.

ماشین ظرفشویی

متأسفانه من ماشین ظرفشویی ندارم، باید همه چیز را با دست بشویم.

**Geschirrspüler**

Ich habe leider keinen Geschirrspüler, ich muss alles von Hand abwaschen.

**d Undsgi (-)**

D Duyen laat iri Undsgi imer uf em Sofa la ligge.

لباس زیر

دوئین همیشه لباس زیر خود را روی مبل می گذارد.

**Unterwäsche**

Duyen lässt ihre Unterwäsche immer auf dem Sofa liegen.

**d Wösch (-)**

Morn mueni unbedingt d Wösch mache, han kai früschi Undsgi mee!

لباس چرک(رخت چرک)

من قطعاً باید فردا لباسشویی کنم، دیگر لباس زیر تازه ندارم!

**Wäsche**

Morgen muss ich unbedingt Wäsche machen, ich habe keine frische Unterwäsche mehr!

**ligge (liit, isch gläge)**

Chasch bitte no schnäl mis Handy hole? Liit uf em Chuchitisch.

دراز کشیدن(خوابیدن)

میشه لطفاً زود موبایلم رو بیاری؟ روی میز آشپزخونه هست.

**liegen**

Kannst du bitte noch schnell mein Handy holen? Es liegt auf dem Küchentisch.

**umeligge (liit ume, isch umegläge)**

Hei bitte laa dis Züügs nöd imer überall la umeligge!

رها کردن(دراز کشیدن)

هی، لطفاً وسایلت را همیشه همه جا رها نکن!

**rumliegen**

Hey, lass bitte dein Zeug nicht immer überall rumliegen!

**iitröchne (isch iitröchnet)**

Wän d Fläche machsch, dörfsch si jaa nöd la iitröchne!

خشک شدن

اگر لکه‌ای ایجاد کردی، نباید بگذاری خشک شود!

**eintrocknen**

Wenn du Flecken machst, darfst du sie ja nicht eintrocknen lassen!

**suuber (süüberer)**

D Wonig vo de Layla isch imer eso sauber!

تمیز

خانه لایلا همیشه خیلی تمیز است!

**sauber**

Laylas Wohnung ist immer so sauber!

**ordentlich (ordentlicher)**

D Layla isch ordentlicher als mir ali zäme!

مرتب (منظم)

"لیلا از همه ما منظم تر است!"

**ordentlich**

Layla ist ordentlicher als wir alle zusammen!

**s Tassli (d Tassli)**

Zum Geburi überchumi imer es Tassli.

فنجان (فنجان دسته دار)

من همیشه برای تولدم یک لیوان می گیرم.

**Tasse**

Zum Geburtstag bekomme ich immer eine Tasse.

**wäg (-)**

S tuet mer laid, aber d Wonig isch scho wäg!

رفته (از دست رفته)

متاسفم، اما آپارتمان دیگر موجود نیست!

**weg**

Es tut mir leid, aber die Wohnung ist schon weg!

**sich uufrege (hät sich uufregt)**

Reg dich nöd eso uuf, es chunt scho guet!

عصبی شدن

این قدر عصبی نشو، همه چیز درست می شود!

**sich aufregen**

Reg dich nicht so auf, es wird alles gut!

**flueche (hät gfluechet)**

Mini Chind dörfet dihai nöd flueche.

ناسزا گفتن (فحش دادن)

فرزندان من در خانه حق فحش دادن ندارند.

**fluchen**

Meine Kinder dürfen zu Hause nicht fluchen.

**sich verträge (vertrait sich, hät sich vertrait)**

Zum Glück verträget sich de Gion und de Erkin wider!

کنار آمده (درک کردن)

خوشبختانه گیون و ارکین دوباره با هم کنار می آیند.

**sich vertragen**

Zum Glück vertragen sich Gion und Erkin wieder.

**eerlich (eerlicher)**

Bis lieber eerlich, suscht git s schpööter nume no mee Ärger.

صادق, رک

بهتر است صادق باشی، وگرنه بعداً فقط دردرس بیشتری ایجاد می شود.

**ehrlich**

Sei lieber ehrlich, sonst gibt es später nur noch mehr Ärger.

**nämlich (-)**

Häsch du umgschtelt? Mich dunkt, s gseet nämlich scho anderscht uus.

زیرا (به این صورت)

آیا چیزی تغییر داده ای؟ من فکر می کنم ظاهرش متفاوت است.

**nämlich**

Hast du umgestellt? Ich finde es sieht nämlich anders aus.

**schiinbar (-)**

Schiinbar hät sich d Seyneb verliedt, häsch scho ghöört?

ظاهرا

به نظر می رسد سینب عاشق شده است، آیا شنیده ای؟

**scheinbar**

Scheinbar hat sich Seyneb verliedt, hast du schon gehört?

**schwäär (schwäärer)**

Uff, de Chaschte-n isch megaschwäär, mir händ en z zwaite fasch nöd chöne träge.

سخت (مشکل، شدیداً)

اوه، این کمد خیلی سنگینه، دو نفری تقریباً نمی تونستیم اونو بیاریم.

**schwer**

Uff, dieser Schrank ist mega-schwer, wir konnten ihn zu zweit fast nicht tragen.

## imfal

اگر چیزی مهم برای گفتن دارید و فکر می‌کنید که مخاطب شما هنوز از آن بی‌خبر است یا آن را به اندازه کافی جدی نمی‌گیرد، از **imfal** استفاده کنید (در واقع **im Fal** «برای موردی (که هنوز نمی‌دانی)»):

«راستی، فراموش کرده‌ای اجاق را خاموش کنی» **Du häsch imfal vergässe, de Härd uuszschalte.**

«این یک کار بسیار بزرگ خواهد بود، فقط برای اطلاع!» **Das wäär imfal en Risenuufwand!**

«برن پایتخت سوئیس است (این را باید بدانی)» **Bärn isch imfal d Hauptschtatt vo de Schwiiz.**

## scho

### پیش از این schon

**Scho** از یک سو معنای زمانی مشخصی دارد - از آن استفاده می‌شود وقتی چیزی زودتر از انتظار رخ می‌دهد: **Bisch du au scho dihai?** «آیا تو هم الان در خانه هستی؟»

به صورت مجازی، از آن استفاده می‌شود وقتی چیزی را بیان می‌کنیم یا می‌پرسیم که انتظار داریم این‌گونه نباشد: **Das isch scho guet** «این واقعاً خوب است (حتی اگر فکر کنی این‌گونه نیست)»

**Du bisch aber scho de Brüetsch vo de Nini, oder?** «اما تو برادر نینی هستی، درست است؟ (تا به حال این‌گونه فکر می‌کردم، اما شاید اشتباه می‌کنم).»

می‌توان **scho** را به تنهایی نیز استفاده کرد وقتی خبری غیرمنتظره می‌شنویم: **Hüüt Nami söl s cho rägne. - Scho?** «امروز بعدازظهر قرار است باران بیاید. - واقعاً؟»

K5 -  
Zusatzwortschatz 3



## C3.1



درست یا غلط؟ به سوالات متن پاسخ دهید.

K5 -  
Audio C3



Richtig Falsch

Em Gion sini Undsgi liit uf em Sofa.

 — 

De Erkin isch nöd eso ordentlich.

 — 

De Gion regt sich so fescht uuf, das er fluecht.

 — 

De Erkin märkt nöd, wän d Duschi dräckig isch.

 — 

Am Faischter schtaat sit geschter e Tass Kafi.

 — 

De Gion und de Erkin verträged sich wider.

 —



این اتاق نشیمن بسیار ناهموار است! پنج مورد در جای اشتباه قرار دارند. آنها الان کجا هستند و باید کجا بروند؟

تو همچنین می توانی متفاوت باشی:

Das isch es Tassli. Es schtaat am Bode. Es sött i d Abwäschmaschine.

Das Tassli am Bode sött i d Abwäschmaschine.

Isch das diis Tassli, wo da am Bode schtaat? Chasch das i d Abwäschmaschine tue?



Handwriting practice lines consisting of a solid top line, a dashed middle line, and a solid bottom line, repeated seven times.

## C3.3



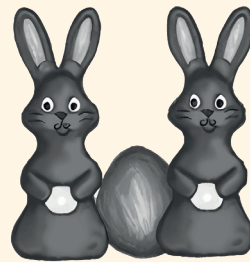
آیا تا به حال با کسی که با او همخانه بوده ای، دعوا کرده ای؟ موضوع دعوا چه بود و چه چیزی تو را بیشتر از همه ناراحت کرد؟ یک نفر دیگر را پیدا کن و در مورد تجربیات خود با هم صحبت کنید.

## C4



مکالمه را به صورت کامل بخوان.

## Dezwüschet hät s no ais!



*A Oschtre verschtecked i de Schwiiz vil Lüüt Aili und Hase-n us Schoggi, wo dän anderi zum Schpaass müend sueche. D Meryam und de Didi sind Gschwüschterti und sind gad dihai Aili am Sueche, wo iri Eltere verschteckt händ. Es paar fääled aber no!*

**M:** Häsch uf em Färnsee scho glueget?

**D:** Jaa, sind käni druuf.

*De Didi zaigt uf s Sofa.*

**D:** Aber da isch ais drunder gsi!

**M:** Seer guet. Und dehinder?

**D:** Wart gschnäl ... juhuhu, da isch en Haas! Das isch jetzt aber miine.

**M:** Hei, und iich?

**D:** Ja muesch sälber finde! Zie doch emal die Schublade-n use.

*D Meryam luegt ine.*

**M:** Nai, isch nüüt dine.

**D:** Hmm... hinder de Bluemetöpf?

**M:** Na'a... aber dezwüschet häts no ais, so-n es roots!

**D:** Und was isch daas für e Schachtel deet uf em Chaschte? Hol doch die mal abe.

*D Meryam mues sich zimli schtrecke.*

**M:** Uff ... Ha, da isch miin Haas dine! Und denäbet isch au no öppis Glänzigs...

**D:** Was isches? Ich chum nöd ane, hol s duu füre, bitte!

**M:** Ui ... aa, das sind nur d Girlande vo mim Geburi!

**(d) Oschtre (-)**

Wie fiired iir Oschtre das  
Jaar?

عید پاک

عید پاک امسال را چگونه جشن می گیرید؟

**Ostern**

Wie feiert ihr Ostern dieses  
Jahr?

**d Schoggi (d Schoggene)**

Wettsch au chli Schoggi?

شکلات

تو هم شکلات میل داری؟

**Schokolade**

Möchtest du auch ein biss-  
chen Schokolade?

**d Blueme (d Blueme)**

Lueg, d Maria hät ois  
wunderschööni Blueme  
mitpraacht!

گل

ببین، ماریا برای ما گل‌های زیبایی آورد!

**Blume**

Schau, Maria hat uns wun-  
derschöne Blumen mitge-  
bracht!

**de Chaschte (d Chäschte)**

Din groosse Chaschte hani  
in Chäler gschtelt.

جعبه

کمد بزرگ تو را در زیرزمین گذاشتم.

**Kasten**

Deinen grossen Schrank  
habe ich in den Keller ge-  
stellt.

**d Schachtle (d Schachtle-  
ne)**

Händ Si vo de Schue d  
Schachtle wele?

جعبه

آیا جعبه کفش را می خواهید؟

**Schachtel**

Möchten Sie von den Schu-  
hen die Schachtel haben?

**d Schublade (d Schub-  
ladene)**

Bim Züggle isch laider e  
Schublade vo de Kommoode  
kabuttggange.

کشو

متأسفانه در حین اسباب کشی یک کشو در  
صندوق عقب شکست.

**Schublade**

Beim Umzug ist leider eine  
Schublade der Kommode  
kaputtgegangen.

**verschtecke (hät versch-  
teckt)**

Du muesch s Geburi-  
gschänk vo de Lene no  
verschtecke, suscht gseetsi  
s grad.

پنهان شدن

تو هنوز باید هدیه تولد لنه را پنهان کنی، در  
غیر این صورت او آن را پیدا خواهد کرد.

**verstecken**

Du musst das Geburtstags-  
geschenk von Lene noch  
verstecken, sonst findet sie  
es gerade.

**fääle (hät gfäält)**

D Bank isch nanig stabil,  
wil d Schraubene no  
fääled.

از دست دادن، گم شدن

این نیمکت هنوز پایدار نیست زیرا هنوز پیچ  
گم شده دارد.

**fehlen**

Diese Bank ist noch nicht  
stabil, weil die Schrauben  
noch fehlen.

**hole (hät gholt)**

Ich hole no schnäl es paar  
Snacks us em Chäler.

رفتن و آوردن

من به سرعت از زیرزمین چند تنقلات بر می  
دارم.

**holen**

Ich hole noch schnell ein  
paar Snacks aus dem Keller.



### zie (si ziend, hät zoge)

A däre Tür muesme fescht zie, wil si es bizli chlämt.

کشیدن

این در را باید محکم بکشید چون کمی گیر کرده است.

### ziehen

An dieser Tür muss man fest ziehen, weil sie ein bisschen klemmt.

### sich schtrecke (hät sich gschtreckt)

Ich mues mi schnäl chli schtrecke, bi z lang ghooket hüüt.

کشش دادن

باید سریع کمی خودم را کشش بدهم، امروز خیلی طولانی نشستم.

### sich strecken

Ich muss mich schnell ein bisschen strecken, bin zu lange gesessen heute.

### sälber (-)

De Said isch erscht im Chindsgi, aber cha scho sälber mit em Bus haigaa.

خودش

سعید الان در مهدکودک است، اما می تواند خودش اتوبوس را به خانه برساند.

### selber

Said ist erst im Kindergarten, aber kann schon selber mit dem Bus nach Hause gehen.



چیزی کجاست، کجا می رود؟ اغلب اوقات می توان این را به دو روش مختلف گفت، به عنوان مثال: *Ich bi im Huus* ("من در خانه هستم"، توضیح دقیق) یا *Ich bi dine* ("من در خانه هستم"، شنونده از قبل مکان دقیق را می داند). کلماتی مانند *dine* را قید مکانی می نامند. آنها اغلب در آلمانی سوئیسی کاملاً متفاوت از آلمانی استاندارد به نظر می رسند. برخی از آنها با یک حرف اضافه خاص مطابقت دارند (در مثال *in*). برخی دیگر مطابقت دقیقی ندارند. در زیر فهرستی از مهم ترین قیدهای مکانی (که بر اساس مکان - «کجا؟» - و حرکت - «به کجا؟» از هم جدا شده اند را خواهی دید.)

Ortsadverbien			
قیدهای مکان			
CH	فارسی/دري	DE	Vgl. Präposition مقایسه شود با حرف اضافه
dehinder	پشت آن	dahinter	hinder 'پشت'
denäbet	بعلاوه	daneben	näb(et) 'neben'
dezwüschet	در بین	dazwischen	zwüsche 'بین'
dine	داخل	drin	i 'در'
drunder	در زیر تخت	drunter	under 'زیر'
druuf	بر روی آن	drauf	uf 'روی'

Bewegungsadverbien			
قیدهای حرکت			
CH	فارسی/دري	DE	Vgl. Präposition مقایسه شود با حرف اضافه
abe	پایین	runter	-
ane	به سمت/ نزدیک	hin, ran, her	a 'به/ روی'
dure	از طریق	durch	dur 'از طریق'
füre	رو به جلو	vor, nach vorn	vor 'جلو'
hindere	به عقب/ به پشت	hinter, nach hinten	hinder 'پشت'
ine	داخل	rein	i 'در'
übere	روی/ به آن طرف	rüber	über 'روی'
ufe	بالا	rauf, hoch	uf 'روی'
use	خارج از اینجا/ بیرون	raus	us 'از'

قیدها اغلب با *da(a)* 'اینجا، آنجا' یا *deet* 'آنجا' ترکیب می شوند: *da dine* اینجا داخل، *deet ine* آنجا داخل. گاهی اوقات حروف اضافه و قید می توانند همزمان رخ دهند: *im Huus* "در خانه": *dine* "داخل": *im Huus dine* در خانه داخل، *in Garte* "در باغ": *ine* "به داخل": *in Garte-n ine* "به باغ".

## C4.1



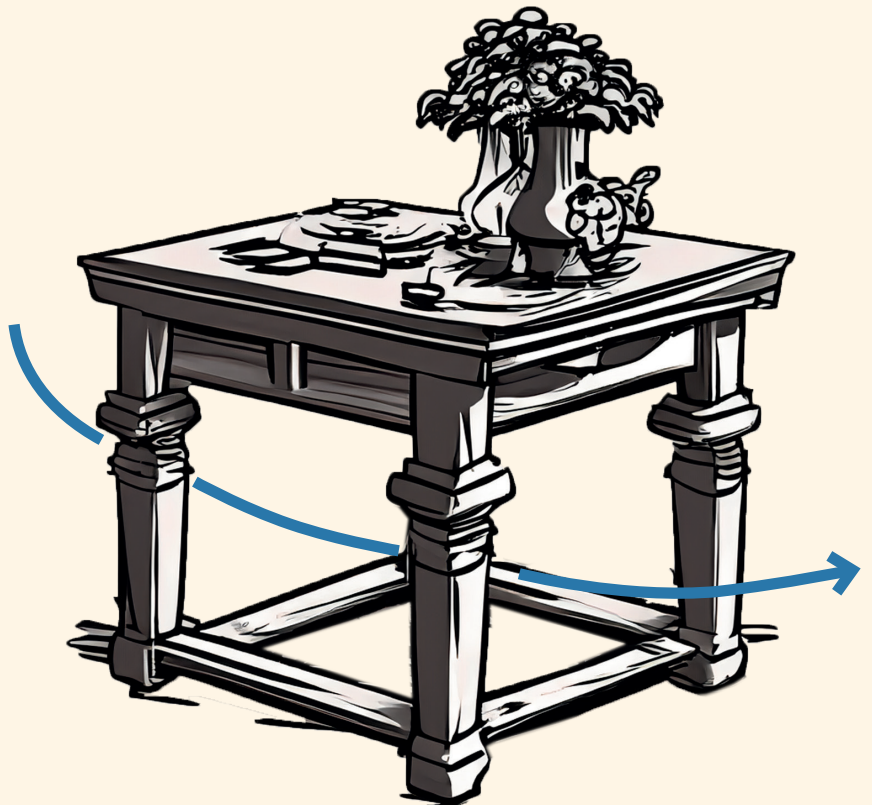
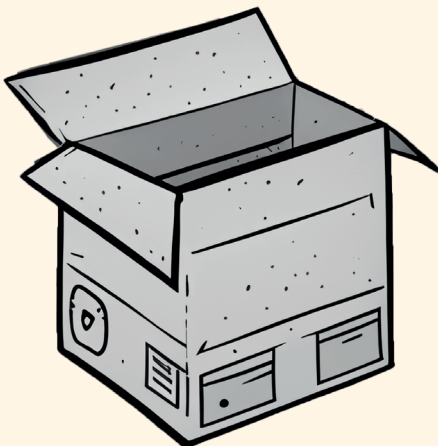
قیدهای مکانی زیادی در گفتگوی مریم و دیدی ظاهر می شوند. آنها را بر اساس همان الگو مانند مثالها تکمیل کن.

قید	سوال	به طور دقیق تر (بسته به زمینه در گفتگو)
druuf ine	wo? کجا؟ wohin? به کجا؟	uf em Färnsee i d Schublade

## C4.2



در اینجا می توانی دوباره نشانی را از بخش دستور زبان مشاهده کنی، اما بدون برجسب. قیدهای مکانی را به خاطر بسپار و سپس خودت نشانی را برجسب بزن. قید مکان ('کجا؟') را در دایره ها و قیدهای حرکت ('به کجا') را روی فلش ها بنویس. ما همچنین چند قید نادر را که در لیست ظاهر نمی شوند حذف کرده ایم.





حالا نوبت توست! کسی را پیدا کن که با او تخم مرغ مخفی کردن بازی کنید. در این مورد، دنبال تخم مرغ‌ها گشته می شود - مگر اینکه شما در هوس شکلات داشته باشی! در هر دور، یکی از شما به این فکر می کند که تخم مرغ باید کجا باشد. طرف مقابل با پرسیدن سوال سعی می کند بفهمد کجاست. دیالوگ ها را بر اساس الگوی بغل دست انجام بده.

**A:** Isches i de Schublade?

**B:** Nai, da isches nöd dine.

**A:** Häsch es in Chüelschrank taa?

**B:** Nai, da hani s nöd inetaa.

**A:** Isches äch under de Chüssi?

**B:** Ja, da isches drunder!

به محض اینکه یک تخم مرغ پیدا شد، نقش ها را عوض می کنید.

## C4.4



به طور خاص، قیدهایی با معانی «به کجا؟» و «از کجا؟» اغلب با افعال ترکیب می شوند. در گفتگو می توانید به عنوان مثال بیابید. به عنوان مثال، «usezie» بیرون کشیدن، «ineluege» به آن نگاه کنید، «anechoo» به آنجا برسم». برای هر یک از ترکیب ها یک جمله مناسب بساز. آیا می توانی ترکیب دیگری برای شکل های لیست فکر کنی؟

aberüere	
usebringe	
durefaare	
inegüüsse	
fürelaufe	
hindereschiebe	
übereruume	
anehocke	
ufelupfe	

## C4.5



بسیاری از قیدهای مکانی فقط معنای تحت اللفظی ندارند - وقتی آنها را با افعال مختلف ترکیب می شوند، یک معنای مجازی ظاهر می شود. در کنار می توانی چند نمونه را مشاهده کنی. آیا می توانی معنی را تصور کنی؟ ترکیب قید و فعل و معنی آن را زیر هر جمله بنویس.

Sorry, us däm Buech chumi nöd druus.

**druuschoo** = 'درک کنند'

Am Suntig simmer aifech nur dihai umeghange.

Ich han en Chueche wele bache, aber ich ha s nöd aneprecht.

Du muesch jetzt a dinere Uusbildung draabliibe!

Geschter hani uufgrumet. Hei, was da ales fürechoo isch!

Si ziet ires Projäkt vol dure, ooni uf öpper z lose.

Dää Typ hät Millione hinderzoge und isch gliich wider devoochoo.

Ich find, das isch z kompliziert gsait, mir müend s no chli abebräche.



این بخش می توانی خود را امتحان کنی که آیا به اهدافی که برای یادگیری در نظر گرفته شده است رسیدی یا نه.

تمرین های زیر را حل کن و در بخش راه حل ها کنترل کن که چه نمره ای را گرفتی.

پیشنهاد ما در جدول زیر.

امتیاز

0-50

این فصل را دوباره از اول تکرار کن.

51-80

به اندازه کافی خوب است. شاید بهتر باشد که مبحث های درسی را تکرار کن.

81-100

عالی! میتوانی با فصل بعدی شروع کنی.

## D1

### D1.1



تبلیغات (آلمانی استاندارد) را با نظرات مناسب این دو (آلمانی سوئیس) مطابقت ده. (هر جفت 2 امتیاز)

## آپارتمان ها و تماشای آپارتمان رایگان

De Hassan und d Rozhan erwartet Naachwuchs und sind drum e gröösseri Wonig am Sueche. Si underhaldet sich über Wonigsaazaige amene schwarze Brätt.

- |  |  |
|--|--|
| <p><b>1</b> 2,5-Zimmer-Wohnung für junge Familie, 60 m<sup>2</sup> für 2300 CHF</p>  | <p><b>a</b> Hm, das isch wükli bilig. Chönt ja zmindeischt e Zwüschelöösig sii.</p>                          |
| <p><b>2</b> 5 Zimmer mit Aussicht auf Zürich Nord, Besichtigung auf Anfrage</p>  | <p><b>b</b> OK, töönt sympathisch, aber wi vil choschtets äch?</p>   |
| <p><b>3</b> Wohnung 65 m<sup>2</sup> zur Zwischenmiete. Bin ein Jahr im Ausland und suche vertrauenswürdige Zwischenmieter, keine eigenen Möbel, dafür günstig (1200 CHF).</p> | <p><b>c</b> Töönt romantisch. Für ois alai gaats nöd, aber me chönt sich ja mit es paar anderne zämetue?</p> |
| <p><b>4</b> 18 m<sup>2</sup> Zimmer zur Untermiete, 800 CHF, Wipkingen</p>   | <p><b>d</b> Mir sind kä Schtudis, also vergiss es.</p>   |
| <p><b>5</b> Vermieten Zimmer an Student oder Studentin. 22 m<sup>2</sup> für 500 CHF, Mitbenutzung Küche Bad</p>   | <p><b>e</b> Uu, noobel ... ich glaub, da fröögemer lieber nööd, hä ...</p>                                   |
| <p><b>6</b> WG in Oerlikon sucht neue Mitbewohner*innen, gerne auch Paar mit Kind</p>  | <p><b>f</b> Das passt supper uf ois. Bitz tüür ischs alerdings scho.</p>                                     |
| <p><b>7</b> Putziges Häuschen mit Garten am Rand von Zürich, 4500 CHF / Mt., Haustiere möglich</p>   | <p><b>g</b> Das chunt gar nöd in Fraag, s isch nöd nume winzig, sondern au z tüür.</p>                       |
| <p><b>8</b> 3 Zimmer Altbau in Wollishofen, 70 m<sup>2</sup>, 1800 CHF kalt. Keine Raucher</p>   | <p><b>h</b> Das isch au no cool, aber du müestisch vo de Zigis wägchoo...</p>                                |

## D1.2



به دیالوگ گوش بده و سپس به سوالات مربوط به آن پاسخ بده. (3 امتیاز در هر پاسخ صحیح)

D Friederike ziet us iere Wonig uus. Ire Vermieter hät ire erlaubt, sälber e\*n Naachmieter\*in z sueche. Hüüt telefonierts i mit de Latifah, wo sich für d Wonig intressiert und es paar Fraage hät.

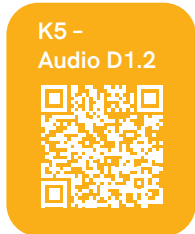
Wän chöntme iizie?  nur im Auguscht  ab Auguscht

Wi hööch isch d Mieti?  1600 Franke  1700 Franke

Wiso ziet d Friederike uus?  S isch ire z tüür worde.  De Vermieter isch s nöd fair.

Was sait d Latifah zum Priis?  D Wonig isch tüür.  Si chönted sich s laischte.

Was fäält i de Wonig?  en Balkoon  en Eschtrich



## D2

### درباره اسباب کشی صحبت کن

### D2.1



هنگام اسباب کشی باید خیلی بررسی! با ترکیب حرف اضافه / با کلمات داخل پرانتز پاسخ های کوتاه بده. کلمه را ترجمه کن و به حالت صحیح (داتیو یا اکوزاتیو) توجه کن. (هر جمله 1 امتیاز)

D Latifah hät sich entschide, d Wonig vo de Friederike z übernää. Und scho isch de grooss Taag daa: Di ganz Familie hilft bim Zügge und zwai Fründe sind au no mitchoo.

Wo chömed die Schtüel ane? (آشپزخانه)

Wo sind jetzt d Bluemetöpf? (اتاق نشیمن)

Wo söli das anetue? (حمام)

Wo hät das am beschte Platz? (زیرزمین)

Wo isch d Chischte mit de Täler? (اتومبیل)

Wo häsch d Madratze-n anetaa? (اتاق خواب)

Wo isch d Rückwand vom Chaschte? (آسانسور)

Wo ane schteli das am gschidschte? (مهد کودک)

Wo isch dän s Sofa ane choo? (راهرو)

Wo chani es Glaas Wasser nää? (آشپزخانه)



بعد از حمل بار، کار ادامه دارد - حالا وقت خالی کردن وسایل است! اما چی کجاست؟ برای هر تصویر، یک سوال مناسب بساز (مثلاً):  
*Was isch i däm Sack?* 'چه چیزی در این کیف است؟' و پاسخ ده (مثلاً):  
*Bücher* 'کتاب ها'. (برای هر تصویر ۱ امتیاز برای هر کلمه ی صحیح برای ظرف و ۱ امتیاز برای محتویات)

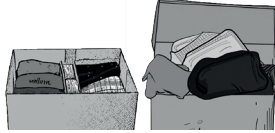
1



2



3



4



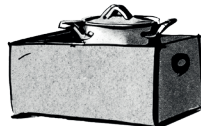
5



6



7



## D3

## D3.1



مکالمه روزان و حسن بهم ریخته است. جملات را به ترتیب صحیح از 1 تا 10 شماره گذاری کن (1 امتیاز برای هر جمله در موقعیت صحیح)

## تبادل نظر درباره زندگی روزمره

D Rozhan und de Hassan händ e gueti Wonig gfunde und ires Chind, de Farid, isch au scho uf d Wält choo. Jungi Eltere müend sich guet organisiere ...

R: Wän i wüssti, wo si wider sind, chönti scho...

H: Ich bi da gad oises Znacht am Choche, chasch gärn übernää ...

R: Jaa, ha si, märsi.

*De Chlii faat aafa schreie.*

H: Du Schatz, chasch em Farid bitte d Windle wächsle?

R: Ja waas, wottscht lieber de Papi? Dä isch jetzt aber i de Chuchi, da müemer dich zerscht sauber mache ...



- H:** Los, ich tue si imer a de gliich Ort, i de Chaschte-n im Baad, ich weiss au nöd, wiso das si nacher umewandered ...
- R:** Ja soo ... Aso chum, Farid, mir sueched ois es schööns Plätzli.
- H:** D Wickeldecki isch glaub no im Wonzimer.
- R:** Aa, ha si gfunde. Häsch duu kä Ziit?

## D3.2



به سؤالات مربوط به متن بدون خواندن مجدد آن پاسخ بده. (3 امتیاز برای هر پاسخ صحیح)

- Wo isch de Hassan?  i de Chuchi  im Baad
- Wo sötted d Windle sii?  im Wonzimer  im Baad
- Wo isch d Windeldecki?  im Wonzimer  i de Chuchi
- Wär wächsled em Farid am Änd d Windle?  d Rozhan  de Hassan
- Wär schreit?  d Rozhan  de Farid

## D3.3



احتمالاً قبلاً با شخصی زندگی کرده ای - با والدین خود، با خانواده بزرگتر، در یک زندگی شراکتی یا حتی با آشنایان. و قطعاً چیزی وجود داشت که تو را آزار می داد! فردی را پیدا کن که آلمانی سوئیسی را خوب صحبت کند. بگو چه چیزی تو را آزار داد و چگونه با آن برخورد کردی. سپس اجازه بده تا تو را ارزیابی کند: اگر شخص دیگر همه چیز را خوب فهمیده باشد 20 امتیاز داده می شود، اگر اصلاً چیزی متوجه نشده باشد 0 امتیاز. همه چیز در این بین نیز امکان پذیر است.

Platz für Notizen:

.....

.....

.....

.....

.....

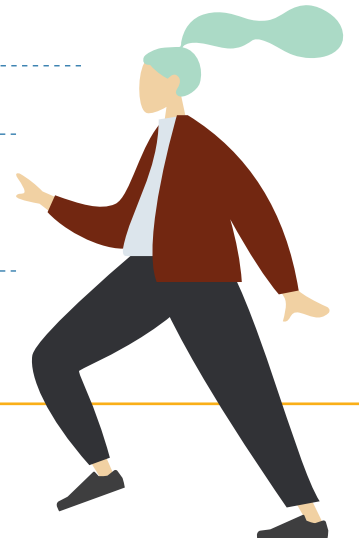
.....

.....

.....

.....

.....





# روابط و احساسات

## 6.

### اهداف یادگیری

تو می توانی ...

- ... روابط خود را با افراد مختلف توصیف کنی.
- ... مکالمات مربوط به احساسات را دنبال کنی و خودت را ابراز کنی.
- ... بحث های ساده ای با شریک زندگی خود داشته باشی.

# Uf Wulche 7?

A1



شیرین و بهترین دوستش گوانگهائو در حال گپ زدن هستند. در خانه شیرین خبرهای عاشقانه است.

مکالمه را به صورت کامل بخوان.

K6 -  
Audio A1



G: Hei, wi häsch es?

S: Guet ... Wulche 7 🌈!

G: Verzel?

S: Bi verliebt 💕.

G: Nai! Wär isch es?

S: En noie Bürokolleg. Eender so-n en ruige, koräkte, aber känsch ja mini Voorliebe ... Ruedi haisster!

G: Und du häsch de arm Ruedi gad überfale?

S: Ja nai, also nöd sofort ... Aber letscht Wuche han' en dän emal gfrööget für Kino und er hät sich mega gfruit.

G: Und dän häts knischtered.

S: Ja, aber nur wäg em Popcorn 🍿.

G: Und jetzt, sinder zäme?

S: Waiss nöd ... S füült sich scho so aa.

G: Hei, megaguet 👍!

از طرفی دوست دختر رضا، از او جدا شد. او از طریق چت از همکاریش ناهوم تسلی می خواهد.

R: Sali, lauffts?

N: Jaa, ha frei hüt. Bi diir?

R: Pff, mich nimts gad härt. D Yael hät Schluss gmacht. 😞

N: Ui nai 😱! Wi lang sinder zäme gsii?

R: Fascht zwai Jaar.

N: Megaschaad! Was isch loos gsii?

R: Si hät aifech so gfunde, ich seg ire z unriiff.

N: Du bisch doch megavernünftig.

R: Jaa, fröög nöd 😡. Aigetlich gaats drum, das si unbedingt Chind wott. Aber sorry, ich han aifech kä Luscht uf Goofe!

N: Bisch äbe nanig riiff defür 😊.

R: Gaats no?

N: Chunsch uf es Bier verbii?

R: Hej, märsi Bro. Bi i 20 Minuute daa.

## A2



چه کسی برای چه کسی چیست؟ نام‌ها را با فلش وصل کن و نام مناسب را از کادر کنار بنویس. آیا می‌توانی ترجمه‌های آلمانی سوئسی را به نام‌ها اختصاص دهی؟

(یک) دوست پسر، (یک) دوست دختر، دوست پسر / شریک زندگی، دوست دختر سابق

de Koleeg / d Koleegin / de Fründ / d Ex

Shirin

Guanghao

Ruedi

Reza

Nahom

Yael

## A3



جملات کنار احساس شخصیت‌های دیالوگ‌ها را توضیح می‌دهند. اگر دیالوگ‌ها را بفهمی، می‌توانی این جملات را هم متوجه شوی. کلمات برجسته شده را به زبان خود ترجمه کن.

- D Shirin isch **verliebt**.

-----

- D Guanghao **froit sich** für d Shirin.

-----

- De Reza isch **truurig** und au echli **hässig**.

----- / -----

- Em Nahom **tuet** de Reza **laid**.

-----



رفتار مردم در دیالوگ‌ها چگونه است؟ پاسخ صحیح را پیدا کن. به نظر تو این رفتار در سوئیس طبیعی است؟ آیا در فرهنگ تو مشابه است یا متفاوت؟ آیا حتی چیزی به نام رفتار "عادی" وجود دارد؟ با یک شریک بحث کن.

	a	b	
1	شیرین، یک زن. با کی از عشق جدیدش صحبت می‌کند؟ <input type="checkbox"/>	با یک زن <input type="checkbox"/>	با یک مرد
2	چه کسی اولین قرار ملاقات شیرین و رودی را آغاز کرد؟ <input type="checkbox"/>	خانم <input type="checkbox"/>	مرد
3	چه کسی به رابطه رضا و یائل پایان داد؟ <input type="checkbox"/>	خانم <input type="checkbox"/>	مرد
4	واکنش رضا به خبر بد چیست؟ <input type="checkbox"/>	او اهمیتی نمی‌دهد. <input type="checkbox"/>	حالش بد است.
5	رضا، یک مرد، با کی از احساساتش حرف می‌زند؟ <input type="checkbox"/>	با یک زن <input type="checkbox"/>	با یک مرد

## گذراندن زندگی مشترک

(مجرد *ledig, ledig*) در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر ازدواج، امکان زندگی مشترک (شراکت توافقی *Konkubinat, Konkubinaat*) نیز وجود دارد که مستلزم به رسمیت شناختن رسمی شراکت است، اما مستلزم حقوق و تعهدات یکسانی نیست. از سال ۲۰۲۲، زوج‌های همجنس نیز می‌توانند در سوئیس ازدواج کنند.

در سوئیس، بسیاری از مردم در یک رابطه (طولانی مدت) بدون ازدواج (متاهل *verheiratet, ghüüraate*) زندگی می‌کنند. بسیاری از زوج‌ها بدون ازدواج با هم زندگی می‌کنند یا بچه دار می‌شوند. به طور رسمی، به ویژه برای اهداف مالیاتی، تا زمانی که شخص ازدواج نکرده باشد، "مجرد"

## CH

## فارسی/دري DE

**d Voorliebi (d Voorliebene)**

Er hät e Voorliebi für Fraue mit churze Haar.

## ترجیح

او زنان با موهای کوتاه را ترجیح می دهد.

**Vorliebe**

Er hat eine Vorliebe für Frauen mit kurzen Haaren.

**riiff (riiffer)**

Für ires Alter isch d Malai-ka scho megariiff.

## رسیده

ملایکا نسبت به سن خود بسیار بالغ است.

**reif**

Malaika ist sehr reif für ihr Alter.

**unriiff (unriiffer)**

Ich han unriiffi Banaane nöd gärn.

## نرسیده، خام

من موز نرسیده دوست ندارم.

**unreif**

Ich mag keine unreifen Bananen.

**koräkt (koräkter)**

Iri Antwort isch koräkt.

## درست

پاسخ شما درست است.

**korrekt**

Ihre Antwort ist korrekt.

**arm (ärmer)**

Au i de Schwiiz gits armi Mänsche.

## فقیر

در سوئیس نیز افراد فقیر زندگی می کنند.

**arm**

Auch in der Schweiz gibt es arme Menschen.

**Schluss mache (hät Schluss gmacht)**

De Tüpp isch aifech nöd guet für diich, du söttst Schluss mache.

## ترک (رابطه) کردن

آن (پسر) برای تو خوب نیست، باید از او جدا شوی.

**Schluss machen**

Der Typ tut dir einfach nicht gut, du solltest Schluss machen.

**laidtue (hät laidtaa)**

Es tuet mer laid, hani kä besseri Naachrichte für dich.

## آسیب زدن

متأسفم که خبر بهتری برای تو ندارم.

**leidtun**

Es tut mir leid, dass ich keine besseren Nachrichten für dich habe.

**sich aafüüle (hät sich aagfüült)**

De Kuss hät sich supper aagfüült.

## احساس کردن

بوسه احساس خوبی داشت.

**sich anfühlen**

Der Kuss hat sich super angefühlt.

**wüetig (wüetiger)**

Dä politisch Entscheid hät ois wüetig gmacht.

## خشمگین

این تصمیم سیاسی ما را عصبانی کرد.

**wütend**

Dieser politische Entscheid hat uns wütend gemacht.



**s Bier (d Bier)**

Gömmër hüt zäme-n es  
Bier go trinke?

آبجو

قراره امروز با هم آبجو بخوریم؟

**Bier**

Gehen wir heute zusammen  
ein Bier trinken?

**d Wolche (d Wolche)**

Am Himel isch kä ainzigi  
Wulche gsii.

ابر

حتی یک ابر در آسمان وجود نداشت.

**Wolke**

Am Himmel war keine einzige  
Wolke.

**de Goof (d Goofe)**

De Zuug isch vol mit Goofe  
gsii, wo di ganz Ziit ume-  
gschroue händ.

بچه، پسر بچه

قطار پر از بچه هایی بود که تمام مدت جیغ می زدند.

**Kind, Fratz**

Der Zug war voller Kinder,  
die die ganze Zeit herumge-  
schrien haben.

**verbiichoo (isch verbii-  
choo)**

Chum doch hüt am 5i bi  
mir verbii.

سر زدن، بازدید کردن

امروز ساعت 5 به دیدنم بیا.

**vorbeikommen**

Komm heute um 5 bei mir  
vorbei.

**überfale (hät überfale)**

D Bank bim Paradeplatz  
isch überfale worde.

حمله کردن به, تجاوز کردن

بانک در Paradeplatz مورد سرقت  
قرار گرفت.

**überfallen**

Die Bank beim Paradeplatz  
wurde überfallen.

**gaat um (isch um ... ggange)**

I däm Buech gaats um d  
Zuekunft vom Vercheer.

درباره چیزی بودن

این کتاب در مورد آینده حمل و نقل است.

**gehen um**

In diesem Buch geht es um  
die Zukunft des Verkehrs.

**sofort**

D Georgina mues sofort i s  
Schpitaal, si hät sich s Bai  
proche.

بلافاصله

جورجینا باید فوراً به بیمارستان برود زیرا پایش  
شکسته است.

**sofort**

Georgina muss sofort ins  
Spital, sie hat sich ihr Bein  
gebrochen.

**emal**

Ich wott au emal an e  
Kundgäbig gaa.

یک بار

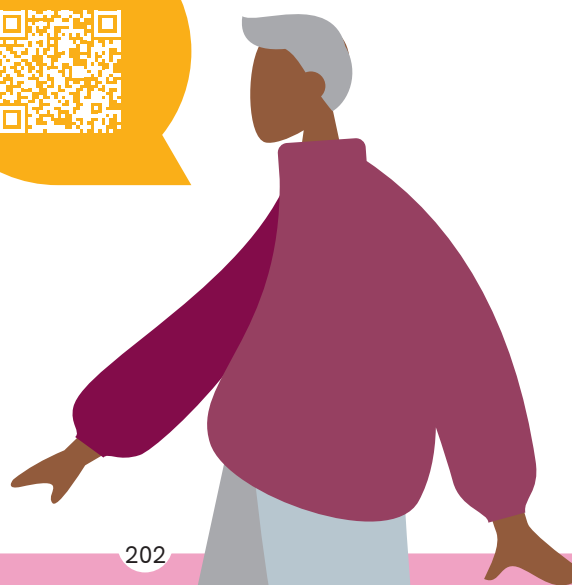
من هم می خواهم یکبار به یک راهپیمایی  
بروم.

**(ein)mal**

Ich will auch mal zu einer  
Kundgebung gehen.



K6 -  
Hauptwortschatz



در این فصل نگاهی دقیق تر به دو وجه شرطی می اندازیم.

## وجه شرطی

وجه شرطی نوع اول به ندرت در آلمانی استاندارد و معمولاً فقط هنگام نوشتن استفاده می شود. با این حال، در آلمانی سوئیسی، غالباً از وجه شرطی نوع اول استفاده می شود - مخصوصاً هنگام صحبت! معنای آن به بهترین وجه از طریق یک مثال قابل درک است. شکل قاطع فعل در انتهای جمله است:

توضیح	جمله مثال
آنها به آندری گفتند که باران می بارد - واقعا باران می بارد.	استاندارد (حالت خبری) Si händ em Andrej gsait, es rägnet.
شما به آندری گفتید که باران می بارد - اما اینکه آیا این درست بود یا نه مشخص نیست.	وجه شرطی نوع اول Si händ em Andrej gsait, es rägni.

بنابراین وجه شرطی نوع اول زمانی استفاده می شود که دقیقاً می دانیم آنچه کسی می گوید، فکر می کند یا احساس می کند واقعاً درست است یا خیر. همچنین می توان در مواقعی که شک داشت یا حتی وقتی مطمئن هست که چیزی اشتباه است از آن استفاده کرد:

ترجمه	جمله مثال
پاسخ صحیح این است که برن پایتخت سوئیس است.	استاندارد (حالت خبری) Di richtig Antwort isch, das Bärn d Haupt- schtatt vo de Schwiiz isch.
او فکر می کند که ژنو پایتخت سوئیس است.	وجه شرطی نوع اول Si maint, Gänf segi d Hauptschtatt vo de Schwiiz.

هنگامی که از اظهارات، افکار و احساسات دیگران صحبت می کنیم، نامطمئنی، شک و تردید شدن امری رایج است، به همین دلیل است که وجه شرطی (Konjunktiv I) نوع اول بسیار رایج است. شکل های وجه شرطی (Konjunktiv I) هستند، اشکال وجه شرطی نوع اول در آلمانی سوئیسی به طور قابل توجهی با فرم های استاندارد ("خبری") متفاوت است. در اینجا مثالی از ساخت با "انجام دادن" *mache* آورده شده است:

1. Pers. Sg.	ich mach-i	من انجام میدهم	ich mache
2. Pers. Sg.	du mach-isch	تو انجام می دهی	du machest
3. Pers. Sg.	är/si/es mach-i	او انجام می دهد	er/sie/es mache
1. Pers. Pl.	mir mach-id	ما انجام می دهیم	wir machen
2. Pers. Pl.	ir mach-id	شما انجام می دهید	ihr machet
3. Pers. Pl.	si mach-id	انجام می دهند	sie machen

در مجموع، وجه شرطی نوع اول منظم تر از حالت خبری است. اوملاوت و اشکال کوتاهی که در حالت خبری وجود دارد در وجه شرطی نوع اول وجود ندارد. در اینجا چند مثال آورده شده است (همه جملات سوم شخص):

شکل اصلی	خبری	Konjunktiv I التزامی
'خواندن' <i>läse</i>	si list	si läsi
'دادن' <i>gää</i>	er git	er gäb(i)
'توانستن' <i>chöne</i>	es chaa	es chön(i)
'مجبور بودن' <i>müese</i>	si mues	si mües(i)
'دراز کشیدن' <i>ligge</i>	er liit	er liggi
'گفتن' <i>säge</i>	es sait	es sägi

با این حال، چند افعال متداول دارای اشکال وجه شرطی نوع اول نامنظمی هستند:

شکل اصلی	خبری	Konjunktiv I التزامی
'آمدن' <i>choo</i>	si chunt	si chöm(i)
'رفتن' <i>gaa</i>	er gaat	er gäch(i)
'اتفاق افتادن' <i>gschee</i>	es gschiit	es gschääch(i)
'دیدن' <i>gsee</i>	si gseet	si gsääch(i)
'داشتن' <i>haa</i>	er hät	er heg(i)
'گذاشتن' <i>laa</i>	es laa	es lös(i)
'زدن' <i>schlaa</i>	si schlaa	si schlög(i)
'ایستادن' <i>schtaa</i>	si schtaa	si schtönd(i)
'بودن' <i>sii</i>	er isch	er seg(i)
'انجام دادن' <i>tue</i>	es tuet	es tüeg(i)

Ich ha tänkt,  
du gächsch  
hai!



وجه شرطی نوع دوم با حقایقی استفاده می شود که لزوماً درست نیستند، اما تصور می شود: چه می شود اگر...؟ وجه شرطی نوع دوم در حال (شرایط هنوز ممکن است رخ دهد) و در گذشته (شرایط دیگر نمی توانند رخ دهند) وجود دارد. پیچیده به نظر می رسد؟ با یک مثال واضح تر می شود:

توضیح	ترجمه	جمله مثال در آلمانی سوئیسی
این احتمال وجود دارد که بعداً باران ببارد.	اگر بعداً باران ببارد، ما در خانه می مانیم.	Wän s nacher rägnet, bliibemer dihai.
در حال حاضر باران نمی بارد. با این حال، از نظر تئوری، ممکن است تغییر کند.	حداقل اگر باران ببارد هوا خنک تر هم می شود.	Wän s wenigstchens wür rägne, wüürs au chüeler.
دیروز بارون نبارید اکنون هیچ کس نمی تواند آن را تغییر دهد.	اگر دیروز باران می بارید، امروز مجبور به آبیاری نبودم.	Wän s geschter grägnet hetti, hetti hüt nöd müese go güüsse.

مانند آلمانی استاندارد، روش های مختلفی برای شکل گیری وجه شرطی نوع دوم وجود دارد.

1. برای چندتا از افعال بسیار رایج، شکل فعل در وجه شرطی نوع دوم تغییر می کند و پایان هایی اضافه می شود که تقریباً دقیقاً شبیه به حالت خبری هستند. سه مثال مهم عبارتند از «بودن *sii*»، «داشتن *haa*» و «شدن *wärde*»:

وجه شرطی <i>sii</i> : Konjunktiv II 'بودن'		
1. Pers. Sg.	ich wäär	ich wäre
2. Pers. Sg.	du wäärsch	du wärst
3. Pers. Sg.	är/si/es wäär	er/sie/es wäre
1 Pers. Pl.	mir wääred	wir wären
2. Pers. Pl.	ir wääred	ihr wärt
3. Pers. Pl.	si wääred	sie wären

وجه شرطی <i>haa</i> : Konjunktiv II 'داشتن'		
1. Pers. Sg.	ich hett	ich hätte
2. Pers. Sg.	du hettsch	du hättest
3. Pers. Sg.	är/si/es hett	er/sie/es hätte
1 Pers. Pl.	mir hetted	wir hätten
2. Pers. Pl.	ir hetted	ihr hättet
3. Pers. Pl.	si hetted	sie hätten



وجه شرطی Konjunktiv II: شدن 'wärde'

1. Pers. Sg.	ich wüür	ich würde
2. Pers. Sg.	du wüürsch	du würdest
3. Pers. Sg.	är/si/es wüür	er/sie/es würde
1 Pers. Pl.	mir würed	wir würden
2. Pers. Pl.	ir würed	ihr würdet
3. Pers. Pl.	si würed	sie würden

2. اگر فرم‌های فعل بالا را یاد بگیری، می‌توانی با استفاده از شکل‌های *wärde* به‌عنوان فعل کمکی، وجه شرطی نوع دوم را بسیار راحت‌تر برای تمام افعال دیگر بسازی: «من می‌خواهم می‌خورم»، «تو می‌خواند، *du wüürsch läse*» می‌خواند، «ما می‌خواهیدیم» و غیره. برخی از افعال نیز شکل نامنظم را مجاز می‌کنند (مثلاً *ich würd choo* «من می‌آمدم» *ich* *chiemti* → *du wüürsch gaa* «تو می‌رفتی» → *du giengtisch*). اما اگر این اشکال را ندانید مشکلی نیست، زیرا محدودیت با همیشه کار می‌کند - به جز خود *sii*، *haa* و *wärde*.

گذشته ضمیر دوم (Konjunktiv II) حتی همیشه با فعل‌های کمکی شکل می‌گیرد، یعنی با طبق همان قوانین گذشته (فصل ۲) *haa* یا *sii*.  
تنها تفاوت این است که فرم‌های ذکر شده در بالا را می‌گیرد. در اینجا چند مثال وجود دارد:

ضمیمه دوم	نشان دهنده	فعل کمکی
<i>haa</i>	ich hett glueget 'من تماشا می‌کردم'	ich ha glueget 'من تماشا کردم'
	du hettsch gschribe 'تو می‌نوشتی'	du häsch gschribe 'تو نوشتی'
	mir hetted güsst 'ما اگر میدانستیم'	mir händ güsst 'ما میدانستیم'
<i>sii</i>	ich wär gfloge 'من پرواز کرده بودم'	ich bi gfloge 'من پرواز کردم'
	du wärsch gloffe 'تو می‌دویدی'	du bisch gloffe 'تو دویدی'
	mir wäred gschtande 'ما اعتراف میکردیم'	mir sind gschtande 'ما اعتراف کردیم'

## B1



افعال را در قوس در ضمیر i قرار دهید.

Was isch aigetlich mit de Felicia loos?

Si hät gmaint, ire \_\_\_\_\_ (gaa) hüt gar  
nöd guet und si \_\_\_\_\_ (sii) müed.

Wie gseeni hüt so uus?

De Pedro hät s Gfüül, du \_\_\_\_\_ (gsee)  
megamüed uus, aber iich finde, s gaat.

Du Abdul, wän chömeder ois itz cho bsueche?

Mini Fründin findt, Frittig \_\_\_\_\_ (sii)  
de bescht Taag.

Ich gibe der s Gäld nööchscht Wuche, isch guet?

Hm, de Federico hät gmaint, ir \_\_\_\_\_  
(gää) mer s Gäld ali scho die Wuche  
zrugg.

Waisch duu, wär hüt zaabig nach em Fäscht de Ruum bschlüsst?

Ja, de Jem und d Nura händ gsait, si  
\_\_\_\_\_ (mache) das.

## B2

## Wän ...

### B2.1



چه آرزویی داری؟ شروع جمله را با پایان مناسب وصل کنید.

- |    |   |   |   |
|----|---|---|---|
| 1  | Wän s nöd wür rägne,                    | a | chönti oi gad no mini Fründin voorschele.         |
| 2  | Wän d im dini Liebi würsch geschtaa,    | b | chönntesi dän wiiterschaffe.                      |
| 3  | Wän er zu miir chiemted,                | c | wäri vil produktiver.                             |
| 4  | Wän i nöd müest schlaaffe,              | d | chöntemer jetz go Velo faare.                     |
| 5  | Wän si äntlich färtig mit Ässe wäred,   | e | wärer de glücklichscht Mänsch uf de Wält.         |
| 6  | Wän er mee wür flirte,                  | f | würer ire vilich äntlich uuffale.                 |
| 7  | Wän si mir nöd ab und zue wür scribe,   | g | würemer ois besser verschtaa.                     |
| 8  | Wän si weniger unriiff wäred,           | h | hettemer es Probleem - de Chüelschrank isch läär! |
| 9  | Wän d dich wükli für mich würsch froie, | i | würsch nöd so unzfride driiluege.                 |
| 10 | Wän er no Hunger hetted,                | j | würi mer no mee Sorge mache.                      |

### B2.2



یک پایان مناسب برای جمله‌های زیر پیدا کن و مثال‌های دیگری نیز بساز.

- Wän d mer besser würsch zuelose, .....
- Wän si hüt i d Feerie chönt, .....
- Wän ich nöd inere feschte Bezieig wär, .....
- Wämmer Chind hetted, , .....
- Wän .....
- .....
- .....
- .....
- .....
- .....



جملات زیر را در ضمیمه II در گذشته قرار بده.

مثال:

Wän er mit mir Schluss wür mache, würi hüüle.

→ Wän er mit mir Schluss gmacht hett, hetti ghüület.

Mir würed s wüsse, wän si iri Partnerin wür betrüege.

-----  
S wür vil mee Schpaass mache, wän du au debii wärsch.

-----  
Wän d der weniger Sorge würsch mache, würsch vil mee erraiche.

-----  
Wän si baidi nöd eso ifersüchtig wäred, wür doch die Bezieig supper lauffe.

-----  
Wän ich riich wär, würi minere Mueter es Huus chauffe.

-----  
Wän er weniger schtriite würed, wär ich megaglücklich.

-----  
Wän ich mis Portmonnaie wür verlüüre, müestisch halt duu für ois zale.

### B3



یک کلمه مناسب را از کادر کنار پیدا کن و آن را در فرم صحیح وارد کن.

froie / laid tue / Schluss mache / ruig / unriiff / verliebt / zäme sii / knischtere / Goof / Voorliebi

S hät mer mega \_\_\_\_\_, das si sich tränt händ.

Si isch so \_\_\_\_\_, das si nume a in dänkt.

Über s Natel Schluss z mache, isch doch totaal \_\_\_\_\_!

Är isch en zimli \_\_\_\_\_ Tüpp, sait imer nur daas, wo-n er mues.

Ich wür mich imfal \_\_\_\_\_, wän i so-n e liebi Fründin hetti wi du!

Jetzt sind s drüü Jaar, das mer \_\_\_\_\_.

Chind hetti aigetlich scho gärn, nur bitte kä müesami \_\_\_\_\_!

Tüppe mit roote Haar findi totaal sexy. Ich waiss, isch echli e spezielli  
\_\_\_\_\_

Si hät \_\_\_\_\_ mit mir. Ich ha de ganz Samschtig prüelt.

Also wo mer ois geschter im Lift troffe händ, häts irgendwie  
\_\_\_\_\_.





آسیاب شایعات در حال تولید است: شما چیزی شنیده اید (فرعی I)، اما مطمئن نیستی که آیا درست است یا خیر. اما شما می توانید تصور کنید که اینگونه خواهد بود (وجه شرطی)!

جملاتی پیش فرض را تنظیم کن. در اینجا یک نمونه وجود دارد.

ادعا

Schpööter gaat no en Zuug.

نتیجه گیری

Dänn chani ja no lenger bliibe!

Si hät gsait, **schpööter gächi no en Zuug.** (Konjunktiv I)Wän das schtimt, **chönti ja no lenger bliibe!** (Konjunktiv II)

D Zarmine und d Emma händ sich tränt.

S tuet mer megalaid für sii!

Ich ha ghöört, \_\_\_\_\_.

Wän das schtimt, \_\_\_\_\_.

De Ardzan hät scho wider e noii Fründin.

Mich häts härt gnoo.

De Ardzan hät verzelt, \_\_\_\_\_.

Wän iich sini Ex wär, \_\_\_\_\_.

Em Michi sini Eltere sind wider zämechoo.

Ich bi gärn wider emal chrank.

Geschter häts ghaisse, \_\_\_\_\_.

Wän das schtimt, \_\_\_\_\_.

Verliebsii isch wine Chranket.

Das froit mi totaal für in!

Öpper hät gsait, \_\_\_\_\_.

Wän das esoo wär, \_\_\_\_\_.

De Tim hät d May Myat betroge.

Ich ha scho lang mit däm arschloch schluss gmacht.

D May Myat hät verzelt, \_\_\_\_\_.

Wän ich sii wär, \_\_\_\_\_.

ادعا

De Paolo hät sich i mich verliebt.

نتیجه گیری

Ich bi uf Wolche 7!

De Paolo hät mer gschriben, .....

Wän das schtint, .....

Di baide hüüraated dää Sumer.

Ich wird daa dezue au gärn  
iiiglade.

Ich ha ghöört, .....

Wän s dän e Hochzig git, .....

De Tuân hät öppis mit em Chef  
am Lauffe.Das füült sich glaub  
falsch aa.

Im Büro häts ghaisse, .....

Wän iich de Chef wür date, .....

Ich ha mich  
verliebt!

## C1

## Ich dank a dich



به آهنگ «Schriibe» از خواننده زوریخ فنومدن گوش بده (به عنوان مثال در یوتیوب) و سعی کن تا جایی که می توانی درک کنی. سپس تمرینات زیر را تکمیل کن. در بخش راه حل، همچنین یک رونوشت پیدا خواهی کرد که می توانی از آن برای کمک استفاده کنی.

Song-Link



## CH

## فارسی/دري DE

### s Gfüül (d Gfüül)

D Liebi isches schtarchs Gfüül.

احساس

عشق یک احساس قوی است.

### Gefühl

Liebe ist ein starkes Gefühl.

### d Liebi (-)

Mee Liebi, weniger Hass!

عشق

عشق بیشتر، نفرتی کمتر!

### Liebe

Mehr Liebe, weniger Hass!

### liideschaftlich (liideschaftlicher)

Esoo e liideschaftlichi Beziehung hani no nie ghal!

پرشور

من هرگز چنین رابطه پرشوری نداشته ام!

### leidenschaftlich

So eine leidenschaftliche Beziehung hatte ich noch nie!

### vertroue (hät vertraut)

Si isch emal betroge worde, jetzt vertraut sie niemertem mee.

اعتماد

یه بار بهش خیانت شده بود حالا به کسی اعتماد نداره

### vertrauen

Sie wurde mal betrogen, jetzt vertraut sie niemandem mehr.

### fääle (hät gfäält)

Du häsch ächt gfäält bi de Party!

نبودن/کم بودن

تو واقعا توی مهمونی گم شده بودی!

### fehlen

Du hast echt gefehlt bei der Party!

### d\*e Partner\*in (d Partner\*ine)

D Rona hät scho lang en noie Partner.

شریک

رونا از یک مدت طولانی یک شریک جدید دارد.

### Partner\*in

Rona hat schon lange einen neuen Partner.

### di/de Bekanti (di Bekante)

Ischsi e Bekanti vo dir?

آشنایی

اون با تو اشناست؟

### Bekante

Ist sie eine Bekante von dir?

**hasse (hät ghasst)**

Hass mich bitte nöd, ich chas widerguetmache.

نفرت

لطفاً از من متنفر نباش، من می توانم جبران کنم.

**hassen**

Hass mich bitte nicht, ich kann es wiedergutmachen.

**betrüge (hät betroge)**

Ich wünsch niemertem, betroge z wärde!

فریب داده/خیانت کردن

من نمی خواهم کسی فریب خورده باشد!

**betrügen**

Ich wünsche niemandem, betrogen zu werden!

**ifersüchtig (ifersüchtiger)**

Sit mer e feshti Bezieig händ, isch de Yann so ifersüchtig worde.

حسادت

از اینجا که ما در یک رابطه متعهد بوده ایم، یان بسیار حسود شده است.

**eifersüchtig**

Seit wir eine feste Beziehung haben, ist Yann so eifersüchtig geworden.

**sich uufrege (hät sich uufregt)**

Min Maa regt sich ab em Chliinschte scho uuf!

ناراحت کردن/ناراحت شدن

شوهرم به خاطر کوچکترین ها ناراحت میشه!

**sich aufregen**

Mein Mann regt sich wegen dem Kleinsten schon auf!

**roie (hät groit)**

Es roit mi, das ich ire nüm aaglüte han.

پشیمانی

پشیمونم که دیگه بهش زنگ نمیزنم

**bereuen**

Ich bereue, sie nicht mehr angerufen zu haben.

**sich entschuldige (hät sich entschuldigt)**

Er hät sich hüt Morge für sis Verhalte entschuldigt.

پوزش

او امروز به خاطر رفتارش عذرخواهی کرد.

**sich entschuldigen**

Er hat sich heute für sein Verhalten entschuldigt.

**d Langwiili (-)**

Mir sind imer so aktiv, Langwiili isch es Främdwort für ois.

خستگی

ما همیشه فعال هستیم، خستگی یک کلمه خارجی برای ما است.

**Langeweile**

Wir sind immer so aktiv, Langeweile ist ein Fremdwort für uns.

**d Sorg (d Sorge)**

Machsch der Sorge um dini Familie?

نگرانی

نگران خانواده ات هستی؟

**Sorge**

Machst du dir Sorgen um deine Familie?

**d Kataschtroofe (d Kataschtroofene)**

S wär e Kataschtroofe, wän si sich würed träne.

فاجعه

اگر از هم جدا شوند فاجعه خواهد بود.

**Katastrophe**

Es wäre eine Katastrophe, wenn sie sich trennen würden.

**der Unfal (d Unfäl)**

Ojee, s hät wider emal en Unfal ggää.

تصادف

اوه عزیزم، یه تصادف دیگه بود

**Unfall**

Ohje, es hat wiederum einen Unfall gegeben.

**schmaisse (hät gschmisse)**

S Chind schmaisst gad d Fläsche-n us sogar (-) em Wage.

پرتاب

کودک بطری را از ماشین بیرون می اندازد.

**schmeissen**

Das Kind schmeisst gerade die Flasche aus dem Wagen.

**schreie (hät gschrait)**  
Schrei mich bitte nöd aal

داد زدن / فریاد زدن  
خواهش میکنم سر من داد نزن!

**schreien**  
Schrei mich bitte nicht an!

**nachane**  
Zersch mueni schaffe,  
nachane gaani no e chli a  
di früsch Luft.

پس/بعد  
اول باید کار کنم، بعد برای مدتی به هوای تازه میروم.

**danach**  
Zuerst muss ich arbeiten,  
danach gehe ich noch ein  
bisschen an die frische Luft.

**schtändig (-)**  
Die zwai schtriited schtän-  
dig, s isch megaschaad!

تمام مدت  
هر دوی آنها تمام وقت بحث می کنند، این شرم وار است!

**ständig**  
Die zwei streiten ständig, es  
ist megaschade!

**völig (-)**  
Du häsch völig rächt!

طور کامل  
کاملا حق با توئه!

**völlig**  
Du hast völlig recht!

**egaal sii (isch egaal gsii)**  
S isch mer ales egaal.

بی اهمیت  
من اهمیت نمی دهم.

**egal**  
Mir ist alles egal.

**totaal (-)**  
Das isch doch en totaale  
Mischt!

مجموع  
این کاملا مزخرفه!

**total**  
Das ist doch totaler Blödsinn!

**wenigschtens**  
Wenigschtens chömmer no  
Fründ bliibe.

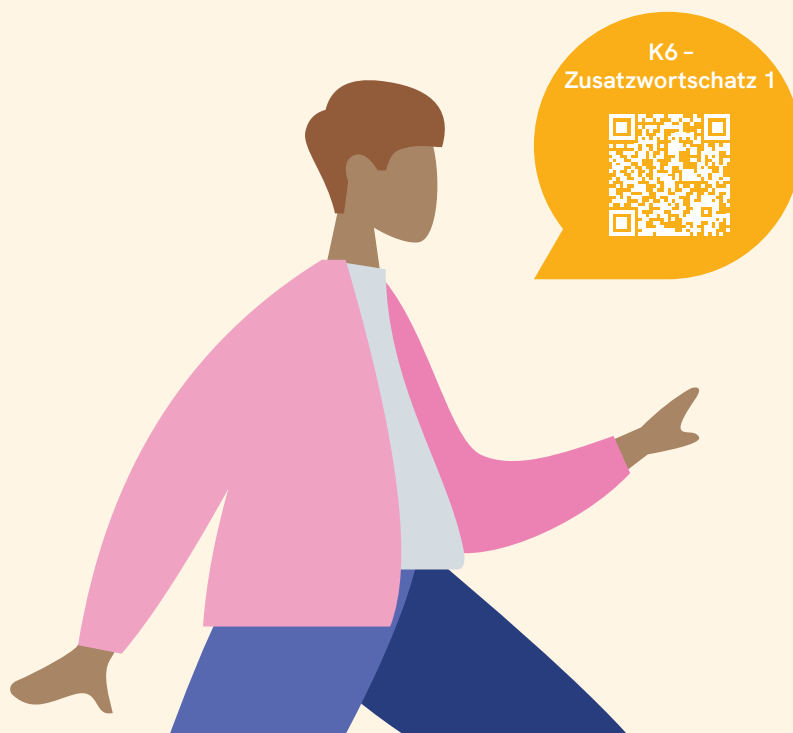
حداقل  
حداقل میتونیم با هم دوست باشیم

**wenigstens**  
Wenigstens können wir noch  
Freunde bleiben.

**sogaar (-)**  
Es chönd ali a s Fäscht  
choo, sogaar dini Eltere.

حتی  
هر کسی می تواند به مهمانی بیاید، حتی والدین شما.

**sogar**  
Es können alle ans Fest kom-  
men, sogaar deine Eltern.



■ چه رابطه ای بین خواننده و کسی که او آهنگ را خطاب می کند چیست؟



خواننده زورخی بده *Schriibe* جواب سوال  
پایین را در باره آهنگ

■ منظور خواننده از عبارت "*Liebi nöd Teilziit*" چیست؟

■ بخش هایی مربوط به آهنگ را به زبان آلمانی سوئسی بنویس که به طور مستقیم رابطه بین این دو را توصیف می کند.

■ فکر می کنید چرا خواننده پیام متنی را "با دست های لرزان" در آخرین گروه کر می نویسد؟

## C1.2



به شخصی فکر کن که مدتهاست با او تماس نگرفته  
ای، اما ممکن است به او فکر کنی. یک پیام به  
زبان آلمانی سوئسی بنویس.

## C1.3



خواننده در مورد هر چیزی که می خوانند مطمئن نیست. در جملات زیر، فرم مناسب I فرعی را وارد کن.

Er fröögst sich, öb s de andere Person ächt guet \_\_\_\_\_.

Er glaubt, er \_\_\_\_\_ de andere Person schriibe.

Er überlait sich, öb si sich villich z vil gsee \_\_\_\_\_.

Er hät s Gfüül, die Verbindig \_\_\_\_\_ es Läbe lang.

Er glaubt, si \_\_\_\_\_ seer verliebt inenand gsii.

## C2



متن را به صورت کامل بخوان.

## S Gfüülskarusel

در روابط، شما می توانید تقریباً تمام احساسات را تجربه کنید. در زیر می توانید ببینید که افراد مختلف در مورد تجربیات خود چه می گویند.

Mir **vertroued** enand. Äär laat mich zum Biischpil mit siim Auto faare und iich in mit miim. Mir chönted au baidi alai i d Feerie faare, das wär überhaupt käs Problem.

Mini Fründin macht sich schtändig **Sorge**. Wän i nur über s Wuchenänd mit Koleege wäg bin und am Aabig nöd aalüüte, hätsi scho s Gfüül, ich chönti en Unfal ghaa ha. Wenigschtens isch si nöd **ifersüchtig** – öb s Koleege oder Koleegine sind, isch nämlich egaal!

Won i no jünger gsii bi, hani au emal e seer e **liideschaftlich** Bezieig ghaa. Mir händ baidi schtändig wele zäme sii und wän s nöd ggange-n isch, ischs jedes Maal e Kataschtroofe gsii. Min Fründ hät mer sogar no Brieff gschribe!

Geschter simmer sit aim Jaar ghüüraate. lich hett s villich vergässe, aber mini Frau hät draa tänkt und en Bluemeschtruus gholt. Das hät mi mega **gfroit**!

Wo mis Mami gschorbe-n isch, isch es glaub für de Papi am schlimschte gsii. Si sind ja driisg Jaar lang es Paar gsii, das isch dän, wi wän aim uf s Mal en Arm oder es Bai wür fääle. Er hät nacher zwai Jaar lang fascht nüüt me gredd und isch imer nur **truurig** gsii.

Letscht Wuche hät sich mini Fründin mega **uufgregt**. Si hät sogar gschrue und es Buech uf de Bode gschmisse wägere völlig chliine Sach. Nachane hät si s aber **groit** und si hät sich entschuldiget. S wär au ales wider guet, wän das nur nöd so oft wür passiere!

Mir chas passiere, das i öpper zerscht **liebe** und schpööter **hasse**. Ich ha zum Biischpil emal en Partner ghaa, won i tänkt haa, das seg jetzt di grooss Liebi für s Läbe. Aber dän häter mi miteme andere Tüpp betroge, no dezue miteme Bekante vo ois. Ich bi so **wüetig** gsii, das di ganz Liebi aifach vo hüt uf morn ewäg gsii isch!

Wo min Maa mir gsait hät, er weli sich träne, bin i total **überrascht** gsii. Ich han imer s Gfüül ghaa, es lauffi guet! Wän i das gwüsst hetti, hetti sicher es paar Sache anderscht gmacht.

**de Gschmack (d Gschmäcker)**

Das isch nöd min Gschmack, sorry.

طعم/سلیقه

این سلیقه من نیست، متاسفم.

**Geschmack**

Das ist nicht mein Geschmack, sorry.

**de Blitz (d Blitze)**

Plötzlich schlaat d Liebi wie de Blitz ii.

برق زدن/صاعقه زدن

ناگهان عشق مانند رعد و برق ضربه می زند.

**Blitz**

Plötzlich schlägt die Liebe wie ein Blitz ein.

**funke (hät gfunkt)**

Zwüsched ine häts gfunkt!

جرقه

یک جرقه بین آنها وجود داشت!

**funken**

Zwischen ihnen hat es gefunkt!

**gwundrig (gwundriger)**

Si hät imer so gwundrig glueget.

کنجکاو

او همیشه کنجکاو به نظر می رسید.

**neugierig**

Sie hat immer so neugierig geschaut.

**d Kurve (d Kurvene)**

Achtung, da vore chunt e scharfi Kurve.

منحنی/پیچ

توجه، یک منحنی تیز در جلو وجود دارد.

**Kurve**

Achtung, da vorne kommt eine scharfe Kurve.

**s Lächle (d Lächle)**

Sis Lächle isch aifach wunderschön!

لبخند

لبخند او به سادگی زیبا است!

**Lächeln**

Sein Lächeln ist einfach wunderschön!

**s Läder (d Leder)**

Sind die Schue us ächtem Läder?

چرم

آیا این کفش ها از چرم واقعی ساخته شده اند؟

**Leder**

Sind diese Schuhe aus echtem Leder?

**mälde (hät gmolde)**

Wän d beläschtigt wirsch, muesch das unbedingt mäld.

گزارش دادن/اطلاع دادن

اگر مورد آزار و اذیت قرار گرفته اید، مهم است که آن را گزارش دهید.

**melden**

Wenn du belästigt wirst, musst du das unbedingt melden.

**d Useforderig (d Useforderige)**

D Ehe isch en Useforderig für s Läbe.

چالش

ازدواج یک چالش برای زندگی است.

**Herausforderung**

Die Ehe ist eine Herausforderung fürs Leben.

**s Zädeli (d Zädeli)**

Ich ha das ales uf es Zädeli gschriben ghaa, wo isch des ane?

تکه کاغذ

من همه اینها رو روی یه تکه کاغذ نوشته بودم ، کجا رفته بود ؟

**Zettel**

Ich hatte das alles auf einen Zettel geschrieben, wo ist der hin?

**s Portemonnaie**

Häsch dis Portemonnaie debii?

کیف پول

کیف پولت همراهته؟

**Portemonnaie**

Hast du dein Portemonnaie dabei?



برای توجیه اینکه چرا چیزی می گوئید:

'*Schalt de Färnsee uus, s isch nämlich scho schpaat* تلویزیون را خاموش کن، دیر شده است.' گاهی اوقات آن را نیز قبل از درج کوتاه است که توصیف کمی دقیق تر استفاده می شود: '*Geschter hät öpper, nämlich de Orhan, i de Nacht zimli luut i de* 'دیروز، کسی، یعنی اورهان، سر و صدای زیادی در اسپزخانه در شب ایجاد کرد.'

## C2.1



سعی کنید از متن استنباط کنید که کلمات عاطفی برجسته شده در متون به چه معناست.



## C2.2



احساسات مثبت و منفی به هم تعلق دارند! در زیر برخی از احساسات از اشعار یک بار دیگر به عنوان اسم و همراه با مخالفان خود ذکر شده است. معانی را باز کنید و آنچه را که متعلق به هم است متصل کنید.

- 1 Vertroue
- 2 Sorge
- 3 Liideschaft
- 4 Truur
- 5 Wuet
- 6 Roi
- 7 Liebi

- a Schtolz
- b Langwiili
- c Ifersucht
- d Hass
- e Zfridehait
- f Glassehait
- g Froid

## C2.3



اظهارات را از متنی که در مورد احساسات هستند انتخاب کن. سپس تصور کن که هیچ کدام از اینها اصلا اتفاق نیفتاده است: بیانیه را در زمان مناسب قرار بده و یک شرط مناسب اضافه کن. مثال:

*Mir vertroued enand. →  
Mir würed enand vertraue, wämmer  
ois scho lenger käne würed.*

ما به یکدیگر اعتماد می کردیم اگر برای مدت طولانی یکدیگر را می دانستیم. جملات نهایی را قبل از نوشتن با صدای بلند بگو.

Platz für Notizen:

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---



البته، احساسات را می توان نه تنها در روابط عاشقانه، بلکه در خانواده، در دوستی و گاهی اوقات با غریبه ها تجربه کرد. چه کسی یا چه چیزی افعال و صفات عاطفی زیر برای شما اعمال می شود؟ پاسخ سوالات را فرموله کنید و سعی کنید یک توضیح کوتاه اضافه کنید. به عنوان مثال، مانند این:

*Ich vertrau mim Brüeder, wil me mit im au echli verruckti Sache cha mache.*

من به برادرم اعتماد دارم چون می توانی کارهای دیوانه وار با او انجام بدی.

Um wäär machsch der Sorge?

-----

Mit wäm oder waas bisch zfride?

-----

Über wäär regsch dich uuf?

-----

Wäm vertrousch?

-----

Uf wäär oder waas bisch schtolz?

-----

Was hät dich zletscht groit?

-----

Wäär liebsch und wär häsch gärn?

-----

Wäär hassisch?

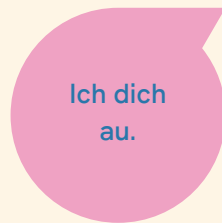
-----

Über waas oder für wäär froisch dich amigs?

-----

Uf wäär bisch niidisch?

-----





در گذشته، بخشی در برخی از روزنامه ها وجود داشت که می توانستید با افرادی که در جایی دیده اید یا ملاقات کرده اید، به ویژه در حمل و نقل عمومی تماس بگیرید. در اینجا مجموعه ای از تبلیغات است. توجه داشته باشید، املاي معمول voCHabular در اینجا استفاده نمی شود - مردم خود به خود می نویسند، درست مثل زندگی واقعی!

## Schatzhäschtli

Gester am Bahnhof Bilte, S2 am 7:25 - du im rote Mini häsch mit dim ungläubliche Lächle min Tag versüesst! Meld dich doch, [biltenforever@bluevvin.ch](mailto:biltenforever@bluevvin.ch)

Xee dich fascht jede tag im 340i: gross, beigi läderjagge, immer am compi am Schaf-fe! Häsch mi mega gwundrig gmacht ... 073 040 22 46.

Hey schöne Mänsch, chan immer nonig gläubä, dass es dich git, aber Wunder git's immer wieder! Wämmer mal zämä Zug fahre? Mo bis Mi i de S14 8:42 ab Wetzike

Du: blondi Haar, mega schöni Kurve, Auge winen grüne Blitz. Mir gsend eus jedä Abig zwüschet Rauti-strass und Milchbuck und du luegsch immer so herzig. Würd mich freue, wennd mal schriibsch! [myfairlady@poscht.ch](mailto:myfairlady@poscht.ch)

Am Dunnschtig isch dir am Züüghus-Brunne dis Portemonnaie abegheit. Woni dir ghulfe han, händ sich oisi Blick troffe ... und s hät gfunkt! Ich han das Zädeli mit dinere Nummere verlore, bitte bitte chum mi cho sueche!

Geschter vorem Coop am Sterne hämmer nur es paar Wörter gwächslet. Jetzt bringi di nümme us mim Chopf use! Lust uf en Kafi, morn am 5i am glyche Ort?

Jede Morge im 5er-Tram bisch Musik am Lose. Häsch en megaguete Gschmack! Dörfi mal i dini Wält inelose? Chasch mer schribe uf 073 088 34 91.

**de Chindsgi (d Chindsgis)**

Isch dini Tochter itz au scho im Chindsgi?

کودکستان

دخترت الان مهدکودکه؟

**Kindergarten**

Ist deine Tochter jetzt auch schon im Kindergarten?

**d Wösch (-)**

Häsch du au no Wösch zum Mache?

رختشویی

آیا هنوز لباس های ناشسته برای شستن دارید؟

**Wäsche**

Hast du auch noch Wäsche zu Machen?

**s Tiischi (d Tiischi)**

Ich träg nur wiissi Tiischi.

تی شرت

من فقط تی شرت سفید می پوشم.

**T-Shirt**

Ich trage nur weisse T-Shirts.

**de Schtaub (-)**

S hät wider emal uuvil Schtaub under em Bett.

غبار

یک بار دیگر، گرد و غبار زیادی زیر تخت وجود دارد.

**Staub**

Es hat wieder einmal super-viel Staub unter dem Bett.

**de Schtaubsuuger (d Schtaubsuuger)**

Ich han ändlich en noie Schtaubsuuger kaufft.

جاروبرقی

بالاخره یک جاروبرقی جدید خریدم.

**Staubsauger**

Ich habe endlich einen neuen Staubsauger gekauft.

**pfläge (hät pflägt)**

Er pflägt sini Grossmueter dihaime.

پرستار

او در خانه از مادربزرگش مراقبت میکند.

**pflagen**

Er pflegt seine Grossmutter zuhause.

**organisiere (hät organisiert)**

Mir sind gad oisi Hochzeit am Organisiere.

سازماندهی

ما در حال سازماندهی عروسی خود هستیم.

**organisieren**

Wir sind gerade dabei, unsere Hochzeit zu organisieren.

**a de Rei sii (isch a de Reigsii)**

Ich passe, du bisch a de Reie.

نوبت توئه

قبول شدم، نوبت توئه

**an der Reihe sein**

Ich passe, du bist an der Reihe.

**uuffale (isch uufgfale)**

Du bisch mir scho vo de erschte Begägnig aa uufgfale.

متوجه شدن/ جلب توجه کردن

از اولین باری که همدیگر رو دیدیم چشمام رو گرفت

**auffallen**

Du bist mir schon seit der ersten Begegnung aufgefallen.

**tuusche (hät tuuschet)**

Früener hani imer mit mine Fründine Chlaider tuuschet.

تبادل

من عادت داشتم با دوست هایم لباس تعویض کنم.

**tauschen**

Früher habe ich immer mit meinen Freundinnen Kleider getauscht.

**uussetze (hät uusgesetzt)**

Imer häsch öppis uussetze, das närvt!

انتقاد کردن، تعلق کند، قطع کردن

همیشه چیزی برای انتقاد داری، این اذیت کننده است!

**aussetzen**

Immer hast du etwas auszusetzen, das nervt!

**de Uusgang (-)**  
Gaasch oft in Uusgang?

بیرون رفتن، جشن گرفتن  
آیا اغلب بیرون می روید؟

**Weggehen, Feiern**  
Gehst du oft aus?

**d Naachricht (d Naachrichte)**

Ich chönt mal wider e gueti Naachricht bruuche.

پیام

**Nachricht**

Ich könnte wieder mal eine gute Nachricht brauchen.

**höchstens**

Die Bezieig hebt höchstens es paar Wuche!

حداکثر

این رابطه حداکثر چند هفته طول خواهد کشید!

**höchstens**

Diese Beziehung hält höchstens ein paar Wochen!

K6 -  
Zusatzwortschatz 3



## C3.1



فکر می کنی عبارات زیر از متون (که در اینجا در املاي معمول voCHabular بازنویسی شده است) به چه معناست؟

öpperem de Taag versüesse -----

Wunder gits imer wider -----

s hät gfunkt -----

es paar Wörter wächsle -----

öpper nüm us em Chopf usebringe -----

## C3.2



انبار گنج شما چه شکلی خواهد بود؟ یک پیام با حداکثر سه خط بنویس.

## C3.3



کدام یک از پیام های *Schatzhäschtli* برای تو جذاب تر است، کدام یک کمترین و چرا؟ فکر می کنی چقدر احتمال دارد که شخص خطاب شده با تو تماس بگیرد؟ بحث با یک شریک.

## حرکت / لاس زدن

اما البته، لاس زدن نیز در خارج از اینترنت، خارج و یا در زندگی روزمره به طور کلی اتفاق می افتد. در حالی که در برخی از کشورها معمول است که مردم در خیابان سوت بزنند یا فریاد بزنند اگر شما آنها را جذاب می دانید، در سوئیس این بسیار ناخوشایند است. شما همچنین باید فقط افرادی را لمس کنید یا بغل کنید که شخص دیگری با آن موافقت کند.

در سال های اخیر، لاس زدن و ملاقات با افراد جدید نیز به طور قابل توجهی در سوئیس به برنامه های دوستیابی و وب سایت هایی مانند Tinder یا Bumble منتقل شده است. همچنین برنامه های جداگانه ای برای سنین مختلف، گرایش های جنسی یا اعتقادات وجود دارد.

### C4

## Chasch das nöd duu mache?

K6 -  
Zusatzwortschatz 4



## CH

## فارسی/دري

## DE

### s Lied (d Lieder)

Das Lied hani scho mal im Radio ghöört!

### آهنگ

من این آهنگ را قبلا در رادیو شنیده ام!

### Lied

Das Lied habe ich schon mal im Radio gehört!

### de Waansin (-)

Aifech de Waansin, was passiert isch!

### جنون/عجيب

واقعاً عجيب است که اتفاق افتاده!

### Wahnsinn

Einfach Wahnsinn, was passiert ist!

### d Wunde (d Wundene)

Hoffentlich hailet d Wunde schnäl.

### زخم

امیدوارم زخم به سرعت بهبود یابد.

### Wunde

Hoffentlich heilt die Wunde schnell.

### schpaichere (hät gschpaicheret)

Irgendwie chani dini Numere nöd schpaichere.

### ذخيره

یه جورایی نمیتونم شماره ات رو ذخیره کنم

### speichern

Irgendwie kann ich deine Nummer nicht speichern.

### schief (schiefer)

S Bild hangt irgendwie schief.

### انحراف/کج

تصویر به نوعی کج آویزان است.

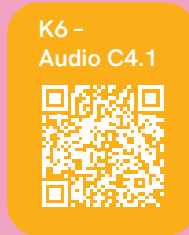
### schief

Das Bild hängt irgendwie schief.

## C4.1



هنگامی که با هم زندگی می کنید، کارهای خانه را نیز به اشتراک می گذارید ... یا؟  
که شما می توانید به طور مستقیم به صورت شفاهی پاسخ دهید.



## C4.2



در هر یک از گفتگوها، یک اختلاف نظر جزئی یا عمده وجود دارد. در هر مورد، به این فکر کن که فردی که در پایان به نوبه خود می تواند بگوید که لحن اشتهای جویانه ای داشته باشد. تو می توانی رونوشت ها را در بخش راه حل جستجو کنی.

Dialog 1: Faizal: \_\_\_\_\_

Dialog 2: Tina: \_\_\_\_\_

Dialog 3: Nico \_\_\_\_\_

Dialog 4: Lars: \_\_\_\_\_

## C4.3



شخصیت ها در گفتگوها چه احساسی دارند؟  
فرموله کنید که اگر به جای او بودید چه احساسی داشتید، با استفاده از کلمات احساسی که در این فصل آموخته اید:

*Wän iich de Faizal wär, wäri  
truurig / würi mi froie / ...*

ابتدا جملات خود را با صدای بلند بگو قبل از اینکه آنها را بنویسی.

Platz für Notizen:

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

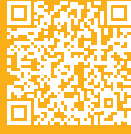
\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_



ابتدا آهنگ «*Angelina*» از گروه *Dabu Fantastic* را گوش دهید. می‌توانید این آهنگ را در اسپاتیفای پیدا کنید. سپس، سعی کنید تا حد امکان از متن آهنگ را درک کنید. پس از آن، تمرینات زیر را انجام دهید. در بخش پاسخ‌ها، یک نسخه‌ی متنی از آهنگ موجود است که می‌توانید از آن برای کمک استفاده کنید.

Song-Link

K6 -  
Zusatzwortschatz 5

CH

فارسی/دری

DE

**ainsam (ainsamer)**

Sit ich dich käne, füll ich mich nieme ainsam.

تنها

از وقتی که تو رو میشناسم دیگه هیچوقت احساس تنهایی نکردم

**einsam**

Seit ich dich kenne, fühle ich mich nie mehr einsam.

**d Huut (d Hüüt)**

Vo de Chelti überchumi imer so trochni Huut.

پوست

من همیشه از سرما پوست خشک می‌گیرم.

**Haut**

Von der Kälte bekomme ich immer so trockene Haut.

**verschtecke (hät ver-steckt)**

Vil Lüüt verschtecked iri Gfüül.

مخفی کردن

بسیاری از مردم احساسات خود را پنهان می‌کنند.

**verstecken**

Viele Leute verstecken ihre Gefühle.

## C5.1



سعی کن متن را با استفاده از متن به زبان خود ترجمه کن. عبارات زیر به چه معناست (در اینجا در املای voCHabular)؟

1) bisch uf e Rais -----

2) us em Nüüt -----

3) klimpere laa -----

4) s Läbe lang hebe -----



## C5.2

Me trifft sich zwaimal und bim zwaite Maal richtig.



منظور خواننده از این دو جمله (در اینجا در املاي (voCHabular چیست؟ یک یا دو جمله توضیحی را در یک زمان بنویس.

Ufenand gaats, aber näbenand nöd.

## C5.3



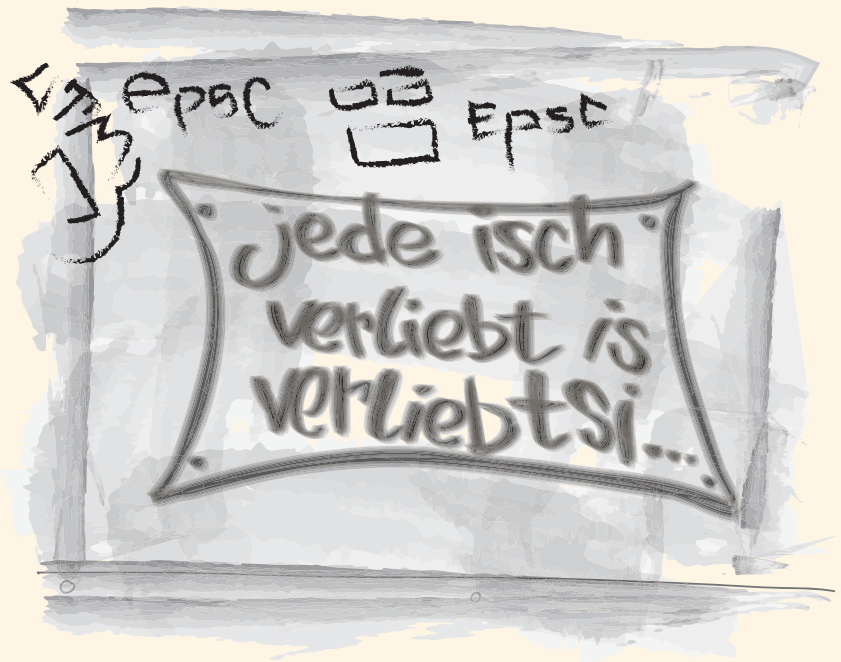
آیا تا به حال تجربه ای مانند آنچه در اهنگ توصیف شده است داشته اید؟ شخص دوم را پیدا کنید و در مورد موضوع به زبان آلمانی سوئیس صحبت کنید. در اینجا چند سوال برای الهام بخش وجود دارد.

- Was isch besser, nur Sex oder e lengeri Bezieig?
- Cha sone Situation wi im Lied Mänsche zfride mache?
- Isch maischtens nur aine zfride oder villicht au baidi?

## C5.4



در اینجا یک گرافیتی دیگر از زوریخ است. آیا ارتباطی با اهنگ می بینی؟ واقعا چی است *verliebt sii* این حالت که همه خیلی دوست دارند؟ چه ارتباطی بین عشق و مشارکت طولانی مدت وجود دارد؟ با شخص دوم بحث کن.



این بخش می توانی خود را امتحان کنی که آیا به اهدافی که برای یادگیری در نظر گرفته شده است رسیدی یا نه.  
 تمرین های زیر را حل کن و در بخش راه حل ها کنترل کن که چه نمره ای را گرفتی.  
 پیشنهاد ما در جدول زیر.

امتیاز	
0-50	این فصل را دوباره از اول تکرار کن.
51-80	به اندازه کافی خوب است. شاید بهتر باشد که مبحث های درسی را تکرار کن.
81-100	عالی! میتوانی با فصل بعدی شروع کنی.

## D1

## رابطه خود را با افراد مختلف توصیف کن

### D1.1

Fründ / Koleegin / Gschpäänli / Frau / Ehepaar / Koleeg / Fründine / Maa



جملات کنار همیشه به دو نفر اشاره دارد. رابطه آنها با یکدیگر چیست؟ یک کلمه مناسب را از جعبه کنار وارد کن. هر کلمه را دقیقاً یک بار استفاده کن. (1 امتیاز در هر کلمه)

D Sabine laat sich vom Jamal la schaide. Är isch im Momänt no ire

.....

D Ayşe und d Lena händ scho als Chind mitenand gschpilt. Si sind beschi \_\_\_\_\_

.....

De Mario und d Wasja sind es \_\_\_\_\_ und tailed sich de Huushalt.

De Ferhat hät de Leo betroge. Er isch sin \_\_\_\_\_, aber warschiinli nüme lang.

D Alma gaat mit em Kan ais go zie. Si isch e \_\_\_\_\_ vo im.

De Fatou und d Maggie händ ghüuraate. Jetz isch si sini

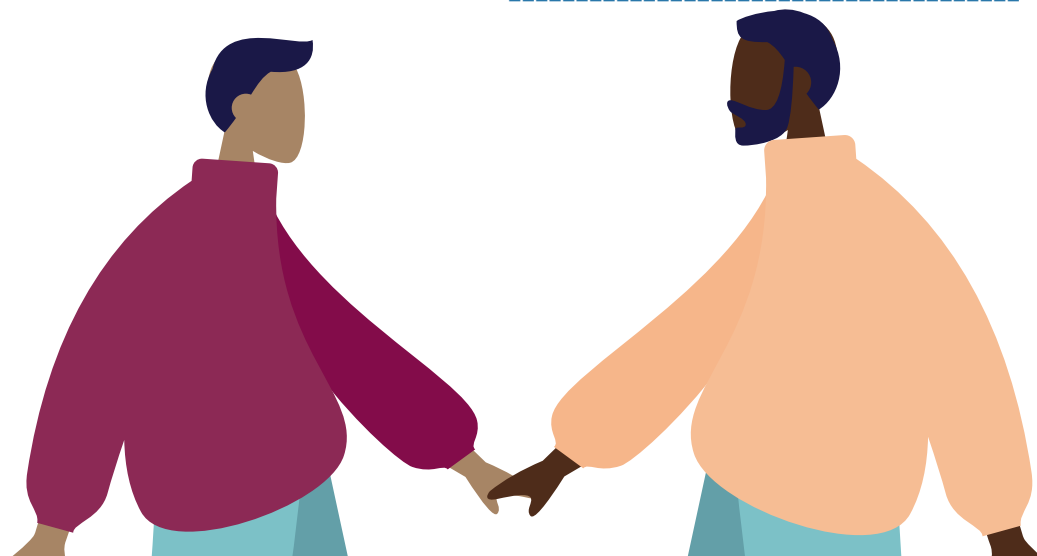
.....

De Dani und de Malik mached ales nur no zäme. Ich wott au sones

..... !

D Nia hät sit Langem de Mihal wider emal troffe. Er isch en alte

..... vo ire.



## D1.2

mache / choo / sii / haa / tue / gaa / gsee / chöne



سارا شایعه پخش می کند! او چه ادعا می کند، کی با چه کسی چیکار می کند؟ فعل مناسب را انتخاب کن (هر کدام 1 نقطه) و آن را در فرم صحیح (1 نقطه اضافی) در I فرعی قرار بده.

### D Sarah hät gsait, ...

... de Musa \_\_\_\_\_ jetzt mit de Suzann zäme.

... d Aida und de Josep \_\_\_\_\_ nöd a d Hochzeit.

... s Chind vom Ike \_\_\_\_\_ sim Papi gar nöd äänlich.

... d Linda \_\_\_\_\_ öppis mit de Tiziana am Lauffe.

... de Nathalie \_\_\_\_\_ s megalaid wäg дәre Gschicht mit em Matti.

... de Thilo und de Akin \_\_\_\_\_ morn mitenand i s Kino.

... de Nico \_\_\_\_\_ kä Chind me mache.

... d Olga \_\_\_\_\_ jedes Maal es Theater, wän de Doye schpaat haichunt.

## D2

### مکالمات درباره احساسات را دنبال کن و در آنها مشارکت کن

### D2.1

*Voreme Jaar isch d Mueter vo de Devi gschorbe. Hüt redtsi mitere Fründin drüber, wie si sich sitdäm gfüült hät.*



پاسخ به سوالات زیر در مورد گفتگو (3 امتیاز برای هر پاسخ صحیح).

**D:** Itz ischs ais Jaar häär, das mis Mami gschorbe-n isch. Mich dunkts imer no, wi wän s gschter gsii wär. حالا یک سال از مرگ مادرم میگذرد. هنوز هم احساس می کنم که دیروز بود.

**F:** Und wie gaats der jetzt? و الان چطوری؟

**D:** Ich bi scho imer no truurig, aber uf e-n anderi Art. Am Aafang hani s Gfüül ghaa, ich seg jetzt ganz alaige-1 uf de Wält. Si isch ja imer für mich daa gsii! من هنوز غمگین هستم، اما به شیوه ای متفاوت. در ابتدا احساس میکردم در دنیا تنها هستم. او همیشه در آنجا برای من بود!

**F:** Ja gäl, s Mami bliibt aifach s Mami, egaal, wi erwachse das me isch. بله، درسته، مادرت همیشه مادرت خواهد بود، مهم نیست چقدر بزرگ شدی.

<b>D:</b>	Vol. Und irgendwie... s tuet mer zwar laid, das z säge, aber wo min Papi ggange isch, ischs weniger schlim gsii.	کامل. و یه جورایی... متاسفم که اینو میگم، ولی وقتی پدرم رفت، خیلی بد نبود.
<b>F:</b>	Wisoo?	چرا؟
<b>D:</b>	Waiss nöd ... ich glaub, ire bini aifach no nööcher gschtande. Usserdäm isch äär scho lenger chrank gsii, me hät ja gwüsst, das es irgendwän chunt.	می دانم... فکر کنم تازه بهش نزدیکتر شدم علاوه بر این، او برای مدت طولانی بیمار بود، بنابراین شما می دانستید که در یک نقطه خواهد آمد.
<b>F:</b>	Schtimt, wän s eso schnäl gaat, isch me völlig under Schock, gäl?	درسته، وقتی خیلی سریع اتفاق میفته، کاملا شوکه میشی، مگه نه؟
<b>D:</b>	Genau. Ich bi wükli in es Loch gheit. Du häsch s ja mitüberchoo. S isch e schlimi Ziiit gsii.	دقیقا. من واقعا در یک دردسر افتادم. متوجه شدی. زمان بدی بود.
<b>F:</b>	Mängisch bruuchts sones Loch, zum wider en feschte Bode under d Füess z überchoo. Du bisch ganz une, aber wenigsch-tens waisch, wo d bisch. Und jetzt chunsch ja langsam wider use, nöd?	گاهی اوقات به چنین دردسر یا سختی برای به دست آوردن زمین جامدی زیر پای خود نیاز داری. در سختی هستی، اما حداقل می دانی کجا هستی. و حالا داری به آرامی ازش خارج میشی، مگه نه؟
<b>D:</b>	Jaa, schoo. Ich dänk imer no megaoft a sii, aber ich han au wider mee Chraft, wiiterzmache. Si fäält mer totaal, aber nöd wi öppis, wo me ab morn wider chönti haa. Si isch jetzt eender wine schööni, truurigi Erinorig i mim Chopf.	بله. من هنوز هم به او فکر می کنم، اما قدرت بیشتری برای ادامه دادن دارم. کمبود او را احساس میکنم، اما نه مانند چیزی که همین فردا دوباره بخواهم داشته باشم. فعلا بیشتر شبیه یه خاطره زیبا و غم انگیز در فکر من است.
<b>F:</b>	Hm. Jaa, so äänlich ischs mer au ggange, wo min Vatter gschtorbe-n isch. Irgendainisch akzeptiert me s dän.	هاف. وقتی پدرم مرد هم همین احساس را داشتم. در برخی موارد، شما آن را می پذیرید.

- |   |  |                          |   |                          |  |
|---|--|--------------------------|---|--------------------------|--|
| 1 | Wie gaats de Devi, wän si a de Tood vo irere Mueter dänkt?       | <input type="checkbox"/> | Si hät en scho fascht vergässe.                                   | <input type="checkbox"/> | Si dänkt imer no vil drüber naa.                             |
| 2 | Was maint iri Fründin mit «S Mami bliibt s Mami»?                | <input type="checkbox"/> | D Bezieig zwüsched Chind und Eltere ändered sich s Läbe lang nöd. | <input type="checkbox"/> | Als Mueter hät me e groossi Verantwörtig de Chind gägenüber. |
| 3 | Was chame us däm schlüüsse, was d Devi über ire Vatter sait?     | <input type="checkbox"/> | Iri Mueter isch zunere Ziit gschorbe, wo s niemer tänkt hetti.    | <input type="checkbox"/> | Si hät es schlächts Verhältnis zu irem Vatter ghaa.          |
| 4 | D Devi sait «Ich bi in es Loch gheit» - wie chöntme das no säge? | <input type="checkbox"/> | Ich ha plötzlich nüme gwusst, was passiert.                       | <input type="checkbox"/> | Mir isch es uf s Maal seer schlächt ggange.                  |
| 5 | Was hät i de letschte Ziit ggänderet?                            | <input type="checkbox"/> | D Devi cha jetzt aanää, das iri Mueter nüme daa isch.             | <input type="checkbox"/> | D Devi isch froo, das ales verbii isch.                      |

## D2.2



این آدم‌ها چه حسی دارن؟ به چهره آنها نگاه کن، آنچه را که برای آنها اتفاق افتاده است بخوان و سپس از یک کلمه مناسب استفاده کن.  
(2 امتیاز برای هر نفر)



Min Papi hät i s Schpitaal müese. Jetzt machi mer zimlich \_\_\_\_\_ .



Geschter händs mer gsait, das i de Job überchume. Ich ha mega \_\_\_\_\_ ghaa!



Wän s im Winter schtändig chalt und dunkel isch, füüli mi mängisch ooni Grund \_\_\_\_\_ .



Hei, ich ha d Prüeffig gschafft! Und mit em Ergebnis bin i  
au \_\_\_\_\_ .



Hüt hät mer wider irgendöpper aaglüte zum öppis ver-  
chauffe. Ich bi so \_\_\_\_\_ worde!



Oisi Tochter hät es megaschööns Bild gmaalet. Mir sind  
\_\_\_\_\_ uf sii!



Ich hett nach de Schuel gärn shtudiert. Mich  
\_\_\_\_\_ s imer no, das i s nöd  
gmacht ha.



Ich dänk di ganz Ziiit nur no a min Schatz. Ich glaub, ich  
bi totaal \_\_\_\_\_ !

## D2.3



چه چیزی در این لحظه تو را بیشتر نگران می کند، بزرگترین امید تو چیست؟ یکی از این دو موضوع را انتخاب کن و کسی را پیدا کن که به خوبی آلمانی سوئیسی صحبت می کند. بگو که در مورد چه چیزی صحبت میکنی، چه احساسی داری و آیا این احساس تغییر کرده است. سپس اجازه بده ارزیابی شوی: اگر شخص دیگری همه چیز را به خوبی درک کرده باشد، 20 امتیاز اگر هیچ چیز را درک نکرده باشد، 0 امتیاز اعطا می شود. هر چیزی در این میان نیز ممکن است.

Platz für Notizen:

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---



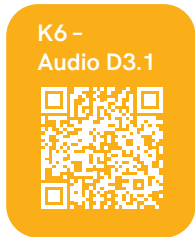
## D3

## بحث های ساده با شریک زندگی خود داشته باش

### D3.1



توسینه و لیلی اختلاف نظر دارند. به گفتگوی آن‌ها گوش دهید و سپس به سوالات مربوطه پاسخ دهید.  
(3 امتیاز در هر پاسخ صحیح)



Wäär isch im Kino gsii?

—

Wäär macht sich zimli schnäl Sorge?

—

Wäär regt sich mee uuf?

—

Wäm isch Vertroue wichtig?

—

Wäär hangt mee am andre?

—

Tosinë

Lilly

### D3.2



در بحث‌ها اغلب تنها موضوع این نیست که اوضاع چگونه هستند، بلکه همچنین درباره این است که چگونه می‌توانستند باشند. از اجزای زیر جملاتی با استفاده از *wän* «اگر» در حالت Konjunktiv II بسازید (۱ امتیاز برای هر جزء).

مثال:

نتیجه / عاقبت

وضعیت

D Sune schiint

D Blueme wachsed

*Wän d Sune wür schiine, würed d Blueme wachse.*

D Sune hät gschune

D Blueme sind gwachse

*Wän d Sune gschune hetti, wäred d Blueme gwachse.*

1

Du losisch uf mich.

So Sache passiered gar nöd ersch.

2

Ich ha min Job nöd verloore.

Mir sind hüt no zäme.

3

Du chochs au emal s Znacht.

Ich bin nöd imer so müed.

4

Ich bi scho 2019 i d Schwiiz choo.

Mir händ ois nie känegleert.

5

Du bisch nöd eso ifersüchtig.

Ales isch supper.





# مشارکت و سیاست

## 7.

### اهداف یادگیری

تو می توانی ...

- ... در مورد موضوعات سیاسی ساده دیدگاه های خود را مبادله کن.
- ... برخی از ویژگی های سیستم سیاسی سوئیس را درک کن.
- ... اصطلاحاتی را که در هنگام ارسال درخواست شغل مهم هستند، استفاده کن.

# Ich wür mini Schtim imer abgää!

صفیکان و نائومی برای قهوه با هم ملاقات میکنند. روز بعد از رای گیری یکشنبه است.

A1



گفتگو را بخوان و گوش بده.

K7 -  
Audio A1



**N:** Hoi Safikan, schön, dich z gsee. Gaats der guet?

**S:** Hoi Naomi! Mir gaats guet, bi nur es bizzli müed, wil i no am Fiire gsii bi.

**N:** Sälber tschuld! Nai, ales klaar. Bisch anere Geburi-Party gsii?

**S:** Nai, mir händ s Ergebnis vo de Abschtimig gfiiert.

**N:** Aa, so guet! Ich hett au so gärn abschtume ...

**S:** Häsch duu s Schtimrächt nöd?

**N:** Nai, ich ha ja kän Schwiizer Pass. S isch cool, das me daa über so vil Sache cha-n abschtume, aber wän d nöd dörfsch, ischs amigs en Fruscht.

**S:** Das glaubi. Für miich ischs megawichtig gsii, geschter mini Schtim dörfe-n abzgää, vor alem wäg de Ehe für ali. Obwool, eerlich gsait gaani au nöd jedes Maal.

**N:** Geschter händ au nur 55 Prozänt vo de Schtimberächtigte abschtume. So krass! Ich cha mer das gar nöd voorschele. Ich wür mini Schtim nie furtrüere!

**S:** Mir händ halt so vil Abschtimige und mängisch Ischs Thema so schwirig, das i gar kä Mainig dezue haa.

**N:** Hm, das verschaani scho irgendwie. Aber ich find, wämme dörf, söttme au abschtume - so chasch lifluss uf d Politik nää!

**S:** Rächt häsch, ich mues mi zämerisse. Was wotts ch äch trinke? Ich nim en Cappuccino.

# تمرینات مقدماتی

## A2



عبارات زیر به چه معناست؟ از متن نتیجه گیری کن و توصیف صحیح را علامت بزن.

	a		b		
1	sälber tschuld!	<input type="checkbox"/>	تو و هیچ کس دیگری مسئول آنچه اتفاق افتاده نیستید.	<input type="checkbox"/>	تو خودت بهتر می دانید که چه کسانی مسئول هستند.
2	s Schtimrächt haa	<input type="checkbox"/>	اجازه داده شود برای دفتر سیاسی شرکت کند.	<input type="checkbox"/>	در یک رای گیری سیاسی یا انتخاباتی حق رای دادن داشته باشد.
3	sini Schtim abgää	<input type="checkbox"/>	رای خود را به صندوق انداختن	<input type="checkbox"/>	رای خود را ضایع کردن
4	sini Schtim furtrüere	<input type="checkbox"/>	رای خود را به صندوق انداختن	<input type="checkbox"/>	رای خود را ضایع کردن
5	sich zämeriisse	<input type="checkbox"/>	خیلی نگران باشید	<input type="checkbox"/>	تلاش کردن

## A3



به سوالات زیر تا حد امکان کوتاه پاسخ بده.

- Was hät d Safikan nach de Abschtimig gmacht?
- Um was ischs bi de Abschtimig ggange?
- Wär vo de baidne hät de Schwiizer Pass?
- Wi vil Prozänt händ daasmal iri Schtim abgää?

## CH

## فارسی/دري DE

**d Schtim (d Schtime)**

Bi dere-n Abschtimig hät-me zwai Schtime.

رای (صدای انسان)

در این رای گیری دو رای وجود دارد.

**Stimme**

Bei dieser Abstimmung hat man zwei Stimmen.

**abschtime (hät abgschtime)**

Morn wird über es paar wichtigi Themene abgschtime.

رای دادن

فردا در مورد چند موضوع مهم رای گیری خواهد شد.

**abstimmen**

Morgen wird über ein paar wichtige Themen abgestimmt.

**d Abschtimig (d Abschtimige)**

Di nächscht Abschtimig wird schpanend.

انتخابات (رای گیری)

رای گیری بعدی هیجان انگیز خواهد بود.

**Abstimmung**

Die nächste Abstimmung wird spannend.

**wääle (hät gwäält)**

D Schtattpräsidentin isch widergwäält worde.

انتخاب کردن

شهردار شهر دوباره انتخاب شده است.

**wählen**

Die Stadtpräsidentin ist wiedergewählt worden.

**d Waal (d Waale)**

D Waal jetzt am Suntig wird schpanend.

انتخابات

انتخابات یکشنبه ی آینده خیلی هیجان انگیز خواهد بود

**Wahl**

Die Wahl nächsten Sonntag wird spannend.

**s Schtimrächt (-)**

Chame s Schtimrächt au wider verlüüre?

حق رای

آیا ممکن است دوباره حق رای را از دست بدهیم؟

**Stimmrecht**

Kann man das Stimmrecht auch wieder verlieren?

**schtimberächtigt (-)**

Chind sind normaalerwiis nöd schtimberächtigt.

حق رای دادن

کودکان معمولاً واجد شرایط رای دادن نیستند.

**stimmberächtigt**

Kinder sind normalerweise nicht stimmberächtigt.

**d Urne (d Urne)**

Häsch din Schtimzädel i d Urne grüert?

صندوق رای

رای خود را به صندوق انداختید؟

**Urne**

Hast du deinen Stimmzettel in die Urne geworfen?

**s Ergebnis (d Ergebnis)**

Mir warted uf s Ergebnis vo de Abschtimig.

نتیجه

ما منتظر نتایج رای گیری هستیم.

**Ergebnis**

Wir warten auf das Ergebnis der Abstimmung.

**rüere (hät grüert)**

I das Chischtli muesch din Schtimzädel inerüere.

پرتاب کردن (انداختن)

شما باید برگه رأی خود را درون این صندوق بیندازید.

**werfen**

In diese Kiste musst du deinen Stimmzettel werfen.

**sich voorschele (hät sich voorgschelt)**

Schtel der emal e Wält oni Gränze voor.

تصور کنید (معرفی کردن)

دنیایی بدون مرز را تصور کنید.

**sich vorstellen**

Stell dir mal eine Welt ohne Grenzen vor.

**sich zämeriisse (hät sich zämegrisse)**

S gaat nüme lang, also riiss dich echli zäme!

"کنترل کردن خود(خود را کنترل کردن)"

"زمان زیادی نمی ماند، پس خودت را کنترل کن!"

**sich zusammenreissen**

Es dauert nicht mehr lang, also reiss dich mal eben zusammen!

**krass (krässer)**

Foif Franke tüurer, das isch aber scho no krass!

عجیب

پنج فرانک گران تر ، اما این در حال حاضر عجیب است!

**krass**

Fünf Franken teurer, das ist aber schon krass!

**d Politik (-)**

Politik intressiert mi nöd eso fescht.

سیاست

من به سیاست علاقه ای ندارم

**Politik**

Politik interessiert mich nicht so doll.

**der lifluss (d liflüss)**

Udernäme chönd au en lifluss uf d Politik haa.

نفوذ(تأثیر)

شرکت ها همچنین می توانند بر سیاست تأثیر بگذارند.

**Einfluss**

Auch Unternehmen können Einfluss auf die Politik haben.

**d Mainig (d Mainige)**

Was isch dini Mainig zu däm Thema?

نظر (عقیده)

نظر تو در مورد این موضوع چیست ؟

**Meinung**

Was ist deine Meinung zu diesem Thema?

**s Rächt (d Rächt)**

Nöd überall händ ali Män-sche di gliiche Rächt.

حق

همه مردم در همه جا حقوق یکسانی ندارند.

**Recht**

Nicht überall haben alle Menschen die gleichen Rechte.

**s Thema (d Theeme)**

Das Thema söttemer emal ali zäme diskutiere.

موضوع

همه ما باید این موضوع را با هم بحث کنیم.

**Thema**

Das Thema sollten wir mal alle zusammen diskutieren.

**eerlich (eerlicher)**

Si isch megaeerlich, si sait imer, was si dänkt.

صادق

او فوق العاده صادق است ، او همیشه آنچه را که فکر می کند می گوید.

**ehrlich**

Sie ist super ehrlich, sie sagt immer, was sie denkt.

**Schwiizer**

Ich luege no gärn Schwiizer Film im Kino.

سوئسی

من دوست دارم فیلم های سوئیس را در سینما تماشا کنم.

**Schweizer**

Ich schaue mir gerne Schweizer Filme im Kino an.

**de Pass (d Päss)**

Oni Pass z läbe-n isch schwirig.

گذرنامه (پاسپورت)

زندگی بدون گذرنامه دشوار است.

**Pass**

Ohne Pass zu leben, ist schwierig.

**wän**

Wän s rägnet, ninsch am beschte-n en Schirm mit.

**wenn**

اگر باران می بارد ، بهتر است یک چتر با خود بپرید.  
Wenn es regnet, nimmst du am besten einen Schirm mit.

**sälber**

Bring doch de Güsel sälber use!

**خودم (خود)**

زباله ها را خودتان بیرون بیاور!

**selber**

Bring doch den Müll selber raus!

**furt**

Mis Handy isch furt, wo isch es anechoo?

**دور، گمشده**

گوشی من گم شده، کجا رفته؟

**fort, weg**

Mein Handy ist weg, wo ist es hingekommen?

**tschuld sii**

S isch nanig klaar, wäär a däm Unfall tschuld gsii isch.

**تقصیر**

هنوز مشخص نیست که چه کسی مقصر این حادثه بوده است.

**schuld**

Es ist noch nicht klar, wer an diesem Unfall schuld war.

**gar****- gar**

*gar* کلماتی مانند *nöd, kai* یا *niemer*:

"با نفی مرتبط هستند!" *"Das hani gar nöd güsstd"*, من اصلاً اینو نمیدونستم *'S hät gar kai Härdöpfel mee*  
دیگه سیب زمینی اونجا نیست، *Zu däre Fiir isch gar niemer choo*، هیچکس به این جشن نیومده!

**-er****-er**

پسوند *er-* را می توان با *Schwiiz* (سوئیس) و همچنین با تمامی نام های شهرها و روستاها ترکیب کرد تا معنای «اهل/از این مکان» را بدهد. واژه جدید (مانند *Schwiizer, Bärner, Gänfer* ...) را می توان مانند یک صفت استفاده کرد، که همیشه شکل ثابتی دارد:  
*Bärner Chääs* «پنیر برنی»، *Bärner Oberland* s «ناحیه مرتفع برنی»، *Bärner Fraue und Mane* «زنان و مردان برنی». اگر شکل با *er-* خود به یک شخص اشاره کند، به طور خودکار جنسیت می گیرد: *e Bärnerin* «یک زن برنی»، *en Bärner* «یک مرد برنی». معمولاً این شکل با *er-* کمی نامنظم است - به عنوان مثال در مورد *Züri* (زوریخ) به *Zürcher* گفته می شود (نه *Zürier*), یا در مورد *Glarus* (گلاروس) به *Glarner* گفته می شود (به جای *Glaruser*).

**aa****آه ah**

ناگهان شما حقیقت را تشخیص داده اید، همه چیز را درک کرده اید یا دوباره به یاد آورده اید - پس این دقیقاً کلمه *aa* مناسب است: آه این طور هست *Aa, jetzt falt s mer wider ii*، حالا به یادم آمدوو، *Aa, esoo isch das!*

K7 -  
Hauptwortschatz



## ترتیب کلمات در بند فرعی

هنوز قوانین اساسی ساختار جمله را از فصل 4 به یاد دارید ؟ در اینجا یک تکرار کوتاه است:

1. موضوع یا اطلاعات پس زمینه در جمله اول قرار می گیرد و فعل در جای دوم قرار می گیرد.
2. ترتیب قسمت های باقیمانده جمله نسبتاً آزاد است. اطلاعات شناخته شده اول میاد ، بعد اطلاعات جدید.
3. بخش های خاصی از اشکال فعل همیشه در پایان یک جمله هستند.

در این درس ما به قوانین بند های فرعی نگاه خواهیم کرد- اینها جملاتی هستند که بخشی از یک جمله طولانی تر هستند و ترتیب کلمات متفاوتی دارند. در اینجا چند مثال (بند های فرعی زیرنویس شده) وجود دارد:

- **Lueg, das isch die Websiite über politischi Rächt, wo ois d Jasemin empfole hät.**  
'ببین ، این کتابیه که جاسمین به ما توصیه کرده.'
- **Das me i de Schwiiz so lang uf d libürgerig mues warte, gfalt mer nöd.**  
'از این حقیقت خوشم نمیاد که زمستان اینجا همیشه اینقدر مه آلود است.'
- **Jetzt häter verschtande, wie des mit em Abschtimig funktioniert.**  
'حالا او فهمیده که رای گیری چگونه کار می کند.'
- **Wämmer am Samschtig haichömed, söttemer no de Briefwaal-Zädel uusfüle.**  
'وقتی شنبه به خانه می رسیم، باید فرم رای گیری پستی را هم پر کنیم.'

حالا چه فرقی در بند های فرعی داره؟ اول از همه ، هیچ موضوعی (یا فاعل) وجود ندارد. فعل نیز در وهله دوم نیست ، بلکه در انتها است. ترتیب کلمات قبل از آن تنها با قاعده "اول شناخته شده ، بعد جدید" تعیین می شود. در اینجا یک مثال که چگونه بند فرعی تغییر می کند:

"*wän bi de Waale jetzt die Partei günt*" "اگر این حزب انتخابات پیروز شود"

مقدمه	بند فرعی	فعل	ادامه احتمالی
Wän	bi de Waale jetzt	günt,	wäär daas en härte Schlaag für di Etablierte.
Wän	jetzt die Partei bi de Waale	günt,	hät iri Abschtimigsinitiative au gueti Chance.
Wän	die Partei bi de Waale jetzt	günt,	ischsi ändgültig im politischi Sischeem aachoo.

اگر یک شکل فعل یک گروه را با کلمات دیگر تشکیل دهد ، پس ترتیب آنها در بند های فرعی دقیقاً برعکس جملات معمولی است. در اینجا چند مثال وجود دارد:

جمله عادی	بند فرعی
Du <b>schtimsch</b> au <b>ab</b> . 'شما هم رای می دهید.'	Wänn du au <b>abschtimsch</b> , chumi mit. 'آگه تو هم رأی بدي ، من هم باهات میام.'
Ich <b>verschtaa</b> d Politik <b>nöd</b> . 'من سیاست رو درک نمی کنم.'	Ich gaa <b>nöd</b> go wääle, wil ich d Poltik <b>nöd verschtaa</b> . 'من رای نمی دهم چون سیاست را درک نمی کنم.'
Si <b>händ</b> scho wider <b>verloore</b> . 'شما دوباره برنده شدی'	Ich ha ghöört, das si scho wider <b>verloore</b> <b>händ</b> . 'شنیدم که دوباره شکست خوردی'

یک استثنا گروه های فعل با مصدر هستند - در اینجا ، حتی در بند فرعی ، مصدر پس از فعل اصلی می آید. این نیز یک تفاوت از آلمانی استاندارد است:

جمله عادی	بند فرعی
I <b>cha</b> gärn au <b>choo</b> .	Ich wür gärn wüsse, öb i au <b>cha</b> <b>choo</b> .
Ich <b>kann</b> gerne auch <b>kommen</b> .	Ich wüsste gern, ob ich auch <b>kommen</b> <b>kann</b> .
'من هم میتونم بیام.'	'دوست دارم بدانم که آیا من هم میتوانم بیایم.'



Wänn du gaasch  
go abstimme,  
chumi au.



Supper, göm-  
mer am 10i uf  
d Gmaind?



## B1

### Abschtime

Schtim / abschtime / Abschtimig / degäge sctime / schtimberächtigt

### B1.1



همه چیز درباره رای گیری : کلمه مناسب از جعبه را در جملات قرار دهید و اگر لازم است آن را تغییر دهید.

I de Schwiiz findet \_\_\_\_\_ imer am Suntig schtatt.

En Viertel vo de Erwachsene, wo i de Schwiiz läbed, isch nöd \_\_\_\_\_.

Inere Demokratii sind ali \_\_\_\_\_ glich vil wärt.

Si hät nur us Protescht \_\_\_\_\_.

Ich wür am liebschte online \_\_\_\_\_.

### B1.2



چطور دیگه اینو بگیم؟ آنچه متعلق به هم است را به هم وصل کنید.

1 abschtime

2 schtimberächtigt sii

3 s Ergebnis

4 lifluss nää

5 de Schwiizer Pass haa

a s Resultaat

b s Bürgerrächt haa

c s Schtimrächt haa

d a d Urne gaa

e beeinflusse

## B2

### Wil, damit, wän, wo, wäärend, obwol

اگر می خواهید جملات را به طور معنی دار متصل کنید ، اغلب به کلمات نیاز دارید *wie* چطور '1 *wil*، چون *damit* 'با این« *wän*، "اگر" *wo* 'مانند' *wäärend* "در حالی که"، *obwol* "اگرچه". بعد از اینکه بیشتر این کلمات از یک بند فرعی پیروی می کنند.

### B2.1



هر دو جمله در یک خط را با یک کلمه مناسب به هم وصل کنید. فراموش نکنید که ترتیب کلمه را تغییر دهید.

1. De Solal hetti gärn en Schwiizer Pass. Er cha ändlich bi Abschtimige mitmache.

2. Mir händ zerschmal gfiiret. D Abschtimig isch aagnoo worde.

3. D Martha isch imer guet informiert. Si list kä Ziiitig.

4. Ich gaa go abschtime. Das isch mini Pflicht.

-----

5. D Arjetha hät scho Schtunde i Ämter verbraacht. Ire Soon hät dusse gwartet.

-----

6. Mir gönd am Samschtig a d Klimademo. Ois isch des Thema wichtig.

-----

7. Bliibsch mängisch dihai? S Abschtimigs-Thema interessiert dich nöd.

-----

8. So vil Lüüt rüered iri Schtim furt. Si händ s Schtimrächt.

-----

9. Si isch ganz verruckt worde. Ich ha gsait, das Politik nüüt für miich isch.

-----

10. S wär cool. Me chönt i de Politik mee mitbeschtime.

-----

## B2.2



به هر یک از کلمات فکر کنید

*wil, damit, wän, wo, wäärend,  
obwol*

حداقل یک جمله از خودتان بنویسید.

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----



## B3

شما همچنین به بند های فرعی نیاز دارید اگر می خواهید آنچه را که مردم درک می کنند ، فکر می کنند یا می گویند منعکس کنید. اغلب کلمات *das* و *öb* برای این کار استفاده می شوند ، به عنوان مثال مانند این:

- Ich ha gsee, das d au daa gsii bisch. 'دیدم که تو هم اونجا بودی'
- Waisch, öb das erlaubt isch? 'میدونی که این اجازه داره یا نه؟'
- Si hät gsait, das glii Waale seged. 'او گفت که انتخابات به زودی برگزار خواهد شد.'

### B3.1



جملاتی مناسب را از قسمت های زیر تهیه کنید.  
در صورت لزوم از فرعی ۱ (فصل 6) استفاده کنید.

(de Juri, säge) Er isch tottal fruschtriert.

-----

(du, ghööre) Hät d Safikan de Schwiizer Pass beaatrait?

-----

(mir, fröoge) Isch d Tatjana defür oder degäge?

-----

(ir, dänke) Hät die Initiative-n e Chance?

-----

(ich, glaube) Die Abschtimig wird megaknapp.

-----

(d Lüüt, nöd wüsse) Söledsi go abschtime?

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

Ich gaa morn  
a d Kliimademo.  
Wäär chunnt  
mit?

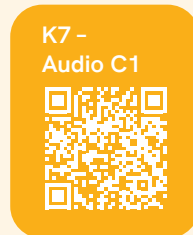


## C1

## Me dörf imer nach em Grund frööge



متن این بخش پیشرفته یک برنامه رادیویی است. ابتدا آن را گوش کن.



## CH

## فارسی/دري

## DE

**naadänke (hät naatänkt)**

Über daas hani gar nanig naatänkt.

فکر کردن، (اندیشیدن)

من هنوز به این فکر نکردم.

**nachdenken**

Über das habe ich noch gar nicht nachgedacht.

**zämechoo (sind zämechoo)**

Geschter simmer zumene faine Znacht zämechoo.

جمع شدن (گرد آمدن)

دیروز برای یک شام خوشمزه با هم جمع شدیم.

**zusammenkommen**

Gestern sind wir für ein leckeres Abendessen zusammengekommen.

**diskutiere (hät diskutiert)**

Schön, hämmer wider emal so aagregt diskutiert.

گفت وگو کردن (بحث کردن)

ما دوباره بحث پر جنب و جوش داشتیم.

**diskutieren**

Schön, haben wir wieder einmal so angeregt diskutiert.

**zuelose (hät zuegloset)**

Mir müested enand amigs echli besser zuelose.

گوش کن

گاهی اوقات باید کمی بهتر به یکدیگر گوش دهیم.

**zuhören**

Wir müssten einander manchmal etwas besser zuhören.

**reagiere (hät reagiert)**

Merci händ Sii so gschwind uf mis Mail reagiert.

واکنش نشان دادن (پاسخ دادن)

ممنون که به ایمیل من خیلی سریع پاسخ دادید.

**reagieren**

Danke, dass Sie so schnell auf meine Mail reagiert haben.

**de Grund (d Gründ)**

Wämme chrank isch, isch das en guete Grund, dihai z bliibe.

دلیل

اگر بیمار هستید، این دلیل خوبی برای ماندن در خانه است.

**Grund**

Wenn man krank ist, ist das ein guter Grund, zu Hause zu bleiben.

**d Polizei (-)**

Am Baanhof isch d Polizei gsii, was isch äch passiert?

پلیس

پلیس تو ایستگاه بود، فکر میکنی چه اتفاقی افتاده؟

**Polizei**

Am Bahnhof war die Polizei, was ist wohl passiert?

**s Uusse'e (-)**

Mir isch mis Uusse'e amigs  
scho no wichtig.

ظاهر

گاهی اوقات ظاهر من برایم مهم است.

**Aussehen**

Mir ist mein Aussehen  
manchmal schon wichtig.

**d Sändig (d Sändige)**

Geschter Aabig hämmer  
en intressanti Sändig glue-  
get.

برنامه ( برنامه تلویزیونی)

دیشب برنامه جالبی را تماشا کردیم.

**Sendung**

Gestern Abend haben wir  
eine interessante Sendung  
geschaut.

**bitte (hät pätte)**

Min Naachber hät mi pätte,  
für in öppis z poschte.

لطفاً (پرسیده شده)

همسایه از من خواست چیزی برایش بخرم.

**bitte (hat gebeten)**

Mein Nachbar hat mich ge-  
beten, für ihn etwas einzu-  
kaufen.

**mitgää (hät mitggää)**

Wart, ich gib der no en  
Rägeschirm mit.

دادن (همراه دادن)

صبر کن ، یه چتر هم بهت میدم.

**mitgeben**

Warte, ich gebe dir noch  
einen Regenschirm mit.

**tue (hät taa)**

D Rüebli chasch in Chüel-  
schrank tue.

انجام دادن (توانستن)

تو می‌تونی هویچها را در یخچال قرار دهیید.

**tun**

Die Karotten kannst du in  
den Kühlschrank tun.

**sogaar**

Si isch uuhöflich, sogaar a  
d Türe hätsi klopf.

حتی

او بسیار مودب است، حتی در هم زده بود.

**sogar**

Sie ist super höflich, sogar  
an der Tür hat sie geklopft.

**supper**

Si isch e supper Fuesbal-  
Schpilerin.

عالی ( فوق العاده)

او یک بازیکن فوتبال عالی است.

**super**

Sie ist eine super Fussball-  
spielerin.

**blööd (blööder)**

Das isch e blöödi Idee.

احمقانه

این یک ایده احمقانه است.

**blöd**

Das ist eine blöde Idee.

**de Morge (d Mörge)**

De Morge-n isch mini  
liebschti Tagesziit.

صبح

صبح زمان مورد علاقه من در روز است.

**Morgen**

Der Morgen ist meine liebste  
Tageszeit.

**schpaat (schpöoter)**

Gäled, ir chömed echli  
schpöoter hüt?

دیر

آیا امروز یکم دیرتر می‌آید؟

**spät**

Ihr kommt ein bisschen spä-  
ter heute, nicht?

**sälte**

Mittlerwiile gömmer nume  
no sälte-n i s Kino.

به ندرت

در حال حاضر، ما فقط به ندرت به سینما  
می‌رویم.

**selten**

Mittlerweile gehen wir nur  
noch selten ins Kino.

**normaal (normaaler)**

S isch doch normaal, das  
me au emal sini Rue  
bruucht!

معمولی

به نظر من، طبیعیه که احياناً هرکسی نیاز به  
آرامش داشته باشه.

**normal**

Es ist doch normal, dass  
man auch mal seine Ruhe  
braucht.

می‌خواهید یک رویداد را بدون اشاره دقیق به افراد مشخص، مثلاً به دلیل شرکت تقریباً همه مردم یا به خاطر اینکه ممکن است هر فردی باشد، توصیف کنید؟ در زبان سوئسی آلمانی، یک واژه کاربردی برای این منظور وجود دارد که "me" (در *Hochdeutsch* به معنای "man") نامیده می‌شود. به سادگی این واژه را به جای فرد یا افرادی که جزئیات دقیقی درباره آن‌ها ندارید یا نمی‌خواهید ذکر کنید، استفاده کنید.

Ich ghööre s no. → Me ghöört s no.  
'هنوزم می‌تونم بشنومش' 'هنوزم می‌تونی بشنویش.'

Verschtaasch du daas? → Verschtaatme daas?  
'آیا می‌فهمید؟' 'اینو می‌فهمی؟'

D Marjan füllt sich guet. → Me füllt sich guet.  
'مرجان احساس خوبی دارد.' 'احساس خوبی داری.'

در داتیو و اکوزاتیو از *aim* استفاده می‌شود (توجه داشته باشید: در آلمانی استاندارد بین داتیو *einem* و اکوزاتیو *einen* تمایز وجود دارد)

S gaat mer guet. → S gaat aim guet.  
'من خوبم.' 'حالت خوبه.'

S macht mi verrückt. → S macht aim verrückt.  
'باعث میشه من دیوونه.' 'یه نفر رو دیوونه میکنه.'

## C1.1



دوباره به گفتگوها گوش دهید و تعداد دفعات استفاده از ضمیر غیر شخصی را بشمارید. به چه شماره ای میرسی؟



K7 -  
Audio C1



## C1.2



تمام جملات فرعی را با ترتیب کلمات خاص از دیالوگ بنویسید. می توانید این کار را با گوش دادن انجام دهید یا به رونویسی در بخش راه حل نگاه کنید. جملات فرعی را به جملات اصلی تبدیل کنید.

## C1.3



برخی از کلمات کلیدی از دیالوگ در کنار ذکر شده است. سعی کنید معنای آنها را با کلمات خود به زبان آلمانی سوئیس توصیف کنید.

- Persoonekontrolle
- Profiling
- rassistisch
- objektiv
- diskriminierend

## C1.4



کدام عبارت نظرات ژاب و الیف را بهترین گونه توصیف می کند؟

- 1 آنها نظرات بسیار متفاوتی دارند.
- 2 آنها در تمام جزئیات موافق نیستند و تا آخرین لحظه به توافق نمی رسند.
- 3 آنها از ابتدا موافق هستند.
- 4 آنها به نظر ممکن است در ابتدا مخالف باشند، اما سپس به توافق می رسند.

Über daas Thema chöntemer ändloos diskutiere.



جملات زیر را با جایگزین کردن کلمه زیر خط کشیده شده با *em/aim* غیر شخصی کنید.

D Polizei sött nöd so vil kontrolliere.

Si holed mich oft bim Velofaare-n use.

Erkläaredsi diir amigs de Grund?

D Politik sött de-r lisatz vo Profiling iischränke.

Fäaler passiered de Polizei scho mal.

## C1.6



نظر شما در مورد موضوع کنترل حویت چیست ؟ آیا آنها ضروری هستند؟ آیا کنترل مردم بسته به ظاهرشان توجیه شده است و چرا (نه) ؟ ارتباط بین کنترل حویت و موضوع فصل مشارکت سیاسی را کجا می بینید ؟ افکار خود را به زبان آلمانی سوئیس فرموله کنید.



## C2



به گفتگو گوش بده. شرکت کنندگان محمود آبادی (م) و یکی از کارکنان اداره مهاجرت (الف) هستند. هنگام گوش دادن، جاهای خالی را پر کنید. رونویسی کامل را می توان در بخش راه حل یافت.

K7 –  
Audio C2



## Händ Si ali Underlage debii?

**M:** Grüezi.

**A:** Grüezi. Bitte, um was geht es?

**M:** Ich han im Momänt en \_\_\_\_\_ und wür gärn uf B wächsle.

**A:** Ah, Sie reden ja Schweizerdeutsch. Händ Si ali Underlage debii?

*De Mahmud schiebt e Biig Papiir under em Glaas dure.*

**A:** Also... \_\_\_\_\_, jawol... de \_\_\_\_\_ vo Irere Wonig... de \_\_\_\_\_ Momänt, die Schtel händ Si ja no gar nöd aagfange?

**M:** Aa, warted Si. Daa isch min aktuele Arbetsvertraag. De gaat aber nume bis Ändi Monet. Dän hani e noii Schtel, das isch des \_\_\_\_\_, woni lne scho ggää haa. Gmolde-n isches au scho.

**A:** Aa, jetztig. Also, das isch daa ... daas ... daas ... Wo isch dän de \_\_\_\_\_?

**M:** Des isch des Papiir, wo deet dezwüschet grutscht isch.

**A:** Seer guet. Also, Här Abadi, die \_\_\_\_\_ sind volschtändig. Mir wärded daas bearbaite und lne Bscheid gää.

**M:** Chönd Si scho säge, wie lang das des gaat?

**A:** Mit es paar Wuche müend Si scho rächnen. Wisoo, \_\_\_\_\_ lne?

**M:** Min F-Uuswiis laufft glii uus, das sind jetzt no \_\_\_\_\_.

**A:** Kä Sorg, das \_\_\_\_\_ scho ane, Si müend en nöd namal \_\_\_\_\_.

**M:** Okay, supper. Dän würi gärn no en \_\_\_\_\_ duregää ...

**A:** Ja, da sind aber nöd miir \_\_\_\_\_, da müend Si \_\_\_\_\_.

**M:** Aa, schaad. Das isch mängisch scho no müesam mit däne vilne \_\_\_\_\_.

**A:** Tuet mer laid, iich ha s nöd erfunde.

**d Schtel (d Schtele)**

Geschter hani e gueti  
Schtel gsee, jetzt wotti mi  
bewärbe.

شغل، جایگاه شغلی (نقطه)

دیروز به کار خوب دیدم، حالا میخوام  
درخواست شغل بدم.

**Stelle**

Gestern habe ich eine gute  
Stelle gesehen, jetzt will ich  
mich bewerben.

**de Vertraag (d Verträäg)**

Mir isch gar nöd uufgfale,  
das min Arbeitsvertraag  
tottal ungrächt isch.

قرارداد

من حتی متوجه نشدم که قرارداد کار من  
کاملاً ناعادلانه بود.

**Vertrag**

Mir ist gar nicht aufgefallen,  
dass mein Arbeitsvertrag  
total ungerecht ist.

**uuslauffe (isch uusgloffte)**

Min Arbeitsvertraag laufft  
uus, ich bruuch en noie  
Job!

تمام شدن (خارج شدن)

قرارداد کارم داره تموم میشه، به یه شغل  
جدید نیاز دارم!

**auslaufen**

Mein Arbeitsvertrag läuft  
aus, ich brauche einen neuen  
Job!

**de Wächsel (d Wächsel)**

En Regierungswächsel täät  
däre Gmaind no guet.

تغییر

تغییر دولت برای این جامعه خوب خواهد  
بود.

**Wechsel**

Ein Regierungswechsel täte  
dieser Gemeinde mal gut.

**s Änd (d Ände)**

Wo isch äch s Änd vo däre  
Schtraass?

پایان

آخر این جاده کجاست؟

**Ende**

Wo ist denn das Ende dieser  
Strasse?

**s Papiir (d Papiir)**

Hettsch mer gad es Papiir  
zum Schriibe?

کاغذ

فقط کاغذی به من دادی که روی آن بنویسم؟

**Papier**

Hättest du mir gerade ein  
Papier zum Schreiben?

**d Biig (d Biige)**

Di aint Biig isch bearbaitet,  
di ander mueni no aaluege.

دسته

یک دسته پردازش شده است، من هنوز باید  
به دیگری نگاه کنم.

**Stapel**

Der eine Stapel ist bearbei-  
tet, den anderen muss ich  
noch anschauen.

**Bschaid gää (hät Bschaidd ggää)**

Gisch mer Bschaidd, wän d  
aachoo bisch?

به ما خبر بده

وقتی رسیدی بهم خبر بده؟

**Bescheid geben**

Gibst du mir Bescheid, wenn  
du angekommen bist?

**mälde (hät gmolde)**

Händ Si Iri noii Adrässe  
scho gmolde?

گزارش

آیا آدرس جدید خود را قبلاً گزارش کرده اید؟

**melden**

Haben Sie Ihre neue Adresse  
schon gemeldet?

**aktuell (aktueller)**

Und jetzt chömemer no  
zunere aktuelle Mäldig.

اکنون (حالا)

و حالا به یک اطلاع رسانی اخیر می پردازیم.

**aktuell**

Und jetzt kommen  
wir noch zu  
einer aktuellen  
Meldung.

K7 -  
Zusatzwortschatz 2



**pressiere (hät pressiert)**

Sorry, mir pressiert's gad echli, ich mues uf s Tram.

عجله کن

ببخشید الان کمی عجله دارم باید برم ترام.

**eilig sein**

Sorry, ich habe es gerade etwas eilig, ich muss zum Tram.

**debihaa (hät debiighaa)**

Es bitzeli Münz hani imer debii.

همراه داشتن

من همیشه به تغییر کوچک با خودم دارم.

**dabeihaben**

Ein bisschen Kleingeld habe ich immer dabei.

**rutsche (isch grutscht)**

Obacht, din Taler isch am Aberutsche.

سر خوردن (لیز خوردن)

مراقب باشید، بشقاب شما در حال لیز خوردن است.

**rutschen**

Pass auf, dein Teller rutscht gleich runter.

**anebringe****(hät aneprecht)**

Ich bring aifech kä besseri Noote-n ane.

گرفتن (به دست آوردن، دریافت کردن)

من به سادگی نمی توانم نمرات بهتری بگیرم.

**hinkriegen, schaffen**

Ich schaffe einfach keine besseren Noten hin.

**rächne (hät grächnet)**

Für zää Lüüt würi mal 200 Franke rächne.

احساس کردن (محاسبه کردن، تخمین زدن) برای ده نفر، من تخمین می زنم ۲۰۰ فرانک حساب بشه.

**rechnen**

Für zehn Personen würde ich mal 200 Franken rechnen.

**gschiid (gschiider)**

Wäär s nöd gschiider, wämme zerscht d Biletta chauffed?

باهوش

اگر اول بلیت ها رو بخریم هوشمندانه تر میشه؟

**gescheit, schlau**

Wäre es nicht schlauer, wenn wir zuerst die Billette kaufen?

**jawol**

Und Ire Name-n isch Mihalski? - Jawol.

بله دقیقا

و نام شما Mihalski است؟ - درسته.

**jawohl, genau**

Und Ihr Name ist Mihalski? - Ganz genau.

**C2.1**

کار اداری به افعال خاص زیادی نیاز دارد. آنچه متعلق به هم است را به هم وصل کنید و از هر عبارت فقط یک بار استفاده کنید.

1

es Formular

2

en noie-n Uuswiis

3

s Arbetsverhältnis

4

d Underlage

5

der Aatraag

6

em Aatraag en Naawiis

a

iiraiche

b

naawiise

c

biilegge

d

beaaträge

e

uusfüle

f

schtele

## C2.2



C2 به صورت شفاهی به سوالات مربوط به متن پاسخ دهید:

- Was wott de Mahmud bim Migrationsamt?
- Was Ischs Probleem mit sim Arbetsvertraag?
- Hät de Mahmud en Düütschnaawiis biiglait?
- Wisoo pressiert em Mahmud?

## C2.3



آیا مهم ترین وضعیت اقامت در سوئیس را می دانید؟  
نامه ها را از جعبه به اظهارات مناسب بنویسید.

B / C / F / L / N / S

- Öpper dörf lenger i de Schwiiz bliibe. Sii oder äär cha des Rächt aber au wider verlüüre.
- Öpper dörf für e churzi Ziid für en beschtimte Zwäck i de Schwiiz bliibe.
- Öpper dörf langfrischtig i de Schwiiz bliibe. Des Rächt chame nöd so aifach wider verlüüre.
- Öpper bruucht bsundere Schutz und dörf durum für e gwüssi Ziid au oni Asilverfaare i de Schwiiz bliibe.
- Öpper hät i de Schwiiz Asil beaait. S Asilverfaare laufft.
- Öpper dörf aigentlich nöd i de Schwiiz sii, cha aber au nöd uusgschafft wärde. Äär oder sii dörf vorloiffig bliibe.

Jetzt hani de  
B-Status, aber  
vorhäär hani lang  
de F-Status ghaa.

## C2.4



ارتباط بین وضعیت اقامت و موضوع این فصل ،  
مشارکت سیاسی را کجا می بینید ؟ یک شریک  
پیدا کنید که با او می توانید در مورد این و سوالات  
بعدی به زبان آلمانی سوئیس صحبت کنید. در  
اینجا عباراتی را نیز خواهید یافت که می توانید در  
تبادل نظر به خوبی از آنها استفاده کنید.

- Ischs Uufenthalts-System vo de Schwiiz sinvol - und isches grächt?
- Git s Status, wo z schwirig oder z aifach zum überchoo sind?
- Wäär sött aigetlich i de Schwiiz dörfe bliibe?
- Mached d Migrationsämter iri Arbet guet?

### CH

### فارسی/دري

Ich find/dänk/glaub

من فکر/باور/پنداشت می‌کنم

Minere Mainig naa

به نظر من

Wän s nach mir gaat/giengt

اگه به من بستگی داره

Des schtimt (nöd)

درست است (درست نیست)

Du häsch rächt

حق با شماست

Ich schtim (der) zue

باهات موافقم

Ich bi de gliiche Mainig

من هم همین نظر رو دارم

Des findi/dänki/glaubi au/nöd

من همچنين /باور /فکر/ پیدا/ نمی‌کنم

Ich han en anderi Mainig

من یک نظر دیگری دارم

Des chasch esoo nöd säge

نمی‌تونم اینجوری بگی

Mainsch wükli?

واقعا منظورت چیه ؟

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

## C3.1

a. دوچرخه / f. کرونا / e. نژادپرستی/فرار / d. کشاورزی / c. حقوق زنان / b. آب و هوا



در اینجا چند پوستر و تابلو را می بینید که در تظاهرات مختلف حمل شده اند. کدام تابلو به کدام موضوع می آید؟

1 D Ärde chocht vor Wuet!

2 Gränzeloosi Solidarität

3 Min Körper, mini Entschaidig

4 Kai Buure, kai Ässe

5 Rassismus isch kä Mainig!

6 Sctopped de Corona-Waansinn

7 Es git kän Planet B

8 Nöd ales isch schwarz-wiis

9 Züri autofrei jetzt

10 Oii Chind betroid miir und si wärded so wi miir!

## C3.2



تصور کنید که شما خود به یک تظاهرات می روید. تظاهرات شما در مورد چه موضوعی خواهد بود؟ یک پلاک با یک جمله مناسب به زبان آلمانی سوییسی طراحی کنید. می توانید یک طرح ساده روی کاغذ بکشید یا یک پلاک واقعی طراحی کنید.

**schtoppe (hät gschtoppt)**

En Zug, wo faart, chame nöd gschnäl emal schtoppe.

متوقف کردن / شدن

"قطاری که در حال حرکت است، نمی‌تواند به سرعت متوقف شود."

**stoppen**

Einen Zug, der fährt, kann man nicht schnell mal stoppen.

**schwarz (schwärzer)**

Din ainte Zaa isch ja ganz schwarz, du muesch zum Zaanil!

سیاه

یک دندان شما کاملاً سیاه شده ، باید به دندانپزشک بروید!

**schwarz**

Einer von deinen Zähnen ist ja ganz schwarz, du musst zum Zahnarzt!

**wiiss (wiisser)**

So vil wiissi Wänd gseend echli ungmütlich uus.

سفید

این همه دیوار سفید کمی ناخوشایند به نظر می‌رسد.

**weiss**

So viele weisse Wände sehen ein bisschen ungemütlich aus.

**-loos**

**-loos** به معنای «بدون» است. این پسوند بسیار کاربردی است زیرا می‌توان آن را به تقریباً همه اسم‌ها اضافه کرد: *gränzeloos* «بدون مرز»، *pauseloos* «بدون وقفه»، *wonigsloos* «بی‌خامان»... فقط کمی آزمایش کنید! کلمات با پسوند *-loos* صفات هستند: *gränzeloos Freiheit* «آزادی بی‌مرز»، *pauseloose Schtress* «استرس بی‌وقفه». برخی از کلمات با پسوند *-loos* هم معنای ثابت دارند که باید یاد بگیرید. به عنوان مثال، *Witzloos* «بدون شوخی». به این معنی نیست که «بدون شوخی» یا «بدون تفریح»، بلکه به معنای «یک جزئیات مهم کم دارد، یا بی‌اهمیت» است: *Es Räne oni Ziil isch witzloos* دویدن بدون هدف بی‌اهمیت است.!

**-los**

## فرصت‌های مشارکت

### نظام سیاسی سوئیس

■ در وبسایت [easyvote.ch](http://easyvote.ch) تو می‌توانید برای همه‌ی رأی‌گیری‌هایی که در سوئیس برگزار می‌شود، ویدیوهای توضیحی ساده و توضیحاتی پیدا کنید.

■ در وبسایت [smartvote.ch](http://smartvote.ch) تو می‌توانید در انتخابات به نمای کلی از کاندیداهای احزاب مختلف دسترسی پیدا کنید. می‌توانید یک پرسشنامه پر کنید که همچنین توسط کاندیداها پر شده است و بدین ترتیب مشاهده کنید که کدام یک از آن‌ها دیدگاه مشابهی با شما دارند.

برای بیشتر رأی‌گیری‌ها، نیاز به گذرنامه سوئیسی است. اما به طور مکرر تلاش‌هایی صورت می‌گیرد که افرادی که مدت طولانی در سوئیس زندگی می‌کنند اما گذرنامه سوئیسی ندارند، نیز اجازه رأی‌گیری داشته باشند. در سطح شهری و استانی، این امکان به صورت جزئی ممکن است.

چندین راه برای مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی در سوئیس وجود دارد. یکی از راه‌ها ساختارهایی مانند احزاب، انتخابات و رأی‌گیری‌های موضوعی است. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد سیستم سیاسی سوئیس به چند زبان مختلف، می‌توانید اینجا مراجعه کنید:

[swissinfo.ch/ger/das-politische-system-der-45810256/schweiz](http://swissinfo.ch/ger/das-politische-system-der-45810256/schweiz)

شما می‌توانید یک صفحه اطلاعاتی را به زبان آسان در پارلمان سوئیس پیدا کنید:

[parlament.ch/de/über-das-parlament/leichte-sprache](http://parlament.ch/de/über-das-parlament/leichte-sprache)

همچنین بخش پیشرفته C4 در این فصل نیز به این موضوع می‌پردازد.

چون سوئیس یک ترکیب از دموکراسی نمایندگی و مستقیم است، همیشه مواردی برای رأی‌گیری وجود دارد. بیش از نیمی از تمام رأی‌گیری‌های ملی در جهان در سوئیس برگزار می‌شود! اگر می‌خواهید بیشتر در مورد یک انتخاب یا رأی‌گیری مطلع شوید، این دو صفحه مفید هستند:

### فرصت‌های شرکت بدون حق رای

در سیستم سیاسی، فرصت‌هایی برای مشارکت وجود دارد که نیازی به گذرنامه سوئیس ندارند، به عنوان مثال:

- در voCHabular، ما به ویژه می‌خواهیم پروژه‌های زیر را به شما توصیه کنیم:
- Aktion Vierviertel: [aktionvierviertel.ch](http://aktionvierviertel.ch)
- Autonome Schule Zürich: [bildung-fuer-alle.ch](http://bildung-fuer-alle.ch)
- Campus Demokratie: [campusdemokratie.ch](http://campusdemokratie.ch)
- Flüchtlingsparlament: [fluechtlingsparlament-schweiz.ch](http://fluechtlingsparlament-schweiz.ch)
- Foraus: [foraus.ch](http://foraus.ch)
- INES (Institut Neue Schweiz): [institutneueschweiz.ch](http://institutneueschweiz.ch)
- NCBI (National Coalition Building Institute): [ncbi.ch](http://ncbi.ch)
- Solinetz: [solinetz-zh.ch](http://solinetz-zh.ch)

- جمع‌آوری امضا برای ابتکارات
- نظر دادن در مورد موضوعات سیاسی
- شرکت در تظاهرات
- مشارکت در احزاب
- مشارکت در کمیسیون‌ها و هیئت‌های مشاوره (به عنوان مثال شورای مهاجرت شهر زوریخ)
- مشارکت در پروژه‌های سطح شهر (به عنوان مثال ما همه برن هستیم، [wirallesindbern.ch](http://wirallesindbern.ch))

پروژه‌های جذاب می‌توانند همچنین پروژه‌هایی باشند که مشارکت همه افرادی که در سوئیس زندگی می‌کنند، را ترویج می‌کنند. بررسی اینگونه پروژه‌ها - برای مهاجران و افراد دیگر - را می‌توانید در اینجا پیدا کنید:

[campusdemokratie.ch/projekte](http://campusdemokratie.ch/projekte)



*D Schwiizer Demokratii cha zimli kompliziert sii. De Markus wott sich la iibürgere und isch froo, chaner sini Koleegin Gülhan es paar Sache frööge.*



مکالمه را به صورت کامل بخوان.

- M:** Also los, ich hoffe s isch kä blöödi Fraag, aber wisoo genau isch d Schwiizer Demokratii «diräkt»?
- G:** Nai, das isch überhaupt nöd blööd! D Schwiiz isch deete dure rächt speziell. I de maischte Demokratii chame ja nume Parteie oder Persoone wääle und die entschaided dän ales. Aber i de Schwiiz dörf s Volch oft au über konkreti Fraage-n abschtme.
- M:** Wie jetzt? Chöntme zum Biischpil abschtme, das me weniger Schtüüre wott zale?
- G:** Ja, theoretisch scho. Du bruuchsch aifech zerscht emal es paar Lüüt, wo dini Idee underschtützed. Wän d 100'000 Underschrifte zämebringsch, isch das e «Volchsinitiative», und über die schtint s Volch dän ab.
- M:** Okay, und hät s scho mal e Volchsinitiative zu Schtüüre ggää?
- G:** Jaa, klaar. S git aber no ganz vil anderi Themene, zum Biischpil im 2021i liwanderig, Landwirtschaft, Altepfläg ... Mir sind schtändig am Abschtme.
- M:** Im 21i isch doch au d «Ehe für ali» gsii, oder?
- G:** Jaa, aber das isch es Referändum gsii.
- M:** Ui, was isch daas jetzt wider?
- G:** Das isch, wän d Politik öppis plaanet und anderi degäge sind. Für es Referändum bruuchts nume 50'000 Underschrifte. Wän die zämechömed, mues d Politik zerscht s Ergebnis vo de Abschtimig abwar-te, bevor irgendöppis gmacht wird.
- M:** Und wäär isch für waas gsii?
- G:** Das isch en uulangi Gschicht. Aber am Schluss händ d Regierig und s Parlamänt wele, das Schwuuli und Lesbe die gliiche Rächt wi ali händ, wän si hüüraated. Es paarne Lüüt hät das aber nöd gfale, also händsi s Referändum ergriffe. Di maischte, wo go abschtme sind, sind dän aber gäg des Referändum gsii ...
- M:** ... aso für de Plaan vo de Politik?
- G:** Genau. S isch mängisch echli verwirend. S Referändum händsi abgleent und d Ehe für ali aagnoo.
- M:** Okay, jetzt verschaani das ales scho chli besser. Merci vilmal, Gülhan!

**aanää (hät aagnoo)**

Volchsinitiativene wärded  
nöd so oft aagnoo.

پذیرفتن

اقدامات مردمی به ندرت پذیرفته می شوند.

**annehmen**

Volksinitiativen werden nicht  
so oft angenommen.

**ableene (hät abgleent)**

S Parlamänt hät de Voor-  
schlaag vo de Regierig  
abgleent.

رد کردن

مجلس پیشنهاد دولت را رد کرد

**ablehnen**

Das Parlament hat den Vor-  
schlag der Regierung abge-  
lehnt.

**underschütze (hät un-  
derschützt)**

Mini Familie hät mi imer  
underschützt.

حمایت کردن

خانواده من همیشه از من حمایت کرده اند.

**unterstützen**

Meine Familie hat mich im-  
mer unterstützt.

**zämebringe (hät zäme-  
praacht)**

Musig bringt Mänsche  
zäme.

جمع آوری کردن

من می‌تونم اینقدر پول جمع کنم

**zusammenbringen**

Musik bringt Menschen zu-  
sammen.

**s bruucht (s hät pruucht)**

Da ine brüüchtis emal e  
Haizig.

نیاز دارد

در اینجا نیاز به یک سیستم گرمایشی داریم.

**es braucht**

Hier drinnen bräuchte es mal  
eine Heizung.

**de Schluss (-)**

Am Schluss vom Film hani  
müese brüele.

پایان

در پایان فیلم، من مجبور شدم گریه کنم.

**Schluss**

Am Schluss des Films musste  
ich heulen.

**d Unterschrift (d Under-  
schrifte)**

Da une brüüchti no Iri Un-  
derschrift, bitte.

امضا

لطفاً پایین‌تر امضای شما را نیاز داریم.

**Unterschrift**

Da unten bräuchte ich noch  
Ihre Unterschrift, bitte.

**bevoor**

Gömmmer lieber hai, bevoor  
s aafaat rägne.

قبل از

بباید بهتره به خونه بریم، قبل از اینکه باران شروع شود.

**bevor**

Gehen wir lieber heim, bevor  
es anfängt zu regnen.

**schtändig (-)**

Er isch schtändig am  
Chlööne, wi vil das er  
mues schaffe.

مداوم

او دائماً از اینکه خانواده اش چقدر بد هستند شکایت می کند.

**ständig**

Er beklagt sich ständig, wie  
viel er arbeiten muss.

کلمه *emal* "هر زمان" چندین کاربرد دارد که همه با معنای اصلی اش "یک بار، در یک زمانی" مرتبط هستند. مثلاً می‌توان آن را در ارتباط با وقایع گذشته استفاده کرد، زمانی که به یک زمان خاص فکر نمی‌کنید و می‌خواهید تأکید کنید که یک تجربه را کسب کرده‌اید. "هر زمان" بنابراین چندین کاربرد دارد که همه به این معنای اصلی بازمی‌گردند. *Ich han emal de letscht Zuug verpasst.* من یه بار آخرین قطار رو از دست دادم. *Bisch du scho mal z Italie gsii?* آیا تا به حال به ایتالیا رفته اید؟ حتی وقتی صحبت از رویدادهای آینده می‌شود، تمرکز بر روی یک زمان خاص نیست، بلکه بر روی یک فرصت یا حتی تمایل به انجام کاری حداقل یک بار است:

*Wän schönen Wätter isch, gönd mir zwai emal i d Bärge*

'*Wenn schönes Wetter ist, gehen wir zwei mal in die Berge*' وقتی هوا خوب باشه ، دو بار به کوه ها میریم

*Mir würed das gärn emal uusprobiere* ما دوست داریم یه بار امتحانش کنیم

. در نهایت ، در دستورات و درخواست ها نیز استفاده می شود. از آنجا که در اینجا نیز تأکید شده است که این موضوع در هیچ زمان خاصی

نیست-و به ویژه بلافاصله نیست. باید اجرا بشه ، این جمله ها دوستانه تر به نظر میرسند: *Tuen emal s Faischter uuf, bitte.*

لطفا پنجره رو باز کن *Chömed doch aifet emal verbii!* "به سادگی یک بار بیایید!"

*-uu* بسیار شبیه به *-mega* :

با این حال ، فقط با صفت استفاده می شود و این موارد را تقویت می کند:

*uuwichtig* ، "فوق العاده مهم" *uuschlum* . "کاملاً بد"



## CH

## توضیح DE

### Schtimrächt

حق رأی. حق شرکت در رأی‌گیری‌ها.

### Stimmrecht

### Passivs Waalrächt

حق انتخاب شدن. حقی که به فرد اجازه می‌دهد تا خود را برای یک مقام سیاسی نامزد کند.

### Passives Wahlrecht

### Aktivs Waalrächt

حق رأی فعال حق شرکت در انتخابات.

### Aktives Wahlrecht

### Diräkti Demokratii

دموکراسی مستقیم. در دموکراسی مستقیم، مردم نه تنها مجاز به انتخاب افراد هستند، بلکه نیز به طور منظم درباره موضوعات مختلف رأی می‌دهند - از مسائل بودجه تا برابری جنسیتی.

### Direkte Demokratie

### Repräsentativi Demokratii

دموکراسی نمایندگی. در دموکراسی نمایندگی، تصمیمات مربوط به موضوعات به جای شهروندان، توسط نمایندگان انتخاب شده اتخاذ می‌شود. سوئیس همچنین اصول دموکراسی مستقیم و نمایندگی را می‌شناسد.

### Repräsentative Demokratie

### Bundesraat

شورای فدرال. دولت سوئیس که از هفت عضو برابر تشکیل شده است و تقریباً همیشه از احزاب مختلف هستند.

### Bundesrat

### Parlamänt

پارلمان. پارلمان سوئیس دو مجلس دارد (مشاهده زیر). همه قوانین باید توسط هر دو مجلس تصویب شوند. نمایندگان پارلمان هر چهار سال یکبار انتخاب می‌شوند.

### Parlament in der Schweiz

### Nationalraat

شورای ملی یکی از دو مجلس پارلمان است که به طور مستقیم از رأی دهندگان دفاع میکند.

### Nationalrat

### Schtänderaat

دیگر مجلس پارلمان. اعضای آن نیز توسط مردم انتخاب می‌شوند، اما هر کانتون فقط می‌تواند دو نماینده و حتی کانتون‌های نیمه تنها یک نماینده ارسال کند. بنابراین، در این مجلس همه کانتون‌ها برابر هستند.

### Ständerat

### Volchsinitiative

رای‌گیری مردمی. یک تصمیم توسط مردم در مورد تغییر قانون اساسی. این رای‌گیری زمانی برگزار می‌شود که آغازکنندگان در مدت 18 ماه بتوانند 100000 امضا معتبر برای آن جمع‌آوری کنند.

### Volksinitiative

### Referändüm

همه‌پرسی. تصمیمی است که توسط مردم درباره یک مصوبه پارلمان گرفته می‌شود. در مورد برخی از مصوبات، همه‌پرسی اجباری است (مانند اصلاحات قانون اساسی). اما همچنین می‌توان همه‌پرسی‌های اختیاری برگزار کرد که توسط کسانی که با مصوبه پارلمان موافق نیستند، می‌توانند برگزار کنند. برای اینکه یک همه‌پرسی اختیاری به رأی گذاشته شود، ابتدا باید امضا جمع‌آوری شود (50000 امضا در عرض 100 روز).

### Referendum

### Föderalismus

فدرالیسم. در کشورهای فدرال، سازماندهی در چندین سطح انجام می‌شود - مانند سوئیس که در آن دولت مرکزی، ایالت‌ها و شهرداری‌ها وجود دارد - هر یک از این سطوح دارای سطح بالایی از استقلال و مسئولیت سیاسی هستند. به همین دلیل در سوئیس، برای هر سه سطح انتخابات، رفراندوم‌ها، پیشنهادات مردمی و ارجاعات برگزار می‌شود.

### Föderalismus

## ترتیب کلمات در سطح پیشرفته

در فصل ۴، اساس‌های ترتیب کلمات را یاد گرفته‌ای. برای یادآوری: در جملات ساده همیشه موضوع در ابتدا آمده و سپس یک فعل. تا کنون، به طور اصلی نمونه‌هایی را بررسی کرده‌ایم که موضوع، یک اطلاعات پیش‌زمینه معروف بود. در این نقطه، یک حالت خاص دیگر را یاد خواهید گرفت: چیزهایی که به مقابل یک چیز دیگر قرار دارند، اغلب به عنوان موضوع در نظر گرفته می‌شوند و در نتیجه در ابتدای جمله قرار می‌گیرند. اینجا به عنوان مثال یک جمله با ترتیب «معمولی»:

ترجمه	بقیه	فعل	موضوع (یا فاعل)
من تو را امشب در تظاهرات می‌بینم.	dich hüt zaabig a de Demo.	gsee	Ich

فرض کنیم می‌خواهیم بگوییم که من تو را می‌بینم - نه کس دیگری یا نه هیچ شخص دیگری که ممکن است به آن فکر کنی! در این صورت می‌توانم بگویم:

ترجمه	بقیه	فعل	موضوع (یا فاعل)
من تو را امشب در تظاهرات می‌بینم	hüt zaabig a de Demo.	gseeni	Diich

کلمه ای که به دلیل تضاد با چیز دیگری به یک موضوع تبدیل می‌شود، علاوه بر این تأکید می‌شود: *diich* به جای ساده *di(ch)*.

در اینجا مثال دیگری با زمینه بیشتر آورده شده است. اول، نسخه استاندارد:

ترجمه	بقیه	فعل	موضوع (یا فاعل)
من مدارک انتخاباتی‌ات را برایت می‌فرستم.	der dini Waalunderlage.	schick	Ich

و اینجا گزینه‌هایی وجود دارد که از طریق یک تضاد، کلمه دیگری به موضوع تبدیل می‌شود:

ترجمه	بقیه	فعل	موضوع (یا فاعل)
‘من مدارک رای گیری را برای شما ارسال می‌کنم، اما نمی‌توانم همین کار را برای کارمن انجام دهم.	d Waalunderlage, aber für d Carmen chani das nöd au no mache.	schicki	Diir
من اسناد انتخابات را برای شما می‌فرستم، نه رختشویی شما را!	der, nöd dini Wösch!	schicki	D Waalunderlage
‘من اسناد رای گیری را از طریق پست و سپس بقیه را از طریق ایمیل برای شما ارسال می‌کنم.	der d Waalunderlage und de Rescht dän per Mail.	schicki	Mit de Poscht



K7 -  
Audio  
Satzstellung





## C4.3



از کلمات مناسب در فرم صحیح استفاده کنید.

Vo däne Politiker\*ine isch mer niemer richtig sympathisch. Ich weiss gar nöd, wär das i söl \_\_\_\_\_ .

D Initiative isch zschtand choo, aber mir \_\_\_\_\_ erscht i zwai Mönet drüber \_\_\_\_\_ .

I de Schwiiz git s en Huuffe \_\_\_\_\_, linggi, rächti, chliini, groossi ...

Für de Vertraag brüüchtemer daa no Iri \_\_\_\_\_ .

Ali Lüüt, wo wääle und abschtime dörfed, sind zäme s \_\_\_\_\_ .

Si hät zwar wenig Gäld, aber si \_\_\_\_\_ iri Partei mit Arbet und Idee.

Schtüüre sind es wichtigs \_\_\_\_\_, aber ich find s gliich megalangwiilig.

Bisch au scho so gschanet uf s \_\_\_\_\_ vo däre- n Abschtimig?

Die Partei isch nie zfride. Si ergriiffed schtändig s \_\_\_\_\_ und tüend esoo, wi wän s Volch das wetti.

I de Schwiiz füert d \_\_\_\_\_ nöd en ainzigi Per- soon aa, sondern imer sibe gliichziitig.

## C4.4



با کلمات خود (به زبان آلمانی سوئیس) توضیح دهید که اصطلاحات زیر چه معنایی دارند.

diräkti Demokratii

-----  
-----

Volchsinitiative

-----  
-----

Referändum

-----  
-----

## C4.5



از دموکراسی مستقیم سوئیس خوشتر میاد؟ چه مزایا و معایبی از این سیستم به ذهن می رسد؟ با یک شریک در آلمانی سوئیس بحث کنید.



مکالمه را به صورت کامل بخوان.

## Jede Verain isch politisch

*S isch voCHabular-Wuchenänd z Bärn. Ali, wo bim noie Buech mithälfed, träffed sich und tuusched sich uus. Bim Zmittag chunt de Raimi mit em Peer i s Gschprööch.*

**P:** Hoj! Wie haissisch du namal?

**R:** Ich bi de Raimi - und du de Peer, oder?

**P:** Ja, genau. En guete!

**R:** En guete. Du bisch nanig so lang debii, oder?

**P:** Nai, es paar Wuche sinds jetzt.

**R:** Und wie bisch uf voCHabular choo?

**P:** Ich ha Luscht ghaa, mich politisch iizsetze. Aber nöd inere Partei oder so ...

**R:** Wisoo nöd?

**P:** Hm, gueti Fraag. Ich glaub, am Änd ischs mer aifech z schträng. Als Politiker oder Politikerin mueme doch schtändig a die danke, wo aim d Schtim ggää händ. Me mues pauseloos d Lüüt überzüüge, kämpfe, Kompromiss uushandle ...

**R:** Töönt nach Abwächslig!

**P:** Jaa, aber für miich äbe z vil. Ich find scho wichtig, das me öppis für die Gsellschaft tuet, wo me dine läbt. Aber das chame ja zum Biischpil au imene Verain mache, wo s echli entschpanter isch.

**R:** Jaa, voCHabular isch natürli seer entschpant ... und au politisch: Ali söled chöne Düütsch oder Schwiizerdüütsch leere, egaal, vo woo das si sind und wi vil Gäld das si händ. Aber ich finde, das isch eender en Uusnaam. S git au ganz vil Verain, wo total unpolitisch sind. Garteverain zum Biischpil.

**P:** Säg das nöd, die setzed sich au für öppis ii! Di ainte gsend viliich nur ire Garte, aber ali zäme chönd au öppis bewege, zum Biischpil de Tier i de Schtatt es Dihai büüte. Für miich isch jede, wo sich für andri iizetzt, politisch!

**R:** Hm, ich gsee din Punkt, aber ... was isch zum Biischpil mit Tschutte?

**P:** Fuessbal chan au es Integrations-Projächt sii. E gueti Fründin vo mir hät über s Tschutte d Schwiiz käneglärnt. Aber klaar, das isch nöd imer esoo. Vil intressiered sich au nur für d Schpilersgäbnis und suscht nüüt.



**sich intressiere (hät sich intressiert)**

Är intressiert sich wenig für andri Mänsche.

علاقه مند هستند

او علاقه چندانی به افراد دیگر ندارد.

**sich interessieren**

Er interessiert sich wenig für andere Menschen.

**egaal sii (isch egaal gsii)**

Mir isch egaal, wie alt mini Fründe sind.

مهم نیست

برایم مهم نیست که دوستانم از کدام کشور هستند.

**egal sein**

Mir ist egal, wie alt meine Freunde sind.

**choo uf (isch uf ... choo)**

Wie bisch dän aigetlich uf voCHabular choo?

به چیزی رسیدن، به چیزی فکر کردن  
واقعاً چگونه با voCHabular برخورد کردید؟

**kommen auf**

Wie bist du denn eigentlich auf voCHabular gekommen?

**debii sii (isch debii gsii)**

Bisch duu bi däm Konzärt au debii gsii?

حضور داشتن

آیا تو هم در آن کنسرت حضور داشتی؟

**dabei sein**

Warst du bei dem Konzert auch dabei?

**de Verain (d Verain)**

Wotts nöd au bi ois im Verain voCHabular mitmachen?

اتحادیه/انجمن

آیا می خواهی به انجمن voCHabular ما بپیوندی؟

**Verein**

Hättest du nicht Lust, auch bei uns im Verein voCHabular mitzumachen?

**de Punkt (d Pünkt)**

Dää Punkt wetti gärn normal diskutiere.

نقطه/نکته

من می خواهم دوباره در مورد این نکته بحث کنم.

**Punkt**

Diesen Punkt würde ich gerne noch mal diskutieren.

**tschutte (hät tschuttet)**

D Chind sind go tschutte.

فوتبال بازی کردن

بچه ها رفتند فوتبال بازی کنند.

**Fussball spielen**

Die Kinder sind Fussball spielen gegangen.

**tuusche (hät tuuschet)**

Wämmer emal oisi Chap-pene tuusche?

عوض کردن/مبادله کردن

آیا دوست دارید برای یک بار هم که شده کلاه هایمان را با هم عوض کنیم؟

**tauschen**

Wollen wir mal unsere Mützen tauschen?

**überzüüge (hät überzoge)**

Er hät megalang umediskutiert, aber überzoge häter mi nöd.

متقاعد شده

"او به مدت طولانی بحث کرد، اما موفق به متقاعد کردن من نشد."

**überzeugen**

Er hat ewig lang herumdiskutiert, aber überzeugt hat er mich nicht.

**d Uusnaam (d Uusnaame)**

Di maischte Länder vo Europa sind demokratisch, aber Belarus isch en Uusnaam.

استثنا

اکثر کشورهای اروپایی دموکراتیک هستند ، اما بلاروس یک استثنا است.

**Ausnahme**

Die meisten Länder Europas sind demokratisch, aber Belarus ist eine Ausnahme.

**wivil**

Wi vil Mieti zaleder im Monet?

چقدر

هر ماه چقدر اجاره میدی؟

**wie viel**

Wie viel Miete zahlt ihr pro Monat?

**als**

Si schafft als Chälnerin.

به عنوان

اون به عنوان پیشخدمت کار میکنه

**als**

Sie arbeitet als Kellnerin.

**der aint, di aint, s ainte (di ainte)**

Di aint hät Glacé gärn, der ander hät lieber Chueche.

یکی

یکی از آنها از بستنی خوشش می آید، دیگری کیک ترجیح می دهد .

**der eine, die eine, das eine (die einen)**

Die eine mag Glace, der andere mag lieber Kuchen.

**C5.1**

این نظر کیست؟ عبارت ها را به شخصی که فکر می کنید برای او مناسب تر است ("P" مانند "Peer" یا "R" مانند "Raimi") اختصاص دهید.

1

Ich wäär gärn emal für es paar Tääg Politiker.

2

D Natuur isch au es politischs Thema, wil mir ali öppis vo de Natuur händ.

3

Fuesbal isch unpolitisch.

4

Wämmer imene Verain schafft, engagiertme sich für d Gsellschaft.

5

Ich ha s lieber, wän d Lüüt um mich ume di gliich Mainig händ wi-n iich.

6

voCHabular isch es ganz es speziells Projäkt.

## C5.2



اینجا چند کلمه به هم ریخته‌اند. لطفاً کلمه اشتباه را زیرخط کشیده و در ستون راست نوشته و تصحیح کنید.

- 1 Im Quartierverain ischsi megaungeniert.
- 2 Ich ha ghöört, du segsch in e Party iiträtete?
- 3 Daas Argumänt überziet ali!
- 4 Als Politikerin muesme schtändig cämpe.
- 5 Bim Schaffe hani gärn echli Verwächslig.
- 6 Wämme politisch aktiv isch, machtme öppis für sini Sailschaft.
- 7 Oise Verlei hät 120 Mitglieder.
- 8 Wän d Kompression nöd gärn häsch, wirsch imer en Einzelkämpfer bliibe!

## C5.3



چه فکری می‌کنید - آیا هر انجمنی سیاسی است یا نه؟ آیا حقیقت ممکن است در میانه باشد؟ اصطلاح «سیاسی» به طور کلی یا برای شما به شخصی چه معنا دارد؟ با یک هم‌گفتار نظرات خود را مورد بحث قرار دهید.

Platz für Notizen:

---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



این بخش می توانی خود را امتحان کنی که آیا به اهدافی که برای یادگیری در نظر گرفته شده است رسیدی یا نه.

تقریب های زیر را حل کن و در بخش راه حل ها کنترل کن که چه نمره ای را گرفتی.

پیشنهاد ما در جدول زیر.

امتیاز

0-50

این فصل را دوباره از اول تکرار کن.

51-80

به اندازه کافی خوب است. شاید بهتر باشد که مبحث های درسی را تکرار کن.

81-100

عالی! میتوانی با فصل بعدی شروع کنی.

## D1

### در مورد موضوعات سیاسی تبادل نظر کردن

### D1.1



کلمات جدید مناسب را به توضیحات اضافه کنید. (هر کلمه یک امتیاز)

1 Binere Waal sini Schtim abgää haisst au ...

2 Wämme öpper uf ungrächti Art anderscht behandelt als andri, haisst das ...

3 Wän en Huuffe Lüüt us politische Gründ uf d Schtraass gönd, isch das e ...

4 Die Politiker\*ine, wo im Momänt de Schtaat länked, bilded zäme d ...

5 Wämmmer freiwillig Ziit für e gueti Sach git, tuetme sich ...

6 E Gruppe vo Lüüt, wo sich regelmässig für en beschtimte Zwäck träffed - das isch en ...

7 Das Dokumänt, wo bewiist, das me en Aaghöörige vomene beschtimte Schtaat isch, isch de ...

### D1.2



Patime و João در مورد سیاست مسکن صحبت می کنند. و حروف R (صحیح) یا F (غلط) را علامت بزنید. (هر پاسخ صحیح 3 امتیاز)

R

F

D Wonig vom João söl renoviert wärde.

 — 

D Patime isch grundsätzlich gäg Renovatione.

 — 

D Patime isch unzfride mit de Wonigspolitik.

 — 

De João findt, das Immobilie-Undername z vil Profit mached.

 — 

D Patime findt, Immobilie-Undername müested mee a d Zuekunft danke.

 — 

D Meerhait vo de Schwiizer\*ine hät käs aigets Huus.

 — 

K7 -  
Audio D1.2



## D1.3



یک شریک پیدا کنید که به خوبی زبان سوئسی مسلط باشد. به همراه یکدیگر یک موضوع و سوال سیاسی مشخص کنید - که خیلی پیچیده نباشد! در پایین یک لیست از پیشنهادها برای موضوعات مرتبط با دروس گذشته وجود دارد. سپس نظرات شما درباره سوالات مطرح شده را مورد بحث قرار دهید: سیاست فعلی چگونه است؟ چگونه باید باشد؟ در پایان، شریک شما را ارزیابی می‌کند: 20 امتیاز اگر همه چیز را خوب فهمیده باشد، 0 امتیاز اگر اصلاً چیزی را فهم نکرده باشد. همه چیز در میان هم ممکن است.

### موضوع

### سوال

<b>Freizeit</b>	Sött de Schtaat nöd nume Kulturbetrieb, sondern zum Biischpil au einzelni Musiker*ine mit Gäld unterschütze?
<b>Schuel</b>	Sötted mee Lüüt uf d Uni chöne gaa und was cha d Politik defür oder degäge mache?
<b>Arbet</b>	Bruuchts i de Schwiiz en Mindeschtlöön?
<b>Ässe</b>	Ischs guet, wän d Landwirtschaft vom Schtaat so vil Gäld überchunt, das si iri Produkt vil biliger cha verchaffe, als si aigetlich wäred?
<b>Wone</b>	Ischs okay, d Landpriis i de Schtett em freie Märt z überlaa?

## D2

### نظام سیاسی سوئیس

### D2.1



از کلمات جملات بساز :

- ترتیب را اصلاح کنید (هر کدام ۱ امتیاز)
- ضمیر بی‌طرف (مثل من یا فرم مناسب، هر کدام ۱ امتیاز) را در جملات زیر قرار دهید و
- فعل‌ها را تنظیم کنید (هر کدام ۱ امتیاز).

بلوک اول (دقیقا) در حال حاضر در جای مناسب است. جملات نهایی اظهارات درباره سیاست سوئیس است.

I de Schwiiz: es paarmal abschtme chöne jedes Jaar

Wän: wele bruuche s Schtimrächt de Schwiizer Pass zerscht

Wän: kontrolliert wärde säge müese d Polizei de Grund

Ab und zue: ane Demo söle gaa sini Mainig z zaige de Politik zum

S Referändum: uufnääh chöne wän nöd gfale es politischs Voorhabe



همانطور که اغلب می‌توانید آنها را در نمایشگاه های سوئیس بشنوید. آنها را با مسائل سیاسی مناسب ارتباط دهید. (هر کدام 2 امتیاز)

K7 -  
Audio D2.2



شعار 1

شعار 2

شعار 3

شعار 4

شعار 5

حقوق بشر در سیاست مهاجرت

اقدامات بیشتر در برابر تغییرات آب و هوایی

ازدواج برای همجنسگرایان و لزبین ها

نابرابری دستمزد بین مردان و زنان

موضوعات مختلف مانند آب و هوا

## D2.3



رونویسی زیر از یک مقاله رادیویی را بخوانید و سعی کنید مهمترین چیز را درک کنید، حتی اگر هنوز همه کلمات را نمی‌دانید. سپس به سوالات پاسخ دهید. (۳ امتیاز برای هر پاسخ)

Am hütige Sontig isch under anderem di sogenant Begränzigsinitiative zur Abschtimig choo. D Initiative wott d Zuewanderig i d Schwiiz schträng beschränke, vor alem im Hiiblick uf der Arbetsmärt, und forderet daa defür, das d Abkome über d Persoonefreizügigkeit mit de EU kündt wärded. D Initiative hett groossi Uuswüerkige uf d Wirtschaft, aber au uf s Image vo de Schwiiz ghaa und isch drum im Voorfäld kontrovers diskutiert worde. Hüt ischsi aber trotz enere uufwändige Kampanie vo de SVP mit rund 62 % düütlich abgleent worde. D Schtimbeteiligung isch bi knapp 60 % gläge.

Um weli Initiative gaats?

-----

Gaats bi de Initiative um liwanderig oder Uuswanderig?

-----

Wäär wär usser de Schwiiz vo de Initiative no betroffe?

-----

Wi vil Prozänt händ gäg d Initiative gschtume?

-----

## D3.1



کلمات صحیح را از جعبه در جملات قرار بده.  
توجه: همه کلمات را نمی‌توان استفاده کرد!  
(1 امتیاز در هر کلمه)

Naawiis / schtele / Arbeitsvertrag / Papiir / mäldte / verlengere /  
setze / abgloffte / Formular / Biilage / abgschtelt / beaaträge / gültig /  
uufschalte / Uuswiis

Min Uusländeruuswiis isch vor zwai Wuche .....

Ich müest en dringend .....

Ich ha jetzt lang gnueg gwartet. Ich wür gärn de B-Uuswiis

.....

Das ..... händ Si scho richtig uusgefült, aber s  
fääled no es paar .....

Tuet mer laid, d Frischt isch abgloffte. Si müend der Aatraag namal noi  
.....!

Ich glaub Ine scho, das Si en Job händ, aber für der Aatraag bru-  
uchs en .....

.....

## D3.2



در این درخواست، مراحل به هم ریخته‌اند. لطفاً  
با شماره گذاری مراحل، آنها را به ترتیب صحیح  
دریابورید. (هر مرحله در جای صحیح خود 2  
امتیاز دارد)

s Formular uusfüle

d Gebüer zale

der Aatraag iiraiche

d Bearbeitig abwarte

d Dokumänt zämesueche





# فرهنگ 8.

## اهداف یادگیری

تو می توانی ...

- ... درباره تفاوت خصوصیات و ویژگی های سوئیس حرف بزنی.
- ... توضیح بده چی چیزی را در فرهنگ خود و در فرهنگ سوئیس دوست داری و چی چیزی را دوست نداری.
- ... درباره فرهنگ و آداب و رسوم فکر کرده و درباره مرز این لغات حرف بزنی.

# Für miich isch d Schwiiz ...

A1

وقت برای دوباره دیدن همدیگر! چهار نفر که تو در درس ۱ شناختی، آنها اینجا از دیدگاه خود درباره فرهنگ سوئیس حرف میزنند.



گوش کن و متنها را بخوان.

K8 -  
Audio A1



## Fateme:

D Kultur vo de Schwiiz? Hm, also iich finde, d Schwiiz isch vor alem es seer es schportlichs Land. Ali mached doch irgendöppis, wandre, Schii faare, schwüme... Mir gfalt das natürli und bsunders, das Fuesbal so beliebt isch. Ich finde, so wi oisi Natsi i de letschte par Jaar gschpilt hät, chame au shtolz uf si sii. Ich bi zwar erscht foif Jaar daa, aber für miich isch es gliich «oisi» Natsi. Mir gfalt supper, wi vil Lüüt mit Migrationshindergrund daa mitschpiled. Das isch doch au d Schwiiz, so-n e groossi Pfane, wo ales driigheit wird und es chunt öppis Fains use!

## Nadir:

Also d Schwiiz isch für mich zerscht emal es Land in Europa, wo gar nöd so anderscht isch wi di andre. Was speziell isch, isch iri politisch Kultur. Di di-räkt Demokratii findi zum Biischpil e supper Sach. Es git nöd vil andri Länder uf dä Wält, wo d Bürger und Bürgerine so vil chönd mitbeschtime. Uf de andre Siite isch es zimli schwirig, s Bürgerrächt z überchoo, sogaar, wämme daa uf d Wält choo isch. Das löscht mer den eender wider ab, wi lang das me daa mues warte und sich abmüe. Irgendwie sind baidi Sache tüppisch schwiizerisch, d Möglichkaite und d lischränkige.

## Pablo:

Was typisch schwiizerisch isch? Das isch no schwirig, ich cha nur säge, was iich dänke. Wän i «Schwiiz» ghööre, dänki vor alem a d Schwiizer Schtett. Ali reded imer vo de Bärge und vo de Chüe und em Chääs, aber i de Schtett schpilt doch s Läbel! Und ich find, i vilne Schwiizer Schtett wird vil für s Kultu-urläbe und für d Kunscht gmacht, s git Konzärt, Uusschtelige, Festivals, Kino... S isch imer öppis loos und d Lüüt gnüessed s. Das isch für mich Schwiizer Kultur!

## Andrea:

Für miich isch d Schwiiz es Land, wo me Traditione läbt, zum Biischpil s Hackbrätt i de Musig oder Schwinge im Schport. Okay, s git villich nöd so vil Lüüt, wo i irere Freiziit Hackbrätt schpiled oder schwinged, aber defür gits die Sache ebe nur daa und mir gfalt, das si so pflägt wärded. Ich sälber gaa ja gärn i d Bärge, das isch für mich au en Art Tradition. Mini Eltere sind scho imer mit ois go lauffe und ich wott das mit mine Chind au wider esoo mache. D Schwiizer Bärge sind aifech di schönschte uf de Wält, drum chömed ja au so vil Turischtine und Turischte zu ois!



# تمرینات مقدماتی

## A2



کی وچی فکر میکند؟ برای هر اظهار و شخص معین علامت بزنی (برای فاطمه  $F$ , ندیر  $N$ , پابلو  $P$ , آندرا  $A$ ).

		F	N	P	A
1	در سوئیس آدما دوست دارن ورزش کنند.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
2	این خیلی هم آسان نیست بگوید چی مشخصه سوئیس است.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
3	خیلی طول میکشه تا پاسپورت سوئیس را گرفت.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
4	در سوئیس از آداب و رسوم مراقبت میشه.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
5	سوئیس هم خوبی خود را دارد هم بدی خود را.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
6	در سوئیس مردم به پیشنهادات فرهنگی علاقه دارن.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
7	کشتی سوئیس یه ورزش معمول و خاص سوئیس است.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
8	برای سوئیس معموله که خیلی آدم ها از کشور های مختلف اینجا زندگی و کار کنند.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

## A3



برای جمله های بغل دست تصمیم بگیر که آیا این نظرات آدم های ذکر شده است یا نه؟

	R	F
برای پابلو شهر ها و آداب و رسوم سوئیس بهترینه.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
آندره میخواهد رسم و رواج سوئیس را به فرزندان خود یاد بدهد.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ندیر فکر میکند که سوئیس در جهان منحصر به فرد است.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
به نظر فاطمه اگر کسی در سوئیس زندگی میکنه باید طرفدار تیم ملی فوتبال سوئیس هم باشه.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

## CH

## DE

## فارسی/ادری

**Europa (-)**

Si hät letscht Jahr en Euro-parais gmacht.

اروپا

او سال گذشته یک سفر اروپایی رفت.

**Europa**

Sie hat letztes Jahr eine Europareise gemacht.

**schwiizerisch (schwiizerischer)**

Was isch typisch schwiizerisch?

سوئسیسی

چه چیزهایی مختص سوئیس است؟

**schweizerisch**

Was ist typisch schweizerisch?

**typisch (typischer)**

Das isch en tüppische Züri-Brune.

نوع، معول، نمونه

این یک چشمه معمولی زوریخی است.

**typisch**

Das ist ein typischer Zürcher Brunnen.

**d Kultur (d Kultuure)**

Ich find s schpanend, in e främdi Kultur iiztauche.

فرهنگ

غوطه ور شدن در یک فرهنگ بیگانه بنظم هیجان انگیز است.

**Kultur**

Ich finde es spannend, in eine fremde Kultur einzutauchen.

**d Kunscht (d Künscht)**

Ich liebe Kunscht und gan gärn i Musee'e.

هنر

من هنر را خیلی دوست دارم و به علاقه در موزیم (موزه) میرم.

**Kunst**

Ich liebe Kunst und gehe gerne in Museen.

**d Tradition (d Traditione)**

Am Geburi ässemer ali zäme Zmorge - das isch Tradition bi ois.

آداب و رسوم

در تولد همه باهم غذا میخوریم، این یک آداب و رسوم است بین ما.

**Tradition**

Am Geburtstag essen wir alle zusammen - das ist eine Tradition bei uns.

**de Migrationshindergrund (-)**

En Groosstail vo oisem Team hät en Migrationshindergrund.

پشت صحنه مهاجرت

یک بخش بزرگ از تیم ما پشت صحنه مهاجرت دارد.

**Migrationshintergrund**

Ein Grossteil von unserem Team hat einen Migrationshintergrund.

**d Pfane (d Pfanene)**

Die Pfane bruuchemer amigs zum Suppe choche.

دیگ، قابلمه

این دیگ را ما همیشه برای پختن سوپ استفاده میکنیم.

**Topf**

Diesen Topf benutzen wir immer zum Suppe kochen.

**schportlich (schportlicher)**

Du bisch scho imer bitz schportlicher gsii wi-n iich.

ورزشی

تو همیشه یک ذره از من ورزشی تر بودی.

**sportlich**

Du warst schon immer ein bisschen sportlicher als ich.

<b>d Natsi (-)</b> Ich verfolge jedes Spiil vo de Schwiizer Natsi.	تیم ملی من هر بازی تیم ملی سوئسی را دنبال میکنم.	<b>Nationalmannschaft</b> Ich verfolge jedes Spiel der Schweizer Nationalmannschaft.
<b>s Schwinge (-)</b> Min Lieblingsschport isch Schwinge.	کشتی سوئسی ورزش مورد علاقه من کشتی سوئسی است.	<b>Schwigen</b> Mein Lieblingssport ist Schwigen.
<b>d*e Bürger*in (d Bürger*ine)</b> Als engaschierti Bürgerin setztsi sich aktiv für der Umwäلتschutz ii.	شهروند به عنوان یک شهروند متعهد، او به طور فعال از حفاظت از محیط زیست حمایت می‌کند.	<b>Bürger*in</b> Als engagierte Bürgerin setzt sie sich aktiv für den Umweltschutz ein.
<b>s Bürgerrächt (d Bürger-rächt)</b> Ais vo de Bürgerrächt i de Schwiiz isch s Waalrächt.	حقوق شهروندی یکی از حقوق شهروندی در سوئیس حق رای است.	<b>Bürgerrecht</b> Ein Bürgerrecht in der Schweiz ist das Wahlrecht.
<b>mitbeschtime (hät mit-beschtime)</b> I däm Projäkt chani vil mit-beschtime.	در تصمیم‌گیری مشارکت کردن، در رای در تصمیم‌گیری رای‌این پروژه میتوانمی توانم شرکت کنم.	<b>mitbestimmen</b> In diesem Projekt kann ich viel mitbestimmen.
<b>d lischränkig (d lischränkige)</b> D liris isch wider ooni lischränkige möglich.	شرط، محدودیت ورود مجدد بدون محدودیت امکان پذیر است.	<b>Einschränkung</b> Die Einreise ist wieder ohne Einschränkungen möglich.
<b>sich abmüe (hät sich ab-gmüet)</b> Ich müe mich scho sit zwai Schtund mit däre-n Uuf-gaab ab.	خیلی تلاش کردن، دست و پنجه نرم کردن حالا دو ساعته که من با این کار دست و پنجه نرم میکنم.	<b>sich abmühen</b> Ich mühe mich schon seit zwei Stunden mit dieser Aufgabe ab.
<b>ablösche (hät abglöscht)</b> Woni gsee han, wi vil Lüüt aaschtönd, ischs mer gad verleidet.	خسته شدن از چیزی وقتی دیدم چند نفر در صف هستند، دم‌نخواست در صف بایستم.	<b>verleiden</b> Als ich gesehen habe, wie viele Leute anstehen, ist es mir verleidet.
<b>bschiisse (hät bschisse)</b> 20 Franke sind vil z tüür, die händ dich bschisse.	تقلب کردن 20 فرانک خیلی زیاده، آنها سرت تقلب کاری کردن.	<b>bescheissen</b> 20 Franken sind viel zu teuer, die haben dich beschissen.
<b>vor alem</b> I de Freiziit verbringemer vil Ziit am See, vor alem im Sumer.	بخصوص در اوقات فراغت ما خیلی وقت خود را در کنار دریا میگذرانیم بخصوص در تابستان.	<b>vor allem</b> In der Freizeit verbringen wir viel Zeit am See, vor allem im Sommer

**bsunder- (bsundriger)**

Si isch wükli e bsunderi Frau.

به ویژه

او واقعاً یک خانم خاص است.

**besonder-**

Sie ist wirklich eine besondere Frau.

**beliebt (beliebter)**

Fuesbal isch seer e beliebti Schportart i de Schwiiz.

محبوب

فوتبال یک ورزش خیلی محبوب در سوئیس است.

**beliebt**

Fussball ist eine sehr beliebte Sportart in der Schweiz.

**d Art (d Arte)**

Das isch iri Art zum «Danke» säge.

طریقه ، روش

این روش او برای تشکر کردن است.

**Art**

Das ist ihre Art, um Danke zu sagen.

K8 -  
Hauptwortschatz



# دستور زبان

## مجهول (انجام داده شدن)

مجهول *passiv* شکلی از فعل است که از آن استفاده می‌شود وقتی نمی‌دانیم چه کسی کاری را انجام داده یا می‌خواهیم آن را به‌عنوان یک نکته کم‌اهمیت نشان دهیم. برای مثال:

- *Im Moment wärded vil noii Hüüser pout* در حال حاضر خیلی خانه های جدیدی ساخته میشود. (کی خانه ها را میسازد معلوم نیست)
- *Dä Film isch 2002 dräijt worde* فیلم در سال ۲۰۰۲ درست شده (کی فیلم را درست کرده معلوم نیست، بلکه خود فیلم و سال تولید آن جالبه)
- *Bisch verletzt worde ?* آیا زخمی شده ای؟ (کی این کار را کرده فعلا مهم نیست، من میخواهم بدانم که چه اتفاقی برای تو افتاده.)

این مثال ها نشان میدهند که چطوراز *passiv* (مجهول/نا معلوم) استفاده می شود. دقیقا مثل آلمانی استاندارد. فعل کمکی *wärde* + فعل گذشته. فعل *wärde* بی قاعده است

### wärde 'werden': einfaches Präsens

1. Pers. Sg.	ich wird	ich werde
2. Pers. Sg.	du wirsch	du wirst
3. Pers. Sg.	är/si/es wird	er/sie/es wird
1 Pers. Pl.	mir wärded	wir werden
2. Pers. Pl.	ir wärded	ihr werdet
3. Pers. Pl.	si wärded	sie werden

فعل کمکی گذشته با *sii* درست میشود: از من همیشه پرسیدن *ich bi das imer wider gfrööged worde*، از او همیشه سوال شده است. *si isch zueglaa worde*، او اجازه داده شده. معنای صدای (مجهول *passiv*) مشابه برخی از اشکال دیگر است اما دقیقا یکسان نیست. در اینجا یک نمایی کلی وجود دارد. (جملات نمونه هر کدام یک بار به صورت مجهول):

- *me (man)* کمک میکند تا به طور کلی نظر خود را در مورد یک موضوع بیان کرد بدون اینکه شخص مورد نظری را مخاطب قرار داد
- *Kraussell" Schriibtme Karussell mit zwei S ?* با دو تا س نوشته میشود؟
- *Karussell wird oft falsch gschriibe*. کلمه *Karussell* معمولا اشتباه نوشته میشود. (برخی اشتباهی می‌کنند، اینکه چه کسی دقیقاً، مهم نیست.)

- *si (sie)* می‌توان از *Si* (آن‌ها) استفاده کرد وقتی دقیقاً نمی‌دانیم چه کسی کاری را انجام می‌دهد، اما گروه خاصی از افراد را در ذهن داریم. مقایسه کنید:
- *Jetzt händs ändlich emal en Velotunel pout.* حالا بالاخره به تونل دوچرخه ساختن (مردم شهر، دولت، ...)
- *Dää Tunel isch im Mittelalter pout worde.* 'بالاخره آنها یک تونل ساختن (مردم، شهردار و غیره)
- *irgendöpper (irgendjemand)* یا *öpper (jemand)* زمانی که فکر می‌کنید یک شخص خاص کاری انجام داده است. شما هنوز نمی‌دانید چه کسی، اما معمولاً می‌خواهید بدانید. مقایسه:
- *Irgendöpper pflanzt da imer so schööni Blüemli.* "یکی همیشه گل‌های قشنگی رو اینجا می‌کاره" (البته یک فرد مرموز، اما من نمی‌دانم (هنوز) کی).
- *Die Blüemli da wärdet zwaimal i de Wuche gschprüzt.* این گل‌ها دو بار در هفته آبیاری می‌شوند. (مهم نیست چه کسی این کار را انجام می‌دهد، شاید باغ شهر).

### سببی (وادار کردن به انجام کاری / انجام دادن توسط دیگری)

خیلی از اتفاقات خود به خود اتفاق نمی‌افتند بلکه وابسته به اجازه به یک شخص، و یا وابسته به انجام یک عمل توسط این شخص است. با کمک *Kausativ* میتوان چنین جملات را دقیق تر بیان کرد. به مثال‌های ذیل توجه کنید:

- *Laasch dini Chind uf de Schtraass la schpile?* آیا طفل‌های خود را می‌گذارید در خیابان بازی کنند؟ (اجازه دادن)
- *Er laat mi nie (la) uusrede.* او هرگز نمی‌گذارد حرف خودم را به آخر برسانم. (گذاشتن)
- *Jetzt wottsi ois sogar am Suntig la schaffe.* حتی او اکنون می‌خواهد که ما روز یکشنبه کار کنیم (سبب شدن)

جمله *Kausativ* با فعل کمکی *laa* همان و با مصدر فعل که می‌خواهی بگویی، درست میشود. *laa* بی قاعده است:

laa: گذاشتن؛ زمان حال ساده			
1. Pers. Sg.	ich laa	من می‌گذارم	ich lasse
2. Pers. Sg.	du laasch	تو می‌گذاری	du lässt
3. Pers. Sg.	är/si/es laa	او می‌گذارد	er/sie/es lässt
1 Pers. Pl.	mir lönd	ما می‌گذاریم	wir lassen
2. Pers. Pl.	ir lönd	شماها می‌گذارید	ihr lasst
3. Pers. Pl.	si lönd	آنها می‌گذارد	sie lassen



وقتی *laa* به فعل کمکی وابسته باشد، به شکل کوتاه *la* تبدیل می‌شود:  
 «دیروز بهت اجازه دادم بیشتر بخوابی»، *Ich ha di geschter scho la uusschlaaffe*  
*Würsch das de Pöschtler la ufebringe?* «آیا این را توسط پستچی بالا می‌آوری؟». بعضی  
 گویشوران از این *la* حتی وقتی فعل کمکی وجود ندارد نیز استفاده می‌کنند، به عبارت دیگر علاوه بر *laa* یا یکی  
 از شکل‌های آن: *Hüt laani di sicher nöd (la) uusschlaaffe*: «امروز قطعاً اجازه نمی‌دهم بیشتر  
 بخوابی»، *Laa s de Pöschtler (la) ufebringe, bitte* «بگذار پستچی آن را بالا بیاورد، لطفاً».  
 گاهی اوقات فردی اجازه یا دستور انجام کاری را روی خودش می‌دهد. اینکه چه کسی این کار را انجام می‌دهد،  
 اغلب چندان مهم نیست. برای بیان این مفهوم، می‌توان حالت سببی را با *sich* ترکیب کرد.

■ *Morn laani mi (la) fötele*. فردا از خودم عکس می‌گیرم.

■ *Morn lömmer ois d Haar (la) schniide*. فردا ما موهای خود را کوتاه می‌کنیم.

■ *Häsch der es Päckli (la) schicke?* آیا تو به من یک پاکت فرستادی؟

■ *Häsch di wider (la) bschiisse?* دوباره اجازه دادی فریب بخوری؟



Morn laani mr  
 d Haar ganz  
 churz schniide.  
 Ich hoffe-n es  
 staat mer.

## B1



جاهایی خانه خالی را پر کنید.

D Schwiiz isch es Land i de Mitti vo .....  
 Wil si uf alne Siite Naachbere hät, sind daa imer scho Lüüt ii- und uus  
 ..... und niemer isch scho imer daa gsii. Drum  
 händ au seer vil Lüüt i de Schwiiz en .....,  
 und daas scho siit vilne Jarhundert. Me chönt sogaar säge, das daas  
 en Art Schwiizer ..... isch, genauso wie s  
 Läbe i de Bärge oder di diräkt ..... . Ob-  
 wool so vil Lüüt d Schwiiz zu irere Haimet mached, isch s Schwiizer  
 ..... aber schwirig z überchoo.

## B2



جملات به مجهول (passiv) بنویسید، مواظب  
 باشید بعضی کلمات می توانند حذف شوند. برای  
 مثال *me* آدم.

1. I de Schwiiz triibtme vil Schport.

.....

2. D Schwiiz isch wine groossi Pfane, wo me ales driirüert.

.....

3. D Schwiizer\*ine schetzed di diräkti Demokratii.

.....

4. D Bürger\*ine beschtimed d Politik mit.

.....

5. Wän s um d Schwiiz gaat, redtme imer vo de Bärge und de Chüe.

.....

6. I de Schwiizer Schtett machtme vil für s Kultuurläbe.

.....

7. Vil Turischt\*ine bsueched d Schwiiz.

.....

## B3

## Laa mi (la) mache

### B3.1



جملات زیر را به صورت سببی تبدیل کنید، به طوری که شخصی اضافه شود که رویداد را اجازه دهد، بپذیرد یا باعث آن شود. این شخص و هر کلمه اضافی که لازم است اضافه شوند، در پرانتز آورده‌اند.

مثال

Ich bruuche sis Tüechli. (+ er, nie) → *Er laaf mi nie sis Tüechli la bruuche.*

1. Dänked Si no echli naa. (+ ich, gärn)

2. Ich schaffe-n in Rue. (+ du, bitte)

3. Das sött gschiider mal en Arzt aaluege. (+ dini Schwöschter)

4. Mängisch chunt e Pizza. (+ mir)

5. De Karim schpilt mit sine Autos. (+ ir, doch)

6. Si gaat uf s Gimi. (+ iri Eltere, händ)

### B3.2



از کلمات کنار جمله بساز.

مثال

ich, föttele → *Ich laa mi (la) föttele.*

1. ich, megagärn, massiere

2. du, chöne, die Websiite, voorläse

3. mini Koleegin, amigs, d Schtüüre, mache

4. mir, erscht emal, en Offerte, choo

5. ir, ja gar nüm, gsee

6. di baide, letschts Jaar, iibürgere

## C1



متن این بخش پیشرفته یک برنامه رادیویی است.  
اول آن را گوش کن.

K8 -  
Audio C1



## Schwiizer Musig

Was isch aigentlich «Schwiizer Musig» - Musig, wo i de Schwiiz gschpilt wird oder wo daa glosset wird? Ischs Musig, wo imer scho daa gsii isch - und gits das überhaupt? Ischs daas, wo die maischte Lüüt gärn händ, oder daas, wo me nume i de Schwiiz findt?

Oft wird zum Biischpil gsait, das s Hackbrätt und s Schwiizerörgeli typisch schwiizerischi Inschtrumänt seged. Äänlichi Inschtrumänt git s aber au i vilne anderne europäische Länder - s Hackbrätt und s Schwiizerörgeli sind aifech schpezielli Forme daa devoo. Sogaar s Alphorn und s Jodle findtme nöd nume i de Schwiiz, sondern au z Düütschland und z Ööschtrich.

Öppis, wo s wükli suscht nienets git, sind Lieder, wo uf Schwiizerdüütsch gsunge oder gräppt wärded. I de 60er-Jaar isch zum Biischpil de Bärner Sänger Mani Matter mit sine naachdänkliche Lieder berüemt worde. Hüüt gits aber au vil Bands, wo Rock oder au Hip-Hop im Dialäkt mached. Aber wän daas typisch schwiizerisch isch, was isch dän mit Lieder uf Französisch, Italiänisch oder Rumantsch?

Me cha-n au frööge, wie i de Schwiiz Musig konsumiert wird. Zum Biischpil falt uuf, wi vil i de Schwiiz Festivals bsuecht wärded. Vo Pop und Rock bis zu Volksmusig oder Jazz, vo graatis bis tüür, für jede Gschmack isch öppis debii und für vil Lüüt - vor alem für jungi - isch de Sumer vor alem d Saison, wo me uf ais Festival nach em andre gaat.



**d Volksmusig (-)**

Volksmusig isch nöd so mis Ding.

موسیقی محلی

موسیقی محلی کار من نیست.

**Volksmusik**

Volksmusik ist nicht so mein Ding.

**s Inschtrumänt (d Inschtrumänt)**

Es Inschtrumänt z leere bruucht Ziit.

ابزار موسیقی

یادگیری یک ابزار موسیقی زمان می برد.

**Instrument**

Ein Instrument zu lernen braucht Zeit.

**s Alphorn (d Alphörner)**

Alphörner gänd en tüüffe, runde Toon.

ابزار موسیقی Alphorn

Alphörner صدای عمیق و گرد دارد.

**Alphorn**

Alphörner haben einen tiefen, runden Klang.

**s Schwiizerörgeli (d Schwiizerörgeli)**

S Schwiizerörgeli isch en Art Akkordeon.

شوایزرورگلی

یک نوع آکاردئون است.

**Schwyzerörgeli**

Das Schwyzerörgeli ist eine Art Akkordeon.

**d\*e Säng\*er\*in (d Säng\*er\*ine)**

Als Chind hani wele Säng\*er\*in wärde.

خواننده

زمان طفلی (بچه گی) میخواستم خواننده شوم.

**Sänger\*in**

Als Kind wollte ich Säng\*er\*in werden.

**jodle (hät gjodlet)**

Muesch mal i de Duschi jodle, das entschant.

یودل

باید یک بار در حمام یودل بزنی، این آرامش بخش است.

**jodeln**

Du musst mal in der Dusche jodeln, das entspannt.

**äänlich (äänlicher)**

De Pedro und de Pjotr gsend sich megaäänlich, mängisch mueni zwaimal luege.

مشابه

Pjoter و Pedro تقریباً مشابه دیده میشوند باید گاهی دو بار نگاه کنم.

**ähnlich**

Pedro und Pjotr sehen sich sehr ähnlich, manchmal muss ich zweimal gucken.

**europäisch (-)**

Di wichtigscht europäisch Wäärig isch der Euro.

اروپایی

مهمترین واحد پولی اروپایی یورو است.

**europäisch**

Die wichtigste europäische Währung ist der Euro.

**wi vil**

Wi vil Kilo Härdöpfel bruuchemer?

چقدر

چقدر ما کچالو (سیب زمینی) نیاز داریم؟

**wie viel**

Wie viele Kilo Kartoffeln brauchen wir?

**nienets**

E so-n e günschtigi Mieti findsch suscht nienets.

هیچ جا ، هرگز

چنین اجاره ارزانی را هیچ جای دیگری پیدا نمی کنی.

**nirgends, niemals**

So eine günstige Mieti findest du sonst nirgends.

**sondern**

Das isch kän Baum, sondern en Busch!

بلکه

این درخت نیست، بلکه یک بته است.

**sondern**

Das ist kein Baum, sondern ein Busch!

وقتی یک جمله برای چیزها یا افرادی هم صدق می‌کند که انتظار آن را نداریم، می‌توانیم از *sogaar* (حتی) استفاده کنیم:

*Normalaalt gits Demos nur i de gröössere Schtett, aber daas Maal isch sogaar i mim Dorf aini. zschtrand choo!*

*Normalerweise finden Demos nur in gröösseren Städten statt, aber diesmal ist sogaar in meinem Dorf eine zustande gekommen!*

معمولاً تظاهرات فقط در شهرهای بزرگ برگزار می‌شود، اما این بار حتی در روستای من هم یکی برگزار شد!

*D Jonne bliibt suscht imer dihai, aber geschter isch sogaar sii mitchoo.*

*Jonne bleibt sonst immer zu Hause, aber gestern ist sogaar sie mitgekommen.*

یوننه معمولاً همیشه در خانه می‌ماند، اما دیروز حتی او هم همراه شد.

**-er****-er**

میتوانی پسوند *-er* را به اعداد اضافه کنی تا معانی مختلفی ایجاد کنی. در متن، شکل *60er-Jaar* («دهه ۶۰») آمده است - شکل‌های مشابهی برای دوره‌های دیگر هم وجود دارد. حتی می‌توان کلمه *Jaar* را حذف کرد: *D 90er sind e supper Ziit gsii!* «دهه ۹۰ زمان فوق‌العاده‌ای بود!»

علاوه بر این، *-er* را می‌توان برای چیزهایی که شماره دارند (مثل *de 17er-Bus* «اتوبوس شماره ۱۷») یا برای چیزهایی که برای تعداد مشخصی از افراد در نظر گرفته شده‌اند (مثل *en Vieretisch* «میز چهار نفره») استفاده کرد.

توجه: همه *-er*های آلمانی استاندارد به *-er* در آلمانی سوئیسی تبدیل نمی‌شوند - در برخی موارد، آلمانی سوئیسی به جای آن *i* استفاده می‌کند! این شامل نمرات مدرسه (مثل *Ich han es 5i überchoo* در مقابل *Ich habe einen 5er bekommen*، «من نمره ۵ گرفتم») و کارت‌های بازی (مثل *Häsch s 8i zoge ?* در مقابل *Hast du den 8er gezogen?*، «کارت ۸ را کشیدی؟») می‌شود. در مورد وسایل نقلیه نیز معمولاً *i* ترجیح داده می‌شود، اگر عدد به تنهایی استفاده شود: *s11er-Tram* اما *s11i* «تراموا شماره ۱۱» (در مقابل آلمانی استاندارد *die11er-Tram, die 11er*).

**C1.1**

Musig wird gschpilt → **me schpilt** مثال



تمام کلمات مجهول (Passiv) را که در کنار می‌آید خط بزن و یک جمله جدید با *me* (آدم) برای.

## C1.2



آیا جمله ها در ردیف درست قرار دارد، معنی جمله ها چی است دور آنها را دایره بکشی. نظر تو در این باره چیست؟ می توانی نظر خود را با یک نفر دیگه میان بگذاری.

### Aussage

R

F

Lieder uf Schwiizerdüütsch gits nume i de Schwiiz.

—

I de Schwiiz wird seer vil Alphorn gschpilt.

—

Lieder uf Französisch sind nöd typisch schwiizerisch.

—

Jodle isch schööner wi Räppe.

—

Vil Schwiizerine und Schwiizer liebed Festivals.

—

«Schwiizer Musig» isch schwirig z definiere.

—

## C1.3



به نظر تو کدام موسیقی به مختص به کشورت میباشد. در باره آن چند جمله بنویس.

.....

.....

.....

.....

## C1.4



در متن راجع به تعریف های مختلفی بحث می شود که چی در یک کشور معمول است. تو چی فکر میکنی، به نظر تو کدام ها بهتر است؟ چند دلیل به پشتیبانی از نظر خود آورده و سپس فکر خود را با یک شخصی دیگر در اشتراک بگذار یا آنها به شکل یک متن کوتاه بنویس.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



## Ziit für en Apéro

آنتی دوستان خود از کار، کریم و رودریگو را به خانه خود دعوت میکند. زنگ دروازه زده می شود، مهمان ها اینجا هستند.

- 
- A:** Hoi zäme, schön, sinder daa, chömed nume inel! D Jaggene chönder suscht daa bi de Garderobe-n uufhänke.
- 
- R:** Danke für d liladig! Ich han daa no öppis Chliises für dich mitpraacht.
- 
- A:** Danke dir und schön, häts klappet. Was wüeder gärn trinke? Ich chan oi zum Biischpil en Aperol mache oder s hät au Prosecco, Bier oder Wiisswii us em Wallis und natürlich au Getränk ooni Alkohol.
- 
- K:** Für miich gärn en Aperol.
- 
- R:** Ich wür es Glaas Wiisse nää.
- 
- A:** Ja, bringi gärn. Sitized ruig scho mal ane und fanged aa ässe.
- 
- R:** Mm, die Oliive sind megafain. Vo wo häsch die?
- 
- A:** Ich bi geschter uf em Märt gsii und deet häts so-n en Schtand mit ganz vil verschidnige Antipasti und Trochefrücht. D Tomäätli hani au vom Märt. Ich lieb s, wän ales Gmües so früscht isch.
- 
- K:** Ja, ich probier au amigs, uf de Märt z gaa vor em Schaffe. Scho cool, wämme s Ässe chan soozsäge diräkt ab Hoof chauffe. Und wie lauffts im Gschäft?
- 
- A:** Guet. Im Momänt sind schtändig Apéros. Am Määntigaabig hämmer en Begrüessigsapéro mit alne noie Mitarbaitende ghaa und geschter dän vom Verband so-n es Vernetzigsträffe mit Apéro riche. Imer schön, zum so in Fiiraabig z scharte und chli gmüetlich schwätze und noii Lüüt känelärne.
- 
- R:** Was isch dän en Apéro riche?
- 
- A:** Aifach en megariichhaltige-n Apéro mit uuvil verschidnige Sache. Dän häsch nacher gad scho Znacht ggässe.
- 
- K:** Aso din Apéro isch aber au seer grooss, häsch sicher es Wiili ghaa zum das ales Vorberaite. Ich main, al das Gmües schniide, die Dips mache, die Schpinaat-Feta-Täsche mit Blettertaig und dän sogar no sälbergmachte Hummus - supperfain. Was häsch da ales inetaa?
- 
- A:** Kicherärbse und Tahini natürlich, dän Salz und Chrüzchümi, Zitroonesaft, Chnobli und guets Oliivenööl.
- 
- K:** Aa, das töönt aifach. Muesi unbedingt au emal uusprobiere.
-



**der Apéro (d Apéros)**

Vor de Wienachte mached vil Firmene en Apéro für iri Mitarbeitende.

پذیرایی با خوردنی و نوشیدنی

قبل کریسمس خیلی شرکت‌ها (آپیرو) برای همکاران خود آماده میکنند.

**Apéro, Empfang**

Vor Weihnachten machen viele Firmen einen Apéro für ihre Mitarbeitenden.

**s Getränk (d Getränk)**

Was händ Si für Getränk ooni Alkohool?

نوشیدنی

چی نوع نوشیدنی بدون الکل دارید؟

**Getränk**

Was haben Sie für Getränke ohne Alkohol?

**de Saft (d Säft)**

Ich ha no gärn Truubesaft.

آب میوه

من آب انگور را خیلی دوست دارم.

**Saft**

Ich mag gern Traubensaft.

**der Alkohool (-)**

I de Schwiiz dörf a Jugendlich under 16 Jaar kä Alkohool verschauft wärde.

الکل

در سوئیس برای جوانان زیر ۱۶ سال اجازه الکل فروختن را ندارد.

**Alkohol**

In der Schweiz darf an Jugendliche unter 16 Jahren kein Alkohol verkauft werden.

**d Oliive (d Oliive)**

Oliive sind scho öppis Fains, schaad, wachsed s i de Schwiiz nöd.

زیتون

زیتون واقعاً چیز خوبی است؛ حیف که در سوئیس رشد نمی‌کند.

**Olive**

Oliven sind schon etwas Feines, schade, wachsen sie in der Schweiz nicht.

**d Zitroone (d Zitroone)**

Ui, die Zitroone-n isch megasaaur!

لیمو

اوه، لیمو فوق العاده ترش است.

**Zitrone**

Oh, die Zitrone ist supersauer!

**riichhaltig (riichhaltiger)**

Traditioneli Schwiizer Chuchi isch zimli riichhaltig.

متنوع

غذاهای سنتی سوئیس خیلی متنوع میباشد.

**reichhaltig**

Traditionelle Schweizer Küche ist ziemlich reichhaltig.

**s Gschäft (d Gschäfte)**

Am Fritigaabig hani namal i s Gschäft müese.

دوکان، مغازه

در شب جمعه باید دوباره سرکار میرفتم.

**Geschäft**

Am Freitagabend musste ich nochmals auf die Arbeit.

**de Märt (d Märt)**

Am Märt poschte-n isch schön, aber tüür.

بازار

در بازار خرید کردن قشنگ است، اما گران.

**Markt**

Auf dem Markt einkaufen ist schön, aber teuer.

**de Schtand (d Schtänd)**

Mini Koleegin schafft amene Schtand am Wienachtsmärt.

غرفه

دوستم در یک غرفه در بازار کریسمس کار میکند.

**Stand**

Meine Kollegin arbeitet an einem Stand auf dem Weihnachtsmarkt.

**de Hoof (d Hööf)**

Mini Eltere händ no en aigete Hoof ghaa.

حیات، حویلی

پدر و مادرم یک حویلی شخصی از خود داشتند.

**Hof**

Meine Eltern hatten noch einen eigenen Hof.

**chauffe (hät kaufft)**

Wo häsch äch die Jagge kaufft?

خریدن

از کجا این کاپشن(کت) را خریدی؟

**kaufen**

Wo hast du denn diese Jacke gekauft?

**verschidnig (-, sind verschide)**

Es git megavil verschidnigi Olivensorte.

مختلف، رقم رقم

انواع مختلف زیتون وجود دارد.

**verschieden**

Es gibt viele verschiedene Olivensorten.

**gmütlich (gmütlicher)**

Mit de Chüssi gseet s Wonzimer gad echli gmüetlicher uus.

دینج، راحت

اطاق نشیمن با بالش دینج بنظر میرسد.

**gemütlich**

Mit den Kissen sieht das Wohnzimmer gleich etwas gemütlicher aus.

**cool**

Isch cool, das er jetzt am Aabig lenger offe händ!

با حال، خیلی خوب

خیلی خوبه که حالا شبها تا دیر وقت باز هستید!

**cool**

Ist cool, dass ihr jetzt am Abend länger offen habt!

**scharte (isch gschartet)**

S Flugzüüg isch gad am Scharte.

حرکت کردن، شروع کردن

طیاره (هواپیما) آماده حرکت کردن است.

**starten**

Das Flugzeug ist gerade am Starten.

**uufhänke (hät uufghänkt)**

Wo sölemer das Bild uufhänke?

آویزان کردن

ما به کجا باید عکس (نقاشی) را آویزان کنیم.

**aufhängen**

Wo sollen wir das Bild aufhängen?

**uusprobiere (hät uusprobiert)**

Jetzt laferemer nüme lang, sondern probiered s aifecht uus.

امتحان کردن

دیگه زیاد گپ نمیزنیم بلکه او را امتحان میکنیم.

**ausprobieren**

Jetzt labern wir nicht mehr lang, sondern probieren es einfach

**soozsäge**

Dini noi Fründin hät es Chind? Dän bisch ja soozsäge namal Vatter worde.

این جور می شه گفت

دوست دختر جدید ات یک طفل( بچه) دارد ؟ پس در واقع دوباره پدر شدی.

**sozusagen**

Deine neue Freundin hat ein Kind? Dann bist du ja sozusagen nochmal Vater geworden.



K8 -  
Zusatzwortschatz 2



## C2.1



آپیرو ها در سوئیس رایج هستن. آنچه را که در مورد آن آموخته اید در متن یادداشت به آلمانی سوئسی بنویسید.

---

---

---

---

---

---

---

---

## C2.2



در فرهنگ تو یک چیز مشابه مثل (آپیرو) وجود دارد؟ چطوری آدم ها با هم دیگر آشنا می شوند؟

## C2.3



حداقل سه اطلاعات را از متن انتخاب کن و از آن یک جمله در (passiv) بساز.

مثال D Schpinat-Feta-Täsche wärded mit Bletterteig gmacht.

---

---

---

---

---

---

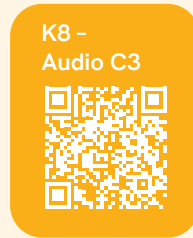
---

---

## Sumer und Badi ghööred zäme



وقتی هوا گرم می‌شود، فصل شنا آغاز می‌شود - بخشی از فرهنگ سوئیس که به خوبی حفظ شده است، اما بسیاری از مردم از آن آگاهی ندارند. گزارش کوتاه رادیویی درباره این موضوع را گوش دهید. تمرین ۱ را می‌توانید هنگام گوش دادن انجام دهید و بقیه تمرین‌ها را بعد از آن.



## CH

## im Freie

Im Summer spiled d Chind öfter im Freie.

## fuul (fuuler)

Hüüt ischs so haiss, ich bi sogar z fuul zum Poschte.

## d Rutschi (d Rutschene)

Die Rutschi isch z äng für diich, da bliibsch scheckel!

## s Fudi (d Fudi)

Vom vile Sitze tuet mer scho s Fudi wee.

## d Decki (d Deckene)

I oisere Woning isch d Decki rächt hööch, drum müemer vil haize.

## s Aagebott (d Aagebott)

Dä Suppermärt isch günschtig, aber s Aagebott isch rächt chlii.

## uufgaa (isch uufggange)

Bi ois i de Nööchi isch es nois Kino uufggange.

## entdecke (hät entdeckt)

Geschter hani bi ois im Quartier es urchigs Kafi entdeckt.

## فارسی/دري DE

## هوای آزاد

در تابستان بیشتر اوقات طفل‌ها (بچه‌ها) در هوای آزاد بازی میکنند.

## تنبل

امروز هوا خیلی گرم است، من حتا برای خرید کردن تنبل هستم.

## سرسره

سرسره برای تو خیلی تنگ است، در آنجا گیر می‌کنی!

## باسن

از نشستن خیلی زیاد باسنم درد میکند.

## سقف

سقف آپارتمان ما خیلی بلند است، به همین دلیل باید زیاد گرم کنیم.

## تخفیف، پیشنهاد

این سوپرمارکت ارزان است، اما تخفیف شان بسیار کوچک است.

## باز کردن

در نزدیکی ما یک سینمای جدید باز شده.

## پیدا کردن، کشف کردن

دیروز من در منطقه ما یک کافه عجیب و غریب را دیدم.

## im Freien

Im Sommer spielen die Kinder öfter im Freien.

## faul

Heute ist es so heiss, ich bin sogar zu faul zum Einkaufen.

## Rutsche

Die Rutsche ist zu eng für dich, da bleibst du stecken!

## Hintern

Vom vielen Sitzen tut mir schon der Hintern weh.

## Decke

In unserer Wohnung ist die Decke recht hoch, darum müssen wir viel heizen.

## Angebot

Dieser Supermarkt ist günstig, aber das Angebot ist recht klein.

## aufmachen

Bei uns in der Nähe hat ein neues Kino aufgemacht.

## entdecken

Gestern habe ich bei uns im Quartier ein uriges Café entdeckt.

**schlücke (hät gschlückt)**

Häsch scho mal amene lizapfe gschlückt?

لیسیدن

آیا تا حالا شده که یخ را لیس بزنی؟

**schlecken**

Hast du schon mal an einem Eiszapfen geschleckt?

**fäge (hät gfägt)**

Daa sött emal wider gfägt wärde, s hät überall Bletter.

چارو کردن

اینجا باید یک بار دیگر چارو شود، همه جا برگ ها هستند.

**fegen**

Hier sollte mal wieder gefegt werden, überall sind Blätter.

**s fägt (s hät gfägt)**

Mer händ scho wider es nois Mitgליid - s fägt!

خوش میگذرد

خیلی خوش میگذرد، یک نفر جدید در گروه ما اضافه شده.

**es fetzt**

Wir haben schon wieder ein neues Mitglied - es fetzt!

**bsunders**

Tee trinki bsunders im Winter gärn.

به ویژه

من به ویژه در زمستان چای مینوشم.

**besonders**

Tee trinke ich besonders im Winter gern.

**gליichziitig**

Jetzt händ gליichziitig s Telifoon und d Tüürglogge glüütet.

همزمان

اکنون همزمان تلفن و زنگ دروازه زنگ خورد.

**gleichzeitig**

Jetzt haben gleichzeitig das Telefon und die Türglocke geklingelt.

**vor Churzem**

Vor Churzem simmer eemaal mit em Zuug i s Wallis ggange.

چند وقت پیش

ما چند وقت پیش با قطار سمت Wallis رفتیم.

**vor Kurzem**

Vor Kurzem sind wir mal mit dem Zug ins Wallis gefahren.

**draa**

Gseesch die Wand? Deet chasch s Plakaat draa-chläbe.

روی آن

آن دیوار رو آنجا میبینی؟ می توانی پوستر را در آنجا بچسبانی.

**dran**

Siehst du die Wand da? Dort kannst du das Plakat drankleben.

**daa demit**

Daa demit faat oises noie Läbe-n aal

با این ، این طوری

این طور زندگی جدید ما شروع می شود.

**hiermit, somit**

Hiermit beginnt unser neues Leben!

**jawol**

Jawol, esoo mache mer s!

بله واقعاً

دقیقاً، بنابراین ما آن را انجام میدهم.

**jawohl**

Jawohl, so machen wir es!



K8 -  
Zusatzwortschatz 3







مکالمه را به صورت کامل بخوان.

## D Schweizer Wonkultur

*D Fatemeh und de Pablo trüffed sich im Düütschkurs. Hüüt gaats um s Tee-  
ma Wonkultur. Aber wie wontme aigentlich i de Schwiiz?*

- |    |    |   |
|----|----|---|
| 1  | P: | Also, mir söled daa über s Wone rede, Wone i de Schwiiz ... Falt der öppis ii?  |
| 2  | F: | Tüür! Es isch uuhueretüür. Das chunt mer gad als erschts in Sin.  |
| 3  | P: | Aber findsch, das isch typisch Schwiiz? Oder Schwiizer Kultur?  |
| 4  | F: | Klaar. So tüür wi daa isch es ja fascht nienets, also isch es typisch! Und fascht ali mietet, das isch kulturell.   |
| 5  | P: | Wie mainsch daas?   |
| 6  | F: | S git wenig Lüüt, wo sälber es Huus oder e Wonig händ. Di maischte mietet, und d Mietene sind ebe tüür.   |
| 7  | P: | Aa, jetzt verschtaa-n i. Aber ich finde, du bisch echli negativ. lich wone-n aigentlich gärn i de Schwiiz.  |
| 8  | F: | Wisoo?  |
| 9  | P: | Mir gfalt zum Biischpil, das me fascht gar nöd im Gaggo cha wone. S git fascht imer en Bus oder en S-Baan und zäck! isch me i de Schtatt. Das isch ÖV-Kultur! |
| 10 | F: | Jaa, das schtint. Aber das isch für miich nöd Wone, das isch Vercheer.  |
| 11 | P: | Aso guet, Wone, Wone... Mir gfalt am Wone i de Schwiiz, das es daa so vil Gnessschafte git.   |
| 12 | F: | Was isch daas?  |
| 13 | P: | Das isch, wän meereri Lüüt zäme es paar Hüüser bsitzed und sich deet sälber verwaltet. Das gits i de Schwiiz no oft. Deet sind au d Mietene günschtiger.      |
| 14 | F: | Ahaa, das töönt no guet. Aber isch sicher nöd aifach, deet inezchoo!  |

Hüt la-n ich  
s mir richtig  
guet gaa.



**d Mieti (d Mietene)**

Alaige chani d Mieti da ine  
nöd zale, ich mues mer e  
noii Wonig sueche.

اجاره خانه

من تنهایی نمیتوانم اجاره اینجا را پرداخت  
کنم مجبورم یک آپارتمان جدید به خودم  
جستجو کنم

**Miete**

Allein kann ich die Miete hier  
drin nicht zahlen, ich muss  
mir eine neue Wohnung  
suchen.

**d Gnosseschaft (d Gnos-  
seschafte)**

Inere Gnosseschaft ischme  
nöd nume Mieter\*in.

تعاونی

در خانه های تعاونی آدم اجاره دهنده نیست.

**Genossenschaft**

In einer Genossenschaft ist  
man nicht nur Mieter\*in.

**bsitze (hät bsässe)**

I de Schwiiz tüend mee  
Lüt e Wonig miete als  
bsitze.

در اختیار داشتن

افراد بیشتری در سوئیس آپارتمان اجاره میکنند  
نسبت به اینکه خانه از خود داشته باشد.

**besitzen**

In der Schweiz mieten mehr  
Leute eine Wohnung, als eine  
besitzen.

**verwalte (hät verwaltet)**

Dää Fridhoof wird vo de  
Schtatt verwaltet.

مدیریت کردن

این قبرستان توسط شهر اداره میشود.

**verwalten**

Dieser Friedhof wird von der  
Stadt verwaltet.

**d Kultur (d Kultuure)**

Was mainsch, ghööred  
Chlaidler zur Kultur oder  
nöd?

فرهنگ

چی فکر میکنی این پوشاک تعلق به فرهنگ  
داره یا نه؟

**Kultur**

Was denkst du, gehört Klei-  
dung zur Kultur oder nicht?

**kulturell (-)**

S kulturelle Programm  
i däre Stadt isch mega  
divers.

فرهنگی

این برنامه فرهنگی در این شهر خیلی مختلف  
است.

**kulturell**

Das kulturelle Programm in  
dieser Stadt ist mega divers.

**d S-Baan (d S-Baane)**

Mit de S-Baan ischme  
mängisch schnäler als mit  
em Auto.

قطار

آدم بعضی وقتها با قطار سریع تر از ماشین  
است.

**S-Bahn**

Mit der S-Bahn ist man  
manchmal schneller als mit  
dem Auto.

**iifale (isch iigfale)**

Gad wo-n i us em Huus  
use bi, isch mer no öppis  
iigfale.

به ذهن خطور کردن

دقیقاً وقتی از خانه بیرون شدم به ذهنم  
خطور کرد.

**einfallen**

Gerade als ich  
aus dem Haus  
raus war, ist mir  
noch etwas  
eingefallen.

**negativ (negativer)**

De Rupert gseet imer ales  
echli negativ.

منفی

روپرت همیشه همه چیز را منفی میبیند.

**negativ**

Rupert sieht  
immer alles  
etwas negativ.

K8 -  
Zusatzwortschatz 4





### es paar

Häts no es paar vo dene  
faine Guezli wod geschter  
pache häsch?

چند تا

از آن بیسکویت‌های خوشمزه‌ای که دیروز  
پختی، هنوز چند تا باقی مانده؟

### ein paar

Hat es noch ein paar von  
den leckeren Keksen, die du  
gestern gebacken hast?

### gaar

Di noi Farb gfalt mer gaar  
nöd.

اصلاً

این رنگ جدید اصلاً خوش ندارم.

### gar

Die neue Farbe gefällt mir  
gar nicht.

## C4.1



چه کسی کدام نظر را دارد؟ علامت بزنید  
(F = Fatemeh, P = Pablo)

En guete ÖV ghöört zur Schwiiz dezue.

F P

Bim Wone i de Schwiiz gits vili Probleem.

En Tail vo de Schwiizer Wonkultuur isch, das mee Lüüt  
iri Wonig mieted als si bsitzed.

D Wonkultuur vo de Schwiiz isch ales i alem aagnääm.

Hööchi Priise sind typisch schwiizerisch.

S isch e gueti Sach, wämmer sin Wonruum sälber cha  
verwalte.

## C4.2



در متن چه ویژگی‌هایی از فرهنگ زندگی سوئیس  
نام برده شده است؟ فهرستی از نکات کلیدی به  
زبان آلمانی سوئیسی بنویس. نکات دیگری به  
ذهنت می‌رسد که برای تو مختص به سوئیس  
است؟

■ \_\_\_\_\_  
■ \_\_\_\_\_  
■ \_\_\_\_\_  
■ \_\_\_\_\_  
■ \_\_\_\_\_  
■ \_\_\_\_\_  
■ \_\_\_\_\_  
■ \_\_\_\_\_  
■ \_\_\_\_\_  
■ \_\_\_\_\_  
■ \_\_\_\_\_

## C4.3



در بسیاری از قسمت های گفتگو می توانستیم چیزهایی دیگری بگوییم. این جملات به چی کسی و در کدام قسمت گفتگو مناسب است. شماره های قسمت ها را در متن برای مشخص کردن جایگاه استفاده کن.

Aa, krass. Aber wie chömedsi a die Hüüser?

Das schtimt, aber für daas verdientme ja au guet.

Mir chunt überhaupt nüt in Sin. Wone i de Schwiiz isch doch wi überall!

Das isch scho richtig, aber s isch ungrächt, das sich de ÖV nöd ali chönd laischte.

Mol, das isch Wone! Wil dank em ÖV chame wone, wo me wott. Oder fascht.

## C4.4



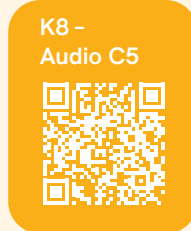
دوست داری در سوئیس زندگی کنی؟ چی خوب است؟ چی بد؟ با یک همراه بحث کن.

## C5

## Haimet isch es Gfüül



برای این بخش تعمیق، یک متن صوتی وجود دارد که در آن باره چهار نفر از اشخاص مقدمه سخن می گویند. تمرین ۱ را می توانی همزمان با شنیدن انجام دهی، تمرین های دیگر را پس از آن.



## CH

## DE

## d Haimet (-)

Mini Haimet isch de Iraan.

## وطن

ایران وطن من است.

## Heimat

Meine Heimat ist der Iran.

## s Schtadion (d Schtadions)

Fuesbal luegi lieber im Schtadion als im Färnsee.

## ورزشگاه

من تماشای فوتبال در استادیوم را به تلویزیون ترجیح می دهم.

## Stadion

Fussbal schaue ich lieber im Stadion als im Fernsehen.

## naadänke (hät naatänkt)

Nöd aifech loosseckle, dänk zersch mal naa!

## فکر کردن

فقط بی فکر جلو نرو، اول یک کم فکر کن!

## nachdenken

Nicht einfach loslaufen, denk erst mal nach!

**sich füüle (hät sich gfüült)**

Hüüt füüli mi nöd guet,  
villich wäg em Wätter.

احساس کردن

امروز احساس خوب ندارم شاید بخاطر آب  
وهوا باشد.

**sich fühlen**

Heute fühle ich mich nicht  
gut, vielleicht wegen dem  
Wetter.

**sich seene (hät sich gseent)**

Ich seen mich nach minere  
Familie.

مشتاق بودن

دم برای خانواده‌ام تنگ شده است.

**sich sehnen**

Ich sehne mich nach meiner  
Familie.

**ligge a (liit a, isch a ... gläge)**

Wän d Chopfwee häsch,  
chas au am Wätter ligge.

تاثیر داشتن

اگر تو سردرد داری میتواند تاثیر آب و هوا هم  
باشد.

**liegen an**

Wenn du Kopfweh hast, kann  
es auch am Wetter liegen.

**s Ding (d Dinger)**

Lueg emal, im Chäler hani  
das Ding da gfunde, was  
isch das äch?

چیز میز

نگاه کن ، من در زیرزمینی این چیز را پیدا  
کردم، این چیست؟

**Ding**

Schau mal, im Keller habe  
ich dieses Ding gefunden,  
was ist das?

**de Witz (d Witz)**

Si macht imer Witz über ire  
Maa, aber äär hät schiints  
Froid draa.

شوخی

او دائماً در مورد شوهرش شوخی میکند اما  
طوری که معلوم میشود شوهرش خوشش می  
آید.

**Witz**

Sie macht ständig Witze über  
ihren Mann, aber ihm scheint  
es zu gefallen.

**schpööter**

Jetzt isch e Chundin ine-  
choo, lüüt mer schpööter  
namal aa, isch guet?

دیر، بعداً

اکنون یک مشتری داخل آمد بعداً دوباره به  
من زنگ بزن .

**später**

Jetzt ist eine Kundin rein-  
gekommen, ruf mich später  
noch mal an, okay?

**nur**

Min Brüetsch hät es  
Gschänk überchoo und  
iich nur e Chartel!

فقط

برادرم یک تحفه (کادو) دریافت کرد و من  
فقط یک کارت دریافت کردم.

**nur**

Mein Bruder hat ein Ge-  
schenk gekriegt und ich nur  
eine Karte!

**jedefals**

Jedefals isch daa en gue-  
te-n Ort zum Läbe.

در هر صورت

در هر صورت اینجا یک مکان خوب برای  
زندگی است.

**jedenfalls**

Jedenfalls ist das hier ein  
guter Ort zum Leben.

**uf jede Fal**

Gliich, wie s Wätter wird,  
mir gönd uf jede Fal a das  
Konzärt!

در هر صورت

مهم نیست، آب و هوا چطور میشود ما در هر  
صورت به این کنسرت میریم.

**auf jeden Fall**

Egal, wie das Wetter wird,  
wir gehen auf jeden Fall an  
dieses Konzert!



## C5.1



نخستین و آخرین جمله هر فرد را کلمه به کلمه یادداشت کنید. شما می‌توانید ضبط را بین افراد متوقف کنید؛ اما سعی کنید که بدون بازپیچانی از تمرین استفاده کنید! در بخش پاسخ، ترانسکرپشن متن کامل را خواهید یافت.

Fatemeh: \_\_\_\_\_ !  
\_\_\_\_\_ !

Nadir: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

Pablo: \_\_\_\_\_ !  
\_\_\_\_\_

Andrea: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

K8 -  
Audio C5



## C5.2



کدام شخص چی احساساتی را با وطن خود پیوند می‌دهد و چه کسی کمترین حالت عاطفی را دارد. نام‌های مناسب را بغل دست جملات بنویس.

Wie füllt sich Haimet aa?

Name

Me hät si gärn.

Me macht sich Sorge drum.

Me troimt devoo.

S git käs bsunders Haimet-Gfüül.

## C5.3



از بین چهار عبارت کدام یک باعث می‌شود که بیشترین ارتباط را با خودتان برقرار کنید؟ آیا عبارتی وجود دارد که اصلاً نمی‌توانید درک کنید؟ با یک شریک یا یک نفر دیگر در مورد این موضوع صحبت کنید.

Platz für Notizen:

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

## چندین زبانی در سوئیس

آلمان و اتریش یکسان نیست ولی زیاد فرق هم نمیکنه. در زندگی روزمره بیشتر اوقات با زبان گویش (آلمانی سوئیسی) حرف زده و بعضی اوقات نوشته هم میشود. این زبان گویش (آلمانی سوئیسی) با زبان آلمانی استاندارد خیلی متفاوت است و برای آدم هایی که در اول آلمانی استاندارد یاد میگیرن خیلی سخت است که زبان گویش را بفهمن. زبان گویش به عنوان آلمانی سوئیسی شناخته میشود. به آمار اداره فدرال بیشتر از ۶۰٪ مردم در زندگی روزانه خود از زبان آلمانی سوئیسی استفاده میکنند.

معلومات بیشتر در باره آلمانی سوئیسی در پایین

[idiotikon.ch/schweizerdeutsch](http://idiotikon.ch/schweizerdeutsch)

در سوئیس چهار زبان رسمی وجود دارد: آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی و رومانش. چند تا استان (ولایت) یک زبان رسمی دارد و دیگر استان ها (ولایات) دو تا سه زبان رسمی دارند. بجز زبان رسمی چندین زبان دیگر در سوئیس حرف زده میشود. برای مثال: انگلیسی، پرتغالی، آلبانی، اسپانیایی، صربی کرواتی، کردی، عربی، و خیلی زبان های دیگر. در خیلی شهر های بزرگ کتابخانه و کتابفروشی های چندین زبانی وجود دارد.

آلمانی بزرگترین زبان در سوئیس و در بیشترین استان ها (ولایات) به عنوان زبان رسمی می باشد. آلمانی استاندارد سوئیس با اینکه با آلمانی استاندارد



Näi, mine Papi chumt us Graubünde und red dihäi immer Rätoromansich mit üs Chinde.



این بخش می توانی خود را امتحان کنی که آیا به اهدافی که برای یادگیری در نظر گرفته شده است رسیدی یا نه.

تمرین های زیر را حل کن و در بخش راه حل ها کنترل کن که چه نمره ای را گرفتی.

پیشنهاد ما در جدول زیر.

امتیاز

0-50

این فصل را دوباره از اول تکرار کن.

51-80

به اندازه کافی خوب است. شاید بهتر باشد که مبحث های درسی را تکرار کن.

81-100

عالی! تو موفق شدی.

## D1



مکالمه را به صورت کامل بخوان.

توجه، اینجا از املاي معمول voCHabular استفاده نمی شود. همه همان طوری که به ذهن شان میرسد، می نویسد، مثل زندگی واقعی.

## Gits aigentli kän Wöschplan?

D Apolline wohnt imene Huus, wo de Wöschchäler vo alne gmainsam prucht wird - das gits no oft i de Schwiiz. Im Momänt ischsi wäg de Situation im Wöschchäler hässig: Niemert haltet sich a iri Regle, obwohl si doch scho sit 15 Jaar i däm Huus wohnt! Im Huus-Chat wiistsi iri Naachber\*ine uf d Regle hii. Si chunt aber gaar nöd dezue, färtigzschriibe, wil ali andere au öppis z säge händ.

**Apolline:** Hoi zäme, ich han es paar Amerkige zur Nutzig vo eusere Wöschchuchi...  
Erstens wird de Tumblerfilter i de letschte Zit nume greiniget. Das isch mega mühsam!

**Dean:** D Wösch wird au vil z'lang hange gla. S hät eifach nie Platz für mich 😞😞

**Apolline:** Zweitens: D Wöschmaschine wird tatsächlich mänigisch am Sunntig brucht. Das macht definitiv vil zvil Lärm.

**Fahri:** D Wösch chame nach zwei Täg guet abhänke, dän isch sie sicher troche 👍 Aber mini Wösch isch eifach wieder emal nass abghänkt worde! 😞

**Loris:** Anderi Frag, gits eigentlich kän Wöschplan?

**Antonina:** Jesses nai, ich han nume wele mini Chlaiderbügel wäsche und jetz isch gad di ganz Maschine usgstige 😞😞😞 Was söli mache? S isch alles volle Wasser da une ... 😞

**Apolline:** 😞😞😞

## D1.1

Im Chat wird vil gschribe. → **Irgendöpper schriibt vil im Chat.** به عنوان مثال:



تاریخچه گفتگو را بخوان و جملات مجهول را علامت بزن. برای علامت گذاری درست ۲ امتیاز دریافت میکنی.  
جملات را طوری بنویس که کلمه‌ای مثل *irgendöpper* یا *öpper* در آنها به کار رفته باشد (برای هر جمله پنج امتیاز).

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## D1.2



در این خانه چه قوانین شستشو وجود دارد؟ چه قوانین دیگری می‌شناسی؟ حداقل پنج قانون را بنویس و آنها را به صورت (مجهول Passiv) با استفاده از *müese* یا *nöd müese* بیان کن (برای هر قانون پنج امتیاز، حداکثر بیست امتیاز).

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## D1.3



اتاق یا زیر زمین برای لباس شستن، چگونه در فرهنگ سوئیس جای گرفته‌اند؟ چقدر معمول و مهم هستند و آیا یک امر خوب محسوب می‌شوند؟ در اینجا نظر خود را بنویس (۴ تا ۵ جمله). متن خود را توسط شخصی دیگر از نظر لغات و دستور زبان ارزیابی کن. برای مقایسه، می‌توانی به این فرد راه حل مثال را نشان بدهی (حداکثر ۱۵ امتیاز).

---

---

---

---

---

---

---

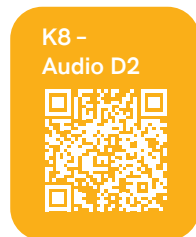
---

---

---



به موضوع دلتنگی وطن گوش بده و سپس به سوالات پاسخ بده.



## D2.1



فردی که صحبت می کند به کدام سوال پاسخ می دهد؟ (۵ امتیاز)

## D2.2



این شخص دلتنگ چی شده؟ آن را بنویس. تو می توانی برای این کار متن مربوطه را دوباره گوش دهی. (۱ امتیاز به ازای هر مورد نام برده شده)

## D2.3



تو چه چیزهایی را دلتنگ می شوی؟ شش چیزی که هنوز نام برده نشده اند (۱ امتیاز برای هر مورد)







# در بخش پاسخ های ترجمه های متن های طولانی تر به زبان آلمانی سوئسی، نسخه های کتبی برای متون صوتی و پاسخ های تمامی تمرین ها را پیدا خواهید کرد. لطفا توجه داشته باشید که برای هر تمرین، پاسخ های دیگری نیز ممکن است درست باشند. به ویژه در پاسخ های فصل پایانی، شما باید خود قضاوت کنید که چقدر پاسخ شما مناسب است و متناسب با آن امتیاز دهید.

در این بخش پاسخ های ترجمه های متن های طولانی تر به زبان آلمانی سوئسی، نسخه های کتبی برای متون صوتی و پاسخ های تمامی تمرین ها را پیدا خواهید کرد. لطفا توجه داشته باشید که برای هر تمرین، پاسخ های دیگری نیز ممکن است درست باشند. به ویژه در پاسخ های فصل پایانی، شما باید خود قضاوت کنید که چقدر پاسخ شما مناسب است و متناسب با آن امتیاز دهید.

## A1

ترجمه های متن ها

## Martha

در یک تصادف در نزدیک Limmatplatz در شهر زوریخ، سه نفر زخمی شدند. در این حادثه، یک قطار شهری به یک خودرو (موتور) کوبید پس از آنکه این خودرو مجبور به کشیدن شدید ترمز شد. راننده وسیله نقلیه و دو سرنشین کناری آن فوراً به بیمارستان منتقل شدند. اکنون پلیس در جستجوی افرادی است که از خیابان و نه از خط عابر پیاده عبور کردند و باعث ترمز (بریک) شدید شدند.

## Zoe

حالا بیاید به بخش ورزشی بپردازیم، دیروز تیم فوتبال زوریخ پیروزی در جام حذفی سوئیس را از دست داد. در واقع، آنها فینال را با نتیجه ۱ به ۲ به تیم یانگ بویز باختند. در شروع بازی، تیم زوریخ پیشتاز بود، اما تیم برن توانست نسبتاً سریع گل تساوی را بزند و در ده دقیقه آخر، سدریک زسیگر گل پیروزی را به ثمر رساند. پس واقعا شب تلخی برای زوریخ بود.

## Charitini

همینطور است، زوی، دست کم وضعیت آب و هوا کمی بهتر به نظر می‌رسد. امروز در طول روز آسمان کمی ابری است، اما احتمال بارش باران وجود ندارد و دمای هوا در زوریخ در حدود ۲۵ درجه خوشایند می‌باشد. عصر آسمان صاف می‌شود و فردا در کل روز هوا صاف و تقریباً همانقدر گرم خواهد بود.

## A2

یک سخنران (مارتا Martha) به زبان استاندارد آلمانی صحبت می‌کند - در زندگی روزمره اغلب به آن *Hochdeutsch* گفته می‌شود. در مقابل، (زوی و چاریتینی Zeo و Charitini) با لهجه صحبت می‌کنند. به کلیه لهجه‌های سوئیس مجموعاً سوئیس آلمانی گفته می‌شود (به لهجه: *Schwiizertüütsch*)

## A3

Zoe و Charitini (زوی و چاریتینی) هر دو به زبان سوئیس آلمانی صحبت می‌کنند، اما هر کدام با لهجه ای متفاوت: احتمالاً Zoe از زوریخ است، Charitini از منطقه سنت گالن. به همین خاطر، مثلاً حروف A و R را کاملاً متفاوت تلفظ می‌کنند. شاید تو بتوانی تفاوت‌های دیگری هم پیدا کنی؟

در سوئیس تعداد زیادی لهجه های مختلف وجود دارد. هیچکدام از آنها از دیگری بهتر یا درست تر نیست. همچنین هیچکدام از این لهجه‌ها در مدرسه تدریس نمی‌شوند. در این کتاب ما از لهجه زوریخ استفاده می‌کنیم، که به آن *Züritüütsch* هم گفته می‌شود. همانطور که Zoe صحبت می‌کند، اکثر مردم در این کتاب هم همینطور صحبت می‌کنند!

## A4

مارتا (Martha) گرچه به زبان آلمانی استاندارد صحبت می‌کند، اما در سوئیس، آلمان، و اتریش از انواع متنوع این زبان استفاده می‌شود. در متن مقدماتی، خصوصیات زیادی مربوط به سوئیس وجود دارد، به عنوان مثال لغت "Spital" برای "بیمارستان" یا طرز نوشتن "Strasse" به جای "Straße". اما این تفاوت‌ها بسیار کوچکتر از تفاوت‌های بین زبان آلمانی استاندارد و آلمانی سوئیس هستند!

## B1.1

'نهایی' *Finale / Finaal*، 'شروع، مقدمه' *Anfang / Aafang*، 'دیروز' *gestern / geschter*، 'واقعاً' *wirklich / wükli*، 'هنوز' *noch / no*، 'حالت گذشته رهبری کردن' *geführt / gführt*، 'حالت گذشته شلیک کردن' *geschossen / gschosse*، 'بر خلاف، ضد' *gegen / gäg*، 'شروع، مقدمه' *eins / ais*، 'واقعاً' *zahn / zää*، 'حالت گذشته نوشتن' *chalt / kalt*، 'سرد' *gschriben / geschriben*، 'آفتاب' *Sune / Sonne*، 'گل' *Blueme / Blume*، 'پنجره، کلکین' *Faischter / Fenster*، 'لاغر شدن، کاهش وزن' *abnää / abnehmen*، 'آپارتمان' *tüür / teuer*، 'گران قیمت' *Wonig / Wohnung*، 'کلیسا' *Chile / Kirche*

## B1.2

در اینجا یک رونویس کلی از موارد ضبط شده آمده است. شکل تلفظ که به لهجه ی زوریخی است، با پس‌زمینه‌ی خاکستری نشان داده شده است.

## B2.2

در اینجا یک رونویس کلی از موارد ضبط شده آمده است. شکل تلفظ که به لهجه ی زوریخی است، با پس‌زمینه‌ی خاکستری نشان داده شده است.

معنی	A	B
1. ما می‌آیم	chömemer	chöimer
2. داشت	het	hät
3. پیروزی	Siig	Seeg
4. حالت گذشته از دست دادن	verpassed	vorpassed
5. یک	eis	ais
6. حالت گذشته رهبری کردن، راهنمایی کردن	gfiert	gführt
7. سریع	schnäl	schnäu
8. توانستن	chene	chöne
9. آخرین	letschte	letschta
10. دقیقه	Minuute	Minüute

## B3

چند نمونه یا مثال‌های که در متن می‌بینید عبارتند از:

■ در آلمانی سوئیس، بسیاری از ضمیرها با فعل پیوند تنگاتنگ دارند، به عنوان مثال *chömemer* در مقابل *kommen wir*.

■ در آلمانی سوئیس، زمان گذشته ساده (Präteritum) وجود ندارد، بلکه فقط زمان گذشته با افعال کمکی (Perfekt) به کار می‌رود، به عنوان مثال *hät gführt* در مقابل *führte*.

■ ساختار جمله سازی در آلمانی سوئیس گاهی اوقات متفاوت است، به عنوان مثال، *d Bärner händ chöne-n uus gliiche* در مقابل *Die Berner haben ausgleichen können*.

## C1.1

نوعی از گفتگو در املاء voCHabular، به همراه ترجمه:

<b>Ueli</b>	Hei duu, häsch de noi Spielberg scho gsee?	هی؟ فیلم جدید Spielberg رو دیدی؟
<b>Ahmed</b>	Wele mainsch?	منظورت کدام یکی است؟
<b>Ueli</b>	De mit de Dinos.	همان که با دایناسورها است.
<b>Ahmed</b>	Bisch sicher, das dää noi isch?	آیا مطمئنم که آن فیلم جدید است؟
<b>Ueli</b>	Ja egaal, chunsch mit cho luege?	به هر حال فرق نمی کند، میآیی با هم ببینیم؟
<b>Ahmed</b>	Wän gönder?	کی شما می روید؟
<b>Ueli</b>	Hüt zaabig am achti im Abaton. D Sarah chunt au.	امشب ساعت هشت در Abaton. D Sarah چونت سارا هم می آید.
<b>Ahmed</b>	Okay, cool. Tickets händer?	خیلی خوبه. آیا شما بلیط دارید؟
<b>Ueli</b>	Easy, ich bschtel. Halbi achti bi ois dihai, isch guet?	من سفارش می دهم. هفت و نیم در خانه ما همدیگر با می بینیم، باشه؟
<b>Ahmed</b>	Mues luege, öb i s schaffe. Ich schriib der e Schtund voorher.	باید ببینم می توانم برسم یا نه. یک ساعت قبلاً بهت پیام می دهم.

## C1.2

اینجا برخی تفاوت های بین Uelis و Ahmed است. کلمات مقابله شده در جای خط کشیده شده دقیقاً یکسان تلفظ می شوند، اما توسط آن دو تا به شکل مختلفی نوشته شده اند.

<b>Ueli</b>	<b>Ahmed</b>
<u>neu</u> , bi <u>eus</u>	<u>noi</u>
<u>dihei</u>	<u>ma<sup>i</sup>nsch</u>
<u>de</u>	<u>dä</u>
<u>luege</u>	<u>luegä</u> , <u>schaffä</u>
<u>bstell</u>	<u>Schtund</u>

## C2.1

متن زیر، آغاز اعلامیه جهانی حقوق بشر را بازتاب می دهد. به زبان فارسی چنین آمده است:

همه انسانها آزاد و برابر از حیث کرامت و حقوق متولد شده اند. آنها دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند. هر کسی حق دارد تا از تمام حقوق و آزادی هایی که در این اعلامیه اعلان شده، بدون هیچگونه تفاوتی، مانند نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا سایر عقاید، منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، زادگاه، یا هر وضعیت دیگری، بهره مند شود.

## D1.1

c و d

## D1.2

b

## D1.3

c

## D2

تمام انواع تلفظ در زیر بازنویسی شده اند. نوع تلفظی که در آلمانی زوربخی درست است، با پس زمینه خاکستری مشخص شده است.

	a	b	c
1.	bratte	braate	brääte
2.	Schocki	Schoggi	Schogi
3.	ois	öis	üüs
4.	kurz	hurz	churz
5.	müese	miese	müsse
6.	de Garte	de Garte	de Harte
7.	günne	göne	güne
8.	frii	frei	frai

## A1

ترجمه‌های متنها:

## Fatemeh

سلام، اسم من فاطمه است و پنج سال است که در سوئیس زندگی می‌کنم. تقریباً همیشه زمانی که وقت دارم ورزش می‌کنم. ورزش زندگی من است! چهارشنبه‌ها و شنبه‌ها همیشه فوتبال بازی می‌کنم. فردا اولین بازی ما در این سال است. امیدوارم برنده شویم! شب‌ها دوست دارم با دوستانم تنیس روی میز بازی کنم. این امر باعث خوشحالی من می‌شود و به من کمک می‌کند تا آرامش پیدا کنم. و در غیر این صورت؟ من دوست دارم کنار دریاچه نیز برای شنا کردن یا فقط برای گشت و گذار وقت بگذرانم. زیباترین زمان برای من شب است، وقتی که همه جا تاریک می‌شود.

## Nadir

سلام، اسم من نادر است. از مدت کوتاهی به عنوان مربی ورزشی در باشگاه کار می‌کنم و به این ترتیب علاقه مندی خودم را به حرفه تبدیل کردم. در حال حاضر چهار بار در هفته کلاس می‌دهم و مشتریان را هم به صورت فردی می‌پذیرم. زیباترین چیز این است که بینم چگونه مردم سالم می‌مانند. باشگاه برای من فقط محل کار نیست - من در آنجا دوستانم را هم ملاقات می‌کنم. گاهی اوقات نیاز به آرامش دارم و با دفترچه طراحی خود به سمت دریاچه می‌روم. من عاشق طراحی طبیعت هستم، اما گاهی اوقات هم فقط در کنار آب نشسته و رویپردازی می‌کنم. آیا علاقه مندی دومم را هم یک روز به یک کار حرفه ای تبدیل خواهم کرد؟

## Pablo

سلام! من پابلو هستم و خیلی دوست دارم موسیقی گوش کنم. همیشه هدفونم را همراه دارم و در هر جایی، مثلاً قطار، خیابان یا پارک، موسیقی گوش میدهم. حتی در خانه هم همیشه موسیقی می‌شنوم. گاهی وقت‌ها، وقتی در حال کار هستم، موسیقی آرام‌بخشی گوش میدهم. اما فقط زمانی که نیاز به تمرکز ندارم. همچنین چند سال است که در یک گروه سرود آواز می‌خوانم. برای من موسیقی به خصوص برای استراحت و رویپردازی مهم است. گروه سرود هر چند ممکن است خسته‌کننده باشد، اما وقتی تمرین به پایان می‌رسد و آواز می‌خوانیم همه چیز را فراموش می‌کنم. آیا شما هم به ما می‌پیوندید؟

## Andrea

سلام، من اندریا هستم. من خیلی دوست دارم بیرون بروم و پیاده روی کنم. گاهی اوقات با قطار به کوهستان می‌روم، اما برایم دلپذیر است که در محله خودم نیز قدم بزنم. این خیلی عالی است که می‌توانی به سادگی از شهر خارج شوی و از کنار رودخانه‌ها و چمن‌ها بگذری ... در آنجا من می‌توانم تمام اضطراب خود را فراموش کنم.

یک بار در هفته من به کافه خیاطی می‌روم. در آنجا می‌توانی ماشین‌های دوزندگی را اجاره کنی و خودت چیزهایی بدوزی. من دوست دارم یک ماشین دوزندگی خودم را داشته باشم، اما چیز جالب در مورد کافه خیاطی این است که اکثراً همان افراد در آنجا هستند. ما به یکدیگر کمک می‌کنیم و گپ می‌زنیم. به این ترتیب من توانایی زبان آلمانی خود را افزایش داده‌ام و دوستان جدیدی پیدا کرده‌ام.

## A2

تصاویر از چپ به راست نشان می‌دهند: آندریا، نادر، فاطمه، پابلو.

## A3

فاطمه دوست دارد تنیس روی میز بازی کند و کنار دریاچه بنشیند. نادر اغلب در باشگاه است و همچنین دوست دارد کنار دریاچه بنشیند. پابلو در اوقات فراغت آواز می‌خواند. آندریا چیزهای خودش را می‌دوزد.

## B1

Fuesbal schpile, e Duschi nää, Schpaass haa, Musig lose, Schii faare, Ziit verbringe, es Buech läse, Schport mache, i d Bärge gaa, de Matsch güne

## B2.1

پاسخ‌های شخصی (هر فرد ممکن است پاسخ خودش را داشته باشد). مثال:

Im Restaurant: Znacht ässe, schwätze, fiire  
Am See: zaichne, troime, es Picknick mache  
Im Gym: Fitness mache, Musig lose, Lüüt träfle  
I de Bärge: wandere, Schii faare, snööbe  
Dihai: Musig lose, läse, baschtle  
Uf em Schportplatz: tschutte, Tennis schpile, lauffe

## B2.2

پاسخ‌های شخصی. مثال:

Zum Fiire gani imer in es Restaurant.  
Bisich au mängisch am See am Troime?  
Musig lose tuetsi im Gym nie.  
Am Wuchenänd gömmer i d Bärge go wandere.  
Loseder au dihai Musig i de Freiziit?  
Am Fiiraabig sindsi maischtens uf em Schportplatz am Tschutte.

## B3

I minere Freiziit trifft Fründe.  
Mir gönd jetzt dän im See go schwüme.  
Wän si frei hät, ischsi oft am Krimis Läse. / ... listsi oft Krimis.  
Sitere Schtund bini en Chueche-n am Bache.  
Am Wuchenänd trainieri echli.  
Si isch im Momänt vil Düütsch am Lärne.

## B4.1

- a) Konzerte, Discos
- b) basteln
- c) Sport, Fitness
- d) Wandern, picknicken
- e) kochen
- f) Freunde treffen

## B4.2

پاسخ‌های شخصی

## B5.1

am Mache, am Tschile, am Choche, am Mache

## B5.2

Was bisch am Mache?  
Bi grad am Choche  
Das längt mer hüt nööd.  
Okay.  
Mersi.

A was bisch draa?  
Bi am Znacht Mache.  
Hüt hani kä Ziiit.  
Isch guet.  
Danke.

## C1

ترجمه متن:

گوشی آندریا زنگ میخورد.

A:	سلام، من آندریا هستم.
F:	سلام، من فاطمه هستم.
A:	آه، فاطمه! من هم می خواستم به تو زنگ بزنم، اما خط شلوغ بود. حالت چطوره؟
F:	خوبم من بیرون قدم می زدم و تازه برگشتم. تو چی، چیکار می کنی؟
A:	من هنوز در حال کار هستم، کار زیادی دارم!
F:	اوه، می خواهی بعداً به من زنگ بزنی یا کمی وقت داری؟
A:	نه، مشکلی نیست، من همین الان استراحت می کنم.
F:	امشب قراری داری؟ من می خواهم به کنسرت پابلو بروم. میخواهی با من بیای؟
A:	متأسفانه من امشب به کوهستان می روم. اما هی، آخر هفته بعد یک جشنواره خیلی خوب در زوریخ هست. اگر می خواهی با هم برویم؟
F:	ایده خوبی، من هم موافقم. می خواهی هفته بعد با هم صحبت کنیم؟
A:	بله میتوانیم بعداً ببینیم.
F:	پس میگذارم به کارت برگردی. به زودی می بینمت.
A:	خداحافظ، تا هفته بعد.

## C1.1

Ha der au scho wele-n aalüüte, Ich bi go schpaziere, was bisch am Mache, lich bi am Schaffe, Ich bi grad am Pause Mache, Ich gaa-n a s Konzärt, nööchschts Wuchenänd ischs cools Festival, schriibe

## C1.3

مثال:

hoi 'من هستم' iich bi s 'اینجا هست... [اسم] da isch d(e) 'سلام',  
Wie gaats der? 'حالت چطوره؟'  
Wotts schpööter zrugglüüte? 'میخواهی بعداً زنگ بزنی؟'  
Häsch schnäl Ziiit? 'خدا حافظ، به زودی می بینمت' Bis glii 'کمی وقت داری؟'  
tschüss 'خدا حافظ'

## C2.1

ترجمه های متن ها:

فاطمه و پابلو در راهرو با هم صحبت می کنند.

F:	هی پابلو، من در کنسرت شما بودم. تو خیلی خوب آواز می خوانی!
P:	تشرک، ولی این فقط تو گروه سرود هست. وقتی تنها آواز می خوانم خیلی بد می شود.
F:	عجیب. راستی تو هم دوست داری به جشن ها بروی؟
P:	نه، زیاد نه، چرا؟
F:	آخر هفته ی بعد یکی هست. تو دوست داری آرام و بی سر و صدا باشی؟
P:	نه، می تواند صدایش بلند هم باشد. ولی همیشه باید انقدر دور برویم ... من دوست دارم خانه باشم!

راه حل تمرین:

1. koomisch, 2. lieber, 3. schnäl, 4. schön, 5. megaguet, 6. gärn, 7. gärn, 8. lieber, 9. gruusig, 10. am liebschte, 11. gärn

## C3

ترجمه های متن ها:

آندریا و نادر همدیگر را به صورت اتفاقی در ترام میبین.

A:	سلام نادر، چطور هستی؟
N:	سلام آندریا، من خوبم تو چطوری؟
A:	منم خوبم، تشرک. آخر هفته چیکار میکنی؟
N:	من یکشنبه شب قرار است با والدینم شام بخورم، اما جز این برنامه خاصی ندارم. تو چطور؟
A:	من شنبه قرار است برم پیاده روی. دوست داری با من بیایی؟
N:	آره حتما، خیلی خوشحال میشوم. فکر کردی کجا برویم؟
A:	من چند تا ایده دارم. توسط چت برایت میفرستم. و تو می توانی به من بگویی کدام یک را بیشتر دوست داری، باشه؟
N:	خیلی عالی است، تا شنبه.

## C3.1

Was häsch am Wuchenänd voor?, Ich gaa-n am Suntigaabig zu mine Eltere go ässe, Ich gaa-n am Samschtig go wandere, Ich schick si der per Chat

## C3.2

مثال ۱:

Am nööchschte Wuchenänd machi e Velotuur. Go bade würi au gärn. Vilich findi e schööni Schtrecki, wo amene See verbiigaat.

مثال ۲:

Daas Wuchenänd mueni dringend tschile. Ich wott nur uf em Sofa ligge, Musig lose und troime. Wän i Luscht haa, lüüti emene Koleeg aa.

# C4.1

ترجمه و رونویس متن ها:

*De Nadir und de Pablo trüffed sich am See.*

نادر و پابلو در دریاچه ملاقات می کنند.

**N:** *Hoi! Und, wie gaats der?*

سلام، و چطور هستی؟

**P:** *Halo Nadir, schön dich z gsee! Miir gaats guet und diir?*

سلام نادر، خوشحالم از دیدنت. من خوبم و خودت چطوری؟

**N:** *Mir au. Häsch gsee? Im Odeon lauft nööchscht Wuche s Schpiil Schwiiz gäg Costa Rica! Gömmer s zäme go luege?*

من هم همینطور. آیا دیده ای؟ بازی سوئیس در مقابل کاستاریکا هفته آینده در اودئون برگزار می شود. میخواهی برویم با هم ببینیم؟

**P:** *Uu Nadir, du waisch doch, das ich kän Fuessbalfan bin. Ich wür lieber das Konzärt am Samschtig go luege. Sheep on the Moon sind aifach e toli Band!*

اوه نادر، تو می دانی که من طرفدار فوتبال نیستم. من ترجیح میدهم روز شنبه به کنسرت بروم. Sheep on the Moon یک گروه موسیقی عالی هستند.

**N:** *Hm, am Samschtig hani äbe scho mit minere Cousine abgmacht. Ich lueg mit de Fatemeh de Fuessbalmatsch vo de iraanische Fraue-Natsi. Sorry!*

روز شنبه من دیگه با دختر عمویم (کاکایم) قرار دارم. من با فاطمه بازی فوتبال تیم ملی زنان ایران رو ببینم. متأسفم.

جواب تمرین:

1. نادر می خواهد یک بازی فوتبال را در اودئون ببیند (و قرار است یک بازی دیگر را با دختر عمویش ببیند).
2. پابلو برعکس، او می خواهد در کنسرت Sheep on the Moon برود.
3. فاطمه دختر عموی (کاکای) نادر است.

# C5

اینها Hinterwälder هستند که در دهم ماه ژوئن به زبان سوئیسی آلمانی آواز می خوانند. می توان از برخی کلمات سوئیسی آلمانی (*drüstimmig, uf*) و از اشاره به *Mundart* که به معنی "لهجه" است، آنها را تشخیص داد.

# D1.1

Laa dini Schwöschter in Rue, si isch am Üebel!  
Im Winter gömmer amigs am Üetlibärg go schlittle.  
Metal hani nöd gern, die singed mer aifach z luut.  
Ich glaub, de Oskar hät schlächti Luune, er isch i siim Zimer am Uusrüeffe.  
De Roger schpilt doch scho lang nüm Tennis.  
D Josie isch sitem aichti das noie-n Album am Lose.  
Inere Band schpilt si Gitarre.

# D1.3

ترجمه متن:

لئا ورزش مشت زنی بوکس را امتحان میکند. من به او گفتم که این یک ورزش کاملا مردانه است، اما او فکر کرد که من تعصب به خرج داده ام. حالا دو بار در هفته تمرین می کند و دائم داستان های خنده دار میگوید. من کمی به او حسادت می کنم. اما علاقه مند ورزش مشت زنی بوکس نیستم. او دوست دارد و حتی خیلی خوب هم هست! تا یک ماه دیگر اولین مسابقه اش هست، من حتما باید بروم و او را تشویق کنم. من خیلی هیجان زده هستم!

جواب ها برای سوالات:

1) falsch, 2) falsch, 3) richtig, 4) falsch, 5) richtig

# D2.1

1) luegerner, 2) kauft, 3) schliiffschüendle, 4) laufferner, 5) gseerner, 6) gaa, 7) lose, 8) schwümed, 9) schpilter

# D2.2

ترجمه و رونویس متن ها:

Moorn Aabig gani mit mim Koleeg is Open-Air-Kino. S Wätter söl megaschöön wärde, aber das haisst au megahais. Aigetlich wärs am beschte, erscht am aichti oder so z gaa, wän s scho echli chüeler isch, aber dän sind di guete Plätz scho wäg und mir gsend wider nüüt - letschts Mal ischs e Kataschtroofe gsii! Oise Plaan isch jetzt, das mer ois am sibni trüffed, Plätz reserviered und nacher no es Glace go ässe gönd, bevor de Film loosgaat. Ich waiss eerlich gsait nöd emal, was s Program isch - hoffetlich zaiged s öppis Gschiiits! Wän nööd, gömmer aifach echli früener hai.

فردا شب من با دوست پسرم میخواهم سینمای فضای باز بروم. هوا قرار است خیلی خوب شود، یعنی خیلی گرم. بهتر است که حدود ساعت هشت برویم، وقتی که هوا کمی خنک تر شده باشد، اما آن موقع جاهای خوب همه پر شده اند و دیگر چیزی نمی بینیم - دفعه ی قبل یک فاجعه بود! برنامه ی ما فعلا این است که ساعت هفت ملاقات کنیم، جاها را رزرو کنیم و بعد از آن قبل از شروع فیلم برویم یک بستنی (آیسکریم) بخوریم. من راستش حتی نمی دانم برنامه ی فیلم چیست - امیدوارم چیز خوبی نشان بدهند، اگر نه، ما فقط یکم زودتر برمی گردیم خانه.

جواب سوالات:

warm, sibni, vor em Film, Si wüssed s nöd, gönd si früener hai.

# D3.1

از بالا چپ از پایین راست:

öppis go aa luege, öppis go trinke, öppis poschte, sich entschpane

# D3.2

1c, 2e, 3a, 4b, 5g, 6d, 7h, 8f



## A1

ترجمه متن:

<b>R:</b>	جالب است که بشنویم بچه های ما بعد از کلاس ششم چه امکاناتی دارند. امتحان دبیرستان، فکر می کنم، خیلی سخت است.
<b>H:</b>	بله، فابیو ترجیح می دهد به مدرسه راهنمایی برود. او الان می داند که می خواهد آشپز شود، پس می تواند بعد از مدرسه راهنمایی به سراغ کارآموزی برود. اما فکر می کنم برای سلین دبیرستان خیلی سخت نباشد. فابیو میگوید که او همیشه نمرات خوبی دارد.
<b>R:</b>	بله، درست است. ما بسیار افتخار می کنیم که او در مدرسه خیلی خوب است و خوشحال می شویم اگر در امتحان ورودی دبیرستان قبول شود. برای من و شوهرم مشکل نیست اگر او بخواهد به مدرسه راهنمایی برود، اما او حتماً می خواهد پزشک شود، برای این کار به دبیرستان نیاز دارد.
<b>H:</b>	واو، او یک هدف بزرگ در نظر دارد. پس امیدوارم که امتحان ورودی را قبول شود. به او آرزوی موفقیت می کنم.
<b>R:</b>	تشکر هلگر، من به او میگویم. به امید دیدار!
<b>H:</b>	به امید دیدار، رازمیرا!

## A2

I d Sek gaa, Ärztin

## A3

**Selin:** Ärztin, Gimi, Rasmira, seer gueti Noote  
**Fabio:** Helger, Sek, Choch, müest vil lärne

## B1

**Haa:** gmaalet, grächnet, gschpilt, wele, ghulfe,  
 sich entschant, tänkt, troimt, müese  
**Sii:** choo, gsii, ghockt, gfaare

## B2

Oisi Chind sind scho i de sächste Klass gsii.	اطفال ما کلاس ششم بودند.
De Fabio hät nöd i s Gimi wele.	فابیو نمیخواست به دبیرستان برود.
Mir sind seer schtolz uf iri Laischtig gsii.	ما خیلی به دستاورد او افتخار می کردیم.
Ich ha megavil für Düütsch müese lärne.	من به خاطر زبان آلمانی خیلی باید بخوانم.
Ir sind i de Schuel imer echli am Troime gsii.	شما در مکتب (مدرسه) همیشه کمی رؤیا پردازی می نمودید.

## B3

مثال:

Mir händ geschter d Uufnameprüeffig gschaftt.  
 D Selin hät imer di bescht Noote wele.  
 D Lektion hät normaalerwiis am halbi achi aagfange.  
 De Fabio isch nöd gern i s Gimi ggange.  
 D Mattprüeffig isch megaschwirig gsii.

## B4.1

متن و ترجمه برای متن شنیداری:

<b>S:</b> Lueg Mami, das isch min noie Schtundeplan. Am beschte gfalt mer de Friitig, wil dän hämmer Schport, das hani halt am liebschte. Matti hani au megagärn, vil lieber als BG. Im BG tüemer imer zaichne, aber das machi lieber für mich alaige dihai. TTG findi eender no cool, deet chömmer zum Biischpil mit Holz öppis boue.	این برنامه جدید کلاس های من است. بیشتر از همه جمعه ها را دوست دارم، چون ورزش دارم، من همیشه از این خوشم می آید. ریاضی را هم دوست دارم، خیلی بیشتر از BG. در BG همیشه نقاشی می کشیم، اما من ترجیح می دهم تنها در خانه نقاشی بکشم. TTG را هم بد می دانم، می توانم به عنوان مثال با چوب چیزی بسازیم.
<b>R:</b> Und häsch imer na am Mittwuchnam frei?	هنوزم هم بعد از ظهر روز های چهارشنبه تعطیلی؟
<b>S:</b> Ja klaar, suscht chönti ja dän nöd i s Fuessbaltraining gaa.	بله البته، وگرنه نمی توانستم به تمرین فوتبال بروم.
<b>R:</b> Und was isch das NMG am Määntig und Mittwuch? Das Fach käni gar nöd.	و این NMG در روزهای دوشنبه و چهارشنبه چیست؟ من این درس را اصلاً نمی شناسم.
<b>S:</b> NMG isch «Natur, Mensch, Gesellschaft». Da gaats irgendwie um ales, zum Biischpil Tier, Brüeff oder wi-n en Magnet funktioniert. Im Momänt mache mer verschidnigi Religiioone, die müemer ois gägesitig voorschele.	یعنی «طبیعت، انسان، جامعه». در این درس به همه چیز می پردازیم، مثلاً حیوانات، شغل ها یا اینکه یک آهنربا چگونه کار می کند. فعلاً ما درباره مذاهب مختلف یاد می گیریم، باید آنها را به همدیگر معرفی کنیم

## B4.2

Schport, Si gaat i s Fuessbaltraining, Religiioone

I de Schuel hani am liebschte Basketbal gschpilt. Mis Lieblingsfach isch Matti gsii. Prueffige hani nie gärn gschribe. Mit sächs Jaar bini i d Schuel choo. I minere Freiziit hani megagärn gmaalet. I mim erschte Schueljaar bini i de erschte Rei ghockt. Min Naachber hät mer oft ghulfe. Ich bi oft mit em Velo i d Schuel gfaare.

## C1.1

فعل های که نه حال و نه گذشته هستند، داخل قوس (پرانتر) قرار دارند.

underhaltet sich : händ sich underhalte, (los), ha wele rede : wott rede, machsch : häsch gmacht, hani überlait : überleggi, (wür naahole), wotsch : häsch wele, schiisst aa : hät aagschisse, (wür lärne), wott : ha wele, bruuchi : hani pruuucht, isch : isch gsii, gaat : isch ggange, duuret : hät tuuret, chömmmer : hämmer chöne, waiss : ha gwüsst, hani wele : wotti, cha(-n) : hät chöne, gaat : isch ggange, (chönti), (chönt), mues : ha müese, gfalt : hät gfale, wotsch : häsch wele, gseesch : häsch gsee, isch : isch gsii, entschaidemer : hämmer entschide, isch : isch gsii

## C1.2

مثال:

<b>V:</b> Also los, ich ha namal überlait wäg dinere Idee.	پس، گوش کن، من دوباره درباره ایده ات فکر کردم.
<b>B:</b> Und, was mainsch?	خب، نظرت چیست؟
<b>V:</b> Ich glaub, du söttst es mache. S isch e supper Chance für diich und das mit em Gäld, das bringemer scho irgendwie ane.	من فکر می کنم تو باید این کار را بکنی. این یک فرصت عالی برای تو است و این موضوع پول را هم ما به نحوی حلش می کنیم.
<b>B:</b> Hei, supper! Also dän wirdi mal luege, wän das me sich cha iischriibe. Und ich wür luege, das i öppis finde, wo me cha füzg Prozänt wiiterschaffe, isch guet?	هی، عالی! پس من می خواهم ببینم که چه زمانی میتوانم ثبت نام کنم. و من می خواهم چیزی پیدا کنم که بتوانم ۵۰٪ کار کنم، خوبه؟
<b>V:</b> Ja, ich dänk das macht Sinn.	بله، من فکر میکنم این نظر خوبی است.
<b>B:</b> Hei, merci vilmaal für dini Underschtützig!	هی، خیلی تشکر از حمایت!

*D Meryem und d Lisa händ sich sit irere Ziit i de Primaarschuel nüm gsee. Hüt händsi sich amene Klasseträffe wider troffe - isch ales wider wi früener?*

مریم و لیزا از زمان مدرسه ابتدایی همدیگر را ندیده اند. امروز در یک جلسه صنفی (کلاسی) دوباره همدیگر را دیدند - آیا همه چیز دوباره مثل قبل است؟

<b>M:</b> Also verzel, was machsch?	؟
<b>L:</b> Mainsch bruefflich? Ich schaff bi de SBB.	منظورت از نظر شغل است؟ من در SBB کار میکنم.
<b>M:</b> Konduktöörin oder wie?	مدیر یا چی؟
<b>L:</b> Nai, sicher nööd! Eender so-n en Bürojob. Waisch, ich bi i d Sek und ha dän gad s KV gmacht.	نه، چه فکر می کنی! بیشتر یک شغل دفتری است. می دانی، من به مدرسه راهنمایی رفتم و بعد همینطور درس کارآموزی KV رو انجام دادم.
<b>M:</b> Und, gfalls der?	و، خوشت می آید؟
<b>L:</b> Ja, aigetlich schoo. Ich bi zwar de ganz Tag am Komp, aber s git immer echli Abwächslig und mini Koleegine sind al meganett. Das isch mer ee fascht am wichtigschte.	بله، در واقع همینطور است. من هر چند تمام روز روی کامپیوتر هستم، اما همیشه کمی تنوع وجود دارد و همکارانم همه مهربانند. این برای من خیلی مهمتر از هر چیزی است.
<b>M:</b> Das töönt aber guet! Miini Koleege sind au nett, aber miin Scheff isch en Schaaf-seckel.	این خیلی خوب به نظر می رسد. همکاران من هم خوب هستند، اما رئیس من یک آشغال است.
<b>L:</b> Ui. Was machsch dän duu?	اوه، چیکار میکنی پس؟
<b>M:</b> Ich bi bi sonere Marketing-Firma. Ha zerscht s Gimi gmacht und dän no en Bachelor in Schurnalismus.	من در یک شرکت بازاریابی کار می کنم. اول دبیرستان را تمام کردم و بعد یک لیسانس در رشته روزنامه نگاری گرفتم.
<b>L:</b> Töönt au nach Komp-Job.	به نظر می رسد این هم یک شغل کامپیوتری است.
<b>M:</b> Ja vol, git halt imer mee vo däne. Aber häsch das ghöört, was de Thien macht?	بله، کاملاً، همیشه بیشتر می شود. اما شنیدی تین چیکار می کند؟
<b>L:</b> Nai, wiso? Isch er au ume?	نه، چرا؟ آیا او هم اینجاست؟
<b>M:</b> Ja ee, lueg de Härzigi det im Egge. Imer no di ganz Ziit am grinse, wie früener scho.	بله، مطمئناً، نگاه کن، آن فرد خوشتیپ آنجا در آن گوشه. هنوز هم همیشه لبخند میزند، مثل قبلاً.
<b>L:</b> Und was machter?	و در مورد او چه خبر؟
<b>M:</b> Är hät nach de Schuel e Leer gmacht und schafft jetzt scho siit es paar Jaar i de Schtattgärtneri. Imer verusse im Grüene.	او بعد از مدرسه یک دوره آموزشی را گذراند و حالا چند سال است که در باغبانی شهری کار می کند. همیشه بیرون در میان سبزه.
<b>L:</b> Megaguet! Mit däm muesi au no rede.	خیلی عالی، من باید هنوز با او هم صحبت کنم.

## C2.1

درست، درست، اشتباه، درست

## C2.2

پاسخ ها (جمله بندی ها ممکن است مختلف باشند).

1. D Lisa häts KV gmacht.
2. D Lisa hät gärn Abwächslig und netti Koleegine.
3. D Meryem hät Schurnalismus shtudiert.
4. De Thien schafft bi de Schtattgärtneri.

## C3.1

1. Am halbi sibni bini uufgschtande und han mich paraat gmacht.
2. Churz nach em sibni bini mit em Bus i d Schuel gfaare.
3. Am Morge vo acht bis zää simmer zwai Schtund i s Brueffsinformationszäntrum ggange.
4. Vor em Mittag hämmer e Mattprüeffig ghaa.
5. Am Mittag hani mit Koleege i de Mensa ggässe.
6. Im Schport am Namittaag simmer e halb Schtund i de prale Sune umegränt.
7. I de letschte Lektion im Düütsch händ zwai us de Klass no en Voortraag über es Buech ghalte.
8. Nach de Schuel hät mer e Koleegin no bi de Ufzgi ghulfe.
9. Am früene Aabig dihai hani en Snack ggässe und tuschet.

## C3.2

- Sii:** uufschtaa (uufgschtande), faare (gfaare), gaa (ggange), umeräne (umegränt),  
**Haa:** mache (gmacht), haa (ghaa), ässe (ggässe), halte (ghalte), hälfe (ghulfe), dusche (tuschet)

## C4

- **Alli mini Ufzgi:** همه تکالیف خانگی من. این جمله به نظر می رسد بخشی از یک تور شهری باشد و احتمالاً به دانش آموزان مراجعه می کند.
- **suechsch Arbeit** کار می خواهی؟، یک محل آموزشی نیاز داری؟  
**bruchsche Lehrstell?** این جملات احتمالاً در یک مرکز اشتغال استفاده می شوند. آنها به جوانان (du) که به دنبال یک محل آموزشی یا یک شغل هستند، مراجعه می کنند.
- **mach IMMER was d'wotsch:** همیشه چیزی را انجام بده که می خواهی:  
 این گرافیتی به همه کسانی که رؤیای یک آموزش یا یک شغل جدید را در سر میپروراند، اشاره می کند.

## D1.1

1. Am Morge ischs mit Musig loos ggange.
2. Dän isch Znüüni gsii.
3. Nacher händsi e Düütsch-Prüeffig gschribe.
4. Für die hätsi no müese lärne.
5. Hoffetlich ischsi nöd so schwirig worde wi letschts Maal.
6. I de Mittagspause hätsi öppis ggässe.
7. Ich glaub, hüt häts Spaghetti Bolognese zum Zmittag ggää.
8. Am Nami händsi Schport ghaa.
9. Da hätsi sich scho druuf gfroit!
10. Si händ sicher wider Volleyball gschpilt.

## D1.2

جواب های سوالات: درست، درست، اشتباه، درست، اشتباه

ترجمه و رونویس متن ها:

Franz isch hüt wider me-gadoof gsii. Zerscht hät d Leererin en Text us em Buech voorgläse. Ich find, das isch langwiilig. Wämme das Züügs sälber chönti läse, okay, aber dän mues me lose, bis si färtig isch. Ich ha drum müese gaine. Das hät si gad gsee und ich glaub, si isch hässig uf mich worde. Jedefals hätsi mich dän usgfröoget und luuter so schwirigi Wörter pruucht, wo im Text gar nöd voor choo sind. I de zwaite Helfti hämmer dän mitenand dörfe rede, das gfalt mer amigs vil besser. Aber dän isch i mim Grüppli de Jérôme gsii. Är redt megaguuet wäg sine Eltere, aber er isch aifach so-n en Poser!

فرانسوی امروز دوباره خیلی بد بود. اول معلم یک متن از کتاب را خواند. به نظر من این خسته کننده است. اگر می توانستیم خودمان این چیزها را بخوانیم، خوب بود، اما باید گوش میدادیم تا تمام کند. به همین دلیل خمیازه کشیدم. او این را دید و فکر می کنم از من عصبانی شد. به هر حال، او از من کلی کلمات سخت پرسید که در متن اصلاً نبودند. در نیمه دوم ما اجازه داشتیم با هم صحبت کنیم، این را من همیشه می پسندم. اما بعد جروم در گروه من بود. او به خاطر پدر و مادرش خیلی خوب صحبت می کند، ولی او واقعاً خودنما است!

## D2.2

مثال:

1. Nach de Schuel hani grad e Leer aagfange.
2. Ich bi mit de Schuel scho fascht färtig gsii, aber dän hani müese di letscht Klass widerhole.
3. Nach de Schuel hani wele alai wone und bi vo dihai uuszoge.
4. Ich ha no mee wele lärne und bi drum uf e Fachhochschul ggange.
5. Nach de Schuel hani zerscht emal de Chopf wele frei mache und bi ais Jaar lang um d Wält graist.

## D3.1

1b, 2d, 3e, 4a, 5c

## D3.2

1c, 2a, 3j, 4f, 5b, 6d, 7h, 8e, 9g, 10i

## D3.3

متن ترجمه:

هفته گذشته خلص سوانج (رزومه) خودم را نگاه کردم و فکر کردم که چه کاری می توانم انجام دهم تا کمی پیشرفت کنم. یک دوره آموزش تکمیلی قطعاً بد نیست، اما چه؟ در سوئیس امکانات زیادی وجود دارد! آلمانی من خوب است، اما شاید می بایست یک امتحان بدهم، تا وقتی که درخواست می کنم، آن را هم ببینند. اما چیزی که واقعاً به آن نیاز دارم، این موضوعات کامپیوتری است. خوشحالم که می توانم کامپیوترم را روشن و خاموش کنم. اما در هر آگهی می خوانم «شما توانایی کار با کامپیوتر را دارید». فکر می کنم باید یک چیزی های برای نرم افزار اداری یاد بگیرم، چون در این مورد اصلاً چیزی بلد نیستم. خوب، پس فقط باید ببینم که کجا دوره های آموزشی وجود دارد!

جواب های سوالات:

noii Möglichkaite entdecke, Ich wett mis Niveau gärn zaige, IT-Käntnis, z wenig Wüsse, imene Kurs

## A1

ترجمه های متن ها:

A:	شولتز؟
D:	سلام، من دیاگا هستم.
A:	سلام خانم دیاگا.
D:	شما در مورد شغل متخصص مراقبت درخواست کرده اید. اولین سوال این است که آیا هنوز شما علاقمند هستید؟
A:	بلی، البته!
D:	ما اسناد درخواست شغلی شما را دیدیم و به همین دلیل مایلیم شما را به مصاحبه شغلی دعوت کنیم.
A:	اوه، خیلی از این خوشحال میشوم!
D:	بهترین زمان برای شما کی است؟ سه شنبه یا چهارشنبه صبح برای شما مناسب است؟
A:	چهارشنبه برای من خوب است.
D:	پس وعده ملاقات ما روز چهارشنبه یک ربع به نه، اگر برای شما مشکلی نیست؟
A:	برای من مناسب است، خیلی تشکر.
D:	ما مصاحبه شغلی را به صورت دو نفره انجام خواهیم داد. علاوه بر من، همکار من هم در کنارم خواهد بود که مسئول امور کارکنان است.
A:	خیلی خوبه، خوشحال میشم!
D:	پس منتظر آشنایی با شما هستیم. شب خوش، آقای شولتز.
A:	تشکر، برای شما نیز. خداحافظ خانم دیاگا.

## A2

پاسخ های صحیح:  
1b, 2a, 3b

## A3

Bewerbungsgespräch, interessant, Fachmann Betreuer, Mittwoch, Viertel vor 9

## B1

- خانم حسینی: **Hoi Donard!** دوناارد! **Grüezi Frau Hussein!** (گزینه دوم **guete Morge!**)
- فروشنده: **Ade mitenand!** تانیا: **Ade!** (گزینه دوم **widerluege!**)
- فابیو: **Hoi zäme!** دوستاش: **Hoi Fabio!**
- خانم حسن: **Guete Morge mitenand!**
- آقای فیضی: **Grüezi Här, ää, Marques!** آقای مارکز: **Grüezi wool!**
- تینا و دانی: **Grüezi mitenand!** و همچنین **Hoi zäme!** (گزینه دوم **Grüezi mitenand!** / **Hoi zäme!**)
- لیلا: **Tschau zäme!** والدین: **Tschau Laila!** (گزینه دوم **tschüss!**)
- آقای سپریمسیتی: **Ade Frau Martinez!** خانم مارتینز: **Widerluege!**

## B2

- müend Si
  - Wänder
  - du bisch
  - ir händ
- ir händ* در یک تیم، معمولاً افراد یکدیگر را با نام کوچک صدا می‌زنند. اما اگر تیم خیلی بزرگ باشد یا رئیس تیم سخت‌گیر باشد، ممکن است بگویند: **(Si händ)**
- chönd Si
  - Zaled Si
  - Händer
  - bringsch duu (de Güsel) use

## B3.1

- sich Bewärbe
- intressiert sii
- imer no
- verantwortlich sii
- d Schtel
- d Bewärbigsunderlage
- iiglade wärde
- sich go voorschtele

## B3.2

- Häsch du dich scho uf d Schtel beworbe?
- Als Chef fuerter es Team mit 12 Mitarbeitende.
- Nööchscht Wuche chani mi go voorschtele!
- Sind Si imer no a oisem Aagebott intressiert?
- D Personalchefin isch verantwortlich fuer s Personal.
- De Job als Leererin passt perfekt zu dir!

## B4

ترجمه های متن ها:

E:	سلام آلبرت، تو خیلی دیر کردی. حالا ساعت هفت و ربع است! آیا قطار تاخیر داشت؟
A:	سلام ایلف، من قطار را از دست دادم و مجبور بودم که نیم ساعت منتظر بمانم.
E:	آنها که اینطور. اما غذا تقریباً دارد درست می‌شود. روزت چطور بود؟
A:	پر اضطراب. امروز صبح ساعت هفت، وقتی از خانه بیرون آمدم، رئیس به من زنگ زد که یکی از کارمندان بیمار است و من باید به تنهایی از ده کودک مراقبت کنم.
E:	خیلی طاقت فرسا به نظر میرسد!
A:	بله، من تمام روز دور خودم می‌چرخیدم و می‌شمردم که آیا همه بچه‌ها هنوز اینجا هستند. و یکی از بچه‌ها هم سرما خورده بود و تمام روز گریه می‌کرد. اما این دقیقاً شغل من است.
E:	من هم قبلاً فکر کرده بودم که با بچه‌ها کار کنم، اما وقتی حرف‌های تو را می‌شنوم، کمی از این فکر دلسرد می‌شوم.
A:	نه، اجازه نده که من تو را از این کار منصرف کنم، این شغل هم خوبی‌های خودش را دارد. همیشه وقتی با بچه‌ها کار می‌کنی چیزی اتفاق می‌افتد، من از این خوشم می‌آید. اما تو خودت از کارت راضی هستی، درسته؟
E:	بله، من دوست دارم در بانک کار کنم. من بیشتر یک نوع شخصیت اداری هستم و از وظایف مختلف لذت می‌برم.

A:	بهم بگو، از لو چه خبر؟
E:	او شب ها در بیمارستان کار میکند.
A:	بله درست است، من فراموش کرده بودم، من نمی توانم در ساعات کاری نامنظم کار کنم.
E:	من فکر می کنم، که ماکارونی آماده است. چطور است غذا بخوریم؟
A:	بله، من گرسنه هستم.

## B4.1

نمونه هایی از پاسخها برای سوالات تمرینی:

Um weli Ziit gaasch du normalerwiis us em Huus? - Ich gaa jede Morge am 8i loos.  
 Muesch au de Zuug oder de Bus nää? - Ich haa nöd wiit, ich cha z Fuess gaa.  
 Mit wäm redsch über din Arbetstaag? - Am maischte redi mit mim Partner / mit minere Partnerin.

## B4.2

نمونه هایی از پاسخها برای سوالات تمرینی:

Häsch s au oft schträng i dim Brueff? - Ich mues zwar vil schwitze, aber defür hani nöd so vil Schtress.  
 Was isch als Chind din Traumjob gsii? - Als Chind hani unbedingt Pilotin wele wärde.  
 Was würsch hüt am liebschte mache? - Hüt danki mängisch, Tramchauffeur chönt no lessig sii.

## B4.3

نمونه هایی از پاسخها برای سوالات تمرینی:

Wie schaffsch duu am liebschte - häsch s lieber ruig oder häsch gärn öppis loos? - Ich haa s am liebschte ruig.  
 Häsch lieber gregleti Arbetsziite oder flexiibli - und häsch scho mal Schicht gschaffet? - Ich bruuch kä gregleti Arbetsziite, ich tail si mer lieber sälber ii. Durum wetti au nöd Schicht schaffe.  
 Bisch lieber dine oder verusse? - Ich bi am liebschte a de früsche Luft!

## C1

متن و ترجمه برای متن شنیداری:

D:	So, Grüezi Här Scholz!	رونویسی و ترجمه متن شنیداری!
A:	Grüezi! Sind Sii d Frau Diaga?	سلام، شما خانم دیاگا هستید؟
D:	Genau, und das da isch d Frau Galli, wo fürs HR mit debii isch.	دقیقاً، و اینم خانم گالی است که در بخش منابع انسانی (HR) همراه ماست.
A:	Grüezi wool.	سلام.
G:	Grüezi.	سلام.
D:	Wetted Si gärn es Glaas Wasser?	یک گilas آب میخواهید؟
A:	Nai, isch guet, danke.	نه تشکر.

D: Guet. Si händ sich ja bi ois als Fachmaa Betroiig beworbe. Chönted Si churz verzele, was Si mit däre-n Uusbildig verbindet?

خوب، شما به عنوان متخصص مراقبت درخواست داده اید. آیا می توانید به طور خلاصه توضیح دهید که این آموزش چه معنایی برای شما دارد؟

D: Jaa, gärn.

بله.

Der Aaron git gueti Antworte und so gaat das Gschprööch es Wiili hin und häär. Nachere halbe Schtund chunts langsam zum Ändi.

آرون پاسخهای خوبی می دهد و به همین ترتیب، گفتگو برای مدتی به این صورت ادامه می یابد. پس از نیم ساعت، به تدریج به پایان می رسد.

Märsi vilmal, das töönt seer schpanend. Jetzt hettemer no es paar Fraage zum Schluss - Stefanie, wottsch du übernää?

خیلی تشکر، این بسیار جالب به نظر می رسد. حالا چند سوال نهایی داریم - استفانی، می خواهی ادامه دهی؟

G: Ja. Här Scholz, Si sind im Momänt aagschtelt - ab wän wäred Si dän verfüegbar?

بله، آقای شولتز، شما در حال حاضر جایی دیگر کار می کنید، از چه زمانی می توانید پیش ما شروع به کار کنید؟

A: Ich haa drüü Möned Chündigungsfrischt. Nacher chönti gad aafange, das wär dän im Juni.

من باید سه ماه قبل اطلاع بدهم. پس از آن می توانم بلافاصله شروع به کار کنم، که این ماه ژوئن خواهد بود.

G: Supper. D Schtel isch mit 60% uusgschribe, isch das guet für Sii?

عالی است. این شغل به صورت ۶۰٪ میباشد. آیا این برای شما مناسب است؟

A: Laat sich da ächt no drüber diskutiere? Also wän au mee giengti - aigentlich würi scho gärn 80% schaffe.

آیا می توان در مورد آن بحث کرد؟ اگر امکانش وجود داشته باشد، من واقعاً دوست دارم ۸۰٪ کار کنم.

G: Im Momänt chömmer das nanig genau säge, aber das isch scho mal guet z wüsse, das Si mit em Pensum au chönted ufegaa. Und no e letschti Fraag - Iri Ghaltvorschtelig, also bi 60%?

در حال حاضر نمی توانم دقیقاً بگویم، اما خوب است که بدانیم شما می توانید حجم کاری خود را افزایش دهید. و یک سوال آخر - تصور شما از حقوق، پس چه میزان است، در صورتی که ۶۰٪ کار کنید؟

A: Also 3000 im Monet müesti scho haa. Wän di 60% für das nöd länged, chönti wie gsait au gärn mee mache.

من باید حداقل ماه ۳۰۰۰ دریافت کنم. اگر ۶۰٪ برای این مقدار کافی نباشد، همانطور که قبلاً گفتم، می توانم بیشتر کار کنم.

G: Guet. Das wärs dän vo oisere Siite - händ Si no Fraage, Här Scholz?

خوب، از طرف ما این همه آنچه بود که می خواستیم صحبت کنیم - آقای شولتز، آیا شما سوالی دارید؟

A: Nai, für miich isch au guet, danke. Oder nai, ais no - bis wän chönd Si mir Bschaid gää?

نه، برای من نیز همینطور است، متشکرم. اما نه، فقط یک سوال دیگر - تا چه زمانی می توانید به من خبر دهید؟

D: Mir händ morn no ais Gschprööch und dän wärdemer ois entschaide. Bis nööchst Wuche wüessed Si Bschaid.

ما فردا یک مصاحبه دیگر داریم و پس از آن تصمیم گیری خواهیم کرد. تا هفته آینده به شما اطلاع خواهیم داد.

A: Märsi vilmal. Dämfal, ade mitenand und es schööns Tägli!

خیلی تشکر، پس خداحافظ تان و روز خوبی داشته باشید.

D: Uf Widerluege, Här Scholz!

به امید دیدار آقای شولتز.

# C1.1

گفتگو احتمالاً خوب پیش رفته است. بین دو طرف گفتگو می توان گفت که آرون پاسخهای خوبی داده است. خانم دیگا در ابتدای گفتگو به عنوان طرف دوم گفته است که پاسخهای آرون «بسیار هیجانانگیز» بودهاند

# C1.2

جواب های درست:

nai, Stefanie, ab em Juni, 80%, nööchsch Wuche

# C1.3

پیشنهاد برای ترجمه:

1. *Wiso wetted Si däa Job gärn mache? Was isch Iri Motivation?*
2. *Wo gsend Si Iri Schtärchene? Chönd Si es Biischpil gää, wo Ine das i früenere Jöbs ghulfe hät?*
3. *Was sind Ire Schwechene und wie gönd Si mit däem um?*
4. *Wo gsend Si sich i foif Jaar?*

# C1.4

مثال:

<i>Bi ois cha s au emal schtressig wärde. Wie gönd Si mit Schtress um?</i>	گاهی محل کار ما اضطراب آور می شود. شما چگونه با اضطراب کنار می آید؟
<i>Was bringed Si vo Irere letschte Shtel mit, was Si da chönd bruuche?</i>	شما از شغل قبلی خود چه تجربیاتی را به همراه می آورید که می توانید از آن در اینجا استفاده کنید؟
<i>Was isch a Ine anderscht wi a anderne Lüüt, wo sich beworbe händ?</i>	چه ویژگی متفاوتی شما را از دیگر افرادی که درخواست داده اند، متمایز می سازد؟
<i>Wo gsend Si bi sich no Luggene?</i>	چی نقاط ضعفی در خود می بینید؟
<i>Wie würed Si sich gärn wiiter entwicckle?</i>	چگونه دوست دارید بیشتر ترقی نمائید؟

# C2

متن و ترجمه برای متن شنیداری:

	ملم در حال حاضر در حال گذراندن یک دوره آموزشی است. او به دنبال کسب درآمد جانبی است و به همین دلیل به دنبال کاری آسان می گردد. اول از همه، از دوستش سمهر سوال می کند.
<b>L:</b>	سمهر، میدانی کجا میتوانم کار پیدا کنم.
<b>S:</b>	برای چی؟
<b>L:</b>	من در حال حاضر در حال گذراندن این دوره آموزشی هستم و پوالم کمی اندک است. تا زمانی که آموزش تمام شود، دوست دارم کنار آن کار دیگری انجام دهم.
<b>S:</b>	و چی؟
<b>L:</b>	چیزی ساده، جایی که نیاز به مهارت های خاصی نیست. می دانی، مثل نظافت، کارگاه ساختمانی، و امثال آن.
<b>S:</b>	آیا در باره رستورانف فکر کردی؟ سرویس دهی؟
<b>L:</b>	چرا که نه؟ آیا کسی را میشناسی؟
<b>S:</b>	من مطمئن نیستم، اما همیشه این کافه کنار خانه سالمندان شلوغ است. برو آنجا سوال کن.
	روز بعد، ملم به کافه می آید. ساعت دو است و هنوز زیاد شلوغ نیست.
<b>R:</b>	سلام.
<b>L:</b>	سلام، اسم من ملم سینییا است. من شنیدم که شما شاید احتیاج به کمک داشته باشید.
<b>R:</b>	اره، واقعا ما احتیاج داریم، آیا تا حالا در سرویس دهی کار کردی؟
<b>L:</b>	نه، برای اولین بار است، اما من اینجا را دیدم که بعد از ظهرها خیلی مشتری می آید و این توجه مرا جلب کرد.
<b>R:</b>	چرا؟
<b>L:</b>	می دانید، من در حال گذراندن دوره آموزشی پرستاری هستم. من واقعاً از بودن با افراد مسن لذت می برم و واقعاً با آنها خوب کنار می آیم. و من می دانم که آنها دوست ندارند برای کیک خود منتظر بمانند! قطعاً خوب خواهد بود اگر من کمی کمک کنم.
<b>R:</b>	خوب، بیا امتحانش کنیم. شاید بتوانی فردا دوباره ساعت ۱۱ صبح بیایی و خلص سوانح (رزومه) خود را هم بیاوری؟ بعد می توانیم ببینیم آیا واقعاً مناسب است و در صورت نیاز در مورد حقوق هم صحبت کنیم. آه، راستی من روزینا هستم.
<b>L:</b>	خیلی خب، خوشحالم روزینا! عالیه، پس فردا می بینمت، خیلی تشکر.

# C2.1

بالا C2 را ببین

# C2.2

پاسخ های شخصی

# C2.3

به نظر می رسد که روزینا رابطه ای صمیمانه با مشتریانش دارد و به همین دلیل از همان ابتدا ملم را با تو صدا می کند. ملم که به عنوان درخواست کننده وارد کافه می شود، در مقابل با احترام رفتار می کند و تا زمانی که روزینا به او پیشنهاد دوستی نکرده، او را با شما خطاب می کند.

# C3.1

- De schpanendscht Tail
- S schöönschte Gfüül
- Di bescht Chefin
- De hööchscht Loon
- Vo de jüngschte Mitarbeitende
- De lengscht Arbetswääg, zur ruigschte Ziit
- Di schträngschte Tääg, es fains Ässe

# C4.1

1k, 2f (Pöschtlar), 3d, 4g, 5i (Tierärztin), 6a (Mechaaniker), 7b, 8l, 9c (Beckerin), 10j  
*Chauffeur, Chöchin* استفاده نشده:

# C4.2

مثال:

En Choch chocht Ässe für d Gescht vomene Restaurant.  
 E Schriinerin bout Möbel us Holz.  
 E Schriftschtelerin schriibt Büecher.  
 En Bouarbauer schafft ufere Bouschtel, zum Biischpil bim Hüüser oder Schtraasse Boue.  
 E Beamtin schafft i de Verwaltig, zum Biischpil bi de Schtatt oder bim Kanton.  
 En Profässer forschd und unterrichtet anere Hoochschuel.

# C5.1

1c, 2b, 3a

# C5.2

تصویر به ویژه نشان می‌دهد که چه زمانی مغازه باز است (*Öffnungsziite* ساعات کاری). صاحب مغازه می‌خواهد نشان دهد که کارفرمای خوبی است - به همین دلیل است که مغازه روزهای یکشنبه به خاطر کارکنان تعطیل است (*Am Sunntig lömmer eusnä* *MitarbeiterInnä .. Ziit für Fründä und Familiä* روز یکشنبه به کارکنانمان ... زمانی برای دوستان و خانواده می‌دهیم).

# D1.1

رونویسی و ترجمه (A= تماس گیرنده B= مثال، جواب های درست)

1	A	Grüezi wool, da isch Bhatia.	سلام، اینجا باتیا صحبت میکنند.
	B	Grüezi Här Bhatia.	سلام آقای باتیا.
2	A	Si sind ja vor Churzem bi ois gsii für es Vorschteligsgschpräöch und händ ois also zimli beidruckt.	شما اخیراً برای مصاحبه کاری پیش ما آمده بودید و ما را واقعا تحت تاثیر قرار دادید.
	B	Oo, danke!	اوه، تشکر!

3	A	Mir mached jetzt e zwai-ti Rundi und ich ha mit lne wele luege, wän Si Ziit hetted, isch guet?	ما الان دور دوم را شروع می‌کنیم و می‌خواستم ببینم کی وقت دارید، خوب است؟
	B	Ja, isch guet.	بله، البته.
4	A	Also, für ois wärs am beschte nööchscht Wuche-n am Dunschtig. Friitig wür au no gaa, aber nur am Morge.	پس، برای ما بهترین زمان هفته‌ی آینده روز پنج شنبه است. جمعه هم خوب است، اما فقط صبح.
	B	Am Dunschtignami würs mer gaa.	بعدازظهر پنج شنبه برای من مناسب است.
5	A	Supper. Dän sägemer gad am ais?	عالی. پس بگویم دقیقاً ساعت یک؟
	B	Ais isch echli früe. Gaats au am drüü?	یک، کمی زود است. ساعت سه هم می‌شود؟
6	A	Ja sicher, drüü isch au guet. Also am Dunschtig am drüü. Wo s isch, wüssed Si ja scho.	بله البته، سه هم خوب است. پس پنج شنبه ساعت سه. مکانش را که می‌دانید.
	B	Ja, deet am Baanhoof.	بله، نزدیک ایستگاه قطار.
7	A	Genau. Also, dän froiemer ois und bis nööchscht Wuche!	دقیقاً. پس، ما منتظریم و تا هفته‌ی آینده خداحافظ!
	B	lich mi au. Widerluege Här Bhatia!	من هم همینطور. خداحافظ، آقای باتیا!

# D1.2

- hoi, 2. ade/tschüss, 3. grüezi mitenand, 4. hoi zäme, 5. tschüss, 6. ade mitenand, 7. ade, 8. grüezi, 9. hoi

پاسخ هایت نیز درست است، اگر تو *halo* به جای *widerluege* یا *hoi* به جای *ade* یا *tschau* به جای *tschüss* قرار داده ای. اگر تو *mitenand* یا *zäme* را فراموش کرده ای پاسخ اشتباه است.

# D2.2

اگر پاسخ کمی متفاوت است، می‌توانی نیم امتیاز به خودت بدهی و طبق معمول املاء را نادیده بگیر.

- Das isch e gueti Fraag.
- Ich find sympathisch, das Si so vil für Familie mached.
- Nai, ich haa käs Probleme mit Teamarbet.
- Mir gfallts aifach, wän i am Änd vom Taag gseene, was i gschafft ha.
- Ich wür gärn hundred Prozänt schaffe.
- Ich chönt ab Auguscht aafange.

# D3.1

ترجمه و انتساب جملات:

1.	Bürokräft	b.	برای دیگران وقت تعیین کردن؟ نه تشکر.
2.	Pflägerin	c.	من واقعاً از افراد مسن خوشم می آید.
3.	Buschaffeuse	g.	آیا نباید شب ها هم رانندگی کرد؟
4.	Journalist	a.	خودتان پیام را بنویسید به جایی اینکه فقط بخوانید.
5.	Müllmann	d.	این خیلی بد نیست، همیشه بیرون در هوای تازه هستی!
6.	Putzkraft	h.	من آلرژی پوستی دارم، این خوب نیست.
7.	Buchhalterin	f.	من وسواسی هستم، این کار را خوب انجام می دهم.
8.	Anwältin	e.	به نظر من آنها فقط قانون را تغییر می دهند.

# D3.2

متن و ترجمه برای متن شنیداری:

<b>Faizal</b>	Min Name-n isch Faizal. Grüezi mitenand. Min Pfaan isch, Elektroingenieur z schtudiere. Im Momänt bini inere Garage und min Chef wür mi näbetem Schtudium la wiiter schaffe. Ich ha wükli Glück!	اسم من فیضل است. سلام به همه. برنامه من این است که در رشته مهندسی برق تحصیل کنم. در حال حاضر در یک تعمیرگاه ماشین (موتور) کار می‌کنم و رئیس اجازه می‌دهد که در کنار تحصیل، کار کنم. من واقعاً خوش شانس هستم!
<b>Jelena</b>	Ich haisse Jelena. Min Traumberueff isch aigetlich Leererin gsii und das bini jetzt au. Aber die Chind sind eso fräch! Ich wett lieber mit Erwachse-ne schaffe, vilich a de Brueffsschuel. Ich dänk, ich wird en Umschuelig mache.	اسم من یلنا است. شغل رویایی من واقعاً معلمی بود و حالا هم همان کار را انجام می‌دهم. اما بچه‌ها خیلی پررو هستند! ترجیح می‌دهم با بزرگسالان کار کنم، شاید در یک مدرسه حرفه‌ای. فکر می‌کنم که یک دوره‌ی آموزشی مجدد خواهم داشت.
<b>Ali</b>	Halo zäme, ich bi de Ali. Ich schaff im Momänt imene Suppermärt, aber aigetlich wäri lieber unabhängig. Jetzt bini am Schpare und nööchscht Jaar wotti min aigete Kiosk ufmache!	سلام، من علی هستم. در حال حاضر در یک سوپرمارکت کار می‌کنم، اما در واقع دوست دارم مستقل باشم. فعلاً پس‌انداز می‌کنم و سال آینده می‌خواهم کیوسک خودم را باز کنم!

**Jacques** Also jetzt gad schaffi als Ärntehälfer und das isch imfal mega-schträng. De Loon isch nöd guet und jede-n Aabig tuet mer de Rugge wee. Ich sött wükli öppis anders mache, aber ich waiss nanig, was und wie. A jaa, ich bi de Jacques!

در حال حاضر به عنوان دستیار برداشت محصول کار می‌کنم و این واقعاً خسته‌کننده است. دستمزد خوبی ندارد و هر شب کم‌رم درد می‌گیرد. واقعاً باید کار دیگری انجام دهم، اما هنوز نمی‌دانم چه کاری و چگونه. آه، من ژاکویز هستم!

**Pramila** Hoi zäme, ich bi d Pramila. Ich ha scho imer öppis mit Zaale wele mache, scho i de Schuel han i Matti glibt! Ich chönt mer zum Biischpil voorschtele, binere Versicherig z schaffe. Aber im Momänt bini Huusfrau.

سلام، من پرامیلا هستم. من همیشه دوست داشتم کاری با اعداد انجام دهم، حتی در مدرسه من عاشق ریاضی بودم. به عنوان مثال، می‌توانم تصور کنم که در یک شرکت بیمه کار کنم. اما در حال حاضر خانم منزل هستم.

## Lösung Übung:

**Faizal:** Garage, Ingenieur, hät en nette Chef  
**Jelena:** Schuel, Brueffsschuel, plaant en Umschuelig  
**Ali:** Kassierer, sälbschtändig, lait Gäld uf d Siite  
**Jacques:** Buurehof, waiss es nanig, hät Schmärze wäg sim Brueff  
**Pramila:** Huusfrau, Versicherig, rächnet gärn



در خرید لباس

A1

لیریدونا یک سوال دارد در مغازه مد.

- L:** ببخشید، سایز م این ژاکت را دارید؟  
**V:** یک لحظه، من سریع در انبار نگاه میکنم. (...) نه، متأسفانه نیست، ولی ما می توانستیم برای شما سفارش بدهیم، اگر شما میخواهید.  
**L:** بلی، لطفاً.  
**V:** آن می تواند تقریباً در یک هفته اینجا باشد. بعدش ما به شما زنگ میزنیم. شماره تلفن تان چند است؟  
**L:** اون ۰۷۵۷۲۵۵۶۶۳ است. خیلی تشکر تا بعد.  
**V:** تشکر همچنین، تا بعد.

ترجمه‌های متن‌ها:

در نانوایی

- اولگ در نانوایی است.  
**V:** روز بخیر، شما چه دوست داشتین؟  
**O:** روز بخیر، من دو دانه گیوفلی کره ای دوست داشتم.  
**V:** چیز دیگری هم می‌خواهید؟  
**O:** نه، تشکر، همه اش همین بود.  
**V:** پس این میشه ۳ فرانک و ۵۰. فاکتور را میخوانین؟  
**O:** نه، تشکر، آن را لازم ندارم.  
**V:** تشکر زیاد و روز خوش.  
**O:** تشکر، همچنین، دیدار دوباره!

در بخش میوه سبزی

رایفا پیش قفسه سبزیجات ایستاده است و دنبال مارچوبه می‌گردد.

- R:** ببخشید، من دنبال مارچوبه میگردم، شما در حال حاضر ندارید؟  
**V:** متأسفم، اکنون فصلش نیست، اون را تازه تقریباً از آپریل داریم.  
**R:** آه، بله، درست است، مارچوبه‌ها که تمام سال رشد نمی‌کنند! چیز دیگری هم هست. دیدم که پرتقال‌ها دیگر خیلی خوب به نظر نمی‌رسند، چندتایی کپک‌زده ببینشان بود. فکر کردم بهتر است که به شما اطلاع بدهم.  
**V:** اوه بلی، تشکر خیلی، من الان آنها را جدا میکنم.  
**R:** عالی، خیلی ممنون و همچنان یک بعد از ظهر خوش.  
**V:** تشکر، همچنین.

در بخش پنیر

- زدا در بخش پنیر نگاه میکند.  
**S:** روز بخیر، یک تکه از پنیر آبنزلر می‌خواستم.  
**V:** با کمال میل. چقدر می‌خواهید؟  
**S:** تقریباً ۲۰۰ گرم.  
**V:** اینقدر خوب است؟ باید من این را همین اندازه ببرم؟  
**S:** خواهشاً یک کمی بیشتر. بلی، اون مقدار آن عالی است.  
**V:** این هستند ۲۲۰ گرم. پس این میشه ۵ فرانک و ۴۰.  
**S:** تشکر زیاد. و یک روز خوش.  
**V:** تشکر، همچنین.

پیش صندوق

- بیکاز پیش صندوق است که پرداخت کند.  
**V:** روز بخیر.  
**B:** روز بخیر. این را و یک بسته پلاستیک آشغال نیاز داشتم.  
**V:** بلی، خواهش میکنم. جمع میکنید امتیاز ها را؟  
**B:** نه، من آنها را جمع نمی‌کنم. اما می‌توانم یک کیسه داشته باشم؟  
**V:** بله، البته. اما این یکی ۵ راپن هزینه دارد.  
**B:** مشکلی نیست، با کمال میل پرداخت می‌کنم.  
**V:** پس می‌شود ۲۵ فرانک و ۳۵. نقدی پرداخت می‌کنید یا با کارت؟  
**B:** با کارت، لطفاً.  
**V:** اینجا نگه دارید... ممنون.  
**B:** خداحافظ، روز خوبی داشته باشید!  
**V:** ممنون، همچنین. خداحافظ!

A2

1. zwai
2. (Appezäler) Chääs
3. mit de Charte
4. Nai
5. Si sind schimlig

A3

- 1a, 2h, 3e, 4f, 5d, 6i, 7b, 8c, 9g, 10j

# B1.1

1. Hüt gaa-n ich i d Bärge.
2. Ich hol si jede Taag am ói ab.
3. Am nööchschte Samschtig cha-n ich laider nöd.
4. Ich verschtaa-n in oft nöd.
5. Wän s Wätter schön isch, wänd mir schpööter en chliine Schpaziergang goo mache.
6. Ich cha dir gärn mis Skatebord uusleene.
7. Aachoo sind si uf jede Fal.
8. Är isch geschter am Aabig namal useggange.
9. Zum Schaffe bin ich geschter nüme rächtziitig choo.
10. Ich boue di noie Brämse morn ii.

# B1.2

جمله ۱:

موضوع (یا فاعل)	فعل	بقیه	نونه زمینه
Ich	gaa	hüt i d Bärge.	Und was machsch duu?
Hüt	gaani	i d Bärge.	Morn sötti dän emal d Wonig uuf ruume.
I d Bärge	gaani	hüt.	Dihai bliibe chani morn, dän söls ee rägne.

جمله ۱:

موضوع (یا فاعل)	فعل	بقیه	نونه زمینه
Ich	cha	der mis Skateboard gärn uusleene.	Bringsch es aifecht nö-öchscht Wusche zrug, isch guet?
Diir	chan	i mis Skateboard gärn uusleene.	Nur dinere Schwöschter würi s eender nöd gää.
Miis Skateboard	chan	i der gärn uusleene.	Aber mis Velo bruuchi sälber.
Gärn	chan	i der mis Skateboard uusleene.	Wükli gar kais Probleem!
Uusleene	chan	i der mis Skateboard gärn.	Schänke dueni s der aber nöd.

جمله ۹:

موضوع (یا فاعل)	فعل	بقیه	نونه زمینه
Ich	bi	geschter nüme rächtziitig zum Schaffe choo.	Min Chef isch zum Glück sälber au z schpaat gsii.
Geschter	bin	i nüme rächtziitig zum Schaffe choo.	Hoffetlich chunt hüt de Zuug pünktlich.
Rächtziitig	bin	i geschter nüme zum Schaffe choo.	Aber choo bini, und mini Sache erledige hani au chöne.
Zum Schaffe	bin	i geschter nüme rächtziitig choo.	Wenigschtens zum Konzärt bini dän wider pünktlich gsii.

# B2

گزینه‌های مناسب:

- 1, 2, 2, 1, 2, 1

# B3

1. Ich glaub das ales nöd.
2. Bitte trink jetzt dini Milch uus!
3. Du chasch gärn au zum Znacht choo.
4. Er isch scho am 8i haiggange.
5. Si chunt wider emal nöd.
6. Chum, mir gönd no schnäl i de Lade ine.
7. Si händ di ganz Ziit uf d Uur glueged.
8. Ir losed ois wenigschtens zue.
9. Höör uuf de ganz Taag jamere.
10. Mir händ das Projäkt abproche.
11. Si probiert a oisi Hochzig z choo.
12. Es hät geschter megavil gränet.
13. Das macht mer imfal gar nüüt.
14. Machs ch mer gschnäl d Tüüre-n uuf, bitte?

# B4.1

Gipfeli, Chääs, Söcke, Puli, Poulet, Spaghetti, Choigumi, Broot, Orangschesaft, Wurscht, Ziitig

# B4.2

Chääs - Chäästeeke, Broot - Beck, Söcke - Chlaiderlade, Ziitig - Kiosk, Spaghetti - Suppermärt, Poulet - Metz, Orangschesaft - Suppermärt, Gipfeli - Beck, Choigumi - Kiosk, Wurscht - Metz, Puli - Chlaiderlade

# B4.3

1. Chääs: De Chääs chauffi a de Chäästeeke oder Ich chauff de Chääs a de Chäästeeke.
2. Metz: Bim Metz chauffi s Poulet / d Wurscht oder Ich chauffe bim Metz s Poulet / d Wurscht.
3. Kiosk: Am Kiosk chauffi d Ziitig / d Choigumi oder Ich chauffe-n am Kiosk d Ziitig / d Choigumi.
4. Spaghetti: Spaghetti chauffi im Suppermärt oder Ich chauffe d Spaghetti im Suppermärt.

# B5

غذای مورد علاقه من ماکارونی با سس گوجه فرنگی (بادنجان رومی) است. من این غذا را خیلی دوست دارم زیرا وقتی وقت کمی داشته باشم، بسیار سریع آماده می‌شود. اگر وقت بیشتری داشته باشم، می‌توانم سس گوجه فرنگی (بادنجان رومی) را خاص تر درست کنم. همچنین می‌توانم پنیر پارمزان را به صورت رنده شده مستقیماً از کیسه بردارم یا پارمزان را به صورت تکه ای از پنیر فروشی خریداری کرده و خودم روی آن رنده کنم.

غذای مورد علاقه من کیک است. من خیلی دوست دارم خودم بپزم. وقتی کسی تولد دارد، معمولاً یک کیک شکلاتی می‌برم. کیک خانگی مسلماً خوشمزه تر است. اما در قنادی هم کیک های خیلی خوشمزه ای وجود دارد. به طور کلی من عاشق شیرینیجات هستم، مثل بیسکویت، کرواسان شکلاتی یا شکلات تخته ای.

غذای مورد علاقه من قرمه عدس است. من مقدار زیادی سبزیجات مانند پیاز، هویج (زردک)، تره فرنگی (گندنه) و یا هر چیز دیگری که در یخچال پیدا کنم به آن اضافه می‌کنم و کمی فلفل (مرچ). گاهی اوقات دوست دارم که به آن برنج اضافه کنم، اما بیشتر اوقات آن را تنها بدون برنج می‌خورم.

## B5.1

Spaghetti, Tomaatesoosse, kochet, Tomaatesoosse, Gmües, iichoche, Parmesan, Parmesan, Chäästeeke, raffle

Chueche, bache, isse, Schoggichueche, sälbergmacht, am fainschte, Beck, Chüeche, süessi Sache, Guezli, Schoggigipfeli, Schoggi-schtängeli

Linsenaintopf, Gmües, Zwible, Rüebl, Lauch, Seleri, Chüel-schrank, Tschili, Riis

## B5.2

### Spaghetti mit Tomaatesoosse:

حداقل Spaghetti, Salz, Tomaatesoosse, شاید هم Gmües, Parmesan, Chrüüter, ...

### Schoggichueche:

حداقل Schoggi, Määl, (Aier), (pflanzlich) Milch, (pflanzlich) Butter, Bachpulfer شاید هم Butter, Salz, Puderzucker, ...

### Linsenaintopf:

حداقل Linse, Zwible, Rüebl, Lauch, Seleri, Tschili, شاید هم anders Gmües, Riis, Wiisswii ...

## B5.3

پاسخ‌های شخصی

## C1.1

ترجمه و رونویس متن‌ها:

A:	Grüezi wool, wär isch als nööchsts draa?	روز بخیر، نوبت کی هست؟
R:	Grüezi - das wäär dämfal iich.	روز بخیر نوبت من.
A:	Schöön, was hetted Si dän gärn?	خیلی خوب، چی دوست دارین؟
R:	Ich brüüchti vier chliini Zuggettis und öppe 400 Gramm vo däne Pilz deet. Aa, und gärn grad no de Bund Peeterli dezue.	چهار عدد کدو کوچک و حدود ۴۰۰ گرم از آن قارچ (سمارک) لازم دارم. آه، و لطفاً یک دسته جعفری هم اضافه کنید.
A:	Seer gärn. Dörfs suscht no öppis sii?	با کمال میل. آیا چیز دیگری هم می‌خواهید؟
R:	Jaa, zwaiehalb Kilo Härdöpfel brüüchti no, zwai Rande und e chli Schpinaat.	بله، دو و نیم کیلو سیب زمینی (کچالو)، دو عدد لبو و کمی اسفناج هم نیاز دارم.
A:	Wivil Schpinaat hetted Si gärn? So drüü Hampfle?	چقدر اسفناج می‌خواهید؟ حدود سه مشت؟
R:	Jaa, das isch supper esoo. Dän brüüchti no chli Gmües, wo mer au chan uf de Gril tue, was empfäled Si daa?	بله، خیلی خوبه. پسس به مقداری سبزیجات نیاز دارم که بتوانم روی منقل کباب قرار بدهم، پیشنهاد شما چیست؟

A:	Oberschiine chame guet griliere, oder jetzt händ Schpargle gad Saison, die passed au guet. Für Schpiessli chönd Si au Pepperooni nää.	بادمجان برای کباب کردن خوبه، و فعلاً فصل مارچوبه است، آنها هم خوب کباب می‌شوند. برای سیخ‌های کوچک هم می‌توانید از فلفل دلمه استفاده کنید.
R:	Säsonaal töönt guet, dän nimi gärn gad so-n en Bund grüeni Schpargle. Und dän bitte no es paar Frücht.	محصولات فصلی خوبه، پس من یک دسته از مارچوبه‌های سبز می‌گیرم. و سپس لطفاً کمی میوه هم اضافه کنید.
A:	Gärn, gömmer doch gad da chli wiiter füre. Was dörfs sii?	با کمال میل، بیایید کمی جلوتر برویم. چه چیزی می‌خواهید؟
R:	Ich wott en Öpfelchueche bache. Was nimi daa für Öpfel?	می‌خواهم یک کیک سیب بپزم. برای آن چه نوع سیب باید استفاده کنم؟
A:	Wän Si gärn eender süess-lich Öpfel händ, empfli Ine Gala, und wän s lieber sö en süürliche sii, passt Elstar seer guet.	اگر سیب شیرین تری دوست دارید استفاده کنید، سیب گالا را به شما پیشنهاد می‌کنم، و اگر ترجیح می‌دهید که کمی ترش تر باشد، سیب الستار بسیار مناسب است.
R:	Guet, dän nimi es Kilo vo de Elstar. Suscht brüüchti nur no so-n e Schale Äppeeri und zää Schtange Rabarbere.	خوب، پس من یک کیلو از الستار می‌گیرم. به جز آن، فقط به یک ظرف توت فرنگی و ده ساقه ریواس (چکری) نیاز دارم.
A:	Seer gärn. Das isch dämfal ales?	به کمال میل، این همیشه (چیزی دیگری هم می‌خواهید)؟
R:	Ja, das wär ales. Ou nai, gärn au no es Schäleli Himbeeri.	بله، این همه است. آه نه، لطفاً یک کارتن تمشک هم بدهید.
A:	Guet, des wär dän ales zäme ... 53 Franke 50.	خوب، جمع اینها ۵۳ فرانک و ۵۰ راپن می‌شود.
R:	Vwala, das sött gad schti-me soo.	بفرمایید، همین قدر خوبه.
A:	Perfäkt, danke und no en schöne Taag wünschi Ine.	عالیه، تشکر و یک روزی خوبی برایتان آرزو می‌کنم.
R:	Danke glichfalls. Ade!	تشکر، همچنان. خداحافظ.

## C1.1

**Gmües:** 4 (vier) Zuggetti, 300 (drüühundert) Gram Pilz, 1 (ai) Bund Peeterli, 2,5 (zwaiehalb) Kilo Härdöpfel, 2 (zwai) Rande, 3 (drüü) Hampfle Schpinaat, 1 (ai) Bund grüeni Schpargle, **Frücht:** 1 (ais) Kilo Öpfel (Sorte: Elstar), 10 (zää) Schtange Rabarbere, 1 (ais) Schäleli Himbeeri

## C1.2

1. Er empflit Oberschiine, Schpargle, Pepperooni.
2. Si nimt d Schpargle, wil si Säson händ.
3. Si wott en Öpfelchueche bache.
4. S Schäleli Himbeeri hettsi fascht vergässe.

# C1.3

1b, 2e, 3c, 4a, 5d

# C1.4

1. **Tomaate** (گوجه رومی): root, rund, glänzig
2. **Gurke** (خیار، پادرنگ): grün, lang, schpitzig
3. **Bire** (گلایی، نای): gääl, süess, waich
4. **Kütte** (به، بوهی): härt, gääl, suur

# C2.1

Was laufft? → Öppis laufft.  
 Was machemer? → Mir mached öppis.  
 Machsch mer en Döner? → Du machsch mer en Döner.  
 Wottsch Zwible? → Du wottsch Zwible.  
 Tue-n echli Tschili drii! → Du tuesch echli Tschili drii.  
 Machemer! → Mir mached (s).  
 Issisch en gad? → Du issisch en gad  
 Söl' en iipacke? → Ich söl en iipacke.  
 Gib mer no e Serviette! → Du gisch mer no e Serviette.  
 Chani mit Chartre zale? → Ich zale mit Chartre.  
 Lueg, mis noie Gräätli! → Du lueg mis noie Gräätli (aa).  
 Mach s guet! → Du machsch (es) guet.

# C2.2

برای مثال (سوالات دیگر هم امکان دارد)

1. Wiso chunt de David in Lade-n ine?
2. Was bschtelt de David?
3. Was wott de David im Döner?
4. Wie zalt de David?
5. Was sait de David zum Abschiid?

# C2.3

1. Gisch mer no es Seckli? / Chasch mer no es Seckli gää?
2. Packed Si mir das ii.
3. Laasch de Chnobli wäg, bitte? / Chasch de Chnobli wäg-laa, bitte?
4. Tüend Si no chli mee Chääs druuf? / Chönd Si no chli mee Chääs druuftue?
5. Braat s guet dure, bitte.
6. Hei, schtönd hine-n aa, bitte!

# C3

ترجمه و رونویس متن ها:

<b>R:</b> Hoi Esmel Gaats guet?	سلام اسمه، حالت چطوره.
<b>E:</b> Hoi Raffa, mol, und diir?	سلام رافا، خوبم، حال خودت چطوره.
<b>R:</b> Au, danke. Hei, eewigs nüme gsee! Hetttsch äch nööchtscht Wuche mal Luscht, zu mir zum Znacht z choo?	منم خوبم تشکر، هی خیلی وقت همدیگر را ندیدیم. دوست داری هفته بعدی شب برای شام بیایی؟
<b>E:</b> Ja, wüki scho eewigs häär. Znacht wär schön, ich han zwar vil loos, aber das sött scho irgendetwie gaa. Hetttsch gad am Määntigaabig Ziit?	آره، خیلی وقت شده. شام خوبه، با اینکه خیلی کار دارم، ولی یک طوری میشه. شب دوشنبه وقت داری؟
<b>R:</b> Ou nai, sorry, han am Viertel ab 5i no en Coiffeur-Termin und am 9i es Telefoon mit minere Mueter, das wär chli knapp. Aber am Ziischtigaabig nach em Schaffe wäri frei, du au?	نه متاسفانه، من ساعت ۵:۱۵ دقیقه قرار آرایشگاه دارم و ساعت ۹ با مادرم تلفنی حرف میزنم. اما روز شنبه وقت من آزاده، تو هم وقت داری؟
<b>E:</b> Ziischtig- und Mittwuchaa-big muesi ab em 6i bis am halbi 10i uf d Chind vo mim Brüeder uufpasse, das gaat laider nöd. Wie wärs mit em Dunschtig?	سه شنبه و چهارشنبه شب من باید تا ساعت ۹:۳۰ مراقب اولاد های برادرم باشم. متاسفانه همیشه. روز پنجشنبه چطوره؟
<b>R:</b> Am Dunschtig hani aifach bis öppe-n am Viertel vor 7ni no e Sitzig. Denaach hetti Ziit, aber dän isch vilich scho chli schpaat? Du muesch ja amigs rächt früe use.	روز پنجشنبه تقریباً تا ساعت ۶:۴۵ جلسه دارم. بعدش وقت دارم، ولی شاید یک ذره دیره؟ تو باید صبحا خیلی زود از خانه بری بیرون.
<b>E:</b> Ja, das schtimt. Aber am Friitig hani Schpaat-diensch, vo dem häär wü das scho gaa.	آره، حق با توست، اما روز جمعه دیر وقت شروع به کار میکنم، به اون خاطر برای من خوبه.
<b>R:</b> Supper! Ich haa d Sitzig vo dihai uus, das haisst, du chöntscht so uf di 7ni zu mir haichoo. Isch des guet für diich?	خیلی خوب. من جلسه را از خانه انجام میدهم. تو میتوانی نزدیکی ساعت ۷ پیش من بیایی، برای تو خوبه؟
<b>E:</b> Jaa, perfekt! Chani no öppis mitbringe?	بله، عالی. می توانم چیزی با خودم بیارم؟
<b>R:</b> Nai, isch guet, aber danke. Ich froi mich! Mach s guet und bis nööchtscht Wuche. Tschüss.	نه، همچی خوبه، ولی تشکر. خوشحالم به خاطر دیدنت. مواظب خودت باش و تا هفته بعدی. خداحافظ.
<b>E:</b> lich mich au! Du au, tschau.	منم خوشحالم، همچنان. خدا حافظ.

## C3.1

	Raffaela	Esme
Määntig	۱۶:۴۵ آرایشگاه ۲۱:۰۰ تلفن کردن مادر	
Ziischtig		۱۸:۰۰ تا ۲۱:۳۰ بچه ها را مراقبت کردن
Mittwuch		۱۸:۰۰ تا ۲۱:۳۰ بچه ها را مراقبت کردن
Dunschtig	جلسه تا ۱۸:۴۵	
Friitig		دیر وقت شروع به کار

## C3.2

آنها جمعه ساعت ۱۹:۰۰ نزد رافائلا ملاقات می‌کنند.

## C3.3

	به عدد
1. foif ab zäni	۱۰:۰۵
	
2. Viertel ab drüü	۳:۱۵
	
3. halbi aochti	۷:۳۰
	
4. zwänzg ab vieri	۴:۲۰
	
5. zää vor sibni	۶:۵۰
	
6. Viertel for zäni	۹:۴۵
	
7. foif vor halbi zwai	۱:۲۵
	
8. Punkt ais	۱:۰۰
	

## C3.4

Es isch ...

1.	5.25	foif for halbi sächsi
2.	5.55	foif for sächsi
3.	12.30	halbi ais
4.	8.20	zwänzg ab aochti / zää vor halbi nüüni
5.	9.50	zää vor zäni

## C3.5

مثال:

Hoi, daa sind no d Details für oises Znacht am Dunschtig. Chasch uf di öi zu ois in Garte choo, Dupointstraass 15. Mir griliiert und händ scho en Huuffe Züügs, aber wän d wottscht, chöntsch no en Salaat mitbringe. Bis dän!

## C4

ترجمه گفتگو:

**E:** مم؛ این لازانیا واقعا خوشمزه است. چطور درستش کردی؟

**R:** مرسی، خوشحالم که از مزه اش خوشت آمده. خوب، باید تقریباً نیم کیلو کدو سبز را به صورت ورقه نازک خرد کنی و با نمک، فلفل و سبزیجات علاوه کنی. سپس قارچ (سماق) را به صورت ورقه برش بزنی و آن را با پیاز و یک دسته جعفری در روغن تفت بده.

در سس، نیم لیتر خامه، پنیر رنده شده و کمی جوز هندی اضافه کن در آخر، لایه های لازانیا، سبزیجات و سس پنیر را به ترتیب روی هم قرار بده و کمی پنیر پارمزان روی آن بپاش.

نیم ساعت در فر بگذار و دیگر آماده است. این دستور پخت از بتی بوسی است، اگر بخواهی با کمال میل برایت می‌فرستم.

**E:** اوه بله، خیلی دوست دارم! من هم دوست دارم غذا را در فر بپزم، اینطوری کمی وقت برای تمیز کردن داریم در حالی که غذا در فر است. به عنوان مثال، من معمولاً پیاده درست می‌کنم تا باقیمانده را مصرف کنم. تو فقط خمیر پیتزا درست می‌کنی، آن را تقسیم می‌کنی و قطعات را به شکل بیضی باز می‌کنی و از وسط شروع به رویه‌گذاری می‌کنی، به عنوان مثال با پنیر باقیمانده، سبزیجات، گوشت - هر چیزی که در خانه داری. فقط به یک ربع ساعت در فر نیاز دارد.

**R:** این خوب به نظر می‌رسد، من حتماً باید این کار را انجام دهم. من ایده ای ندارم که با باقی‌مانده ها چه کار کنم، پس چنین چیزی عالی است.

**E:** قطعاً راستی، یک کتاب آشپزی هم هست به نام «آشپزی زیر پنج فرانک». در این کتاب فقط دستورات عمل‌هایی هست که برای تمام مواد اولیه‌اش کمتر از پنج فرانک پرداخت می‌کنی. تعدادی از دستورات عمل‌ها را هم به صورت رایگان روی وبسایتشان در [joelundmuriel.ch/pages/kochen-unter-5-fr](http://joelundmuriel.ch/pages/kochen-unter-5-fr) قرار داده اند.

**R:** و، خیلی خوب به نظر می‌رسد. بعداً نگاه می‌کنم.

## C4.1

جملات با مثال:

- **Pfäffer:** I de Suppe fäält no chli Pfäffer!
- **Rezäpt:** Das ischs Rezäpt vo minere Mueter.
- **raffle:** Chasch mer scho mal d Härdöpfel raffle, bitte?
- **schtroie:** Wän im Winter d Schtraasse rutschig sind, schtroitme Salz.
- **abwächsligswiis:** Mir chönd ja d Wösch abwächsligswiis mache.

## C5.1

Chömed verbi! ' یک سر بزنی /  
Mir bringet oi au im Februar Xund & Rund mit Marroni über die chalt Zzyt!  
' ما برای تان در February چیز های سالم با مارونی در زمان های سرد می آوریم /  
Chuchi am Wasser ' آشپزخانه کنار آب '

## C5.2

1d, 2a, 3e, 4b, 5f, 6c.

*Ghopfts* به معنای «چیزی که به آن رازک اضافه شده است» در زندگی روزمره به سادگی به معنی *Bier* (آبجو) است. کلمه *Burger* به صورت *Börger* تلفظ می‌شود.

## C5.3

در لهجه گفته می‌شود *Gmües bitte sälber wäge* در جاهای دیگر آلمانی زبان می‌گویند *Gemüse bitte selber wiegen*.

## D1.1

1c, 2g, 3e, 4b, 5j, 6i, 7d, 8f, 9a, 10h

## D1.2

1. Sind das Zwätschge?
2. Gänd Si mir es Kilo vo dänel
3. Ois gaats esoo. (Oder: S gaat ois esoo.)
4. De Zopf isch günschtiger worde.
5. Händ Si kä Broot mee?
6. Packed Si mir des ij, bitte!

## D2.1

1. Peeterli, 2. Jogurt, 3. Äppeeri, 4. Broot, 5. Rabarbere, 6. Härdöpfel, 7. Schoggi, 8. Schpinaat, 9. Taigwaare, 10. Orang-schesaft

## D2.2

1. en Bund, 2. es Glaas, 3. es Schäleli, 4. en Laib, 5. e Schtange, 6. en Sack, 7. e Tafle, 8. e Hampfle, 9. es Päckli, 10. e Fläsche

۱. یک دسته, ۲. یک جام, ۳. یک کاسه کوچک, ۴. به صورت تکه, ۵. یک میله, ۶. یک کیسه, ۷. یک تخته, ۸. یک مشت, ۹. یک بسته, ۱۰. یک بوتل یا بطری

## D2.3

1d, 2e, 3g, 4a, 5b, 6f, 7c

## D3.1

گفتگو در ترتیب درست و با معنا:

A	Ui, du häsch ja scho aag-fange.	آه، تو که از قبل شروع کرده‌ای.
	Chani der öppis hälffe?	میتوانم تو را جایی کمک کنم؟
B	Das isch lieb vo dir.	این از مهربانی تو است.
	Also lueg, die Härdöpfel daa chasch mer schele.	خب ببین، این سیب زمینی(کچالو) را برای من پوست کن.

A	Isch guet.	خوبه.
	So, färtig. Und jetzt?	تمام، و حالا؟
B	Bisch ja megaschnäl.	تو خیلی سریع هستی.
	Jetzt fiin schiible und nacher uuf d Siite tue.	حالا اینها را ورقه نازک خورد کن و بعد در کنار بگذار.

## D3.2

پاسخ‌ها به سوالات:

1. (Chääs-)Fondue
2. öppe 200 Gram
3. Wän me z vil Maizena nimt.
4. S Fondue bränt aa.
5. Broot(-Würfeli)

ترجمه و رونویس متن‌ها:

S Wichtigschte-n isch de Chääs. Es sött scho en rässe Chääs sii, öppis Chreftigs. En Klassiker isch halb Gruyère und halb Vacherin. Me sait pro Persoon öppe 200 Gram. Am Aafang mues-me s Caquelon mit Chnobl uusrübe. Dän tuetme de Chääs mit echli Maizena vermische. D Mängi isch no schwirig, wän d z wenig nimsch, chas passiere, das sich de Chääs tränt, aber mit z vil wirlds megagräämig, fasch wi ne Gräämsuppe, und daas isch dän au nüme fain. Aifech echli experimentiere und lieber z wenig wi z vil! Nacher güsstme de Wii dezue. Wiiswii natürl, uf 100 Gram Chääs es bizzli weniger wi-n en halbe Dezi. Der Alkohol verdunschtet dän, aber me cha s au ganz ooni mache, mit Süessmoscht. Dän langsam wärme und imer schön umrüere, das es nöd aabränt. Me cha s mit Pfäffer und Muskat wärme und s git Lüüt, wo no es Glesli Kirsch dezuetünd, aber iich ha das nöd so gärn. Wän de ganz Chääs schön gschmolze-n isch, sofort serviere! Aa, und s Wichtigschte hetti fasch vergässe: Zum s überhaupt ässe z chöne bruuchts natürl no Broot, so chliini Würfel! Die muesch vorane scho paraat mache.

مهم‌ترین چیز پنیر است. باید پنیری قوی و رسیده باشد، چیزی با طعم تند. یک گزینه کلاسیک، ترکیبی از نیم پنیر Gruyère و نیم پنیر Vacherin است. به ازای هر نفر حدود ۲۰۰ گرم توصیه می‌شود. برای شروع، Caquelon (قابل‌مزه مخصوص فوندو) را با سیر مالش دهید. سیس پنیر را با کمی نشاسته ذرت مخلوط کنید. مقدار نشاسته کمی حساس است؛ اگر کم باشد، ممکن است پنیر از هم جدا شود، ولی اگر زیاد باشد، بیش از حد خامه‌ای و تقریباً شبیه سوپ خامه‌ای می‌شود که دیگر مزه خوبی ندارد. کمی تجربه کنید و بهتر است کمتر از حد زیاد استفاده کنید!

سیس شراب سفید اضافه کنید، البته شراب سفید، به ازای هر ۱۰۰ گرم پنیر کمی کمتر از نیم دسی‌لیتر. الکل تیخیر می‌شود، ولی می‌توانید بدون الکل هم تهیه کنید و به جای آن از آب سیب استفاده کنید. سیس به آرامی حرارت دهید و همیشه خوب هم بزنید تا نسوزد. می‌توانید آن را با فلفل و جوز هندی مزه‌دار کنید. بعضی‌ها یک لیوان Kirsch (عرق گیلاس) اضافه می‌کنند، اما من آن را دوست ندارم.

وقتی تمام پنیر خوب آب شد، بلافاصله سرو کنید! آه، و تقریباً مهم‌ترین نکته را فراموش کرده بودم: برای خوردن فوندو حتماً به نان نیاز است، به صورت مکعب‌های کوچک! باید از قبل این مکعب‌های نان را آماده کنید

# A1

ترجمه تبلیغات:

## اتاق خالی

ما: واحد اشتراکی چهار اتاقه در حاشیه شهر. تو: خوش‌برخورد و بالغ!  
 در واحد اشتراکی ما، از ابتدای آگوست یک اتاق خالی می‌شود (۲۰ متر مربع، ۵۳۰ فرانک سوئیس). آپارتمان در محله‌ای آرام قرار دارد، اما فروشگاه‌ها و ایستگاه اتوبوس تنها پنج دقیقه فاصله دارند. همه ما شاغل هستیم و به همین دلیل به دنبال کسی هستیم که هر هفته مهمانی بگیرد و ترجیحاً کمی تجربه زندگی در واحد اشتراکی داشته باشد. گاهی اوقات دوست داریم با هم شام بپزیم و یک بالکن کوچک داریم که می‌توان آن را با گل‌ها آراسته بکنیم.

## آپارتمان برای اجاره

من در حال نقل مکان هستم و به همین دلیل از ماه فوریه به دنبال مستاجر جدید برای آپارتمان مقرون‌به‌صرفه و نزدیک به مرکز شهر خود هستم (سه اتاق، ۶۵ متر مربع، ۱۸۷۵ فرانک سوئیس). آپارتمان آفتابگیر و قدیمی ساخت است، بدون بالکن، اما با حیاط داخلی زیبا. صاحب خانه از داشتن کودکان خوشحال می‌شود و محله پرچنپ‌وجوش برای خانواده‌ها ایده‌آل است (زمین بازی و پارک کوچک در گوشه خیابان، بدون خیابان‌های خطرناک). من مبلغان خود را با خود نمی‌برم، می‌توانید آن‌ها را با توافق تحویل بگیرید. البته این اجباری نیست، در غیر این صورت باید آن‌ها را دور بریزم.

## جستجو برای واحد اشتراکی

سلام به همگی! من تازه به سوئیس آمده‌ام و به دنبال یک واحد اشتراکی شاد هستم تا بتوانم افراد بیشتری را بشناسم. من ۲۵ ساله هستم و از سوریه آمده‌ام، سیگار نمی‌کشم و شخصی منظم هستم. به موسیقی گوش دادن و نواختن گیتار علاقه‌مندم و اجتماعی هستم. ترجیحاً دوست دارم در واحد اشتراکی دانشجویی زندگی کنم، چون بعدها دوست دارم تحصیلاتم را ادامه دهم. البته این اجباری نیست! بودجه من تا ۶۵۰ فرانک است.

## اتاق برای زیر اجاره (اجاره اتاق از مستاجر)

ما یک زوج بازنشسته هستیم که مایلیم یک اتاق را زیر اجاره دهیم. اتاق ۲۳ متر مربعی دارای مبله است، ایده‌آل برای دانشجویان یا کارآموزان. چشم‌انداز زیبا از طبقه سیزدهم. استفاده مشترک از حمام و آشپزخانه بدون استفاده از اتاق نشیمن. حمل و نقل عمومی و مغازه‌ها در نزدیکی. لطفاً فقط افراد تمیز و قابل اعتماد با ارسال عکس درخواست دهند.

# A2

مثال:

Mir gfalt di erscht Azaig am beschte. Ich wone gärn i WGs, aber nach em Schaffe bruuchi mini Rue - mit 30i hätme aifet andri Bedürfnis wi als Schtudi. Durum gfalt mer au, das d Wonig am Schtatrand liit, deet ischs ja au maischtens nöd eso hektisch wi i de Ineschtatt. Ich glaub, die andre deet sind au so druuf, aber au kä totaali Einzelgänger\*ine - ich finde, gmüetlich und gselig passt seer guet zäme!

# A3

1d, 2a, 3c, 4b

# B1.1

در اینجا جملات با پیشوندهای درست آورده شده‌اند:

Ich wone <b>mit</b> minere Schwöschter zäme.	Er cha sich e Wonig <b>ooni</b> en Balkoon nöd vorschtele.
Si woned scho lang <b>z</b> Basel.	Rüersch bitte dini Chlaider nöd imer <b>über</b> de Färnsee.
S Sofa isch <b>i</b> de Schtube.	Am Suntig lauffi ainisch <b>um</b> de Block ume.
<b>Bi</b> mir dihai isches immer sauber.	D Thea hät en noie Schrank <b>für</b> iri Fründin kaufft.
De Erkin isch <b>wäg</b> sim Fründ seer pingelig mit de Ornig dihaime.	Si händ s Bild im Schlaaffzimer nur <b>gäg</b> d Wand gleent.
<b>Näbet</b> ere moderne Chuchi büüetet die Wonig no e groossi Schtube.	Ich gaa schnäl <b>in</b> Eschtrich.
S isch vil ruiger worde, <b>sit</b> d Wonig <b>under</b> ois noi vermietet isch.	Ich hett jetzt persöönlich der Ässtisch nöd <b>uf</b> de Teppich gschtelt.

# B1.2

تمام پیشوندها، در هر مورد یک راه حل ممکن:

پیشوندها	جمله از تمرین	جمله جدید (مثال)
<b>näbet</b>	Näbet ere moderne Chuchi büüetet die Wonig no e groossi Schtube.	D Schtube chöntemer ja näbet d Chuchi boue.
<b>under</b>	S isch vil ruiger worde, sit d Wonig under ois noi vermietet isch.	Under die Wonig würdi nöd züggle, die lauffed de ganz Taag ume und me ghöört s rächt luut.
<b>über</b>	Rüersch bitte dini Chlaider nöd imer über de Färnsee.	Über em Färnsee isch scho wider es füechts Tüechli, wäm isch daas?
<b>uf</b>	Ich hett jetzt persöönlich der Ässtisch nöd uf de Teppich gschtelt.	Uf em Teppich ligged Schpilsache.

# B2.1, B2.2

(پیشوندها علامت‌گذاری شده)

لطیفه می‌نویسد...

Ich schtaa-n <b>im</b> Migros / <b>uf</b> em Zentraalplatz / <b>hinder</b> em Baanhoof.	Ich gaa <b>hinder</b> de Park / <b>i</b> d Hauptschtraass / <b>uf</b> d Brugg.
---	--

فریدریکه می‌نویسد...

Bisch <b>vor</b> em Kafi? / <b>zwüschet</b> em Schpilplatz und de Schuel? / <b>am</b> Seeufer aachoo?	Lauff <b>a</b> s Ändi <b>vo</b> de Schtraass. / <b>vor</b> de Manor. / <b>zwüschet</b> Haltischtel und Kiosk.
---	---

# B3.1

suuber - dräckig

zueverlässig - unzuverlässig

vermiete - miete

unordentlich - ordentlich

Noibou - Altbou

gföörlich - harmlos

unmöbliert - möbliert

kontaktfroidig - verschlosse

mürrisch - uufgschteilt

läbig - toot

# B4

I oisere noie Wonig häts e groossi Chuchi.  
 Uf mim Balkoon schiint de ganz Tag d Sune!  
 Wil de Pablo im Härbscht go raise gaat, tueter sis Zimer under-  
 vermiete.  
 Zum Glück häts für Chind i de Nööchi en groosse Schpilplatz.  
 Känsch du d Aigetümerin vo däm Huus?  
 Ui, s Baad isch megadräckig, das muesi unbedingt no putze hüüt!  
 Chasch du hüt bitte no s Glas entsorge?  
 Wo züglisch ane?  
 Wäärend em Schtudium hät d Thais no inere 4er-WG gläbt.  
 Isch das s Won- oder s Schlaaffzimer?

# C1

ترجمه گفتگو:

گول و والتر به دنبال آپارتمانی هستند. امروز آن‌ها به تماشای یک آپارتمان می‌روند که تاریخ بازدید آن از پیش در آگهی اعلام شده بود. صاحبخانه آن‌ها را در درب ورودی استقبال می‌کند.

- V:** روز بخیر. شما برای بازدید اینجا هستید؟
- G:** بله، دقیقاً! می‌توانیم داخل شویم؟
- V:** البته، بفرمایید داخل. چند نفر دیگر هم اینجا هستند.
- G:** باید کفش‌هایمان را در بیاوریم؟
- V:** نه نه، مشکلی نیست.
- G:** والتر نگاه کن، منظره از پنجره واقعاً زیباست.
- W:** بله، اما در تابستان اینجا واقعاً گرم می‌شود. این سمت جنوب است.
- G:** بهتر است که زیبا و گرم باشد تا خنک و زشت، نه؟
- W:** همم... به نظر می‌رسد که آشپزخانه هم کمی قدیمی است.
- G:** اوه، بیا، مهم این است که کار می‌کند! من فکر می‌کنم کیفیتش خوب است. -  
 ببخشید، می‌توانم یک سوال بپرسم؟
- V:** بله حتماً.
- G:** این آشپزخانه از کی است؟ خیلی عالی به نظر می‌رسد.
- V:** باید حدود ۲۰ ساله باشد، اما هنوز کاملاً سالم است. فقط یخچال را سال گذشته باید عوض می‌کردیم.
- W:** من هم یک سوال دارم. در حمام پنجره‌ای نیست، کپک نمی‌زند؟
- V:** تا حالا نه، فقط نباید فراموش کنید که تهویه را روشن کنید.
- W:** آه، خوب است، ممنون.

# C1.1

1. de Walter, 2. d Gül, 3. d Gül

# C1.2

1. Baad (e), 2. Balkoon (b), 3. Schtube (c, f), 4. Chäler (d, g),  
 5. Chuchi (a)

# C1.3

پاسخ‌های شخصی

# C2

ترجمه دستورالعمل‌ها:

تخته‌ی تخت را مستقیماً اینجا در سمت چپ، وسط اتاق کنار دیوار قرار بده.  
 قسمت‌های کم‌د را می‌توانی درست در سمت راست تخت بگذاری.  
 لطفاً مبل را جلوی پنجره قرار بده.  
 تشک را بلافاصله روی تخته‌ی تخت بگذار.  
 دو کیسه را در آشپزخانه زیر میز بگذار.  
 سه جعبه را می‌توانی بین تخت و مبل قرار بده.  
 آینه را می‌توانی با احتیاط پشت مبل قرار بده.

# C2.1

i d Mitti, a d Wand, näbet s Bett, vor s Faischtär, uf de Bet-  
 troscht, i de Chuchi, under de Tisch, zwüschet s Bett, hinder  
 s Sofa

# C2.2



# C2.3

پاسخ‌های شخصی، مثال برای دستورات:

S Sofa chunt under s Faischter. De Färnsee schtelsch uf d  
 Kommode. D Madratze chasch deet hine a d Wand schtele. De  
 Schpiegel chunt über em Färnsee a d Wand. Die Chischtene  
 chömed i d Chuchi. Dää Schtuel chöntsch näbed de Chuchi-  
 tisch tue.



## C3

رونویسی و ترجمه گفتگو:

De Erkin und de Gion woned nanig lang zäme. S chunt zum erschte Schritti.

<b>E:</b>	Die Undsghi uf em Sofa isch scho diir, oder?	شورت روی مبل مال توست، درست است؟
<b>G:</b>	Ja ee, wisoo?	بله، البته، چرا؟
<b>E:</b>	Si liit aifecht scho es paar Tääg dette und gseet uus, wi wän si eender i d Wösch sötti ...	فقط چند روز است که آنجا افتاده و به نظر می‌رسد که باید شسته شود...
<b>G:</b>	Aa, easy, ich cha si scho wägtue.	آه، راحت باش، می‌توانم آن را بردارم.
<b>E:</b>	Ja, das wäär no guet... und eerlich gsait, bim nööch-schte Maal gärn echli früener.	بله، خوب است... و صادقانه بگویم، دفعه بعد کمی زودتر این کار را بکن.
<b>G:</b>	Hei, s isch nur en Undsghi. Die häsch doch scho mal gsee, oder?	هی، فقط یک شورت است. قبلاً هم دیده‌ای، نه؟
<b>E:</b>	Schoo, aber wän diis Züügs so lang umeliit, das isch doch gruusig! Du gseesch das irgend-wie nööd, aber das Tassli schtaat imfal au scho eewigs am Faischter. Das isch scho iitröchnet, das bringsch gar nüm suuber.	بله، اما وقتی وسایلت این قدر طولانی اینجا بماند، واقعاً چندان آور است! تو انگار نمی‌بینی، اما فنجان هم از مدت‌ها کنار پنجره است. خشک شده و دیگر تمیز نمی‌شود.
<b>G:</b>	Jetzt aber langsam, de Här! I de Duschi mues nämlich imer iich diini Haar wägmache, wil d nöd richtig luegsch. Isch das öppe nöd gruusig?	حالا آرام باش، آقا! در حمام همیشه من باید موهایت را جمع کنم، چون درست نگاه نمی‌کنی. آیا این چندان آور نیست؟
<b>E:</b>	Haar? Ich ha doch gar nüm so vil Haar.	موها؟ من که دیگر خیلی مو ندارم.
<b>G:</b>	Aso du häsch sicher no gnuieg Haar zum miir s Läbe schwäär z mache.	خب، تو مطمئناً به اندازه کافی مو داری که زندگی من را سخت کنی.
<b>E:</b>	Aso guet, ich mues schiin-bar besser luege. Aber du muesch au dini Sache nöd überal ligge laa.	خب، ظاهراً باید بهتر نگاه کنم. اما تو هم نباید وسایلت را همه جا بگذاری.
<b>G:</b>	Ich wird s versueche. Sim-mer wider guet?	سعی می‌کنم. دوباره خوبیم؟
<b>E:</b>	Jaa. Hei sorry, ich han en schtränge Taag ghaa. Aso chum, ich nim s Tassli, du d Undsghi.	بله. هی، ببخشید، من روز پر استرسی داشتم. بیا، من فنجان را برمی‌دارم، تو شورت را.

## C3.1

درست، درست، غلط، غلط، غلط، درست

## C3.2

راه حل مثال (تعبیر دیگر ممکن است):

Das isch en Bütschgi. Er liit am Faischter. Er sött in Güsel. Das sind Büecher. Si liind uf em Färnsee. Si sötted i s Regaal. Das isch es Chüssi. Es liit am Bode. Es sött uf s Sofa. Das isch e Zigi. Si liit uf em Tisch. Si sött in Äschebächer. Das sind Söcke. Si liind uf em Sofa. Si sötted i d Wösch.

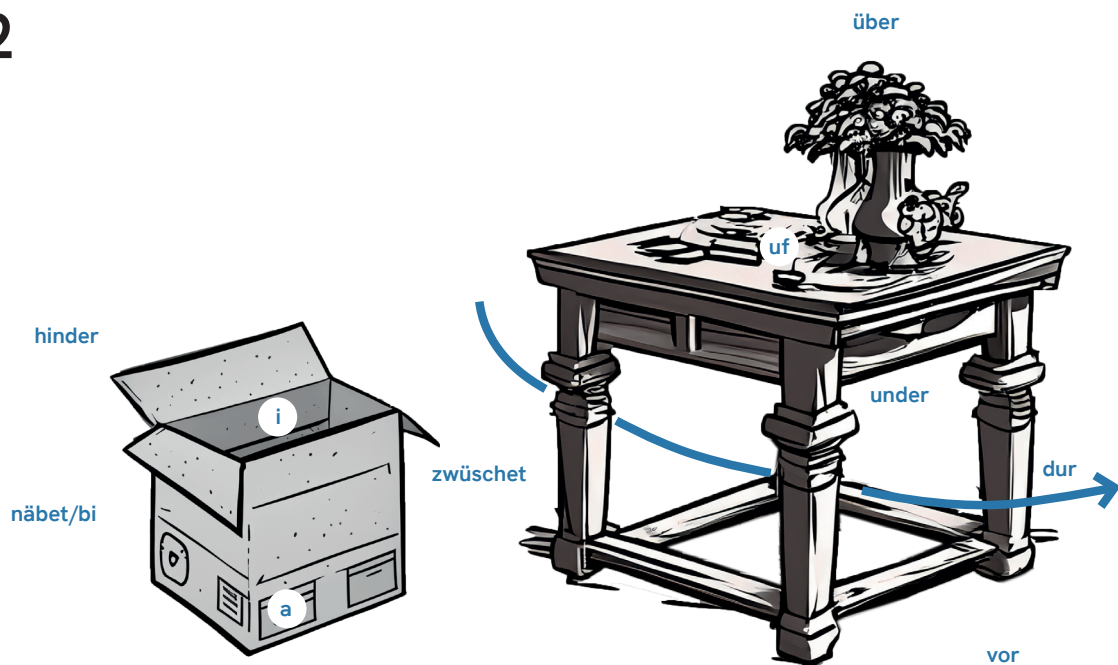
## C4

ترجمه گفتگو:

<b>D:</b>	در عید پاک، بسیاری از مردم در سوئیس تخم‌مرغ‌ها و خرگوش‌های شکلاتی را پنهان می‌کنند که دیگران برای سرگرمی باید آن‌ها را پیدا کنند. مریام و دیدی خواهر و برادر هستند و در حال جستجوی تخم‌مرغ‌ها در خانه هستند که والدینشان پنهان کرده‌اند. چند تا هنوز پیدا نشده‌اند!
<b>M:</b>	آیا روی تلویزیون نگاه کردی؟
<b>D:</b>	بله، هیچ چیزی نیست.
<b>D:</b>	دیدی به مبل اشاره می‌کنند.
<b>D:</b>	اما یکی زیرش بود!
<b>M:</b>	خیلی خوب. و پشتش؟
<b>D:</b>	یک لحظه صبر کن... یوهو، اینجا یک خرگوش است! این اما مال من است.
<b>M:</b>	هی، پس من چی؟
<b>D:</b>	باید خودت پیدا کنی! حالا اون کشو رو باز کن. مریام داخل کشو را نگاه می‌کند.
<b>M:</b>	نه، هیچ چیزی داخل نیست.
<b>D:</b>	همم... پشت گلدان‌ها چطور؟
<b>M:</b>	نه... اما بینشان یکی هست، یک قرمز!
<b>D:</b>	و آن جعبه روی کمد چیه؟ بیارش پایین. مریام باید حسابی کش بیاید.
<b>M:</b>	اوف... ها، خرگوش من اینجا است! و کنارش هم یک چیز براق است...
<b>D:</b>	چی هست؟ من نمی‌توانم به آن برسم، لطفاً تو بردار.
<b>M:</b>	اوه... آه، این‌ها فقط تزئینات تولدم هستند!

## C4.1

Adverb	Genauer gesagt	سوال
druuf	uf em Färnsee	کجا؟
drunder	under em Sofa	کجا؟
dehinder	hinder em Sofa	کجا؟
use	us em Chaschte / ...	از کجا؟
ine	i d Schublade	به کجا؟
dezwüschet	zwüschet de Blueme-töpf	کجا؟
abe	vom Chaschte	از کجا؟
dine	i de Schachtle	کجا؟
denäbet	näbet de Schachtle	کجا؟
ane	a d Schachtle	به کجا؟



## C4.4

aberüere	Chasch mer de Schlüsel aberüere?	می‌توانی کلید را برای من پایین بیندازی؟
usebringe	Sone fuule Siech, är wott nöd emal de Güsel usebringe!	چه آدم تنبلی، حتی نمی‌خواهد زباله‌ها را بیرون ببرد!
durefaare	Es hät jetzt en noie Velotunel. Geschter bini durefaare.	حالا یک تونل جدید برای دوچرخه‌ها وجود دارد. دیروز از آن عبور کردم.
inegüüsse	Lueg die Glesli, da chasch nacher d Gonfi inegüüsse.	می‌توانی بعداً مربا را در این شیشه‌ها بریزی.
fürelaufe	Villich hät s wiiter voore no Plätz, ich lauff emal füre.	شاید جلوتر جاهای خالی باشد، من جلوتر می‌روم.
hindere-schiebe	Mer sötted de Färnsee no chlii hindereschiebe.	باید تلویزیون را کمی به عقب بکشیم.
übereruumme	Ruum emal dis Züügs übere, me hät ja gar kän Platz mee zum Ässe.	وسایلت را بردار، دیگر جایی برای غذا خوردن نداریم.
anehocke	Dörfi da anehocke?	می‌توانم اینجا بنشینم؟
ufelupfe	Die Halter sind vil z hööch, ich chaa mis Velo da nöd alai ufelupfe!	این نگهدارنده‌ها خیلی بلند هستند، نمی‌توانم دوچرخه‌ام را به تنهایی بالا ببرم!

تقریباً تمام قیده‌های موجود در فهرست را می‌توان با تقریباً همه افعال ترکیب کرد. برای ذکر چند مثال:

*anegüüsse*: ریختن داخل چیزی  
*dureschiebe*: هل دادن از میان چیزی  
*inehocke*: نشستن داخل چیزی  
*hinderebringe*: بردن به عقب  
*überefaare*: عبور کردن از چیزی  
*uferüere*: پرت کردن به بالا  
*umelauffe*: دور چیزی راه رفتن  
*drunderruumme*: جا به جا کردن زیر چیزی  
*abelupfe*: پایین آوردن چیزی  
*useschüüsse*: بیرون پرت کردن  
*fürebringe*: آوردن به جلو

فقط فعل *wickle* را نمی‌توان به خوبی با قیده‌های دیگر ترکیب کرد.

## C4.5

ترجمه جمله نمونه	معنی	ترکیب
ببخشید، این کتاب را نمی‌فهمم.	فهمیدن	1. druuschoo
یکشنبه فقط در خانه تنبل بودیم.	تنبلی کردن	2. umehange
می‌خواستم کیک بپزم، اما موفق نشدم.	انجام دادن	3. anebringe
تو باید به تحصیلات ادامه بدهی!	ادامه دادن	4. draabliibe
دیروز هم‌پیکاری کردم. هی، چه چیزهایی پیدا شد!	ظاهر شدن	5. fürechoo
او پروژه‌اش را بدون توجه به کسی کامل انجام می‌دهد.	علی‌رغم موانع انجام دادن	6. durezie
این شخص میلیون‌ها پول را مخفی کرد و باز هم مجازات نشد.	بدون مجازات ماندن	7. devooschoo
فکر می‌کنم این خیلی پیچیده گفته شده است، باید کمی ساده‌تر کنیم.	ساده کردن	8. abebräiche

## D1.1

1f, 2e, 3a, 4g, 5d, 6b, 7c, 8h

## D1.2

پاسخ درست:

ab Auguscht, 1600 Franke, S isch ire z tüür worde, Si chönted sich s laischte, en Balkoon

ترجمه و رونویس متن‌ها:

L:	Hoi Friederike, ich bi s, d Latifah. Ich ha ghöört, du züglisch?	سلام فریدریکه، من لطیفه هستم. شنیدم که داری اسباب‌کشی می‌کنی؟
F:	Hoi Latifah! Jaa, ich zie-n uus, aber erscht im Auguscht.	سلام لطیفه! بله، دارم اسباب‌کشی می‌کنم، اما تازه در ماه آگوست.

<b>L:</b> Aa, das isch scho mal guet. Mir würed ois nämlich für d Wonig intressiere. Dörfi di es paar Sache fröoge?	آه، این که خوب است. ما به این آپارتمان علاقه داریم. می توانم چند سوال بپرسم؟
<b>F:</b> Ja, ee.	بله، حتما.
<b>L:</b> Aso Auguscht isch fix, hä?	پس، آگوست قطعی است، درست است؟
<b>F:</b> Du chasch scho au schpööter iizie, aber dän müesteder d Wonig läär zale.	تو می توانی بعداً هم نقل مکان کنی، اما در آن صورت باید اجاره آپارتمان خالی را پرداخت کنی.
<b>L:</b> Wivil choschtetsi überhaupt?	اصلاً چقدر هزینه دارد؟
<b>F:</b> 1600 Franke. Durum gaani au use, für mich alaige ischs z tüür worde. Aber für oi müestis ja gaa.	۱۶۰۰ فرانک. به همین دلیل هم من دارم از اینجا می روم، برای من تنها خیلی گران شده. اما برای شما باید مناسب باشد.
<b>L:</b> Ja, danke s scho. Gäl es sind drüü Zimer?	بله، فکر می کنم همین طور است. درست است، سه اتاقه است؟
<b>F:</b> Genau. Kä Balkoon, aber en Eschtrich.	دقیقاً. بالکن ندارد، اما یک اتاق زیر شیروانی دارد.
<b>L:</b> Okay. Was hani no ghaa ... a ja, wi isch de Vermieter esoo?	باشه. چه چیزی دیگر بود... آها، صاحبخانه چطور است؟
<b>F:</b> S isch en privaate Aige-tümer, durum chani au en Naachmieter sueche. Sone-n alte Zürcher, ich find rächt en härzige. Isch au fair, wän a de Wonig mal öppis mues gmacht wärde.	این یک مالک خصوصی است، به همین دلیل هم می توانم خودم دنبال مستاجر جدید بگردم. یک پیرمرد اهل زوریخ است، به نظرم آدم خیلی خوبی است. او منصف هم هست، اگر آپارتمان نیاز به تعمیر داشته باشد.
<b>L:</b> Das töönt aber guet. Chöntemer äch morn oder so mal verbiichoo?	این که خیلی خوب به نظر می رسد. آیا می توانیم شاید فردا یا یک روز دیگر سر بزنیم؟

## D2.1

1. i d Chuchi
2. I d Schtube/ i s Wonzimmer
3. i s Baad
4. im Chäler
5. im Auto
6. i s Schlaaffzimer
7. im Lift
8. i s Chinderzimer
9. in Gang
10. i de Chuchi

## D2.2

1. Was isch i däre Chischte? - Gschir.
2. Was isch i däm Sack? - Lampene.
3. Was isch i däne Chischtene? - Chlaider.
4. Was isch i däm Täschli? - Zaabürschtli.
5. Was isch i däne Seck? - Schpilsache.
6. Was isch i däre Schachtle? - Schmuck.
7. Was isch i däre Chischte? - Pfanene.

## D3.1

<b>1 H:</b> Du Schatz, chasch em Farid bitte d Windle wächsle?	عزیزم، می توانی لطفاً پوشک فرید را عوض کنی؟
<b>2 R:</b> Wän i wüssti, wo si wider sind, chönti scho ...	اگه می دونستم دقیقاً کجا هستن، الان می تونستم انجام بدم...
<b>3 H:</b> Los, ich tue si imer a de gliich Ort, i de Chaschte-n im Baad, ich waiss au nöd, wiso das si nacher umewandered ...	خب، من همیشه اون ها رو توی همون جایی می دارم، تو کمند حمام. می دونم چرا بعداً همیشه پا می گیرن...
<b>4 R:</b> Aa, ha si gfunde. Häsch duu kä Ziit?	آه، پیداشون کردم. وقت نداری؟
<b>5 H:</b> Ich bi da gad oises Znacht am Choche, chasch gärn übernäa ...	من الان دارم ناهار می پزم، اگه دوست داری می تونی به عهده بگیری...
<b>6 R:</b> Ja soo ... Aso chum, Farid, mir sueched ois es schööns Plätzli.	آه، خب... پس بیا، فرید، بریم به جای خوب پیدا کنیم.
<b>7 H:</b> D Wickeldecki isch glaub no im Wonzimer.	فکر می کنم پتوی تعویض هنوز توی اتاق پذیراییه.
<b>8 R:</b> Jaa, ha si, märsi.	آره، گرفتمش، مرسی.
<b>9</b> De Chlii faat aafa schreie.	کوچولو داره شروع به گریه می کنه.
<b>10 R:</b> Ja waas, wottschi lieber de Papi? Dä isch jetzt aber i de Chuchi, da müemer dich erscht suubermache ...	چی شده؟ پدر را ترجیح می دهی؟ الان توی آشپزخونه ست، باید اول تو رو تمیز کنیم

## D3.2

i de Chuchi, im Baad, im Wonzimer, d Rozhan, de Farid

## D3.3

پاسخ های شخصی

## A1

ترجمه گفتگو:

G:	سلام، حالت چطوره؟
S:	خوبم، <i>Wolke 7</i> = اوایل عاشق شدن.
G:	بگو.
S:	من عاشق شدم.
G:	نه، او کی هست؟
S:	یک همکار جدید کاری. بیشتر یک نوع آرام و محترم، اما تو می دانی که من چه سلیقه ای دارم... اسمش رودی است.
G:	و تو بیچاره رودی را همان اول کار مورد حمله قرار دادی؟
S:	نه، نه، یعنی نه بلافاصله... اما هفته گذشته از او پرسیدم که آیا دوست دارد به سینما برود و او خیلی خوشحال شد.
G:	و بعد از آن، جرقه زده شد.
S:	بله، اما فقط به خاطر پاپ کورن.
G:	و حالا شما ها با هم دوستین؟
S:	نمیدانم، و احساس میکنم که با همیم.
G:	هی، خیلی خوبه.

R:	سلام، چطور میگذرد.
N:	خوب، من امروز مرخصی دارم. تو چطور؟
R:	پف، واقعا حالم گرفته است. یانل با من قطع رابطه کرد.
N:	اوه، چند وقت با هم در رابطه بودید؟
R:	تقریباً دو سال.
N:	خیلی حیف شد. دلیلش چی بود؟
R:	او فقط اینطور فکر می کرد که من برایش خیلی نابالغ هستم.
N:	تو که خیلی سر پای خود هستی.
R:	بله، نپرس. در واقع، موضوع این است که او حتماً می خواهد بچه دار شود. اما ببخشید، من واقعاً هیچ علاقه ای به بچه ها ندارم!
N:	تو هنوز آماده نیستی برای بچه داشتن.
R:	دیگه حالت خوبه؟
N:	میای یک آبجو با هم بنوشیم؟
R:	هی، تشکر رفیق، من ۲۰ دقیقه دیگه انجام.

## A2

Shirin (یک دوست (مؤنث)) / *Koleegin* → Guanghao  
 Guanghao (یک دوست (مذکر)) / *Koleeg* → Shirin  
 Ruedi (دوست پسر) / *Fründ* → Shirin  
 Yael (دوست دختر قدیمی) / *Ex* → Reza  
 Reza (یک دوست) / *Koleeg* → Nahom  
 Nahom (یک دوست) / *Koleeg* → Reza

## A3

*verliebt* عاشق, *sich froie*, خوشحال شدن, *truurig* ناراحت, *wüetig* عصبانی, *laidtue*, ناراحت شدن.

## A4

1b, 2a, 3a, 4b, 5b.

در سوئیس، بسیاری از مردم فکر می کنند که در مورد موضوعاتی که اینجا مطرح شده، رفتار «عادی» یا «درست» وجود ندارد - هر کسی آن را به شیوه ای که دوست دارد انجام می دهد. بسیاری از مردم ترجیح می دهند مانند رضا در مورد مسائل رابطه با دوستان همجنس خود صحبت کنند، اما برخی دیگر مانند شیرین عمل می کنند. هر دو می توانند یک رابطه را شروع یا پایان دهند. وقتی که رابطه به پایان می رسد، برخی شاید طوری رفتار کنند که انگار برایشان مهم نیست، در حالی که برخی دیگر کاملاً صریح در مورد احساسات خود صحبت می کنند.

## B1

1. gäch, seg
2. gsäächsch
3. seg
4. gäbid
5. machid

## B2.1

1d, 2e, 3a, 4c, 5b, 6f, 7j, 8g, 9i, 10h

## B2.2

جواب های زیادی درست می باشد، اینجا چند تا مثال:

Wän d mer besser würsch zuelose, hettsch güsst, das i min Schlüssel vergässe ha.

Wän si hüt i d Feerie chönt, würsi diräkt a s Meer faare.

Wän ich nöd inere feschte Bezieig wäär, würsch mer mega gfale.

Wämmer Chind hetted, hettemer vil weniger Ziiit für ois.

## B2.3

1. Mir hetted s güsst, wän si iri Partnerin betroge hett.
2. S hett vil mee Schpaass gmacht, wän du au debii gsi wäärsch.
3. Wän d dir weniger Sorge gmacht hettsch, hettsch vil mee erraicht.
4. Wän si baidi nöd eso ifersüchtig gsii wäred, wär doch die Bezieig supper gloffe.
5. Wän ich riich gsii wäär, hetti minere Mueter es Huus kaufft.
6. Wän er weniger gschritte hetted, wäri megaglücklich gsii.
7. Wän ich mis Portmonnaie verloore hett, hettsch du halt für ois müese zale.

## B3

1. laidtaa
2. verliebt
3. unriiff
4. ruige
5. froie
6. zäme sind
7. Goofe
8. Voorliebi
9. Schluss gmacht
10. knischeret

## B4

- Ich ha ghöört, d Zarmine und d Emma heigid sich tränt. Wän das schtint, würs mer mega laidtue für sil
- De Ardzan hät verzelt, er heg scho wider e noii Fründin. Wän iich sini Ex wär, hetts mi sicher härt gnoo.
- Geschter häts ghaisse, em Michi sini Eltere segid wider zämechoo. Wän das schtint, würs mi totaal für in froiel
- Öpper hät gsait, Verliebsii seg wi-n e Chranket. Wän das esoo wär, wär i gärn emal wider chrank!
- D May Myat hät verzelt, de Tim heg si betroge. Wen ich sii wär, hetti scho lang mit däm arschloch Schluss gmacht.
- De Paolo hät mer gschribe, er heg sich i mich verliebt. Wän das schtint, wäri uf Wolche ?!
- Ich ha ghöört, di baide hüuratid däa Sumer. Wän s dän e Hochzig git, wäri daa dezue au gärn iiglade.
- Im Büro häts ghaisse, de Tuân heg öppis mit em Chef am Lauffe. Wän iich de Chef wür date, wür sich das glaub falsch aafüüle.

## C1

(2008) *Gangdalang* از آلبوم Phenomden از آهنگ یک *Schriibe* است. با مجوز رسمی از POT Publishing One Ton است. رونویسی و ترجمه آزاد توسط voCHabular است.

Ja, Ja-ja-ja-hei	<i>Ja, ja-ja-ja-hey</i>
Glaub, ich mues der schriibe,	<i>Glaub, ich muss dir schreiben, ja</i>
ja	<i>Glaub, ich muss dir schreiben</i>
Glaub, ich mues der schriibe	<i>Glaub, ich muss dir schreiben</i>
Ja-ha, ja-ha-ha-hou	<i>Ja-ha, ja-ha-ha-hou</i>
Los mini Naachricht, jou	<i>Hör meine Nachricht, jou</i>

[Refrain:]	[Refrain:]
Ich glaub, ich mues der schriibe (schriibe)	<i>Ich glaub, ich muss dir schreiben</i>
Das i imer no a dich dänk Schick es SMS diräkt i dini Händ	<i>Dass ich immer noch an dich denke</i>
Ich glaub, ich mues der schriibe	<i>Schick ne SMS direkt in deine Hände</i>
Das du waisch, das ich dich nöd vergässe han	<i>Ich glaub, ich muss dir schreiben</i>
Nai, das hebt es Läbe lang	<i>Damit du weisst, dass ich dich nicht vergessen hab</i>
Ich mues der schriibe	<i>Nein, das hält ein Leben lang</i>
Das i imer no a dich dänk Schick es SMS rund um di halbi Wält	<i>Ich muss dir schreiben</i>
Ich glaub, ich mues der schriibe (schriibe)	<i>Dass ich immer noch an dich denk</i>
Wil ich wett der es Läbeszeiche gää	<i>Schick ne SMS rund um die halbe Welt</i>
Han din Kontakt no gschpacheret	<i>Ich glaub, ich muss dir schreiben</i>
S isch aigentlich Waansin	<i>Weil ich dir ein Lebenszeichen geben will</i>
Das mir usenand sind	<i>Hab deinen Kontakt noch gespeichert</i>
Ich lang mer mängmal an Grind	<i>Ist eigentlich Wahnsinn</i>
	<i>Dass wir auseinander sind</i>
	<i>Ich fass mir manchmal an den Kopf</i>

Doch aigentlich machts Sinn	<i>Doch eigentlich macht es Sinn</i>
Dän miir händ zämeghöört wie Lüüt wo verwandt sind	<i>Denn wir gehörten zusammen</i>
Doch anschiinend häts nöd glangt	<i>Die verwandt sind</i>
Und mier händ de Rank nöd gfunde	<i>Doch anscheinend war's nicht genug</i>
Hüt ischs es Dischtanz-Ding	<i>Und wir haben den Platz nicht gefunden</i>
Wil du nöd daa und ich nöd in Ängland bin	<i>Heute ist es ein Distanz-Ding</i>
Jede macht sis Ding	<i>Weil du nicht hier und ich nicht in England bin</i>
Und es isch gar nüm schlim	<i>Jeder macht sein Ding</i>
Doch hüt Nacht chunsch mer wider mal in Sin	<i>Und es ist gar nicht mehr schlimm</i>
Jou ich sing	<i>Doch heute Nacht kommst du mir wieder mal in den Sinn</i>
	<i>Jou, ich sing</i>

[Refrain]	[Refrain]
Ich wett wüsse, wie s dir gaat	<i>Ich wüsst gern, wie's dir geht</i>
Ich shtel der nur die Fraag	<i>Ich stell dir nur diese Frage</i>
Han niemert so gliebt ghaa	<i>Hatte niemanden so geliebt</i>
Und bi drum intressiert draa	<i>Und bin drum interessiert dran</i>
Ich wett nöd, das es schief-gaat	<i>Ich möchte nicht, dass es schiefgeht</i>
Drum schriibi das Lied grad	<i>Drum schreibe ich grad dieses Lied</i>
Wil was i mim Brieff shtaatt	<i>Weil was in meinem Brief steht</i>
Des passt uf kai SIM-Card	<i>Das passt auf keine SIM-Card</i>
Mit dir isches gail gsii	<i>Mit dir war es geil</i>
Liebi, nöd Tailziit	<i>Liebe, nicht Teilzeit</i>
100-prozäntig	<i>prozentig-100</i>
Ich säg der, das waissi	<i>Ich sage dir, das weiss ich</i>
I han müese elai sii	<i>Ich musste allein sein</i>
S isch besser für baid gsii	<i>War besser für beide</i>
Z vil Wunde baidsiitig	<i>Zu viele Wunden beidseitig</i>
Doch d Ziit hailt si	<i>Doch die Zeit heilt sie</i>

## C2

ترجمه های متن ها:

ما به یکدیگر اعتماد داریم. او به عنوان مثال اجازه می دهد من با ماشین او رانندگی کنم و من هم اجازه می دهم او با ماشین من رانندگی کند. ما حتی می توانیم هر کدام به تنهایی به تعطیلات برویم و این اصلاً مشکلی نخواهد بود.

دوست دخترم مدام نگران است. اگر من فقط برای آخر هفته با دوستان بیرون بروم و شب زنگ نزنم، او فکر می کند شاید تصادف کرده باشم. حداقل او حسود نیست - اینکه دوستانم پسر باشند یا دختر برایش فرقی ندارد.

وقتی جوان تر بودم، یک بار هم رابطه ای بسیار پرشور داشتم. هر دوی ما می خواستیم همیشه با هم باشیم و اگر نتیجه ای نداشت، هر بار فاجعه بود. حتی دوستم برام نامه مینوشت!

دیروز یک سال از ازدواجمان گذشته بود. شاید من فراموش کرده بودم، اما همسرم یادش بود و یک دسته گل گرفت. این باعث شد خیلی خوشحال شوم!

وقتی مادرم فوت کرد، فکر می کنم این موضوع برای پدرم سخت ترین بود. آن ها سی سال با هم بودند، و این مثل این است که ناگهان یک دست یا پا را از دست بدهی. او بعد از آن تقریباً دو سال هیچ حرفی نمی زد و همیشه غمگین بود.

هفته گذشته دوست دخترم واقعاً عصبانی شد. او حتی فریاد زد و به خاطر یک چیز کوچک یک کتاب را به زمین انداخت. اما بعد پشیمان شد و عذرخواهی کرد. همه چیز دوباره خوب خواهد بود اگر فقط این اتفاق اغلب رخ نمی دهد!

ممکن است برای من اتفاق بیفتد که اول کسی را دوست داشته باشم و بعد از او متنفر باشم. به عنوان مثال، من یک بار یک شریک داشتم که فکر می کردم عشق زندگی من است. ولی بعدش با به نفر دیگه و یکی از اشناهای ما بهم خیانت کرد من خیلی عصبانی بودم که تمام عشق فقط یک شبه از بین رفت!

وقتی همسرم به من گفت که می خواهد از من جدا شود، کاملاً غافلگیر شدم. همیشه احساس می کردم که همه چیز خوب پیش می رود! اگر این را می دانستم، قطعاً چند چیز را به طور متفاوت انجام می دادم.

## C2.1

کلمات عاطفی مشخص شده در متن را می توان در واژگان بخش تخصصی یافت

## C2.2

1c, 2e, 3b, 4g, 5f, 6a, 7d

پیشنهاد:

[Refrain]	[Refrain]
Jou, ich wett, das du waisch Vermisse din Gaischt Wett wüsse, was du dänksch und Was du überlaisch Ich ha d Art gären ghaa So wie du mit mich gseesch So wie du mit mier redsch Ich fröög mi, hämmer ois z vil gsee S chunt nüme druuf aa Ich lüüte nur aa Ali paar Mönnet oder imne halbe Jaar Wott wüsse, was du dänksch Und isch ales klaar Wott numme hin und wider Kontakt haa	<i>Jou, ich möchte, dass du weißt Ich vermisse deinen Geist Wüsste gern, was du denkst und Was du überlegst Ich hatte die Art gern Wie du mich siehst Wie du mit mir redest Ich frage mich, haben wir ?uns zu viel gesehen Es kommt nicht mehr drauf an Ich rufe nur an Alle paar Monate oder in einem halben Jahr Will wissen, was du denkst Und ist alles klar Will nur hin und wieder Kontakt haben</i>
[Refrain x 2]	[2 Refrain x]

## C1.1

1. آن ها قبلاً با هم بودند، اما رابطه شان به دلایل مختلفی از هم پاشید.
2. این فقط یک ماجرا یا رابطه سطحی نبود، بلکه یک رابطه عمیق و جدی بود.
3. *Mit dir isches gail gsii, Liebi nöd Tailziit; das hebt es Läbe lang; mier händ zämeghöört wie Lüüt, wo verwandt sind; mir händ de Rank nöd gfunde; han niemert so gliebt ghaa*
4. برای این موضوع تفسیرهای مختلفی وجود دارد. به هر حال، به نظر می رسد که او هیچان است - شاید به این دلیل که خبر برایش خیلی مهم است یا به این دلیل که مدت هاست با فرد دیگری تماس نگرفته است.

## C1.2

Hei du :) Han mich scho ewigs nüm gmolde, aber han i de letschte Ziit oft a dich tänkt. Wie gaats der esoo? Bin erscht grad mal wider am Idaplatz ais go zie und han müese dra dänke, wie mer früener uuft deet zäme gsii sind. Vermiss die Ziite und wür dich uugärn mal wider gsee!

## C1.3

1. gäch
2. müesi
3. heged
4. hebi
5. seged

## C2.3

اینجا جملات به شکل درست و با ترجمه آورده شده‌اند. شرایط اضافه شده فقط مثال هستند.

Mir würed enand vertraue, wämmer ois scho lenger käne würed.	ما به هم اعتماد می‌کردیم آگه از مدتها پیش همدیگه رو میشناختیم
Wän iich so vil alaige-n i de Bärg underwägs wär wi duu, wür sich mini Fründin schtändig Sorge mache. (بجای wür mache هم: miechti)	اگر من به اندازه شما در کوهستان تنها بودم، دوست دخترم دائماً نگران بود.
Wän si sälber emal mee in Uusgang wür gaa, wär si weniigschtens nöd ifersüchtig. (بجای wür gaa هم: giengti)	اگر خودش بیشتر شبها بیرون میرفت، حداقل حسادت نمی‌کرد.
Ich hett au emal e seer e liideschaftlichi Bezieig ghaa, wän s mer mini Eltere nöd verbotte hetted.	من هم یک رابطه بسیار پرشور داشتم اگر پدر و مادرم من را از انجام این کار منع نکرده بودند.
Wän er a oise Hochzeitstag tänkt hetti, hetts mich mega gfroit.	اگر او به سالگرد ازدواج ما فکر می‌کرد بود، من خیلی خوشحال می‌شدم.
Er wär imer nur truurig gsii, wän er nöd irgendainisch e noii Fründin hett gfunde.	او همیشه غمگین می‌ماند، مگر اینکه در نهایت دوست دختر جدید پیدا کند.
Wän i das vor foif Jaar gmacht hetti, hett sich mini Fründin mega uufgret.	اگر پنج سال پیش این کار را می‌کردم، دوست دخترم کاملاً عصبانی می‌شد.
Wän si au no Gschir verbrosche hetti, hett si s nachane aber groit.	اگر ظرفها را هم خرد می‌کرد، بعد از آن احساس تاسف می‌کرد.
Wän miich öpper esoo wür behandle, würi en au zerscht liebe und schpööter hasse.	اگر کسی با من اینگونه رفتار می‌کرد، اول دوستش داشتم و بعداً از او متنفر می‌شدم.
Wän miich öpper esoo behandle hetti, wäri so wüetig gsii, das di ganz Liebi ewäg gsii wär.	اگر کسی با من اینگونه رفتار می‌کرد، انقدر عصبانی می‌شدم که تمام عشق از بین میرفت.
Ich wär totaal überrascht gsii, wän min Maa sich hett wele träne.	من کاملاً شگفت زده می‌شدم اگر شوهرم می‌خواست از هم جدا شویم.

## C2.4

پاسخ های نمونه با ترجمه:

1. Ich mach mer Sorge um min Vatter, wil er i sim Alter imer no uf de Öpfelbaum schtiigt.	من نگران پدرم هستم، چون او با این سن و سال هنوز هم از درخت سیب بالا می‌رود.
2. Ich bi zfride mit mim Job, wil de Loon schtimt und s nöd längwiilig wird.	من از کارم راضی هستم زیرا حقوقش مناسب است و خسته کننده نیست.
3. Ich reg mi über oisi Naachbere-n uuf, wil si schtändig iri Wösch im Wäschhäler vergässed.	من از همسایگان ناراحت می‌شوم زیرا آنها لباس های شسته شده خود را در اتاق رختشویی فراموش می‌کنند.
4. Ich vertrau minere Tante, wil si mer nöd so vil Druck macht wi mini Mueter.	من به خاله‌ام اعتماد می‌کنم، چون او به من اینقدر فشار نمی‌آورد مانند مادرم.
5. Ich bi schtolz uf mis Grosi, wil si ganz alai gleert hät, es Naatel z bruuche.	من به مادربزرگم افتخار می‌کنم، چرا که توانسته است کاملاً به تنهایی یاد بگیرد که از گوشی همراه استفاده کند.
6. Mich hät groit, das i de aint Chund so aagfiele ha.	من پشیمان شدم که به این مشتری خاص به این شدت سرزنش کردم.
7. Ich lieb mini Familie – aifech, wil si mini Familie-n isch! Gärn hani zum Bii-schpil mini Arbetskoleegi-ne, wo mer imer hälfed.	من خانواده‌ام را دوست دارم – فقط به خاطر اینکه خانواده‌ام هستند! به عنوان مثال، همکاران زندگی‌م را دوست دارم که همیشه به من کمک می‌کنند.
8. Ich hasse Lüüt, wo Sache verschpräched und dän nöd mached, wil me sich uf die aifech nöd verlaa cha.	من از افرادی که چیزهایی را وعده می‌دهند و سپس انجام نمی‌دهند، متنفرم، چرا که نمی‌توان بر روی آن‌ها حساب کرد.
9. Ich froi mich amigs über es fains Znacht, wil das de perfäkti Tagesabschluss isch.	همیشه از شام خوب لذت می‌برم، چرا که این بهترین خاتمه روز است.
10. Ich bi niidisch uf min Koleeg, wil er im Lotto gunne hät.	من به یکی از دوستانم حسودی می‌کنم، چون او در لاتاری برنده شده است.

ترجمه های متن ها:

دیروز در ایستگاه بیلتن، ساعت ۷:۲۵ با قطار S۲ - تو با آن مینی قرمز و لبخند بی نظیرت روز من را شیرین کردی! لطفاً پیام بده، biltenforever@bluewin.ch

تقریباً هر روز تو را در ۳۴۰ می بینم: قد بلند، کت چرمی بزرگ، همیشه در حال کار با کامپیوتر. تو واقعاً من را کنجکاو کردی ... ۰۷۱۰۴۰۲۲۴۶

هی انسان زیبا، هنوز هم باورم نمی شود که تو وجود داری، ولی معجزه ها همیشه اتفاق می افتند! می خواهی یک روز با هم با قطار سفر کنیم؟ دوشنبه تا چهارشنبه در S۱۴، ساعت ۸:۴۲ از وتسیکون.

پنجشنبه کنار فواره Zeughaus کیف پولت افتاد. وقتی کمکت کردم، نگاه های مان به هم گره خورد... و جرقه ای بین مان زده شد! برگه ای که شماره ات روی آن بود را گم کردم، لطفاً لطفاً دنبال من بیا!

تو: موهای مشکی، کمی تپل، چشمان سبز فوق العاده زیبا. هر شب بین Rautistrasse و Milchbuck می بینمت و همیشه خیلی دوست داشتنی نگاه می کنی. خوشحال می شوم اگر یک بار پیامی بفرستی! myfairlady@post.ch

دیروز جلوی Coop در Sternen فقط چند کلمه با هم حرف زدیم. حالا دیگر نمی توانم تو را از ذهنم بیرون کنم! دوست داری فردا ساعت ۵ در همان جا یک قهوه بخوریم؟

هر روز صبح در ترام ۵ موسیقی گوش می دهی. سلیقه ات عالی است! اجازه می دهی من هم یک بار به دنیای تو گوش دهم؟ می توانی به من پیام بدهی: ۰۷۰۰۸۳۴۹۱

## C3.1

1. öpperem de Taag versüesse روز کسی رو بهتر کن
2. Wunder gits imer wider حتی اتفاقات باورنکردنی هم هر از گاهی می افته
3. s hät gfunkt دو نفر بلافاصله به هم جذب می شوند
4. es paar Wörter wächslه چند جمله با هم حرف میزنیم
5. öpper nüm us em Chopf usebringe فقط به یه نفر خاص فکر کردن

## C3.2

پاسخ های شخصی

## C4.1

متن و ترجمه متون صوتی (شامل سوالات و پاسخ های درست):

*D Louise isch d Wösch am Mache. De Faizal hät öppis uussetze.* لوتیز داره لباس ها رو می شوره. فیضال چیزی برای گفتن داره.

**F:** Hei, du laisch imfal mini Tiischis scho imer echli koomisch zäme ... ، هی، تو همیشه تی شرت های من را کمی عجیب تا می کنی.

**L:** Waisch was? Legg si doch sälber zäme, dän sindsi perfäkt. میدونی چیه؟ انها را کنار هم قرار دهید، سپس انها کامل هستند.

**F:** Aa, so hani das nöd gmaint ... اه، منظورم این نبود....

**L:** Wi häsch es dän genau gmaint? منظورت دقیقاً چی بود؟

سوال: De Faizal wür sini Tiischis lieber sälber zämelegge. Schtimt das?

پاسخ: Nai.

*D Oleksandra und d Tina hocked im Wonzimer. Da falt de Tina öppis uuf.* الکساندرا و تینا در اتاق نشیمن نشسته اند. این زمانی است که تینا متوجه چیزی می شود.

**T:** Lueg emal de Schtaub ... hät scho lang niemer me putzt. به این گرد و غبار نگاه کنید... خیلی وقت که کسی تمیز نکرده است.

**O:** Hm. Also iich bi vor zwai Wuche-n emal mit em Schtaubsuuger dure, jetzt wärsch aigetlich du wider a de Rei. همم، دو هفته پیش از جاروبرق استفاده کردم، حالا نوبت تو است.

**T:** Aa, Mischt, ich han überhaupt kä Ziit ghaa ... chasch das nöd duu mache? اوه، خب، من اصلاً وقت نداشتم... نمی تونی تو انجامش بدی؟

**O:** Ich han au nöd mee Ziit. Mir chönd höchstens tuusche, dän machsch du s WC. من هم دیگه وقت ندارم. ما می تونیم بهترین حالت، عوضی بکنیم، بعد تو دستشویی رو تمیز کنی.

سوال: D Tina hät vergässe, s Wonzimer z putze. Schtimt das? پاسخ: Jaa.

سوال: D Tina sött uusserdäm no s WC putze. Schtimt das? پاسخ: Nai.



## C5

«Angelina» از *Dabu Fantastic* از آلبوم «Drinks» (2016) با مجوز رسمی از *Capitano Music* و *Gadget Records*. *Dabu Fantastic* رونویسی و ترجمه آزاد توسط voCHabular.

<i>D Hülya und de Nico beschprached, wi si de nöchschd Taag organisiered.</i>	هولیا و نیکو در حال برنامه‌ریزی برای سازماندهی روز بعد هستند.
<b>N:</b> Chasch du morn de Chlii wider in Chindsgi bringe?	می‌تونی فردا کوچولو رو دوباره به مهد کودک ببری؟
<b>H:</b> Das isch eender schlächt, ich ha Früeschicht, waischs ja.	این کمی بد است، من نوبت صبح را دارم، می‌دانی.
<b>N:</b> Okay, dän mueni Bschaid gää, das i echli schpööter i s Büro chume.	خب، پس باید اطلاع بدم که کمی دیرتر به دفتر می‌آیم.
<b>H:</b> Genau. Das chöntemer aigetlich imer esoo mache.	دقیقاً. ما می‌توانیم همیشه این کار را انجام دهیم.

سوال: Morn bringt de Nico sin Soon in Chindsgi. Schtint das?  
پاسخ: Jaa.

<i>De Lars pläht sini Mueter dihai. D Azyan, sini Frau, isch grad haichoo.</i>	لارس در خانه به مراقبت از مادرش می‌پردازد. آزیان، همسرش، همین الان به خانه آمده است.
<b>L:</b> Duu, wäg hüt zaabig ... mir händ ja aigetlich in Uusgang wele.	خب، درباره امشب... واقعاً می‌خواستیم با هم بیرون برویم.
<b>A:</b> Ja, und?	بله و؟
<b>L:</b> Em Mami gaats schlächt, ich glaub, es sött öpper daa bliibe und zu ire luege.	وضعیت مادرم خیلی بد شده، فکر می‌کنم باید کسی اینجا بماند و از او نگهداری کند.
<b>A:</b> Uff, das sind ja Naachrichte ... Ich ha scho de ganz Taag gschaffed imfal!	اوف، این خبرها چقدر خسته‌کننده‌اند... من تمام روز کار کرده‌ام!

سوال: De Lars wott, das d Azyan hüt zaabig dihai bliibt.  
پاسخ: Nai.

سوال: D Azyan hät kä Luscht, zu irere Schwigermueter z luege.  
Schtint das?  
پاسخ: Jaa.

## C4.2

این جملات ممکن است در پایان چهار گفتگوی مختلف قرار داده شوند. البته ممکن است جملات دیگری هم وجود داشته باشد!

Faizal: Hei sorry, ich bi imfal megafroo, das du das machsch.  
Tina: Also guet, s WC isch mer imer no lieber als da i alne-n Egge-n umezsuuge.  
Nico: Vo mir uus gärn, käs Probleem.  
Lars: Hei, ich bi genauso müed. Drum hani aigetlich au wele voorschlaa, das iich daa bliibe.

## C4.3

پاسخ‌های شخصی

Angelina, du waisch doch me trifft sich zwaemaal und bim zwaite Maal richtig Din einsame Blick isch So frei, so allai, so vil Wildnis Angelina, mir zwai i de Sek I oisem Dorf ooni Chlaider verschteckt En Sumer so vil haisser als jetzt Nur mir zwai, bis uf e Rais bisch im Härbscht Usem Nüüt gsee-ni dich a de Baar Lueg di Hügel, di gliichlige Haar und So wie früener klimpere laa So wie früener verschwinde-mer grad	<i>Angelina, du weisst doch, man trifft sich zweimal und beim zweiten Mal richtig Dein einsamer Blick ist So frei, so allein, so viel Wildnis Angelina, wir zwei in der Sek In unserem Dorf ohne Kleider versteckt Ein Sommer so viel heisser als jetzt Nur wir zwei, bis du auf eine Reise gegangen bist im Herbst Aus dem Nichts sehe ich dich an der Bar Schau die Hügel, die gleichen Haare und So wie früher klimpern lassen So wie früher verschwinden wir gleich</i>
---	---

[Refrain]	[Refrain]
Wil mir händ so vil Liebi z gää Als wäär das öppis, wo s Läbe lang hebt Aber morn bisch wider wäg Wil uufenand gaats, aber näbenand nöd	<i>Weil wir so viel Liebe zu geben haben Als ob das etwas wäre, was ein Leben lang hält Aber morgen bist du wieder weg Denn aufeinander geht's, aber nebeneinander nicht</i>

Angelina, s isch als a dir maagisch Dini Huut, dini Wort, dini Haar frisch Als fantastisch, solange s nöd mee als en Taag isch Damals de Schriit i de Chuchi Taag zwai und de Schriit uf em Ggutschi Taag drüü schtiigt schritend in Bus ii Taag vier isch d Magii wider furt gsii Us em Nüüt gsee-ni dich a de Baar Lueg die Hügel, die gliichlige Haar Und klaar, das i noi verzaubret bin Und dir gaats genauso wi mir	<i>Angelina, es ist alles an dir magisch Deine Haut, deine Worte, deine Haare frisch Alles fantastisch, solange es nicht mehr als ein Tag ist Damals der Streit in der Küche Tag zwei und der Streit auf der Couch Tag drei steigt streitend in den Bus ein Tag vier war die Magie wieder weg Aus dem Nichts sehe ich dich an der Bar Schau die Hügel, die gleichen Haare und Und klar, dass ich neu verzaubert bin Und dir geht's genauso wie mir</i>
--	--

[Refrain]	[Refrain]
Uufenand gaats, aber näbenand nöd Uufenand gaats, aber näbenand nöd Uufenand gaats, aber näbenand nöd	<i>Aufeinander geht's, aber nebeneinander nicht Aufeinander geht's, aber nebeneinander nicht Aufeinander geht's, aber nebeneinander nicht</i>

# C5.1

۱. «تو به سفر رفته‌ای».
۲. به‌طور لفظی «از هیچ»؛ یعنی «ناگهان»
۳. به‌عنوان مثال: (*d Wimpere klimpere laa*) به معنی لفظی «مژها را به هم زدن»، یعنی «مژها را بالا و پایین بردن برای جلب توجه و عشوہ‌گری».
۴. «یک عمر دوام آوردن»

# C5.2

یک پیشنهاد است - راه حل های بسیار دیگری نیز ممکن است:

1. «Me trifft sich zwaimal und bim zwaite Maal richtig»: Wän sich zwai Lüüt zum erschte Maal gsend, verliebedsich vilich scho, aber erscht bim zwaite Maal händsi Sex.
2. «Ufenand gaats, aber näbenand nöd»: «Ufenand» bedüütet 'ufenand ligge, Sex haa', «näbenand» schtaat für 'näbenand gaa, e Bezieig haa'. Im Lied gaats um e Situation, wo zwai Lüüt im Bett supper klarchömed aber usserhalb nöd.

# D1.1

1. Maa, 2. Fründine, 3. Ehepaar, 4. Fründ, 5. Koleegin, 6. Frau, 7. Gschpäänli, 8. Koleeg

# D1.2

1. seg (< sii), 2. chömid (< choo), 3. gsääch (< gsee), 4. heg (< haa), 5. tüeg (< tue), 6. gächid (< gaa), 7. chön (< chöne), 8. machi (< mache)

# D2.1

1. Si dänkt imer no vil drüber naa.
2. D Bezieig zwüsched Chind und Eltere ändered sich s Läbe lang nöd.
3. Iri Mueter isch zunere Ziit gschorbe, wo s niemer tänkt hetti.
4. Mir ischs uf s Maal seer schlächt ggange.
5. D Devi cha jetzt aanää, das iri Mueter nüme daa isch.

# D2.2

1. Sorge, 2. Froid, 3. truurig, 4. zfride, 5. hässig (wüetig, verrückt), 6. schtolz, 7. roit, 8. verliebt

# D3.1

1. Lilly, 2. Tosinê, 3. Lilly, 4. Lilly, 5. Tosinê

پاسخ:

ترجمه گفتگو:

<b>T:</b> Und Lilly, ischs guet gsii geschter Aabig?	خب لیلی، خوب بود دیشب؟
<b>L:</b> Jaa, de Film isch imfal Hamer gsii, schaad, bisch nöd mitchoo!	بله، فیلم خیلی خوب بود، حیف که تو با ما نیامدی.

<b>T:</b> Nacher bisch aber zimli schpaat haichoo, oder?	بعدش تو خیلی دیر وقت خانه آمدی مگه نه.
<b>L:</b> Jaa, ich bi ja mit de Nina ggange und wil mer ois so lang nöd gsee händ, simmer nach em Film no ais go zie.	بله من با نینا بیرون بودم و چون مدت زیادی بود که همدیگر را ندیده بودیم، بعد از فیلم رفتیم چیزی بنوشیم
<b>T:</b> Du und d Nina.	تو و نینا .
<b>L:</b> Jaa, wisoo?	اره چرا؟
<b>T:</b> Ja duu, ich ha mer mega Sorge gmacht, hetsch ja wenigschstens no chöne schriibe.	خب، من واقعاً نگران شده بودم، تو حداقل می‌توانستی چیزی بنویسی.
<b>L:</b> Also 10i isch jetzt nanig d Ziit, wo me sich aafaat Sorge mache, nöd? Oder bisch äch ifersüchtig?	ساعت ده هنوز زمانی نیست که شروع به نگرانی کنیم، درست است؟ یا تو حسادت می‌کنی؟
<b>T:</b> Nai, sicher nöd ... wän i güsst hetti, das d Nina mit debii gsii isch ...	نه، اصلاً ... اگر می‌دانستم که نینا هم می‌آید بود...
<b>L:</b> Also doch! Häsch du wükli s Gfüül, ich gaan i s Kino und triff mi nacher no mit mim haimliche Flirt?	پس درست است که واقعاً فکر می‌کنی که به سینما می‌روم و بعد از آن با فرد مورد علاقه مخفیانه‌ام ملاقات می‌کنم؟
<b>T:</b> Aso chum jetzt, muesch ja nöd gad uusflippe.	حالا بیا، تو لازم نیست همین الان عصبانی شوی.
<b>L:</b> Mol, muesi! S nerft mi nämlich mega, das du mir aifech nöd vertrusch! Wo vor zwai Wuche s Verainsznacht echli lenger ggangen isch, häsch au scho so koomisch taal!	این واقعاً من را عصبانی می‌کند که تو به من اعتماد نداری! وقتی دو هفته پیش شام با شرکت کمی طولانی‌تر شد، تو هم همینطور رفتار کردی.
<b>T:</b> Lueg, ich ha dich aifech z gärn. Wän i nöd wais, was loos isch, chömed mer vo ganz alai so Gedanke ...	نگاه کن، من فقط خیلی دوستت دارم. وقتی نمی‌دانم چه خبر است، این فکرها خود به خود به ذهنم می‌آیند.
<b>L:</b> Okay, das isch ja uf en Art no härzig, aber fröög iich jedes Maal, wän duu mit de Koleege an See gaasch, was ales passiert isch? Nai, wil so vil Freiheit mues sii!	خوب، این هم به نوعی مهربانی است، اما آیا من هر بار که تو با دوستانم به دریاچه می‌روی، می‌پرسم که چه اتفاقاتی افتاده است؟ نه، چون باید آزادی به اندازه کافی وجود داشته باشد.
<b>T:</b> Ich wott der ja au dini Freiheit gar nöd wägnää. Du chasch mache, was d wottscht! Ich wür mi aifech froie, wän i zwüschetdu-re es Läbeszaiche chönt überchoo.	من نمی‌خواهم آزادیات را از تو بگیرم. تو می‌توانی هر کاری که می‌خواهی انجام دهی! من فقط خوشحال می‌شوم اگر گاهی اوقات نشانه‌ای از زندگی از تو دریافت کنم.

# D3.2

1. Wän d uf mich wüsch lose, würed so Sache gar nöd ersch passiere.
2. Wän i min Job nöd verloore hetti, wäremmer hüt no zäme.
3. Wän du au emal s Znacht wüsch choche, wäri nöd imer so müed.
4. Wän i scho 2019 i d Schwiiz choo wär, hettmer ois nie käne gleert.
5. Wän du nöd eso ifersüchtig wärsch, wär ales supper.

## A1

ترجمه های متن ها:

<b>N:</b>	هی سافیکان، خوشحالم از دیدنت. حالت چطوره؟
<b>S:</b>	هی نوامی، حالم خوبه، فقط یکمی خسته هستم، چون در تعطیلات بودم، و تو؟
<b>N:</b>	تقصیر خودت است! نه، همه چیز واضح است، در جشن تولد بودی؟
<b>S:</b>	نه، ما نتیجه رای گیری را جشن گرفتیم.
<b>N:</b>	اوووه، خیلی عالی! من هم خیلی دوست داشتم رای بدهم.
<b>S:</b>	اجازه رای دادن داری؟
<b>N:</b>	نه، من پاسپورت سوئسی ندارم. جالب است که می‌توانید در مورد انواع مسائل رای بدهید، اما ناراحت‌کننده است، وقتی آدم نتواند رای بدهد.
<b>S:</b>	من درک میکنم! برای من، دادن رای دیروز بسیار مهم بود. صادقانه بگویم هر بار نمی‌روم رای بدهم.
<b>N:</b>	دیروز فقط ۵۵ درصد از افراد حق رای داشته‌اند، رای دادند. اره واقعا! من نمی‌توانم تصور کنم، که من رای خود را دور بندازم.
<b>S:</b>	ما خب رای گیری خیلی زیاد داریم. و بعضی اوقات سخته درباره یک موضوع نظر داد.
<b>N:</b>	همم، این را تا حدی می‌فهمم. اما به نظرم اگر اجازه داری، باید رای بدهی - این‌طوری می‌توانی بر سیاست تأثیر بگذاری!
<b>S:</b>	حق با تو است. چی دوست داری بنوشی؟ من یک کاپوچینو مینوشم.

## A2

1A, 2B, 3A, 4B, 5B

## A3

1. gfiiret, 2. d Ehe für ali, 3. d Safikan, 4. 55 (foifefüfzg)

## B1.1

Abschtimige, sctimberächtigt, Sctime, degäge gschtume, abschtime

## B1.2

1d, 2c, 3a, 4e, 5b

## B2.1

1. De Solal hetti gärn en Schwiizer Pass, demit er ändlich bi Abschtimige cha mitmache.
2. Mir händ zerschmal gfiiret, wo/wil d Abschtimig aagnoo worde isch.
3. D Martha isch imer guet informiert, obwol si kä Ziitig list.
4. Ich gaa go abschtime, wil das mini Pflicht isch.
5. D Arjetha hät scho Schtunde i Ämter verbraacht, während ire Soon dusse gwartet hät.
6. Mir gönd am Samschtig a d Kliimademo, wil ois das Thema wichtig isch.
7. Bliibsch mängisch dihai, wän s Abschtimigs-Thema dich nöd interessiert?
8. So vil Lüüt rüered iri Sctim furt, obwol si s Sctimrächt händ.
9. Si isch ganz verrückt worde, wo-n i gsait ha, das Politik nüüt für miich isch.
10. S wär cool, wämme i de Politik mee chönt mitbeschtime.

## B2.2

پاسخ‌های شخصی

## B3.1

1. De Juri sait, das er total fruschriert seg.
2. Häsch ghöört, das d Safikan de Schwiizer Pass beaatrait hät?
3. Mir händ gfrööget, öb d Tatjana defür oder degäge-n isch.
4. Dänkeder, das die Initiative-n e Chance hät?
5. Ich glaub, das die Abschtimig megaknapp wird.
6. D Lüüt wüssed nöd, öb si söled go abschtime.

## C1

ترجمه و رونویس متن ها:

**M:** En wunderschöne guete Morge a ali, wo zuelosed! Hüt redemer über Persoonekontrolle uf de Schtraass. Miir vo Radio ForYou händ geschter bis schpaat i de Nacht über das Thema diskutiert und sind ois nöd ainig worde. Durum wämmer hüt mit oi wiiterrede. Lüüted aa und verzeled ois live i de Sändig, was iir vo Persoone- und Uuswiiskontrolle uf de Schtraass wüssed und was er devoo halted. Mir bitted oi, fründlich und reschpäktvol z bliibe.

یک صبح زیبا به همه کسانی که گوش می‌دهند! امروز درباره کنترل افراد در خیابان صحبت می‌کنیم. ما از Radio ForYou دیروز تا دیروقت در این باره صحبت کردیم و نتوانستیم به نتیجه برسیم. به همین دلیل می‌خواهیم امروز با شما ادامه دهیم. با ما تماس بگیرید و به صورت زنده در برنامه بگویند که درباره کنترل هویت و مدارک در خیابان چه می‌دانید و نظر شما چیست. از شما تقاضا می‌کنیم که مهربان و محترم باشید.

	(S Telefoon schälet.)	(تلفن زنگ میخورد.)	
<b>M:</b>	Guete Morge, Radio ForYou, wäär isch am Apparaat?	صبح بخیر، رادیو Radio ForYou کی پشت خط است؟	
<b>J:</b>	Guete Morge, daa isch de Job. Ich wott gärn öppis Wichtigs zu de Kontrolene säge.	صبح بخیر، من خوب هستم، من خیلی دوست دارم یک چیزی در مورد کنترل بگم.	
<b>M:</b>	Hoi Job, das froit ois, um was gaats?	هی خوب، خوشحالیم، موضوع چیست؟	
<b>J:</b>	S isch für niemer aagnääm, wämme vo de Polizei kontrolliert wird. Drum findi s wichtig, das d Polizei das nume sälte macht. Usserdäm waissi, das d Polizei aim imer mues chöne säge, wisoo das si aim kontrolliert. Drum wetti de Zuehöörende mitgää, das me imer nach em Grund vonere Kontrolle frööge dörf!	کنترل شدن توسط پلیس برای هیچ کس خوشایند نیست. به همین دلیل فکر می‌کنم که پلیس باید این کار را به ندرت انجام دهد. علاوه بر این، می‌دانم که پلیس همیشه باید بتواند به شما بگوید که چرا شما را کنترل می‌کند. بنابراین می‌خواهم به شنوندگان بگویم که شما همیشه می‌توانید دلیل یک کنترل را بپرسید!	
<b>M:</b>	Merci diir, Job!	تشکر خوب.	
	(S Telefoon schälet.)	(تلفن زنگ میخورد.)	
<b>M:</b>	Guete Morge, Radio For-You am Apparat.	صبح بخیر، Radio ForYou حرف میزنه.	
<b>E:</b>	Grüezi, min Name-n isch Elif. Ich bi de gliiche Mainig wi de Job. S isch wüklı blööd, wän si aim i de Öffentlichkait useholed. Ali dänked gad, me heg öppis Schlims gmacht. Ich bi sälber scho mal uf de Schtraass kontrolliert worde ... Ich dänk, d Polizei hätt oft rassistischi Motiiv.	روز بخیر، نام من الیف است. من با نظر خوب موافقم. واقعاً بد است که در ملاعام شما را متوقف کنند. همه فکر می‌کنند که شما کاری بد انجام داده‌اید. خودم هم یک بار در خیابان کنترل شده‌ام... فکر می‌کنم پلیس اغلب انگیزه‌های نژادپرستانه دارد	
<b>M:</b>	Merci für dini Mainig, Elif.	تشکر بخاطر نظرت، الیف.	
	(S Telefoon schälet.)	(تلفن زنگ میخورد.)	
<b>J:</b>	Daa isch namal de Job. Hei, Elif, tuet mer laid, aber daa bini gar nöd dinere Mainig. Profiling isch für d Polizei öppis ganz Normaals. Wän s es Verbräche git, wärded ja au d Uussage vo Züügine und Züüge prucht, zum es Profil vom Tääter oder vo de Tääterin z erschtele. Für d Ermittlige isch das megawichtig, und ich find, wämme das objektiv macht, ischs au in Ornig.	بازم منم خوب. سلام، الیف، متأسفم، اما من اصلاً با تو موافق نیستم. پروفایلینگ برای پلیس کاملاً عادی است. زمانی که جرم وجود دارد، از اظهارات شاهدان نیز استفاده می‌شود تا پروفایلی از مجرم تهیه کنند. برای تحقیقات این بسیار مهم است و من فکر می‌کنم اگر این کار را به صورت عینی انجام دهند، اشکالی ندارد.	
<b>M:</b>	Viliich wottschi uf das reagiere, Elif?	الیف، می‌خواهی تو در از مورد واکنش نشان بتی؟	
<b>E:</b>	Ja, seer gärn sogaar. Natürlich ischs in Ornig, wän s objektiv isch. D Fraag isch äbe grad, wi oft das daas de Fal isch! Wän zum Biischpil öpper a de Landesgränze nur kontrolliert wird, wil äär oder sii es beschtimts Uussee'e hät, dän isch das rassistischi Profiling und diskriminierend.	بله، بسیار خوشحال می‌شوم. البته که اشکالی ندارد، اگر به صورت عینی باشد. سوال دقیقاً همین است که این چند بار اتفاق می‌افتد! اگر به عنوان مثال، کسی در مرز کشور فقط به دلیل داشتن ظاهر خاصی کنترل شود، این پروفایلینگ نژادپرستانه و تبعیض‌آمیز است.	
<b>M:</b>	Job, bisch daa demit iiverschtande?	جواب، موافقی با این؟	
<b>J:</b>	Ja, natürlich. Ich dänk au, me mues unbedingt vermeide, das rassistischi Profiling sich i beschtimte Umgäbige feschtsetzt, zum Biischpil bi de Polizei.	بله، البته. من هم فکر می‌کنم باید حتماً از تثبیت پروفایلینگ نژادپرستانه در نهادهای خاصی، مثلاً پلیس، جلوگیری کرد.	
<b>M:</b>	Merci für oii Mainige, Job und Elif! Seer schpanend, ich wird sicher no vil drüber naadänke. Jetzt isch aber Ziit für es bizzli Musig!	از شما بابت نظراتتان، خوب و الیف، تشکر میکنم! خیلی جالب بود و مطمئناً بیشتر به آن فکر خواهم کرد. حالا وقت آن رسیده که کمی موسیقی گوش کنیم!	

## C1.1

در مجموع این ضمیر غیرشخصی هفت بار به کار رفته است:

- J:** wämme [...] kontrolliert wird  
**J:** das d Polizei aim imer mues chöne säge  
**J:** das me imer [...] frööge dörf  
**E:** wän si aim [...] useholed  
**E:** me heg öppis Schlims gmacht  
**J:** wämme das objektiv macht  
**J:** me mues unbedingt vermeide

## C1.2

جملات اصلی به دلایل فضا تا حدی کمی کوتاه هستند.

جمله کناری	جمله اصلی
ali, wo zuelosed	Ali losed zue.
was iir vo Persoonekontrolle wüssed	Was wüssed iir vo Persoonekontrolle?
fründlich z bliibe	Bliibed fründlich!
wämme kontrolliert wird	Me wird kontrolliert.
das d Polizei das nume sälte macht	D Polizei macht das nume sälte.
das d Polizei aim mues chöne säge	D Polizei mues aim chöne säge, [...].
wisoo das si aim kontrolierend	Wisoo kontrolierend si aim?
das me imer frööge dörf	Me dörf imer frööge!
wän si aim useholed	Si holed aim use.
wän s e Schtraafftaat git	S git e Schtraafftaat.
zum es Profil z erschtele	Me erschelt es Profil.
wämme das objektiiv macht	Me macht das objektiiv.
wän s objektiiv isch	S isch objektiiv.
wi oft das daas de Fal isch	Wi oft isch daas de Fal?
wän öpper kontrolliert wird	Öpper wird kontrolliert.
wil er es beschtimts Uussee'e hät	Er hät es beschtimts Uussee'e.
das rassistisches Profiling sich feschtsetzt	Rassistischs Profiling setzt sich fescht.

## C1.3

توضیحات نمونه (تعبیرات دیگری هم ممکن است):

1. Binere **Persoonekontrolle** bittet d Polizei im öffentliche Ruum e Persoon, ine der Uusweis z zaige. S Ziil isch, Kriminelli z finde.
2. Bim **Profiling** gaats drum, e beschtimti Persoon oder e Gruppe vo Persoone, wo d Polizei suecht, möglichscht genau z beschriibe, zum Biischpil ire Brueff oder ires Verhalte.
3. E Mainig oder es Verhalte sind **rassistisch**, wän si uf Voorurtail über «Rasse» basiered, also zum Biischpil über d Huutfarb.
4. E Sichtwiis isch **objektiv**, wän si möglichscht wenig mit em persönliche Gschmack und mit Aasichte z tue hät, wo sich nöd la bewiise lönd.
5. E Mainig oder es Verhalte sind **diskriminierend**, wän si beschtimte Persoone weniger Rächt als anderne gänd, obwol si nüüt Schlims gmacht händ.

## C1.4

گفته ۴: جاب ابتدا با الیف مخالفت می‌کند، اما سپس معلوم می‌شود که هر دو هم عقیده هستند.

## C1.5

ترجمه‌های ممکن (اختلافات جزئی ممکن است):

1. Über daas Thema chöntme eewigs diskutiere.
2. Me sött nöd so vil kontrolliere.
3. Si holed aim oft bim Velofaare-n use.
4. Erkläredsi aim amigs de Grund?
5. Me sött der lisatz vo Profiling iischränke.
6. Fäaler passiered aim scho mal.

## C1.6

پاسخ‌های شخصی

## C2

ترجمه و رونویس متن‌ها:

<b>M:</b> Grüezi.	روز بخیر.
<b>A:</b> Grüezi. Bitte, um was geht es?	روز بخیر، بفرمایید، چیکار میتوانم برای تان انجام بدهم.
<b>M:</b> Ich han im Momänt en F-Uuswiis und wür gärn uf B wächsle.	من در حال حاضر یک شناسنامه F دارم دوست دارم به B تبدیل کنم.
<b>A:</b> Ah, Sie reden ja Schweizerdeutsch. Händ Si ali Underlage debii?	آها، شما خیلی خوب آلمانی سوئیسی حرف می‌زنین. آیا تمام اسناد ها را پیش خود دارید؟
<i>(De Mahmud schiebt e Biig Papiir under em Glas dure.)</i>	(محمود یک بسته کاغذ را از زیر شیشه تحویل می‌دهد.)
<b>A:</b> Also ... Betriibsgregischer, jawol ... de Mietvertraag vo Irere Wonig ... de Arbeitsvertraag ... Momänt, die Schtel händ Si ja no gar nöd aagfange?	خب پس ... سوابق اجرایی، خوب ... قرارداد اجاره خانه شما ... قرارداد کاری ... صبر کنید، شما هنوز سر کار جدید نرفتید؟
<b>M:</b> Aa, warted Si. Daa isch min aktuele Arbeitsvertraag. De gaat aber nume bis Andi Monet. Dän hani e noii Schtel, des isch des Dokumänt, woni lne scho ggää haa. Gmolde-n isches au scho.	آه، صبر کنید. این قرارداد کاری فعلی من است. اما این فقط تا پایان ماه معتبر است. سپس من یک شغل جدید دارم، این همان سندی است که قبلاً به شما داده‌ام. این هم ثبت شده است.
<b>A:</b> Aa, jetztig. Also, das isch daa ... daas ... daas ... Wo isch dän de Dütschnaawiis?	اوه، حالا. خب، این اینجاست .... این... این... این...مدرك آلمانی کجاست؟
<b>M:</b> ODes isch des Papiir, wo deet dezwüschet grutscht isch.	این کاغذ است که او وسط آنها رفته.
<b>A:</b> Seer guet. Also, Här Abadi, die Underlage sind volschtändig. Mir wärded das bearbeite und lne Bscheid ggää.	خیلی خوب، آقای آبادی، اسناد ها کامل هستن. ما رسیدگی می کنیم و به شما خبر می دهیم.
<b>M:</b> Chönd Si scho säge, wie lang das des gaat?	می توانید بگید که چقدر طول میکشد؟

*D Schwiizer Demokratii cha zimli kompliziert sii. De Markus wott sich la iibürgere und isch froo, chaner sini Koleegin Gülhan es paar Sache fröoge.*

دموکراسی سوئیس می تواند بسیار پیچیده باشد. مارکوس می خواهد تابعیت بگیرد و خوشحال است که می تواند از دوست دخترش گولهان چند چیز بپرسد.

**M:** Also los, ich hoffe s isch kä blöödi Fraag, aber wisoo genau isch d Schwiizer Demokratii «diräkt»?  
خب گوش کن، امیدوارم این سوال احمقانه نباشه، ولی چرا دقیقاً دموکراسی سوئیس «مستقیم» هست؟

**G:** Nai, das isch überhaupt nöd blööd! D Schwiiz isch deete dure rächt speziell. I de maischte Demokratii chame ja nume Partee oder Persoone wääle und die entschaided dän ales. Aber i de Schwiiz dörf s Volch oft au über konkreeti Fraage-n ab schtime.  
نه، این اصلاً سوال احمقانه‌ای نیست! سوئیس از این لحاظ خیلی خاصه. در بیشتر دموکراسی‌ها شما فقط می‌تونید احزاب یا افراد رو انتخاب کنید و آن‌ها همه چیز رو تصمیم می‌گیرند. اما در سوئیس مردم اغلب می‌تونن در مورد موضوعات مشخص هم رأی بدن.

**M:** Wie jetzt? Chöntme zum Biischpil abschtime, das me weniger Schtüüre wott zale?  
یعنی چی؟ مثلاً می‌شه رأی داد که مالیات‌ها کمتر بشه؟

**G:** Ja, teoretisch scho. Du bruuchsch aifech erscht emal es paar Lüüt, wo dini Idee unterschützed. Wän d 100'000 Unterschrifte zämebringsch, isch das e Volchsinitiative, und über die schtime s Volch dän ab.  
بله، تئوراً می‌شه. تو فقط نیاز داری اول چند نفر که ایده تو را حمایت کنن پیدا کنی. اگر ۱۰۰,۰۰۰ امضا جمع کنی، این می‌شه یک ابتکار مردمی و بعد مردم درباره اش رأی می‌دن.

**M:** Okay, und häts scho mal e Volchsinitiative zu Schtüüre ggää?  
خب، تا حالا ابتکار مردمی در مورد مالیات وجود داشته؟

**G:** Ja, klaar. S git aber no ganz vil anderi Themene, zum Biischpil im 2021i liwanderig, Landwirtschaft, Altepfläg ... Mir sind schtändig am Abschtime.  
بله، البته. ولی موضوعات خیلی زیاد دیگه‌ای هم هستن، مثل مهاجرت، کشاورزی، مراقبت از سالمندان در سال ۲۰۲۱... ما همیشه در حال رأی دادن هستیم.

**M:** Im 21i isch doch au d «Ehe für ali» gsii, oder?  
سال ۲۰۲۱ که «ازدواج برای همه» هم بود، مگه نه؟

**G:** Jaa, aber das ischs Referändüm gsii.  
بله، اما اون یک همه‌پرسی بود.

**M:** Ui, was isch daas jetzt wider?  
اوه، این دیگه چیه؟

**G:** Das isch, wän d Politik öppis plaanet und anderi dagäge sind. Für es Referändüm bruucht s nume 50'000 Unterschrifte. Wän die zämechömed, muess d Politik zerscht s Ergäbnis vo de Abschtimig abwarte, bevor irgendöppis gmacht wird.  
این زمانی است که سیاستمداران یک طرح دارند و دیگران مخالف هستند. برای یک همه‌پرسی فقط به ۵۰,۰۰۰ امضا نیاز داری. اگر این تعداد جمع بشه، سیاستمداران باید اول منتظر نتیجه رأی‌گیری رو باشن قبل از اینکه کاری انجام بدن.

**A:** Es par Wuche müend Si scho rächnen. Wisoo, presiert s Ine?  
چند هفته باید رویش حساب بکنید، آیا عجله دارید؟

**M:** Min F-Uuswiis laufft glii uus, das sind jetzt no zwai Mönet.  
شناسنامه F من بزودی تاریخش میگذرد، هنوز دو ماه دیگر باقی مانده.

**A:** Kä Sorg, das bringemer scho ane, Si müend en nöd namal verlengere.  
نگران نباشید، ما از پشش برمی‌آییم؛ نیازی نیست دوباره آن را تمدید کنید.

**M:** Okay, supper. Dän würi gärn no en Adrässwächsel durgää ...  
اوکی، خوب. من می‌خواهم تغییر آدرس اطلاع بدهم.

**A:** Ja, da sind aber nöd miir zueschtändig, da müend Si uf d Gmaind.  
بله، اینجا اما ما مسئول نیستیم، آنجا باید پیش شهرداری بروید.

**M:** Aa, schaad. Das isch män-gisch scho no müesam mit dene vilne Ämter ...  
آه، حیف. گاهی‌اوقات کار این همه اداره‌جات کمی سخت است.

**A:** Tuet mer laid, iich ha s nöd erfunde.  
متاسفم، من اختراع نکردم.

## C2.1

1e, 2d, 3b, 4a, 5f, 6c

## C2.2

پاسخ‌های آزاد (تغییر در بیان ممکن است):

1. Er wott de B-Uuswiis beaträge.
2. De Mahmud wächsled sini Schtel. Drum hät er zwai Verträäg iigraicht, de aktuel und de zuekünftig.
3. Ja, häter.
4. Sin F-Uuswiis laufft glii uus.

## C2.3

حروف به ترتیب درست: B, L, C, S, N, F

## C3.1

1a, 2d, 3b, 4c, 5d, 6e, 7a, 8d, 9f, 10b

<b>M:</b> Und wäär isch für waas gsii?	خب، کی چی را انتخاب کرد؟
<b>G:</b> Das isch en uulangi Gschicht. Aber am Schluss händ Regierig und s Parlamänt wele, das Schwuuli und Lesbe die gliiche Rächt wi ali händ, wän si hüüraated. Es paarne Lüüt hät das aber nöd gfale, also händsi s Referändum ergriffe. Di maischte, wo go abschtime sind, sind dän aber gäg das Referändum gsii ...	این یک داستان واقعاً طولانی است. اما در نهایت دولت و مجلس می‌خواستند که همجنسگرایان و لزبین‌ها همان حقوقی که همه دارند، در زمان ازدواج داشته باشند. اما به چند نفر از مردم این موضوع خوش نیامد، بنابراین آن‌ها به رفراندوم روی آوردند. اکثر کسانی که رأی دادند، در نهایت به رفراندوم مخالفت کردند...
<b>M:</b> ... also für de Plaan vo de Politik?	... یعنی به نفع طرح سیاسی؟
<b>G:</b> Genau. S isch mängisch echli verwirend. S Referändum isch abgleent worde und d Ehe für ali aagnoo.	دقیقاً. گاهی اوقات کمی گیج‌کننده است. همه‌پرسی را رد کردند و ازدواج برای همه را پذیرفتند.
<b>M:</b> Okay, jetzt verschaani das ales scho chli besser. Merci vilmal, Gülhan!	باشه، حالا همه چیز را بهتر متوجه شدم. خیلی ممنون، گلهان!

## C4.1

جمله (موضوع به صورت پرننگ)	تقابل	فرم اصلی
<b>I de maischte Demokratii</b> chame ja nume Partee oder Persoone wääle.	di maischte Demokratii : d Schwiizer Demokratii	Me cha i de maischte Demokratii nume Partee oder Persoone wääle.
Aber <b>i de Schwiiz</b> dörf s Volch oft au über konkreeti Fraage-n abschtime.	Schwiiz : andri Länder	S Volch dörf i de Schwiiz oft au über konkreeti Themene abschtime.
<b>Für es Referändum</b> bruuchts nume 50'000 Unterschrifte.	Referändum : Volchsinitiative	S bruucht nume 50'000 Unterschrifte für es Referändum.
<b>Es paarne Lüüt</b> hät das aber nöd gfale.	es paar Lüüt : di maischte Lüüt	Das hät aber es paarne Lüüt nöd gfale.
<b>S Referändum</b> händsi abgleent und d Ehe für ali aagnoo.	s Referändum : d Ehe für ali	Si händ s Referändum abgleent und d Ehe für ali aagnoo.

## C4.2

جملات ترکیبی:

- Blööd isch die Fraag** nöd, aber **d Antwort** waissi gliich nöd.
- Persoone** dörf s Volch i alne demokratische Länder wääle, nur **über Sache** dörf s nöd imer abschtime.
- Initiative zu Schtüürsänkige** häts scho vil ggää, nur **aagnoo** wärdedsi fascht nie.
- Plaanet** händ si das scho, aber **umsetze** händsi s nöd chöne.
- S Referändum** händsi abgleent und **d Initiative** händsi aagnoo.

## C4.3

- wääle, 2. schtimed ... ab, 3. Partee, 4. Unterschrift, 5. Schimvolk, 6. unterschützt, 7. Thema, 8. Ergäbnis, 9. Referändum, 10. Regierig

## C4.4

سه پیشنهاد ساده - راه‌حل‌های دیگر نیز ممکن است!

- diräkti Demokratii:** Das isch, wän d Lüüt über vil Themene diräkt sälber dörfed abschtime.
- Volchsinitiative:** Wän öpperem i de Schwiiz es Thema seer wichtig isch, cha die Persoon mache, das das ganze Volch drüber abschtime. Das isch dän e Volchsinitiative.
- Referändum:** Wän d Politik öppis plaant, wo am Volch nöd gfalt, chas es Referändum ergriiffe. Das isch en Abschtimeg, wo entschaidet, öb d Politik ire Plaan dörf umsetze.

## C4.5

در اینجا چند پیشنهاد دیگر وجود دارد - شاید نکات بیشتری به ذهنتان رسیده باشد؟

مزایا	معایب
S Volch cha i de Politik mee mitrede.	D Politiker*ine müend seer voorsichtig sii - s Volch cha imer lischpruch erhebe. Reforme bruuched vil Ziit.
D Politiker*ine chönd nöd aifech mache, was si wänd.	S gänd gar nöd ali iri Schtime ab und die, wo s mached, wüssed au nöd imer, was di bescht Entschaidig isch.
D Politik mues imer Kompromiss finde - suscht ergriift vilich öpper s Referändum.	I de Schwiiz gaats lang, bis me als Uusländer abschtime dörf. Des isch zwar nöd d Schuld vo de diräkte Demokratii, aber si wär grächter, wän mee Lüüt dörfed mitrede.

ترجمه های متن ها:

آخر هفته voCHabular در برن است. همه کسانی که در کتاب جدید کمک می‌کنند، ملاقات کرده و تبادل نظر می‌کنند. در هنگام ناهار، رئیسی با پییر وارد گفتگو می‌شود.

P:	سلام، دوباره بگو اسمت چی بود؟
R:	من رئیسی هستم و نام تو پییر است؟
P:	بلی، دقیقاً. نوش جان!
R:	نوش جان، تو خیلی نشده که اینجایی، درسته؟
P:	نه، چند هفته ای شده فعلاً.
R:	چطور با voCHabular آشنا شدی؟
P:	من دوست دارم در کار سیاسی کار کنم اما در یک حزب نه.
R:	چرا؟
P:	هم، سؤال خوبی است. فکر می‌کنم در نهایت برایم خیلی خسته‌کننده است. به عنوان یک سیاستمدار باید همیشه به افرادی که به شما رأی داده‌اند فکر کنی. باید مدام مردم را متقاعد کنی، مبارزه کنی، توافقات انجام دهی ...
R:	به نظر می‌رسد تنوع خوبی دارد!
P:	بله، اما برای من خیلی زیاد است. من فکر می‌کنم مهم است که برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنی؛ کاری انجام دهی. اما می‌توان این کار را مثلاً در یک انجمن انجام داد، جایی که کمی آرام‌تر است.
R:	بله، (voCHabular) البته بسیار آرامبخشتر است... و همچنین سیاسی؛ همه باید بتوانند آلمانی یا آلمانی سوئیسی یاد بگیرند، مهم نیست از کجا آمده‌اند و چقدر پول دارند. اما من فکر می‌کنم این بیشتر یک استثناست. همچنین بسیاری از انجمن‌های غیرسیاسی وجود دارند. مثلاً انجمن‌های باغبانی.
P:	این را نگو، آنها هم برای چیزی تلاش می‌کنند! شاید بعضی‌ها فقط به باغشان نگاه کنند، اما همه با هم می‌توانند کاری انجام دهند، مثلاً به حیوانات در شهر یک سرپناه دهند. برای من، هر کسی که برای دیگران تلاش می‌کند، سیاسی است!
R:	هم، میتوانم نظر تو را بفهمم، اما ... مثلاً بازی‌های فوتبال چه؟
P:	فوتبال هم می‌تواند یک پروژه ادغام اجتماعی باشد. یکی از دوستان خوبم از طریق فوتبال توانست با تمام جاهایی سوئیس آشنا شود. اما مشخص است که همیشه این‌طور نیست. خیلی‌ها فقط به نتایج بازی‌ها علاقه دارند و به چیز دیگری اهمیت نمی‌دهند.

## C5.1

1R, 2P, 3R, 4P, 5P, 6R

## C5.2

1. ungeniert → engagiert ('متعهد، فعال' (بی تعارف، بی پرده)
2. Party → Partei ('حزب' (پارتی، مهمانی)
3. überziet → überzügt ('متقاعد' (پوشاندن، بیش از حد گرفتن)
4. cämpe → kämpfe ('مبارزه کردن' (کمپ زدن (چادر یا خیمه زدن))
5. Verwächslig → Abwächslig ('تنوع' (سوء تفاهم)
6. Sailschaft → Gesellschaft ('جامعه' (گروه (کوهنوردی))
7. Verlei → Verein ('باشگاه، انجمن' (اجاره)
8. Kompromission → Kompromiss ('توافق' (فشرده سازی)

## D1.1

1. abschtime, 2. diskriminiere, 3. Demo(nstration), 4. Regierig,
5. engagiere, 6. Verain, 7. Pass (oder Uuswiis)

## D1.2

ترجمه متن ها:

P:	Schtel der voor, oisi Wonig wänds jetzt renoviere.	تصورش بکن که خانه ما را میخواهن بازسازی بکنن.
J:	A jaa? Isch doch supper, nöd?	این خیلی عالی یه نه؟
P:	Nai, das isch nur en Uus-reed, zum si nacher no tüürer z mache.	نه این تنها یک بهانه است فقط میخواهد قیمت ها را بالا ببرد.
J:	Ja guet, so laufft äbe de Märt.	بله خوب، بازار همین‌طوری کار می‌کند.
P:	Ich find äbe, so Sache sött gar nöd de Märt regle, sondern d Politik. S isch doch esoo: Me mues es Huus ee al 50 Jaar renovie, aber schtat das si das Gäld schpared, holed-si s über d Mieti use!	به نظر من، این‌طور مسائل نباید توسط بازار تعیین شود، بلکه سیاست باید آن را تنظیم کند. مسئله این است که: هر خانه را باید هر ۵۰ سال یک بار بازسازی کرد، اما به جای اینکه برای این کار پول پس‌انداز کنند، آن را از طریق اجاره‌ها تأمین می‌کنند!
J:	Jaa, isch scho no krass, aber was würsch dän wele mache?	بله، واقعا عجیبه، اما چی چیزی را دوست داری انجام بدهی؟
P:	Ich find, so Immobilie-Undernäme müested per Gsetz Gäld für so Sache müese zruggele. Si sötted nöd ales als Profit dörfe nää, sondern sötted imer en Tail für d Mieter und Mieterine uufhebe.	من معتقدم که شرکت های املاکی باید طبق قانون موظف شوند برای چنین مواردی پول پس انداز کنند. آنها نباید تمام درآمد را به عنوان سود بردارند، بلکه باید همیشه بخشی را برای مستاجران نگه دارند.
J:	Das wür de Hüülsbitsitzer aber gar nöd gfale.	صاحب خانه خوشش می آید.
P:	Ja und, das sind ja nöd so vil! Di maischte Lüüt i de Schwiiz mietet iri Wonig, mir sind d Meerhait!	بله و، این ها خیلی زیاد نیستند! بیشتر مردم در سوئیس خانه شان را اجاره میکنند ، ما بیشترین هستیم.
J:	Also, schtartig en Initiative?	پس، آیا یک ابتکار را شروع میکنی؟
P:	Ich wais gar nöd, wi das gaat. Aber s isch e Rise-Ungrächtigkeit! Wän s en Initiative gäbti, würi sofort mithälfe, Underschrifte samle.	من اصلاً نمی دانم چطور باید این کار را انجام داد. اما این یک بی عدالتی بزرگ است! اگر یک ابتکار وجود داشته باشد من بلافاصله برای جمع آوری امضا ها کمک خواهم کرد.

۱. اشتباه (در مورد خانه Pastime)

۲. اشتباه (Patime فقط بد فکر میکند که باید بازسازی از اجاره شما تأمین شود)

۳. درست

۴. اشتباه Joäo معتقد است که بازار اینطوری است

۵. اشتباه

۶. اشتباه



## D2.1

1. I de Schwiiz chame jedes Jaar es paarmal abschtime.
2. Wämme s Schtimrächt wott (wil), bruuchtme zerscht de Schwiizer Pass.
3. Wämme kontrolliert wird, mues aim d Polizei de Grund säge.
4. Ab und zue söttme (sölme) ane Demo gaa, zum de Politik sini Mainig z zaige.
5. S Referändüm chame uufnäa, wän aim es politischs Voorhabe nöd gfalt.

## D2.2

ترجمه شعارها، به همراه موضوعات مناسب:

1. Gliichi Arbet, gliiche Loon! Gliichi Arbet, gliiche Loon!  
= دستمزد های نابرابر مردان و زنان
2. Gopfridschtutz, jetzt Klimaschutz! Gopfridschtutz, jetzt Klimaschutz!  
= معیار های بیشتر برای تغییرات اقلیمی
3. Kai Mänsch isch illegal - hie und jetzt und überaal!  
= حقوق بشر در سیاست مهاجرت
4. Gliichi Liebi, gliichi Rächt! Gliichi Liebi, gliichi Rächt!  
= ازدواج برای همجنسگرای زن و همجنسگرای مرد
5. Wäm sini Zuekunft? Oisi Zuekunft!  
= انواع مختلف موضوع ها، به عنوان مثال آب و هوا

## D2.3

1. d Begränzigsinitiative
2. um liwanderig
3. d EU
4. 62 %

## D3.1

1. abgloffte, verlengere
2. beaaträge
3. Formulaar, Biilage
4. schtele
5. Naawiis, Arbetsvertraag

## D3.2

1. s Formulaar uusfüle
2. d Dokumänt zämesueche
3. der Aatraag iiraiche
4. d Bearbaitig abwarte
5. d Gebüer zale (می توان همچنان خط اول باشد)

## A1

ترجمه متون:

## Fatemeh

فرهنگ سوئیس؟ هم، به نظر من، سوئیس به ویژه یک کشور بسیار ورزشی است. همه‌ی مردم به نوعی ورزش می‌کنند، پیاده‌روی، اسکی، شنا و... من این وضعیت را خیلی دوست دارم و به خصوص دوست دارم که فوتبال اینقدر محبوب است. به نظر من، بازی تیم ملی ما در سال‌های اخیر، باعث می‌شود که به آنها مفتخر باشیم. فقط پنج سال در اینجا هستم، اما برای من، این همچنان «تیم ملی ما» است. من دوست دارم که چندین نفر با پس‌زمینه مهاجرتی در آن شرکت دارند. این همان سوئیس است، یک ظرف بزرگ که همه چیز در آن انداخته می‌شود و یک چیز خوب به وجود می‌آید!

## Nadir

برای من، سوئیس در ابتدا یک کشور در اروپاست که اصلاً از دیگران خیلی متمایز نیست. آنچه ویژه است، فرهنگ سیاسی آن است. به عنوان مثال، من سیستم دموکراسی مستقیم را بسیار عالی می‌دانم. در جهان کمتر کشوری هست که شهروندان بتوانند به این اندازه در تصمیم‌گیری‌ها شرکت کنند. از طرف دیگر، بسیار دشوار است تا حق شهروندی را دریافت کنید، حتی اگر در اینجا به دنیا آمده باشید. من این را کمی ناامید کننده می‌دانم که باید چقدر طول بکشد و تلاش کنید. به نوعی هر دوی اینها ویژگی‌های معمول سوئیس هستند، فرصت‌ها و محدودیت‌ها.

## Pablo

چیز است که به طور معمول سوئیس است؟ این مسئله کاملاً پیچیده است، من تنها می‌توانم بگویم که چه چیزی فکر می‌کنم. وقتی که "سوئیس" را می‌شنوم، به ویژه به شهرهای سوئیس فکر می‌کنم. همه همیشه درباره کوهها، گاوها و پنیر صحبت می‌کنند، اما در شهرها زندگی ادامه دارد! و من فکر می‌کنم که در بسیاری از شهرهای سوئیس فعالیت‌های زیادی برای زندگی فرهنگی و هنر انجام می‌شود، کنسرتها، نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها، سینما... همیشه کاری برای انجام دادن وجود دارد و مردم از آن لذت می‌برند. این برای من فرهنگ سوئیس است!

## Andrea

برای من، سوئیس کشوری است که در آن سنت‌ها را می‌توان تجربه کرد، به عنوان مثال هک‌برت در موسیقی یا شوین‌گن (کشتی سویسی) در ورزش. خوب، شاید آدم‌های زیادی وقت خود را صرف نواختن هک‌برت یا شوین‌گن در اوقات فراغت نکنند، اما به جای آن، این مسئله فقط در اینجا وجود دارد و من دوست دارم که این سنت‌ها به این خوبی حفظ شوند. خودم هم دوست دارم که به کوه‌ها بروم، این برای من هم یک نوع سنت است. پدر و مادرم همیشه با ما پیاده‌روی می‌کردند و من هم می‌خواهم یا بچه‌هایم دوباره این کار را انجام دهم. کوه‌های سوئیس به سادگی زیباترین کوه‌های دنیا هستند، به همین دلیل هم آنقدر گردشگر به ما می‌آیند!

## A2

1F, 2P, 3N, 4A, 5N, 6P, 7A, 8F

## A3

*richtig, richtig, falsch, falsch*

درست، اشتباه، درست، اشتباه

## B1

1. Europa, 2. gwanderet, 3. Migrationshindergrund, 4. Tradition, 5. Demokratii, 6. Bürgerrächt

## B2

1. I de Schwiiz wird vil Schport tribe.
2. D Schwiiz isch wine groossi Pfane, wo ales driigheit wird.
3. Di diräkti Demokratii wird vo de Schwiizer\*ine gschetzt.
4. D Politik wird vo de Bürger\*ine mitbeschtume.
5. Wän s um d Schwiiz gaat, wird imer vo de Bäрге und de Chüe gredt.
6. I de Schwiizer Schtett wird vil für s Kultuurläbe gmacht.
7. D Schwiiz wird vo vilne Turischt\*ine bsuecht.

## B3.1

1. Ich laa Si gärn no echli (la) naadänke.
2. Laa mi bitte in Rue (la) schaffe.
3. Dini Schwöschter sött das gschiider mal en Arzt la aaluege.
4. Mängisch lömmer e Pizza (la) choo.
5. Lönd doch de Karim mit sine Autos (la) schpile.
6. Iri Eltere händsi uf s Gyms la gaa.

## B3.2

1. Ich laa mi megagärn (la) massiere.
2. Du chasch der die Websiite la voorläse.
3. Mini Koleegin laat sich amigs d Schtüüre (la) mache.
4. Mir lönd ois eerscht emal en Offerte (la) choo.
5. Ir lönd oi ja gaar nüm gsee!
6. Di baide händ sich letschts Jaar la iibürgere.

## C1

در واقع «موسیقی سوئیسی» چیست - موسیقی‌ای که در سوئیس نواخته می‌شود یا اینجا شنیده می‌شود؟ آیا موسیقی‌ای است که همیشه اینجا بوده - و آیا چنین چیزی اصلاً وجود دارد؟ آیا منظور آن چیزی است که بیشتر مردم دوست دارند، یا آن چیزی که فقط در سوئیس پیدا می‌شود؟ اغلب گفته می‌شود که هک‌برت *Hackbrett* و شوایتسررگلی *Schwyzlerörgeli* ابزارهای موسیقی خاص سوئیسی هستند. اما ابزارهای مشابهی نیز در بسیاری از کشورهای دیگر اروپایی وجود دارند - هک‌برت و شوایتسررگلی فقط اشکال خاصی از آنها هستند. حتی آلپ‌هورن و بودلینگ هم تنها در سوئیس پیدا نمی‌شوند، بلکه در آلمان و اتریش نیز وجود دارند.

چیزی که واقعاً هیچ جای دیگر پیدا نمی‌شود، ترانه‌هایی هستند که به زبان سوئیسی-آلمانی خوانده یا رپ می‌شوند. به عنوان مثال، در دهه ۶۰، خواننده برنی، مانی ماتر *Mani Matter* با ترانه‌های تفکر برانگیزش مشهور شد. امروزه نیز گروه‌های زیادی وجود دارند که راک یا هیپ‌هاپ را به زبان محلی (*Mundart*) اجرا می‌کنند. اما اگر این‌ها به عنوان موسیقی سوئیسی شناخته می‌شوند، پس ترانه‌هایی که به زبان فرانسوی، ایتالیایی یا رومانتش خوانده می‌شوند چه؟

ممکن است پرسیده شود که در سوئیس چگونه موسیقی مصرف می‌شود. به عنوان مثال، چشمگیر است که در سوئیس چقدر اغلب به جشنواره‌ها می‌روند. از پاپ و راک گرفته تا موسیقی محلی یا جاز، برای هر سلیقه‌ای چیزی وجود دارد و برای بسیاری از مردم - به ویژه جوانان - تابستان عمده‌تاً فصل رفتن از یک جشنواره به جشنواره دیگر است.

## C1.1

wird gschpilt → me schpilt, wird glosset → me lost, wird gsait → me sait, wärde gsunge → me singt, wärde gräppt → me räppt, wird konsumiert → me konsumiert, wärde bsuecht → me bsuecht

## C1.2

درست، غلط، غلط، غلط، درست، درست

## C1.3

پاسخ‌های شخصی

## C1.4

در متن، تعاریف مختلفی برای "معمول" پنهان شده است. می‌توان آنها را به این صورت فرمول‌بندی کرد: معمول برای یک کشور است...

...آنچه در آنجا انجام می‌شود.  
...آنچه همیشه در آنجا انجام شده است.  
...آنچه مردم در آنجا به خصوص دوست دارند انجام دهند.  
...آنچه که بیشتر مردم در آنجا انجام می‌دهند.  
...آنچه که فقط در آنجا و نه در جای دیگر پیدا می‌شود.

قضایات درباره اینکه کدام تعریف بهترین است را به شما واگذار می‌کنیم!

## C2

ترجمه های متن ها:

<b>Antje:</b>	سلام به همه، خوش آمدید، بیا بید داخل! می‌توانید ژاکت‌هایتان را آنجا در کمد آویزان کنید.
<b>Rodrigo:</b>	ممنون از دعوتتان! یک چیز کوچک هم برایتان آورده‌ام.
<b>Antje:</b>	ممنون و خوشحالم که موفق شدی. چه چیزی دوست دارید بنوشید؟ می‌توانم برای شما مثلاً یک آپرول درست کنم یا پروسکو، آبجو، شراب سفید از والیس و البته نوشیدنی‌های بدون الکل هم داریم.
<b>Karim:</b>	برای من لطفاً یک آپرول.
<b>Rodrigo:</b>	من یک لیوان شراب سفید می‌خواهم.
<b>Antje:</b>	بله، با کمال میل می‌آورم. بنشینید و شروع به خوردن کنید.
<b>Rodrigo:</b>	اوه، زیتون‌ها خیلی خوب هستند. از کجا آنها را گرفتی؟
<b>Antje:</b>	دیروز به بازار رفتم و آنجا یک غرفه با انواع مختلف آنتی‌پاستی و میوه‌های خشک داشت. گوجه‌فرنگی‌ها هم از بازار هستند. من عاشق این هستم که همه سبزیجات اینقدر تازه هستند.
<b>Karim:</b>	بله، من هم گاهی اوقات سعی می‌کنم قبل از کار به بازار بروم. خیلی خوب است که می‌توان غذا را تقریباً مستقیماً از مزرعه خرید. کار در چه حال است؟
<b>Antje:</b>	خوب. در حال حاضر همیشه آپرو هست. دوشنبه شب با همه کارکنان جدید یک آپرو خوشامدگویی داشتیم و دیروز هم از اتحادیه یک نشست شبکه‌ای با آپرو غنی. همیشه خوب است که روز را اینگونه به پایان برسانیم، کمی راحت صحبت کنیم و افراد جدیدی را بشناسیم.
<b>Rodrigo:</b>	آپرو غنی چیست؟
<b>Antje:</b>	فقط یک آپرو بسیار مفصل با انواع مختلف چیزها. بنابراین، بعد از آن دیگر شام خورده‌اید.
<b>Karim:</b>	آپرو تو هم خیلی بزرگ است، تو حتماً وقت زیادی صرف آماده کردن همه اینها کرده‌ای. منظورم همه این سبزیجات، دیپ‌ها، پای اسفناج و فتا با خمیر هزارلا و حتی هوموس خانگی - بسیار خوب. چه چیزهایی در آن ریختی؟
<b>Antje:</b>	نخود و تاهینی البته، سپس نمک و زیره، آبلیمو، سیر و روغن زیتون خوب.
<b>Karim:</b>	آه، این ساده به نظر می‌رسد. باید حتماً امتحانش کنم.

## C2.1

مثلاً (جمله بندی های دیگر امکان پذیره):

D Schwiizer\*ine händ gärn Apéros. Öppis z trinke gits imer, oft au mit Alkohol. Dezue gits maischtens öppis Chliises z ässe, zum Biischpil Oliive - usser es isch en Apéro riche, dän wirdme richtig satt. Apéros chame dihai mache oder au im Gschäft. S gaat drum, das me echli cha umelauffe und mit verschidnige Lüüt schwätze.

# C2.3

حداقل سه اطلاعات از متن انتخاب کن و هر یک را به صورت یک جمله در حالت مجهول تبدیل کن.

مثال‌هایی:

D Spinat-Feta-Täsche wäreded mit Blätterteig gmacht.

مثال‌هایی برای جملات پاسخ:

S wäreded vil Apéros organisiert.  
 Humus wird mit Tahini und Kichererbse gmacht.  
 Uf em Märt wäreded zum Biischpil früschs Gmües, Antipasti und Trochefrücht verchauft.  
 D Jagge wäreded a de Garderobe-n uufghänt.  
 En Begrüessigsapéro wird für die noie Mitarbaitende abhalte.  
 Dä Wiisswii wird im Wallis häärgschelt.

# C3

رونویسی و ترجمه متن شنیداری

گرداننده برنامه	Hüt isch Mitti Mai und daa demit de Taag, wo z Züri d Badis wider uufgönd. Mir händ ois under de Lüüt, wo jetzt d Badis schtürmed, echli umgloset.	امروز اواسط ماه مه است و بنابراین روزی که در زوریخ، دوباره استخرهای فضای باز بازگشایی می‌شوند. ما در میان افرادی که اکنون به استخرهای فضای باز هجوم می‌آورند، کمی پرس و جو کردیم.
-----------------	--	---

خبرنگار (R) با گروه کودکان، دو کودک مختلف (K2, K1) صحبت می‌کنند

R:	Hoi zämel! Wiso sind iir hüt i de Badi?	سلام به همه! چرا امروز در استخر هستی؟
K1:	S fägt aifach!	خیلی باحال است!
R:	Und was händer am liebschte?	و چه چیزی را بیشتر دوست دارید؟
K2:	De Schprungturm. Ich laa mich imer so abegheie, bäm, mit em Fudi vol i s Wasser!	برج پرش. من همیشه خودم را اینطور پایین می‌اندازم، بوم، با باسنم کامل به داخل آب!

خبرنگار با مشتری ثابت:

R:	Grüezi. Si chömed scho lang da ane?	روز بخیر. شما مدت‌هاست که اینجا می‌آیید؟
S:	Jawol, ich laa mi daa nüm la wägjage.	بله، من دیگر از اینجا رانده نمی‌شوم.
R:	Wisoo chömed Sii i d Badi?	چرا به استخر می‌آیید؟
S:	Für miich ghööred Sumer und Badi aifecht zäme. Dihai gheit mer nume d Decki uf de Chopf. Ich bi vil lieber im Freie und laa s mer guet gaal.	برای من، تابستان و استخر به سادگی به هم تعلق دارند. در خانه فقط سقف روی سرم می‌افتد. من خیلی بیشتر دوست دارم بیرون باشم و خوش بگذرانم!

R:	Grüezi mitenand! Wi wichtig isch für Sii s Aagebott vo de Badis?	روز بخیر به همه! چقدر برای شما پیشنهادات استخرهای عمومی مهم است؟
M:	Mir schetzed das Aagebott seer! Mir sind vor Churzem i d Schwiiz choo und händ dän glii d Badis für ois entdeckt. S isch wüekli supper, gits so vil!	ما این پیشنهادات را خیلی ارزش می‌گذاریم! ما به تازگی به سوئیس آمده‌ایم و خیلی زود استخرهای عمومی را برای خودمان کشف کردیم. واقعاً عالی است که اینقدر زیاد استخر وجود دارد!
R:	Gits öppis, wo lne a de Schwiizer Badekultuur bsunders guet gfalt?	آیا چیزی در فرهنگ استخرهای سوئیس وجود دارد که به خصوص خوشتان بیاید؟
V:	Na jaa, «Badekultuur» isch echli vil gsait - s isch aifech en entschpante-n Ort, wo mer d Chind chönd la schpile und gliichzeitig sälber abhänge.	خب، "فرهنگ استخر" کمی اغراق است - اینجا فقط یک مکان آرام است که ما می‌توانیم بگذاریم بچه‌ها بازی کنند و همزمان خودمان استراحت کنیم.
M:	S isch au guet, gits d Rutschi und d Schpilwise und al daas. Da löndsi ois maischtens aifech la ligge und chömed eerscht wider, wän si Hunger händ.	این هم خوب است که سرسره و محل بازی و همه این‌ها وجود دارد. اینجا معمولاً بچه‌ها ما را راحت می‌گذارند و فقط زمانی که گرسنه هستند، برمی‌گردند.

خبرنگار با بچه:

R:	Hoi! Findsch s Glacé i de Badi besser als wi dusse?	سلام! آیا فکر می‌کنی بستنی در استخر بهتر از بیرون است؟
K:	Nai, genau gliich.	نه، دقیقاً یکسان است.
R:	Und laasch mi mal draa schläcke?	و اجازه می‌دهی من هم کمی از آن بخورم؟
K:	Nai, sicher nöd!	نه، قطعاً نه!

# C3.1

- 1 d Schportler, zum Schpaass haa (توجه: "zum Fäge" به معنی 'برای تمیز کردن' است!)
- 2 de Schtamgascht, er isch sich s esoo gwöönt
- 3 di Fuule, zum Entschpane
- 4 s Schläckmuul, me weiss nöd wisoo

# C3.2

ich laa mich abegheie → ich ghei abe  
 ich laa mich nüm la vertriibe → (öpfer) vertriibt mich  
 Ich laa s mer guet gaa → s gaat mer guet  
 mir lönd d Chind la schpile → d Chind schpiled  
 si lönd ois la ligge → mir ligged  
 (du) laasch mi draa schläcke → ich schläcke draa

## C3.3

s fägt

öpperem gheit d Decki uf  
de Chopf

sich s guet la gaa

abhänge

خیلی لذت بخش است

کسی در خانه احساس بی‌حوصلگی یا افسردگی  
می‌کند

از زندگی لذت بردن

استراحت کردن، از بیکاری لذت بردن

## C4

ترجمه های متن ها:

**P:** خب، ما باید اینجا درباره زندگی در سوئیس صحبت کنیم... چیزی به ذهنت می‌رسد؟

**F:** گرانی! واقعاً خیلی گران است. این اولین چیزی است که به ذهنم می‌آید.

**P:** اما فکر می‌کنی این مخصوص سوئیس است؟ یا فرهنگ سوئیسی؟

**F:** البته، تقریباً هیچ‌جا مثل اینجا گران نیست، پس این مخصوص است! و تقریباً همه  
اجاره می‌کنند، این فرهنگ است.

**P:** منظورت چیه؟

**F:** افراد کمی هستند که خودشان خانه یا آپارتمان دارند. بیشتر مردم اجاره می‌کنند، و  
اجاره‌ها گران هستند.

**P:** آه، حالا می‌فهمم. اما فکر می‌کنم کمی منفی هستی. من واقعاً دوست دارم در سوئیس  
زندگی کنم.

**F:** چرا؟

**P:** مثلاً من دوست دارم که تقریباً می‌توانی در یک منطقه دورافتاده زندگی کنی. تقریباً  
همیشه یک اتوبوس یا قطار سریع‌السیر وجود دارد و زود می‌رسی به شهر. این فرهنگ  
حمل و نقل عمومی است!

**F:** بله، درست است. اما این برای من زندگی نیست، این ترافیک است.

**P:** خب، زندگی... من دوست دارم که در سوئیس این همه تعاونی وجود دارد.

**F:** آن چیست؟

**P:** این زمانی است که چندین نفر با هم چند خانه را مالک می‌شوند و خودشان آنها را  
مدیریت می‌کنند. این در سوئیس نسبتاً رایج است. آنجا اجاره‌ها هم ارزان‌تر هستند.

**F:** آه، بله، خوب به نظر می‌رسد. اما مطمئناً ورود به آنها آسان نیست!

## C4.1

ترجمه و پاسخ‌های درست:

	F	P
1	(x)	x
2	x	
3	x	
4		x
5	x	
6	x	x

در مورد (1) فاطمه موافق است، اما حمل و نقل عمومی را به زندگی مرتبط نمی‌داند. در مورد  
(6) فاطمه و پابلو کاملاً موافق هستند.

## C4.2

در متن ذکر شده است (تعبیر دیگر ممکن است):

- hööchi Mietene
- mee Mieter\*ine wi Bsitzer\*ine
- gueti ÖV-Aabindig
- Gnosseschafte

پس، باید اینجا درباره زندگی صحبت کنیم، زندگی در سوئیس... چیزی به ذهنت می‌رسد:

- I vilne Schwiizer Hüüser häts e Wöschchuchi, wo sich  
meereri Lüüt tailed.
- Wän Chind erwachse wärded, ziendsi maischtens bi de  
Eltere uus.
- Alti Lüüt woned oft alai, nöd bi de Familie.
- I de Schtett gits vil WGs. Das mached vor alem jungi Lüüt,  
aber au Elteri chönd e WG gründe.
- Wän i de Schwiiz es nois Huus pout wird, müend seer vil  
Gsetz iighalte wärde, zum Biischpil für de Lärschutz und  
de Umwäلتchutz.

## C4.3

ترجمه و رده بندی گفتگو:

1. اوه، جالب است. اما چطور آنها به خانه‌ها می‌رسند؟ (فاطمه، به جای جمله ۱۴)
2. درست است، اما برای آن حقوق خوبی هم می‌گیری. (پابلو، به جای جمله ۳ یا ۷)
3. هیچ چیزی به ذهنم نمی‌آید. زندگی در سوئیس مثل همه جاست! (فاطمه، به جای جمله ۲)
4. این درست است، اما ناعادلانه است که همه می‌توانند از حمل و نقل عمومی استفاده کنند.  
(فاطمه، به جای جمله ۱۰)
5. بله، این زندگی است! به لطف حمل و نقل عمومی، می‌توانی هر جا که خواهی زندگی کنی.  
یا تقریباً هر جا. (پابلو، به جای جمله ۱۱)

رونویسی و ترجمه:

«وطن یک مکان نیست، وطن یک احساس است» - اینطور می‌خواند خواننده آلمانی هربرت گروغایر. اما واقعاً اینطور است؟ ما دوباره از فاطمه، نادر، پابلو و آندریا پرسیدیم که وطن خود را کجا می‌بینند.

### Fateme

**Mini Haimet isch im Shtadion!** Nai, das isch nur en Witz gsii. Oder? Ich bi mir gar nöd sicher, wo mini Haimet isch. Deet, wo-n i uf d Wält choo bin? Oder i de Schwiiz, wo-n i jetz läbe? Ich mag baidi. Da chame dän scho is Naadänke choo, das isch gar nöd so mis Ding. **Ich glaub, ich bliib doch bi minere erschte-n Antwort!**

وطن من در ورزشگاه است! نه، این فقط یک شوخی بود. یا نه؟ من واقعاً مطمئن نیستم که وطن من کجاست. آنجایی که به دنیا آمدم؟ یا در سوئیس، جایی که اکنون زندگی می‌کنم؟ هر دو را دوست دارم. این باعث می‌شود فکر کنم، که اصلاً چیز من نیست. فکر می‌کنم، به جواب اولم برگردم!

### Nadir

**Für miich isch Haimet scho en Ort, aber nöd unbedingt en feschte.** Mini Haimet isch imer deet, wo-n i grad wone. Ich han scho an es paarne Ort gläbt und verschidnigi Sache gmacht. Im Momänt won ich i de Schwiiz, also isch daas mini Haimet. **Mir gfalt sicher nöd ales guet und nöd ales isch perfekt. Aber ich bin uf jede Fal zfride.**

برای من، وطن یک مکان است، اما لزوماً یک مکان ثابت نیست. وطن من همیشه جایی است که در حال حاضر در آن زندگی می‌کنم. من در چندین مکان مختلف زندگی کرده‌ام و کارهای مختلفی انجام داده‌ام. در حال حاضر در سوئیس زندگی می‌کنم، پس اینجا وطن من است. مطمئناً همه چیز را دوست ندارم و همه چیز کامل نیست. اما به هر حال، من راضی هستم.

### Pablo

**Jaa, Haimet isch uf jede Fal es Gfüül, es guets Gfüül!** Vo de Haimet troimtme und me seent sich denaach. Ich mues säge, ich füül mich daa nöd imer dihai. Ich vermisse-n oft mini alti Haimet. Ich waiss nöd genau, a waas das es liit - ischs des Wätter, s Ässe, d Lüüt? **Jedefals, mängisch füült sich d Schwiiz wi mini Haimet aa und dän wider nöd.**

بله، وطن قطعاً یک احساس است، یک احساس خوب! از وطن رویا می‌بینیم و برای آن دلتنگ می‌شویم. باید بگوییم، همیشه در اینجا احساس خانه می‌کنم. اغلب وطن قدیمی‌ام را از دست می‌دهم. نمی‌دانم دقیقاً به چه چیزی بستگی دارد - آیا هوا، غذا، مردم؟ به هر حال، گاهی اوقات سوئیس مانند وطن من احساس می‌شود و گاهی نه.

### Andrea

**Für miich isch Haimet scho eender en Ort.** En Ort, wo mit shtarche Gfüül verbunde-n isch, däa Ort, wo mini Familie läbt, mini Eltere, min Partner, villich schpööter emal oisi Chind. Wän ich wägga, machi mer imer chli Sorge-n um mini Lüüt dihai. **Ich würd drum au amene andere Ort nöd richtig glücklich wärde.**

برای من، وطن در واقع یک مکان است. مکانی که با احساسات قوی مرتبط است، مکانی که خانواده‌ام زندگی می‌کند، والدینم، شریک زندگی، شاید در آینده فرزندانم. وقتی دور می‌شوم، همیشه کمی نگران خانواده‌ام در خانه هستم. بنابراین در جای دیگری واقعاً خوشحال نخواهم شد.

# C5.2

Wie fühlt sich Haimet aa?	Name
Me hät si gärn.	Fateme
Me macht sich Sorge drum.	Andrea
Me troimt devoo.	Pablo
S git käs bsunders Haimet-Gfüül.	Nadir

# C5.3

پاسخ‌های شخصی

# D1

ترجمه های متن ها:

آپولین در خانه‌ای زندگی می‌کند که رختشویی زیرزمین توسط همه به صورت مشترک استفاده می‌شود - این در سوئیس رایج است. در حال حاضر او به دلیل وضعیت رختشویی زیرزمین ناراحت است: هیچ‌کس به قوانین او پایبند نیست، با اینکه او ۱۵ سال است که در این خانه زندگی می‌کند! در چت خانه او به همسایگانش قوانین را یادآوری می‌کند. اما او حتی نمی‌تواند نوشته‌اش را تمام کند، زیرا همه دیگران هم حرفی برای گفتن دارند.

**Apolline:** سلام به همه، من چند نکته در مورد استفاده از رختشویی زیرزمین دارم... اول اینکه فیلتر تاملر اخیراً تمیز نشده است. این واقعاً آزاردهنده است!

**Dean:** لباس‌ها هم خیلی طولانی آویزان می‌مانند. برای من اصلاً جا نیست 😞😞

**Apolline:** دوم اینکه: ماشین لباسشویی واقعاً گاهی اوقات در روز یکشنبه استفاده می‌شود. این قطعاً خیلی سر و صدا دارد.

**Fahri:** لباس‌ها را می‌توان پس از دو روز خوب برداشت، در آن زمان مطمئناً خشک هستند 👍 اما لباس‌های من یک بار دیگر خیس برداشته شده‌اند! 😞

**Loris:** سوال دیگر، واقعاً هیچ برنامه شستشویی وجود ندارد؟

**Antonina:** اوه نه، من فقط می‌خواستم چوب‌لباسی‌هایم را بشویم و حالا تمام ماشین از کار افتاده 😞😞 چکار کنم؟ اینجا پایین همه جا پر از آب است... 😞

**Apolline:** 😞😞😞

# D1.1

جمله بازنویسی شده:	جمله اصلی (برای علامت‌گذاری):
Eerschtens rainiget irgend- öpper i de letschte Ziit de Tömblefilter nüme.	Eerschtens wird de Tömble- filter i de letschte Ziit nüme grainiget.
Irgendöpper laait au d Wösch vil z lang (la) hange.	D Wösch wird au vil z lang hange glaa.
Irgendöpper bruucht taat- sächlich d Wöschmaschine mängisch am Suntig.	D Wöschmaschine wird taat- sächlich mängisch am Suntig pruucht.
Aber irgendöpper hät mini Wösch aifach wider emal nass abghänkt!	Aber mini Wösch isch aifach wider emal nass abghänkt worde!

## D1.2

قوانین زیر از متن استخراج شده‌اند. قوانین دیگر و فرمول‌بندی‌های مختلف ممکن است:

- De Tömblerfilter mues imer grainiget wärde.
- D Wösch dörf nöd z lang hange glaa wärde.
- D Wöschmaschine dörf am Suntig nöd pruucht wärde.
- Nassi Wösch dörf nöd (vo anderne) abghänkt wärde.
- De Wöschplaan mues iighalte wärde.
- Chlaiderbügel dörfed nöd i de Maschine gwäsche wärde.

## D1.3

متن نمونه:

I de Schwiiz gits gmainsami Wöschchäler vil öfter als i vilne anderne Länder. Für miich sindsi durum en Tail vo de Schwiizer Kultur. Ich find si aber weniger wichtig als anderi kultur-elli Aigeschafte, wil me zum Glück nöd imer nur am Wäsche-n isch. Aigetlich findi so Wöschchäler au e supper Idee, nur müend d Regle klaar sii, suscht gits oft Schriit.

## D2

ترجمه و رونویس متن ها:

Haiwee überchumi, wän i a mini Fründe und Fründine danke und was mer zäme unternoo händ. Oft hämmer nach em Znacht bis Mitternacht uf de Schtraas Fuesbal gschpilt. Das hani daa i de Schwiiz no nie gmacht.

من دلتنگی می‌کنم وقتی به دوستانم فکر می‌کنم و کارهایی که با هم انجام دادیم. اغلب بعد از شام تا نیمه شب در خیابان فوتبال بازی می‌کردیم. اینجا در سوئیس هنوز این کار را نکرده‌ام.

Mängisch hani au Haiwee, wäni a mini Familie danke, wie mer glacht händ und ooni en beschtimte Grund Musig lauffe und tanz händ. Ich vermisse d Wintergschicht, wo min Vater jedes Jaar verzelt hät. Da sind imer fufze bis foifezwänzg Persoone us minere Familie choo zum im Zuezlose.

گاهی اوقات دلتنگی می‌کنم وقتی به خانواده‌ام فکر می‌کنم، چگونه می‌خندیدیم و بدون دلیل خاصی موسیقی پخش می‌کردیم و می‌رقصیدیم. من داستان‌های زمستانی که پدرم هر سال تعریف می‌کرد را از دست می‌دهم. همیشه ۱۵ تا ۲۵ نفر از خانواده‌ام می‌آمدند تا به او گوش دهند.

Ich tänke-n au öfter a d Gricht, wo bi ois dihai kocht worde sind. D Gricht us Europa und de Schwiiz findi au megafain, zum Biischpil Ghackets und Hörnli oder Rööschti mit Schpiegelai hani megagärn. Trozdam hani s Ässe us mim Haimetland lieber, wil s mee Gwürz dine hät, wo-n i gärn han und wo mi a mini Chindhait erinered.

من اغلب به غذاهایی که در خانه ما پخته می‌شد فکر می‌کنم. غذاهای اروپا و سوئیس را هم خیلی دوست دارم، مثلاً گوشت چرخ‌کرده و هورنلی یا روشتی با تخم مرغ سرخ شده را خیلی دوست دارم. با این حال، غذای کشورم را بیشتر دوست دارم، چون ادویه‌های بیشتری دارد که دوست دارم و من را به یاد کودکی‌ام می‌اندازد.

Ich han s Glück, das i daa i de Schwiiz Mänsche han, woni gärn han. Wän i mit ine zäme bin, dän hani kai Haiwee.

من خوشبخت هستم که اینجا در سوئیس افرادی دارم که دوستشان دارم. وقتی با آنها هستم، دلتنگی ندارم.

## D2.1

شخص به این سوال پاسخ می‌دهد: *Wän überchunsch Haiwee?* تو کی دلتنگ خانه می‌شوی؟ (فرمول‌بندی‌های دیگر ممکن است)

## D2.2

Fründe und Fründine, Fuesbalschpile i de Nacht, d Familie, Musig lose und tanze, d Wintergschicht vom Vatter, Gricht us de Haimet

## D2.3

پاسخ‌های شخصی





تشریح

Dieses Buch ist das Ergebnis einer aussergewöhnlichen ehrenamtlichen Arbeit.

Es wäre ohne die Unterstützung von verschiedenen Seiten nicht möglich gewesen.

An erster Stelle möchten wir unseren Sponsor\*innen danken, die es uns ermöglicht haben, die notwendigen Kosten zu decken und dieses Buch spendenbasiert zur Verfügung zu stellen.

Insbesondere danken wir der Fachstelle Integration des Kantons Zürichs, dem Zürcher Spendenparlament, der Hirschmann-Stiftung, der UBS Stiftung für Soziales und Ausbildung, der Stiftung Corymbo, der Stiftung Anne-Marie Schindler, der Stiftung Temperatio, dem Präsidialdepartement der Stadt Zürich, der Schweizerischen Gemeinnützigen Gesellschaft, der Ida und Rudolf Schrepfer-Laager Stiftung und der Stiftung Gertrud Kurz.

Zudem möchten wir uns bei allen grosszügigen privaten Spender\*innen bedanken. Des Weiteren danken wir der Druckerei Zumsteg, Social Fabric und der Genossenschaft Kalkbreite für die wertvolle Zusammenarbeit.

Wir möchten uns bei all jenen bedanken, die sich die Zeit genommen haben, uns an zahlreichen Arbeitswochenenden und Veranstaltungen zu unterstützen. Darüber hinaus danken wir allen Menschen, die bei der Gestaltung und Bewerbung des Buches mitgewirkt haben.

Nicht zuletzt geht unser grösster Dank an die vielen Freiwilligen, die unzählige Stunden in dieses Projekt investiert haben. Sie sind das Herzstück von voCHabular.

این کتاب نتیجه‌ی یک کار داوطلبانه‌ی فوق‌العاده است.

بدون حمایت‌های مختلف، تهیه‌ی آن ممکن نبود.

در درجه‌ی اول می‌خواهیم از حامیان خود تشکر کنیم که به ما امکان دادند هزینه‌های لازم را پوشش دهیم و این کتاب را به صورت اهدا شده در دسترس قرار دهیم.

به ویژه از اداره‌ی ادغام اجتماعی کانتون زوریخ، پارلمان کمک‌های مالی زوریخ، بنیاد هیرشمان، بنیاد UBS برای امور اجتماعی و آموزش، بنیاد کوریومبو، بنیاد آنه‌ماری شیندلر، بنیاد تمپراتیو، اداره‌ی ریاستی شهر زوریخ، جامعه‌ی خیریه‌ی سوئیس، بنیاد ایدا و رودولف شریفر-لاگر و بنیاد گرتورد کورز سپاسگزاری می‌کنیم.

ما همچنین می‌خواهیم از همه اهداکنندگان خصوصی سخاوتمند تشکر کنیم. همچنین می‌خواهیم از شرکت چاپ Zumsteg, Social Fabric و تعاونی Kalkbreite برای همکاری ارزشمندشان تشکر کنیم.

ما می‌خواهیم از همه‌ی کسانی که وقت خود را در بسیاری از آخر هفته‌های کاری و رویدادها برای حمایت از ما صرف کردند، تشکر کنیم. همچنین از تمام افرادی که در طراحی و تبلیغ این کتاب مشارکت داشتند، سپاسگزاریم.

در نهایت، بزرگترین تشکر ما از بسیاری از داوطلبانی است که ساعت‌های بی‌شماری را صرف این پروژه کرده‌اند. آن‌ها قلب تپنده‌ی voCHabular هستند.

